



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علیم و السلام

ارتباط با اہل محمد

سید محمد حسینی بہار لنگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارتباط با آل محمد علیهم السلام

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

بینش آزادگان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ارتباط با آل محمد علیهم السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۴	خطبه الکتاب
۱۵	انگیزه تألیف
۱۷	منزلت اهل البیت علیهم السلام نزد خداوند
۲۰	فضایل اهل البیت (علیهم السلام) از زبان خود آنان
۲۵	اهمیت ارتباط با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)
۲۹	امام هدایت و امام ضلالت
۳۳	راه های ارتباط با محمد و آل محمد (علیهم الصلاه و السلام)
۴۷	نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)
۵۲	ولایت محمد و آل محمد و نجات در دنیا و آخرت
۵۵	برکات دوستی با آل محمد (علیهم السلام)
۵۹	محبت اهل البیت - علیهم السلام - و ارفاق ملک الموت
۶۵	در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا میزنند
۶۷	زیارت قبور محمد و آل محمد (علیهم السلام)
۶۹	ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۷۲	ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا
۷۲	ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عرفه
۷۴	زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه رجب و شعبان
۷۶	زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه رمضان
۷۸	زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا

- ۷۸ عنایات آل محمّد (علیهم السلام) به شیعیان
- ۸۷ بشارت های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) درباره شیعیان
- ۹۲ انتظارفرج آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۹۹ دعا برای فرج آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۱۰۱ استغاثه ی به حضرت مهدی و ائمه دیگر (علیهم السلام)
- ۱۰۴ صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین
- ۱۱۱ نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۱۱۳ نگاه به ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم)
- ۱۱۵ نجات ذریه فاطمه (علیها السلام) از آتش دوزخ
- ۱۱۹ مجالس ذکر آل محمّد (علیهم السلام)
- ۱۲۱ نشستن در مجالس ذکر
- ۱۲۴ ذکر فضائل و مصائب آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۱۲۷ مذاکره احادیث و احیای معارف اهل البیت (علیهم السلام)
- ۱۳۰ احسان به ذریه و شیعیان آل محمّد (علیهم السلام)
- ۱۳۴ اقامه مجالس عزّا، برای آل محمّد (علیهم السلام)
- ۱۳۹ گریه برای مظلومیت اهل البیت به ویژه سیدالشهداء و عزیزان و اهل البیت آن حضرت (علیهم السلام)
- ۱۴۳ مرثیه خوانی در مجالس امام حسین (علیه السلام)
- ۱۴۵ پاداش یاد امام حسین (علیه السلام)
- ۱۴۷ اندوه در مصائب آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلّم)
- ۱۴۷ لعنت بر قاتلین امام حسین (علیه السلام)
- ۱۵۰ اسباب دوری از محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)
- ۱۵۳ جدا شدن از آل محمّد (صلوات الله علیهم اجمعین)
- ۱۶۹ آزار به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)
- ۱۷۴ آزار به حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۱۷۶ ناله حضرت فاطمه (علیها السلام) در قیامت
- ۱۷۸ ورود فاطمه (علیها السلام) به صحرای محشر

آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۸۱

آزار به اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۸۷

آزار به شیعیان محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۸۸

درباره مرکز ۱۹۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی بهارانچی، سید محمد، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدید آور : ارتباط با آل محمد عليهم السلام / نویسنده محمد حسین بهارانچی.

مشخصات نشر : اصفهان : بینش آزادگان ، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۱۷ص.

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - فضایل.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - مدایح و مناقب.

موضوع : چهارده معصوم -- فضایل.

رده بندی کنگره : BP۳۶/الف۲۵م۲۳۴۰۴۲۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

ص: ۱

اشاره

ارتباط با آل محمد عليهم السلام

ياايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين (توبه / ۱۱۹)

فهرست مطالب

خطبه الكتاب ۵

انگیزه تألیف ۶

مقام و منزلت اهل البيت (عليهم السلام) نزد خداوند ۸

فضایل اهل البيت از زبان معصومین (عليهم السلام) ۱۱

اهمیت ارتباط با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۴

ائمه هدايت و ائمه ضلالت ۱۷

راههای ارتباط با محمد و آل محمد (عليهم الصلاه و السلام) ۱۸

شکر نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۸

ولایت محمد و آل محمد و نجات در دنیا و آخرت ۳۲

برکات دوستی با آل محمد (عليهم السلام) ۳۴

محبت اهل البيت (عليهم السلام) و ارفاق ملك الموت ۳۷

در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا می زنند ۴۱

زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (عليهم السلام) ۴۲

زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۴۳

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا ۴۵

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عرفه ۴۵

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز اول رجب و اول شعبان و نصف آنها ۴۶

زیارت امام حسین (علیه السلام) در کربلا شب اول و شب نیمه و وسط و شب قدر و شب آخر ماه رمضان ۴۷

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا ۴۸

عنايات آل محمد (عليهم السلام) به شیعیان و دوستان خود ۴۹

بشارت‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۵۴

انتظار فرج آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) ۵۸

دعا برای فرج آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) ۶۲

استغاثه به حضرت مهدی و ائمه دیگر (عليهم السلام) ۶۳

صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين ۶۵

نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۶۸

نگاه به ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ۶۹

نجات ذریه فاطمه (علیها السلام) و منسوبین او از آتش دوزخ ۷۰

مجالس ذکر آل محمد (علیهم السلام) ۷۲

نشستن در مجالس ذکر خداوند؟ ۷۳

ذکر فضائل و مصائب آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) ۷۵

مذاکره احادیث و احیای معارف اهل بیت (علیهم السلام) ۷۷

صله و احسان به آل محمد (علیهم السلام) و شیعیان آنان ۷۹

اقامه مجالس عزا برای مصائب محمد و آل محمد (علیهم السلام) ۸۱

گریه برای مظلومیت اهل بیت به ویژه حضرت سیدالشهداء و عزیزان و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) ۸۴

خواندن شعر در مصائب امام حسین (علیه السلام) ۸۶

پاداش یاد امام حسین (علیه السلام) ۸۷

پاداش غم و اندوه در مصائب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۸۸

پاداش لعنت بر قاتلین امام حسین (علیه السلام) ۸۸

اسباب دوری از محمد و آل محمد (علیهم السلام) ۹۰

راههای جدا شدن از آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) به طور تفصیل ۹۲

آزار به محمد و آل محمد (علیهم السلام) ۱۰۳

آزار به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۰۶

نالہ حضرت فاطمہ (علیہا السلام) در قیامت ۱۰۷

ورود فاطمہ (علیہا السلام) به صحرائ محشر ۱۰۸

آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۱۰

آزار به اہلبیت رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) ۱۱۴

آزار به شیعیان محمد و آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) ۱۱۵

دور نمای کتاب

قال الله سبحانه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

وقال سبحانه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (١)

وقال سبحانه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (٢)

وقال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي مَا ان تَمَسَّ بِكُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». (٣)

وقال صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّ مِثْلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي مِثْلَ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَ مِنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (٤)

وقال صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّ أُمَّةَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَرَقَتْ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدِي وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ، وَ افْتَرَقَتْ أُمَّةَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَهُ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ أَحَدِي وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ، وَ إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ». (٥)

١- مائده/٥٧-٥٥.

٢- بقره/ ٢٥٧-٢٥٦.

٣- مسند احمد بن حنبل ج ٣/١٤.

٤- كتاب سليم بن قيس، ص ١٢٧.

٥- خصال ص ٥٨٥.

خطبه الكتاب

الحمد لله الذى خصَّ محمّداً و آله عليهم الصلاه والسلام بالكرامه، و جباهم بالرساله والامامه، و خصَّهم بالوسيله، و جعلهم ورثه الانبياء، و ختم بهم الانبياء و الأوصياء ، و علّمهم علم ما كان و ما يكون و «جعل أفئده من الناس تهوى اليهم .

اللّهمّ فصلّ على محمّد و آله الطاهرين، الذين أذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا و افعل بنا بهم ما انت أهله فى الدين و الدنيا و الآخرة، أنّك على كلّ شىءٍ قدير، و صلّ على جميع الانبياء والمرسلين وعلى أتباع الرسل و مصدّقيهم من أهل الأرض بالغيب عند معارضة المعاندين لهم بالتكذيب، و الإشتياق إلى المرسلين بحقايق الإيمان، فى كل دهرٍ و زمانٍ أرسلت فيه رسولا، و أقمت لأهله دليلاً من لدن آدم إلى محمّد(صلى الله عليه و آله و سلّم) من أئمة الهدى، و قاده أهل التقى على جميعهم السلام، فاذكرهم منك بمغفره و رضوانٍ.

اللّهمّ و صلّ على أصحاب محمّدٍ خاصه، الذين أحسنوا الصحابه و الذين أبلوا البلاء الحسن فى نصره، و كافوه و أسرعوا إلى وفاته، و سابقوا إلى دعوته، و استجابوا له حيث أسمعهم حجه رسالاته، و فارقوا الأزواج و الأولاد فى اظهار كلمته، و قاتلوا الأباء و الأبناء فى تثبيت نبوّته، و انتصروا به، و من كانوا منظوين على محبّته، يرجون تجاره لن تبور فى مودّته، و الذين هجرتهم العشائر إذا تعلقوا بعروته، و انتفت منهم القربات إذا سكنوا فى ظلّ قرابته.

اللّهمّ فأرضهم من رضوانك، و أوصل إلى التابعين لهم بإحسان، الذين « يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ » اللّهمّ و صلّ على التابعين من يومنا هذا إلى يوم الدين». (١)

انگیزه تألیف

هدف از تألیف این کتاب، یادآوری دوستان و شیعیان اهل البیت (علیهم السلام) نسبت به خاندان نبوت و وظیفه سنگین قبول ولایت آنان، و اطاعت و موذت و انتظار فرج و کسب معارف دین از آن بزرگواران و نشر مکتب علوی و اتصال و کسب فیض از آن منابع نورانی و هادیان راه حق و کشتی-های نجات امت می باشد، چرا که خداوند ارتباط و اتصال با آنان را در آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱)

بر ما واجب نموده و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نجات ما را مشروط به تمسک به کتاب خدا و عترت و اهل بیت خود کرده و می فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا ان تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ».

و مفهوم این حدیث متواتر این است که اگر ما از قرآن و عترت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دور شویم گمراه خواهیم شد، و همان گونه که قرآن هادی و نور و برهان و تبیان کلّ شیء و صراط مستقیم و ... می باشد اهل البیت (علیهم السلام) نیز چنین می باشند، و هرگز کسی بدون راهنمایی آنان نجات نخواهد یافت، و مثل آنان مثل کشتی نوح است، از این رو هر کس داخل ولایت آنان نشود هلاک خواهد شد، چرا که آنان با حق، و حق با آنان است و هر کجا آنان باشند، حق نیز همان جا خواهد بود، و هر کس به طرف آنان برود نجات می یابد، و هر کس به طرف دیگران برود هلاک خواهد شد، و راه نجات منحصر به پذیرش امامت و ولایت آنان است، و بدون آنان، حتی قرآن، هادی و راهنمای کسی نخواهد بود، چرا که آنان مبینین و مفسرین قرآنند و اسرار قرآن را جز آنان کسی نمی داند، و آنان با قرآنند و قرآن با آنان است.

از این رو این طلبه ناچیز به خاطر آنچه گذشت، خواستم به دوستان اهل البیت (علیهم السلام) یادآوری کنم که هر چه می توانند خود را به خاندان نبوت نزدیک کنند، و از منبع خیر و برکت و هدایت و نورانیت آنان، دور نمانند، و مجالس خود را با ذکر فضایل و معارف این خانواده، نورانی و پر برکت نمایند.

چرا که در این زمان، که زمان غیبت کبرای امام زمان علیه السلام است، فسادها و انحراف ها فراوان می باشد، و راهی برای نجات از آنها جز تمسک و توسل به قرآن و به خاندان نبوت نیست و اگر ما از راهنمایی ها و سیره و سخنانشان بی بهره باشیم، همان گونه که فرمودند، دزدان دین، در آخر الزمان ما را به گمراهی خواهند برد، چنانکه که امروز مشاهده می کنیم!!

وما از خداوند مَنان به آبروی محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) می

خواهیم که از عارفین به حق آنان و از مرحومین به شفاعت شان باشیم، و تا زنده هستیم از آنان جدا نشویم و خداوند ولایت و محبت و اطاعت و زیارت و دولت حقه ی آنان را در دنیا، و شفاعت شان را در قیامت نصیب ما بفرماید، ان شاء الله و له الحمد و الشکراً أولاً و آخراً و أبداً سرمداً.

۸ ذی الحجہ ۱۴۳۷، ۲۰ شهریور ۱۳۹۵.

خادم اهل البيت سيد محمد (سيد قاسم) حسینی بهارانچی

منزلت اهل البيت عليهم السلام نزد خداوند

احدی جز خدا و رسول او منزلت و مقام اهل بیت آن حضرت (صلوات الله عليهم اجمعین) را نمی داند جز آن که خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم آنان را توصیف نموده باشند، و خداوند در باره آنان به ما می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱)

خداوند در این آیه به مردم فرموده است: از آنان جدا نشوید و در آیه

«إِنَّمَا وَئِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (۲) آنان را همانند رسول خود ولی مردم معرفی نموده و ولایت دیگران را با کلمه «إِنَّمَا» نفی کرده است.

و در تفسیر آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۳)

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: این آیه مربوط به همه ائمه از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و خداوند به حضرت مهدی (علیه السلام) و یاران او سلطنت روی زمین را عطا خواهد نمود و... و آیه فوق از آیات رجعت نیز می باشد.

و در باره آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» ۴.

مرحوم علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود گوید: مقصود این است که اگر امام شما غایب و پنهان شد، چه کسی برای شما امامی همانند او را خواهد آورد؟ «سپس این معنا را به حضرت رضا (علیه السلام) منسوب می نماید و می گوید: مقصود از «ماؤکم» درهایی است که برای شما به سوی ائمه (علیهم السلام) باز می شود، چرا که ائمه (علیهم السلام) درهای رحمت خدا هستند، و اگر امامان معصوم از بین شما بروند، کسی آب گوارای علم و دانش را برای شما فراهم نمی کند؟

۱- توبه / ۱۱۹.

۲- مائده / ۵۵.

۳- حج / ۴۱. ۴- ملک / ۳۰.

و درباره آیه « وَعِيدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْبَغْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْبَغْتَهُمُ مِنَ قَبْلِهِمْ وَ لِيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ » (۱)

در تفسیر صافی از کتاب کافی نقل شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از این آیه ائمه (علیهم السلام) هستند.

و در تفسیر آیه « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » (۲) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بحار الانوار از غیبت طوسی نقل شده که فرمود: مقصود از این آیه آل محمد (علیهم السلام) هستند. (۳)

و در تفسیر آیه « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا » روایات فراوانی آمده که مقصود از اهل البیت، فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان او حسن و حسین هستند.

و ما آیات مربوط به ائمه (علیهم السلام) را در کتاب «آیات الفضایل» و کتاب «دوله المهدي» جمع-آوری نمودیم و خداوند در این آیات تصریح به نام آنان نکرده است، چرا که اگر چنین می کرد مخالفین، این آیات را از قرآن حذف می کردند. و لکن ائمه (علیهم السلام) این گونه آیات را از نظر تأویل و معانی واقعی و بطوون و اسراری که در آنها نهفته است را برای ما بیان نموده اند و بر اهل قرآن واجب است که از اسرار آیات الهی آگاه شوند و به ترجمه ظاهری آن ها اکتفا نکنند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نجات امت خود را مشروط به تمسک به قرآن و عترت و اهل بیت خود نموده و می فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي مَا ان تَمَسَّيْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.» (۴) و این حدیث بین همه مسلمانان پذیرفته شده و متواتر و مسلم است. در کتاب کافی از ابوبصیر نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) در

۱- نور/۵۵.

۲- قصص / ۵۵.

۳- بحار الانوار جلد ۵۱ ص ۵۴

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۳/۱۴.

تفسیر آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱) فرمود: این آیه درباره علی بن ابیطالب و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شد.

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: به آنان که می گویند: برای چه به نام های ائمه در قرآن تصریح نشده؟ بگو: همان گونه که خداوند نماز را بر رسول خود نازل نمود و نفرمود: کدام نماز سه رکعت یا چهار رکعت است، تا این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای مردم تفسیر و تبیین نمود و نیز زکات را نازل نمود و نصاب آن را بیان نکرد، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حدود آن را بیان نمود. و نیز آیات حج را نازل نمود و نفرمود: هفت دور، دور کعبه طواف کنید، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را برای مردم بیان نمود. و نیز آیه

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۲) را نازل نمود و مقصود از «أولی الامر» را بیان نکرد تا این که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این آیه درباره علی و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شد، و درباره علی (علیه السلام) فرمود:

«من كنت مولاه فعلى مولاه» و فرمود: اوصیکم بکتاب الله و اهل بیتی ... یعنی من شما را نسبت به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می کنم، و از خداوند خواسته ام که بین کتاب خود و اهل بیت من جدایی قرار ندهد، تا آنان را در قیامت کنار حوض کوثر نزد من حاضر کند، و خداوند دعای مرا مستجاب نموده است.

و نیز فرمود: «شما به اهل بیت من چیزی را تعلیم نکنید، چرا که آنان دانایان شما هستند، و فرمود: اهل بیت من هرگز شما را از مسیر حق جدا نمی کنند، و در باطل داخل نمی نمایند» و اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ساکت می بود و نمی فرمود: اهل بیت من چه کسانی هستند، آل فلان و آل فلان ادعا می کردند که «ما اهل بیت آن حضرت هستیم» از این رو پس از نزول آیه تطهیر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) را در بیت ام سلمه زیر کسا قرار داد و فرمود: خدایا هر پیامبری را اهل بیت، و این ها اهل بیت من هستند» و چون ام سلمه عرض کرد: آیا من از اهل شما نیستم؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «تو در مسیر خیر و سعادت هستی و لکن اهل بیت من این ها هستند» از این رو هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رحلت نمود تنها علی (علیه السلام) ولایت بر مردم داشت، چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فراوان او را به

عنوان امام و جانشین خود معرفی نمود ه بود ، بلکه در غدیر خم دست او را گرفته و بالا- برده بود [و فرموده بود: من کنت مولاه فعلى مولاه...]

و هنگامی که علی (علیه السلام) از دنیا رحلت نمود احدی جز حسن و حسین لایق امامت نبودند، چرا که اگر علی (علیه السلام) فرزندان دیگر خود را برای امامت معرفی می نمود، حسن و حسین (علیهما السلام) حق داشتند به پدر خود بگویند: «خداوند همان گونه که امر به اطاعت از شما نموده امر به اطاعت از ما نیز نموده است، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز همان گونه که درباره شما ابلاغ رسالت کرده درباره ما نیز ابلاغ رسالت نموده است، و همان گونه که شما را از رجس و ناپاکی دور نموده، ما را نیز از رجس و ناپاکی دور کرده است ، بنابراین پس از علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) که فرزند بزرگتر او بوده، سزاوار امامت و خلافت بوده است، و اما حسن (علیه السلام) نیز نمی خواسته جز برادر خود امام حسین (علیه السلام) را خلیفه و جانشین خود معرفی نماید، چرا که خداوند می فرماید:

«وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (۱) و گرنه امام حسین (علیه السلام) می توانست بگوید: خداوند همان گونه که امر به اطاعت از تو نموده، امر به اطاعت از من نیز نموده است (۲)

...

فضایل اهل البیت (علیهم السلام) از زبان خود آنان

مؤلف گوید: کوتاه ترین و زیباترین فضائل اهل البیت (علیهم السلام) از خطبه غدیر و زیارت غدیر و زیارت جامعه و صلوات شعبانیه استفاده می شود، اگر چه در لابه لای سخنانان معصومین (علیهم السلام) و تفسیر آیات فراوانی از قرآن نیز فضائل آن بزرگواران دیده می شود، و ما در کتاب «آیات الفضائل» و «تفسیر اهل البیت علیهم السلام» در حدّ توان و استعداد خود فضائل آنان را بیان نمودیم و در این کتاب زیارت جامعه و صلوات شعبانیه را بیان می کنیم و نقول مستعیناً بالله: و لا حول و لا قوه إلا بالله العلیّ العظیم.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: همواره [جدم] علی بن الحسین (علیهما السلام) هنگامی که ظهر می شد دو رکعت نماز [مستحبی] می خواند و سپس نماز ظهر را می خواند و پس از آن دعا می کرد و بر

۱- انفال/۷۵.

۲- الکافی ... عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ... فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يُسَمَّ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَمَّا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَ الْحِجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أُسْبُوعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ نَزَلَتْ

فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلِيٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَوْصِيَكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يُورِدَهُمَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ وَ قَالَ لَا
تَعْلَمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَ قَالَ إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدَى ... (كافي ج ١ ص ٢٨٦ ح ١ ط الاسلاميه)

پیامبر خدا و آل آن حضرت (صلوات الله علیهم اجمعین) صلوات می فرستاد و می فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ ... (۱)»

و اگر تامل شود، این صلوات مقام و منزلت و فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را با زیباترین مفهوم و عبارت بیان نموده است. و در زیارت جامعه کبیره نیز - که از امام هادی (علیه السلام) نقل شده - فرازهای فراوانی وجود دارد که مقام و منزلت اهل بیت (علیهم السلام) را آشکار می نماید، از این رو ما این زیارت را در پاورقی بیان می کنیم تا دوستانشان توجه بیشتری به مقام و منزلت و فضائل آنان پیدا کنند.

مرحوم محمدبن مشهدی در مزار کبیر - در باب زیارات جامعه که برای همه ائمه (علیهم السلام) خوانده می شود- با سند صحیح و متصل از موسی بن عمران نخعی نقل نموده که گوید: به حضرت علی بن محمد هادی (علیهما السلام) عرض کردم:

«زیارت کامل و بلیغی را به من تعلیم کنید، تا هر کدام از شما را به وسیله آن زیارت نمایم و آن حضرت فرمود: هنگامی که به درب حرم رسیدی به ایست و شهادتین بگو و با غسل زیارت داخل شو و چون قبر مبارک را دیدی باز به ایست و سی مرتبه «الله اکبر» بگو، سپس با آرامش و وقار کمی جلوتر می روی و می ایستی و باز سی مرتبه «الله اکبر» می گویی و سپس به قبر نزدیک می شوی و چهل مرتبه «الله اکبر» می گویی تا یکصد مرتبه کامل شود و سپس می گویی:

«السلام علیکم یا اهل بیت النبوه...» و اگر کسی این زیارت را با توجه و معرفت بخواند جمیع فضائل اهل بیت (علیهم السلام) را بیان نموده و اگر به مضامین آن اعتقاد داشته باشد عارف به مقام اهل بیت (علیهم السلام) می باشد. رزقنا الله زیارتهم إن شاء الله. (۲) ...

مرحوم شیخ طوسی در امالی با سند خود از رافع غلام ابوذر نقل نموده که گوید: ابوذر از پله کعبه بالا رفت و حلقه کعبه را گرفت و سپس پشت به کعبه نمود و گفت: ای مردم هر کس مرا نمی-شناسد، من ابوذر هستم و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِيهِ امْتِثَالُ كَشْتِي نُوْحٍ اسْتِ، كَسِي كِه سَوَارِ كَشْتِي شَد نَجَاتِ يَافَتْ وَ كَسِي كِه كَشْتِي رَا رَهَا كَرْد هَلَكَ شَد.

سپس گفت: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: شما اهل بیت من را به منزله سر، نسبت به جسد، و به منزله چشم ها، نسبت به سر بدانید، و همان گونه که جسد انسان بدون سر

۱- وَ بَسِيْدٍ مُّعْتَبِرٍ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ عِنْدَ الزَّوَالِ وَ فِي لَيْلِهِ مُتَّصِيَةً فِيهِ هَيْدِهِ الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَعْيِدِنِ الْعِلْمِ وَ أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْفَلَمَكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّحِجِ الْعَامِرَةِ يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَ يَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ

الْمَتَأَخِّرْ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصَةِ بَيْنَ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَمَنْجَا الْخَائِفِينَ وَعِضْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صِلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضَى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَذَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْبَابِرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أُوجِبَتْ لَهُمْ حُقُوقُهُمْ وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُوَاثِقَةً مِنْ فَتْرَتِكَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَيْدِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، شَعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانَ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَّأُبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيْلِيهِ وَآيَامِهِ بِخُوعًا لَكَ فِي إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حِمَامِهِ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْإِسْتِثْنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لِمَدْيِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا قَدْ أُوجِبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ. (زاد المعاد .) مفتاح الجنان (محمد تقى مجلسى) ط بيروت، ص: ٤٨)

٢- حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقْوَلُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ أَحَدًا مِنْكُمْ، فَقَالَ: إِذَا صَرَفْتَ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَاشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَأَنْتَ عَلَى غُسْلٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ وَرَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقِفْ وَقُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ - ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ امْسُ قَلِيلًا وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ، وَقَارِبْ مِنْ خَطَاكَ، ثُمَّ قِفْ وَكَبِّرِ اللَّهُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ اذْنُ مِنَ الْقَبْرِ وَكَبِّرِ اللَّهُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، تَمَامَ مَائَةِ تَكْبِيرِهِ، ثُمَّ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْطِ الْوُحْيِ، وَمَعْرِدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأُصُولِ الْكُرْمِ، وَقَادَةَ الْأَمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرَ الْبَابِرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسِلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصِفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوَى النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحُجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالدَّعْوَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَشَاكِي نُورِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمِهِ اللَّهِ، وَخَزَائِنِ عِلْمِ اللَّهِ، وَحَفْظِهِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى الْمَائِمَةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاهِ «وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا». وَالذَّادَةَ الْحَمَاهِ وَأَهْلَ الذُّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَخَزَائِنِ عِلْمِهِ، وَحُجَجِهِ وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ... (مفتاح الجنان)

هدایت نمی شود، و سر نیز بدون چشم ها هدایت نمی شوند، مردم نیز بدون اهل بیت من هدایت نمی شوند. (۱)

و فرمود: «أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي». یعنی خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من، خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من، خدا را به یاد بیاورید نسبت به اهل بیت من. (۲)

شیخ طوسی گوید: پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) اهل بیت خود را، همتا و عدل قرآن قرار داده، و می فرماید: همان گونه که به کتاب خدا باید تمسک کنید، به اهل بیت من نیز باید تمسک نمائید، و به دستورات آنان عمل کنید و به فرموده ها و افعال آنان تأسی نمائید، و بدانید که قرآن و اهل بیت من تا قیامت در اعتبار و حجیت متلازم و همتای همدیگرند. از این رو فرمود:

«حتی یردا علی الحوض» بنا بر این، برای آنان که به اقوال و افعال آنان اعتنائی ندارند عذری نخواهد بود

و قندوزی حنفی از عمر بن خطاب نقل کرده که گوید: هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بین مردم برادری برقرار نمود فرمود: علی در دنیا و آخرت برادر من است و او خلیفه و وصی من و وارث علم من و قاضی دین من است در این امت، و مال او مال من و مال من مال اوست، و نفع او نفع من و ضرر او ضرر من است و کسی که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و کسی که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است. (۳)

۱- أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَسْوَدِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَزْوَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَمْرِو بْنِ النَّبَازِ، عَنْ رَافِعِ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: صَعِدَ أَبُو ذَرٍّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) عَلَى دَرَجَةِ الْكُعْبَةِ حَتَّى أَخَذَ بِحَلْقَةِ الْبَابِ، ثُمَّ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّمَّا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَيْدِهِ الْأُمَّه كَمَثَلِ سَيْفِيهِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: اجْعَلُوا أَهْلَ بَيْتِي مِنْكُمْ مَكَانَ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَ مَكَانَ الْعَيْنَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ، فَإِنَّ الْجَسَدَ لَا يَهْتَدِي إِلَّا بِالرَّأْسِ، وَ لَا يَهْتَدِي الرَّأْسُ إِلَّا بِالْعَيْنَيْنِ. (امالی طوسی، ص ۴۸۲)

۲- فی صحیح مسلم قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أما بعد: ألا أيها الناس، فإنما أنا بشر يوشك أن يأتي رسول ربي فأجيب، واني تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله، و استمسكوا به، و اهل بيتي. أذكركم الله في اهل بيتي. أذكركم الله في اهل بيتي. أذكركم الله في اهل بيتي. (خلاف شيخ طوسی، ج ۱/۲۸). (چاپ جامعه مدرسین)

۳- و روى القندوزى الحنفى عن عمر بن الخطاب انه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لما عقد المؤاخاه بين أصحابه قال: «هذا على أخى فى الدنيا والآخرة، و خليفتى فى أهلى، و وصيى فى أمتى و وارث علمى و قاضى دينى، ماله منى مالى منه، نفعه نفعى، و ضره ضررى، من أحبه فقد أحبنى، و من أبغضه فقد أبغضنى. (خلاف، ج ۱/۲۸، ينابيع الموده، ص ۲۹۹).

اهمیت ارتباط با آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

معرفت به امام معصوم (علیه السلام) به قدری مهم است که اگر کسی دیانت خود را بدون راهنمایی امام - من عندالله - انجام بدهد، گمراه تر از هر کسی خواهد بود، و چنین کسی دین خود را با پیروی از هواهای نفسانی خویش عمل نموده، و هرگز از او پذیرفته نمی شود، از این رو امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (۱) فرمود:

گمراه تر از همه مردم کسی است که دین خود را با هوای نفسانی خویش انجام بدهد و از یکی از امامان از ائمه هدی (علیهم السلام) پیروی نکند. (۲)

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: کسی که با کوشش فراوان، خدا را عبادت کند، و امامی از طرف خداوند، راهنمای او نباشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و متحیر خواهد ماند و خداوند نسبت به اعمال او خشمگین است.

و مثل او مثل گوسفندی است که چوپان و گله خود را گم کرده باشد، و به این سو و آن سو فرار کند و چون شب فرا می رسد به گله دیگری وارد شود که چوپان آن دیگری است، و چون صبح شود چوپان بر او فریاد زند: که به گله خود ملحق شود و او ترسان و متحیر بماند و ناگهان گرگی برسد و او را طعمه خود کند. سپس فرمود: به خدا سوگند ای محمد بن مسلم هر کس از این امت نیز دیانت خود را بدون امام من عندالله عزوجل عمل کند، گمراه و سرگردان خواهد ماند، و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است.

تا این که فرمود: ای محمد بن مسلم بدان که پیشوایان ستمکار و پیروانشان، از دین خدا دور هستند و گمراه شده اند، و دیگران را نیز گمراه کرده اند، و اعمال آنان در قیامت مانند خاکستری است که باد تندی بر آن به وزد و چیزی از آن را نتوانند به دست آورند و این گمراهی سختی خواهد بود. (۳)

عبدالله بن ابی یعفور گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من با این مردم - یعنی مخالفین شما - رفت و آمد دارم و بسیار تعجب می کنم که آنان امامت شما را نپذیرفته اند و امامت اولی و دومی [یعنی ابوبکر

۱- قصص/ ۵۰.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ قَالَ يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أئِمَّةِ الْهُدَى. (الكافی (ط - الإسلامیه)؛ ج ۱، ص: ۳۷۴)

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَيُغَيَّبُ غَيْبًا مُقْبُولًا وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَ اللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاهٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَ قَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ ذَاهِبَةً وَ جَائِيَةً يَوْمَهَا فَلَمَّا جَنَّهَا اللَّيْلُ بَصُرَتْ بِقَطِيعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَ اعْتَرَّتْ بِهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي مَرِيضَتِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعَهُ أَنْكَرَتْ رَاعِيَهَا وَ قَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحَيِّرَةً تَطْلُبُ

رَاعِيَهَا وَ قَطِيعَهَا فَبَصُرَتْ بِغَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَ اغْتَرَّتْ بِهَا، فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِي الْحَقِي بِرَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ فَأَنْتِ تَائِهَةٌ مُتَحَيِّرَةٌ
عَنْ رَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ فَهَجَمَتْ ذِعْرَهُ مُتَحَيِّرَةٌ تَائِهَةٌ لَأ رَاعِي لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يَرُدُّهَا فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذُّنْبُ
ضَيَعَتْهَا فَأَكَلَهَا وَ كَذَلِكَ وَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصِيحَّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَأ إِمَامٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ظَاهِرٌ عَادِلٌ أَصِيحُّ ضَالًّا تَائِهًا وَ إِنْ
مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِهِ مَاتَ مَيْتَهُ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أُمَّةَ الْجُورِ وَ أَتْبَاعَهُمْ لَمَغْرُؤُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا
فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأ يَقْعِدُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ - ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ.)
الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ١ ؛ ص ١٨٣)

و عمر] را پذیرفته اند و اهل امانتداری و راستی و وفای به عهد و پیمان خود هستند، و کسانی را نیز می شناسم که ولایت و امامت شما را پذیرفته اند و لکن اهل امانت و راستی و وفای به عهد و پیمان خود نیستند؟

عبدالله ابن ابی یغفور گوید: امام صادق (علیه السلام) با شنیدن سخنان من بر آشفت و نشست و خشمگین شد و فرمود: دین ندارد کسی که دیانت خود را با ولایت امام جائز و ظالم - که منصوب از طرف خداوند نیست - انجام می دهد، و باکی نیست بر کسی که دیانت خود را با ولایت و راهنمایی امام عادل و منصوب از طرف خداوند انجام می دهد. گفتم: آیا راستی آن ها دین ندارند، و بر این ها باکی نیست؟ فرمود: مگر تو سخن خدای عزوجل را نشنیده ای که می فرماید:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؟» (۱) یعنی خداوند مؤمنین [و شیعیان ما] را از تاریکی های گناهان خارج می کند و به نور توبه و مغفرت داخل می نماید، و این به خاطر پذیرفتن ولایت امام عادل من عندالله است، و درباره دیگران خداوند می فرماید:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» و مقصود این است که پیروان طاغوت ها، اول دارای نور اسلام بودند و چون ولایت امام جائز را پذیرفتند از نور اسلام خارج و درظلمات و تاریکی های کفر وارد شدند، از این رو خداوند آنان را همانند کفار داخل آتش نمود و آتش را بر آنان واجب کرد، چنان که می فرماید: «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۲)

امام باقر (علیه السلام) نیز می فرماید: خداوند تبارک و تعالی سوگند یاد نموده و می فرماید: من هر مسلمانی که دیانت خود را با پذیرفتن ولایت هر امام جائز و ستمگری - که منصوب از ناحیه خداوند نیست - انجام بدهد، من او را عذاب خواهم نمود، گرچه اعمال او نیک و پسندیده باشد، و نیز سوگند یاد نموده، که از هر مسلمانی که دیانت خود را با ولایت و پیروی از هر امام عادل - که از ناحیه خداوند منصوب شده - انجام بدهد، بگذرد و او را عفو نماید، گرچه گنهکار و اهل ظلم باشد.

(۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس بمیرد و به امام عادل [که از ناحیه خداوند باشد] اقتدا نکرده باشد، مردن او مردن زمان جاهلیت است. فضیل بن یسار گوید: به امام صادق (علیه -

۱- و ۲- بقره/۲۵۷.

۲- عِدَّةٌ مِّنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أَخْلَطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجَبِي مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَلَّوْنَكُمْ وَ يَتَوَلَّوْنَ فُلَانًا وَ فُلَانًا لَهُمْ أَمَانَةٌ وَ صِدْقٌ وَ وِفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوِفَاءُ وَ الصِّدْقُ قَالَ فَاسْتَيْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَأَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْغَضَبَانِ ثُمَّ قَالَ لِمَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لَا عَثْبٌ عَلَيَّ مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قُلْتُ لَا دِينَ لِأَوْلَائِكَ وَ لَا عَثْبٌ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ قَالَ نَعَمْ لَا دِينَ لِأَوْلَائِكَ وَ لَا عَثْبٌ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم

مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ يَعْنِي مِنَ ظُلْمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ لَوْلَايَتِهِمْ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَقَالَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلْمَاتِ إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ
مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ إِلَيْهِ مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلْمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ . (الكافي (ط - الإسلاميه) ، ج ١ ، ص : ٣٧٦)

٣- وَ عَنْهُ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّتِي فِي
الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَتِهِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَغْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّتِي فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ
بِوَلَايَتِهِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً . (الكافي (ط - الإسلاميه) ؛ ج ١ ؛ ص ٣٧٦)

(السلام) گفتم: آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین چیزی را فرموده است؟ فرمود: به خدا سوگند آری، گفتم: آیا هر که از دنیا برود و امام عادل برای او نباشد، مردن او مردن زمان جاهلیت است، فرمود: آری. (۱)

و در سخن دیگری امام صادق (علیه السلام) پس از نقل سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مردن او مردن جاهلیت و کفر و نفاق و ضلالت است. (۲)

مؤلف گوید: مشابه احادیث فوق فراوان است و ما از ذکر آن ها خودداری نمودیم.

و در تفسیر آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید از مخالفت خداوند پرهیزید و همواره با صادقین و راستکرداران باشید و از آنان جدا نشوید.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: مقصود از «صادقین» در این آیه ما هستیم و خداوند ما را اراده نموده است. (۳)

حضرت رضا (علیه السلام) نیز فرمود: مقصود از «صادقین» ائمه صدیقین هستند، و صدیقین بودن آنان به خاطر اطاعت از خداوند است. (۴)

مؤلف گوید: آیه فوق اشاره دارد به این که با امامان غیر صادق رفت و آمد نکنید، و از آنان پرهیز نمایید، چرا که آنان امامان کفر هستند، و شما را به طرف عذاب و آتش دعوت می نمایند.

امام هدایت و امام ضلالت

در روایات آمده که همواره، دو گونه امام، مردم را رهبری می کنند، ۱- امامان عادل از آل-محمد (علیهم السلام)، ۲- امامان جور و ظلم از غیر آنان.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در کتاب پدرم خواندم که ائمه در کتاب خدا دو گونه هستند: امامان هدایت، و امامان ضلالت، و امامان هدایت، امر خداوند را مقدم بر امر خود می کنند، و امامان ضلالت، امر خود را مقدم بر امر خداوند می کنند، و حکم خود را نیز مقدم بر حکم خداوند می نمایند، و

۱- عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ» قَالَ قُلْتُ مِيتَةٌ كُفْرٍ قَالَ مِيتَةٌ ضَلَالٍ قُلْتُ فَمَنْ مَاتَ الْيَوْمَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ فَقَالَ نَعَمْ. (الكافي - ط - الإسلاميه)؛ ج ۱؛ ص ۳۷۶

۲- عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ مَاتَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» قَالَ نَعَمْ قُلْتُ

جَاهِلِيَّةٌ جَهْلَاءٌ أَوْ جَاهِلِيَّةٌ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَضَلَالٌ. - (الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ١ ؛ ص ٣٧٧)
٣- عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ قَالَ إِيَّانَا عَنْهُ أَنْ يُؤَدَّى الْأَوَّلُ مِنَّا إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي يَكُونُ بَعْدَهُ السَّلَاحُ وَالْعِلْمُ وَالْكِتَابُ. (بصائر ج ١ ؛ ص ١٨)

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» قَالَ: الصَّادِقُونَ الْأَيْمَةُ الصَّادِقُونَ بِطَاعَتِهِمْ. (بصائر الدرجات ص ٣١)

این به خاطر پیروی آنان از هوای نفس و مخالفت با کتاب خداوند است. (۱)

امام باقر (علیه السلام) نیز می فرماید: ائمه در کتاب خدا دو گروه اند چنان که خداوند می فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (۲) یعنی آنان به امر خداوند هدایت می کنند، نه به امر مردم، از این رو امر خداوند را مقدم بر امر مردم می کنند، و حکم خداوند را نیز مقدم بر حکم مردم می نمایند، و درباره امامان جور می فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (۳) یعنی آنان مردم را به طرف آتش دعوت می کنند، و امر خود را مقدم بر امر خداوند می کنند، و حکم خود را مقدم بر حکم خداوند می نمایند، و برخلاف حکم کتاب خدا، به هواهای نفسانی خود عمل می کنند. (۴)

ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: همواره در دنیا دو امام وجود دارد: امام شایسته و امام فاجر، و خداوند درباره امام شایسته می فرماید:

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا». و درباره امام جور می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (۵).

...

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله مگر شما امام همه مردم نیستند؟ فرمود: من رسول الله و فرستاده او هستم، برای همه مردم، و لکن بعد از من امامانی از اهل بیت من از طرف خداوند برای هدایت مردم خواهند بود، و آنان قیام به امامت خود خواهند کرد.

سپس فرمود: آگاه باشید که هر کس ولایت امامان از اهل بیت مرا بپذیرد و آنان را تصدیق کند و از آنان پیروی نماید از من خواهد بود، و زود است که در قیامت مرا ملاقات کند.

۱- طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْأَيْمَنِ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِمَامَانَ إِمَامِ الْهُدَى وَ إِمَامِ الضَّلَالِ فَأَمَّا الْأَيْمَةُ [أَيْمَةُ] الْهُدَى فَيَقْدُمُونَ أَمْرَ اللَّهِ قَبْلَ أَمْرِهِمْ وَ حُكْمَ اللَّهِ قَبْلَ حُكْمِهِمْ وَ أَمَّا الْأَيْمَةُ الضَّلَالِ فَيَأْتِيهِمْ يُقَدِّمُونَ أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَمْرِ اللَّهِ حُكْمَهُمْ قَبْلَ حُكْمِ اللَّهِ اتِّبَاعًا لِأَهْوَائِهِمْ وَ خِلَافًا لِمَا فِي الْكِتَابِ. (بصائر الدرجات ص ۳۲)

۲- انبياء/۷۳.

۳- قصص/۴۱.

۴- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: الْأَيْمَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِمَامَانِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَا بِأَمْرِ النَّاسِ يُقَدِّمُونَ أَمْرَ اللَّهِ قَبْلَ أَمْرِهِمْ وَ حُكْمَ اللَّهِ قَبْلَ حُكْمِهِمْ وَ قَالَ « وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ يُقَدِّمُونَ أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَمْرِ اللَّهِ وَ حُكْمَهُمْ قَبْلَ حُكْمِ اللَّهِ وَ يَأْخُذُونَ بِأَهْوَائِهِمْ خِلَافًا لِمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ. » (بصائر الدرجات ص ۳۲)

٥- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَكُونُ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامَانِ بَرٌّ وَفَاجِرٌ فَالْبَرُّ الَّذِي قَالَ اللَّهُ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَالَّذِي قَالَ اللَّهُ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ . (بصائر الدرجات ص ٣٢)

سپس فرمود: آگاه باشید که هر کس به آنان ظلم کند، و یا به ظالمین آنان کمک نماید و امامت آنان را تکذیب نماید، از من نخواهد بود، و مرا در قیامت ملاقات نخواهد کرد، و من از او بیزار خواهم بود. (۱)

محمد بن منصور گوید: از عبد صالح (موسی بن جعفر علیه السلام) درباره آیه «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (۲) سوال کردم و آن حضرت فرمود: قرآن ظاهری دارد و باطنی دارد، و جمیع آنچه در قرآن حرام شده ظاهر قرآن است، و باطن آن ائمه جور هستند، و جمیع آنچه در قرآن حلال شده ظاهر قرآن است و باطن آن ائمه حق می باشند. (۳)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ» (۴) فرمود: مقصود از «جبت و طاغوت» اولی و دومی می باشند، که می - گویند: «هُؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيْلًا» (۵) یعنی می گویند: ائمه کفر و ضلالت - که مردم را به طرف آتش دعوت می کنند - هدایت یافته تر از ائمه از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و دوستانشان هستند» و خداوند درباره آنان می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيْرًا» (۶) (۷)

راه های ارتباط با محمد و آل محمد (علیهم الصلاه و السلام)

راه های ارتباط با محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین فراوان است، و ما به مؤثرترین آنها اشاره می کنیم.

۱- دستگیری از ایتم آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) یعنی آنان که از امام خود منقطع شده و راهی برای ارتباط با او ندارند تا احکام دین خود را از او دریافت کنند، و این بهترین راه ارتباط با محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و این معنا در برخی از زمان های معصومین (علیهم السلام) نیز که دسترسی به آنان وجود نداشته، محقق شده است و در این زمان نیز که زمان غیبت امام-زمان (علیه السلام) است فراوان مشاهده می شود و اگر کسی بتواند عوام از شیعیان آنان را از نظر نیازهای دینی و احکام

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ نَدَعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ قَالَ فَقَالَ الْمُشْرِكُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَ لَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ فَقَالَ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَيَكُونُ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَقُومُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذِبُونَ وَ يَظْلِمُهُمْ أئِمَّةُ الْكُفْرِ وَ الضَّلَالِ وَ أَشْيَاعُهُمْ أَلَا وَ مَنْ وَالَاهُمْ وَ اتَّبَعَهُمْ وَ صَدَقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَ مَعِيَ وَ سَيَلْقَانِي أَلَا وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ أَغَانَ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَ كَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مَعِيَ وَ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ - (بصائر الدرجات ص ۳۳).

۲- اعراف/۳۳.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّْمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَ البَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أئِمَّةُ الجُورِ وَ جَمِيعُ مَا أَحَلَّ مِنَ الْكِتَابِ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ البَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أئِمَّةُ الْحَقِّ. (بصائر الدرجات ص ۳۳)

۴- و ۵- نساء/۵۱.

٧- عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا يَقُولُونَ لِأَتَمَّهُ الضَّلَالِ وَالِدَعَاهُ إِلَى النَّارِ هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْلِيَائِهِمْ سَبِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ يَعْنِي الْإِمَامَ وَالْخِلَافَةَ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا عَنِ النَّاسِ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ.. « بصائر الدرجات ص ٣٤ »

اعتقادی و حقوقی و اخلاقی و فقهی و سیاسی تأمین کند قطعاً سبب خشنودی شخص امام زمان (علیه السلام) خواهد شد، و اگر بتواند این خدمت را با مال دنیا معاوضه نکند چه نیکو خواهد بود، و این بهترین وسیله خشنودی خدا و رسول او و ائمه طاهرين (علیهم السلام) می باشد. ولا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

از امام عسگری (علیه السلام) نقل شده که می فرماید: پدرم از پدران خود (علیهم السلام) برای من حدیث نمود و فرمود: سخت تر از حال یتیمی که پدر خود را از دست داده، حال یتیمی است که از امام خود منقطع گردیده و قدرت بر دسترسی به او را ندارد و احکام دینی مورد ابتلای خود را نمی -داند.

سپس فرمود: آگاه باشید، هر کس از شیعیان ما عالم به علوم ما باشد و از این گونه افراد که جاهل به احکام دین خود هستند و دسترسی به ما ندارند دستگیری کند، مانند این است که یتیمی را در دامن خود نگهداری کرده باشد، و اگر او را راهنمایی و هدایت و ارشاد کند و علوم ما را به او یاد بدهد، در قیامت در آن رفیق اعلی با ما خواهد بود. (۱)

البته روایات فراوان دیگری نیز هست که پاداش ارشاد جاهل و نشر معارف دین و تعلیم علوم آل -محمّد (علیهم السلام) را بیان نموده و بر هر عالم و دانشمند دینی لازم دانسته که دانش خود را بین مردم منتشر نماید.

و در تفسیر آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲)

روایت شده که امام (علیه السلام) می فرماید: «وَمِمَّا عَلَّمْنَا هُمْ يَبْتَئُونَ» یعنی متقین و اهل تقوا کسانی هستند که دانش خود را به مردم تعلیم می دهند و منتشر می نمایند.

۲- رعایت تقوای حلال و حرام و مواظبت از ایمان به خدا و ولایت و محبت اولیای او در زمان غیبت، و آن کار بسیار سختی است و اگر کسی در اعتقاد و عمل به دستورات دین خود ثابت بماند، پاداش پنجاه نفر از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دارد، که در جنگ بدر و احد شهید شده اند، چرا که دین داری در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) بسیار کار سختی است، و اکثر مردم در این زمان ها از حریم دیانت خارج می شوند و ولایت و محبت خود را نسبت به خاندان نبوت از دست می دهند و به دنبال هوسرانی و شهوات نفسانی می روند و اهل دیانت را استهزاء و مسخره می -کنند، و بسیار ناچیزند کسانی

۱- الْأَمِيَامُ الْهُمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسِي كَرِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِهِ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَشَدُّ مِنْ يُتَمُّ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يُتَمُّ يَتِيمٍ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي حُكْمَهُ فِيمَا يُبْتَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَرِيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا فَهَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُتَقَطِّعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرَشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى. (مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۳۱۷ ح ۲۱۴۵۸)

که در این زمان ها بر اعتقادات و تقوای دینی خود ثابت بمانند، از این رو کسی که با دیانت صحیح - در این زمان - از دنیا می رود ، ملائکه از او تعجب می کنند که چگونه توانسته دین خود را حفظ کند . أعاذنا الله من فتن آخر الزمان .

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: کسی که در زمان غیبت قائم ما، با ولایت ما از دنیا برود خداوند عزوجل پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را به عطا خواهد نمود. ۳.

از این رو ائمه معصومین (علیهم السلام) از این گونه افراد با تقوا و اهل ولایت و محبت خاندان نبوت خشنود بوده و به آنان شدیداً اظهار علاقه می نموده اند.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که به علی بن عبدالعزیز فرمود: من روح شما و بوی شما و دیدن شما و زیارت شما را دوست می دارم، چرا که شما بر دین خدا و دین ملائکه خدا هستید، پس برای حفظ دین خود ، ورع و تقوا را رعایت کنید، و من با این که در مدینه هستم شما را جزء عشیره و فامیل خویش می دانم و به جستجوی شما هستم تا یکی از شما را بیابم و با او انس بگیرم.

سپس فرمود: به خدا سوگند هر بنده ای که خدا و رسول او را دوست داشته باشد ، و ولایت ائمه بعد از آن حضرت را پذیرفته باشد، هرگز پس از مردن اهل آتش نخواهد بود. (۱)

و به همین علت ائمه معصومین (علیهم السلام) و شخص امام زمان (علیه السلام) به شیعیان خود دستور داده اند که در زمان غیبت برای حفظ دین خود دعا کنند و امام زمان (علیه السلام) به یکی از نواب خود در زمان غیبت صغری دستور داد ، که به شیعیان آن حضرت بگوید: این دعا را برای حفظ دین خود بخوانید و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ عَرَفَنِي نَفْسَكَ فَأَنْتَ إِنْ لَمْ تَعْرِفَنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفَكَ وَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفَنِي رَسُولَكَ ...» (۲)

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: زود است که برای شما شبهه ای پیدا شود که شما نه دانشی نسبت به آن داشته باشید، و نه امامی برای شما باشد که شما را هدایت نماید ، و کسی از آن نجات نخواهد یافت ، مگر آن که دعای غریق را بخواند. گفتیم: دعای غریق چیست؟ فرمود: می گویی: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک ...» (۳)

۱- عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْخَرَّازِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرْوَاحَكُمْ وَ رُؤُوسَكُمْ وَ زِيَارَتَكُمْ وَ إِنَّكُمْ لَعَلَى دِينِ اللَّهِ وَ دِينِ مَلَائِكَتِهِ - فَأَعِينُوا عَلَي دَلِيلِكُمْ بَوْرَعٍ وَ إِنَّمَا أَنَا بِالْمَدِينَةِ بِمَنْزِلَةِ الشَّعْرَةِ أَتَقَلُّلُ حَتَّى أَرَى الرَّجُلَ مِنْكُمْ فَأَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ لِمَا وَ اللَّهِ لِمَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَتَوَلَّى الْمَأْتَمَةَ فَتَمَسَّهُ النَّارُ أَيْدًا. (الدعوات (للراوندي) ص ۲۷۴ بحار الانوار، ج ۶۸/۲۸ ح ۵۵.)

۲- أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعْكَبَرِيِّ، أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ مُحَمَّدَ بْنَ هَمَامٍ أَخْبَرَهُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَ ذَكَرَ أَنَّ الشَّيْخَ أَبَا

عمرو العمرى - قدس الله روحه - أملاه عليه، و أمره أن يدعو به، و هو الدعاء فى غيبه القائم من آل محمد عليه و عليهم السلام، و هو: «اللهم عرّفنى نفسك فإنك إن لم تعرّفنى نفسك لم أعرفك و لم أعرف رسولك، اللهم عرّفنى رسولك فإنك إن لم تعرّفنى رسولك لم أعرف حجّتك، اللهم عرّفنى حجّتك فإنك إن لم تعرّفنى حجّتك ضللت عن دينى، ... إلخ»، و لفظه «أملاه عليه» فيها دلالات فوق مرتبه الصحبه لا تخفى. (كتاب التمحيص للاسكافى، ص ١٦).

٣- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع سَتَصِيْبُكُمْ شَيْهَةٌ فَتَبْقُونَ بِمَا عَلِمَ يُرَى وَ لَا إِمَامَ هُدًى وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَانَ يَا رَحِيمَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ . (كمال الدين و تمام النعمه ج ٢ ؛ ص ٣٥١)

۳- تسلیم در مقابل خدا و رسول و امام و حجت الهی بودن، و آن دلیل ایمان راسخ و اعتقاد به حکمت الهی و عصمت اولیای خدا می باشد، و بدون تسلیم کسی باایمان نخواهد بود، چنان که خداوند می فرماید:

« فَلَآ وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا » (۱)

یعنی ای رسول من! به پروردگارت قسم، این مردم ایمان [کامل] ندارند تا وقتی که تو را در پیش-آمدها و حوادثی که بین آنان رخ می دهد حاکم قرار بدهند و سینه های آنان از حکم تو تنگ نشود و کاملاً تسلیم فرمان تو باشند.

و البته معلوم است که اطاعت از خدا و رسول و امام زمان علیهما السلام، مهم تر از عبادت است چرا که برخی عبادت های فراوانی را انجام می دهند و لکن هنگامی که دستوری از ناحیه خدا و رسول و امام به آنان داده می شود برای خود عذر تراشی می کنند و یا با نقادی ها و گلایه هایی تسلیم دستور خدا و اولیای او نمی شوند و خداوند ایمان چنین کسانی را در این آیه، ایمان ندانسته است و می-فرماید: آنان باید از نظر ظاهر و باطن تسلیم امر پیامبر خود باشند.

و در کتاب بصائر الدرجات از زید شحام نقل شده که گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: مردی [از شیعیان شما] نزد ما هست که به او کَلِيبَ گویند، و هر چه ما از شما نقل می کنیم، او می گوید: «من تسلیم فرموده های امام خود هستم» از این رو ما او را کَلِيبَ تسلیم نامیده ایم؟

زید شحام گوید: امام صادق (علیه السلام) با شنیدن این سخن برای او از خداوند طلب رحمت نمود و سپس فرمود: آیا شما می دانید تسلیم چیست؟ و چون ما سکوت نمودیم فرمود: به خدا سوگند تسلیم همان اخبات است که خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحَبُّوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ» (۲) (۳)

بشیربن دهان گوید: از کَلِيبَ شنیدم که می گفت: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: آیا تو معنای آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» را می دانی؟ گفتم: فدای شما شوم، شما بهتر می دانید، فرمود: مقصود از «مؤمنون» مسلمون است و اهل تسلیم همان نجباء و برگزیدگان می باشند. (۴)

۱- نساء/۶۵.

۲- هود/۲۳.

۳- عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ عِنْدَنَا رَجُلًا يُسَمِّي كَلِيبًا فَلَا تَتَحَدَّثُ عَنْكُمْ شَيْئًا إِلَّا قَالَ أَنَا أَسَلَّمُ فَسَيَمِينَاهُ كَلِيبَ التَّسْلِيمِ قَالَ فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا التَّسْلِيمُ فَسَيَكْتَنَّا فَقَالَ هُوَ اللَّهُ الْإِحْبَاتُ قَوْلَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحَبُّوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ. (بصائر الدرجات ج ۱؛ ص ۵۲۵)

۴- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ أَ تَدْرِي مَنْ هُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ قَدْ أَفْلَحَ الْمُسْلِمُونَ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ هُمُ النَّجَبَاءُ. (بصائر الدرجات ج ۱؛ ص ۵۲۵)

جمیل بن درّاج گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنچه از شیعیان، چشم ما را روشن می کند این است که آنچه از ما برای شما به طور اختلاف نقل می شود، آن را به ما بازگردانید تا ما حقیقت را برای شما بیان کنیم.

و در سخن دیگری فرمود: مردم مأمور به معرفت ما و سؤال از ما و تسلیم ما می باشند. (۱)

۴- دخول در کشتی نجات اهل بیت (علیهم السلام)، به ویژه امام حسین (علیه السلام) که در روایات آمده زیادی از مؤمنین به خاطر امام حسین (علیه السلام) داخل بهشت می شوند.

امام حسین (علیه السلام) می فرماید: روزی من خدمت جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) رفتم و دیدم اُبی بن کعب نزد جدّم نشسته است، و آن حضرت به من فرمود: «مرحبا بک یا زین السماوات و الأرض» پس اُبی بن کعب گفت: آیا جز شما کسی زینت آسمان ها و زمین است؟ و جدّم فرمود:

ای اُبی بن کعب سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث نمود، حسین بن علی در آسمان ها بزرگتر و عزیزتر از روی زمین است، چرا که در سمت راست عرش نوشته شده: «إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ» سپس گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) دست حسین (علیه السلام) را گرفت و فرمود: «ای مردم این حسین بن علی (علیهما السلام) است شما خوب او را بشناسید و مقام و فضل او را بدانید و او را بر دیگران فضیلت دهید، همان گونه که خداوند عزوجل او را فضیلت داده است.

سپس فرمود: به خدا سوگند جدّ حسین نزد خداوند گرامی تر از جدّ یوسف بن یعقوب است، چرا که جدّ این حسین و جدّه و مادر و پدر و برادر و عمو و عمّه و خال و خاله و دوستان آنان و دوستان دوستان آنان، اهل بهشت هستند. (۲)

حضرت نوح (علیه السلام) همان گونه که در قرآن آمده اهل نجات را در کشتی جا داد و به فرزند خود نیز - که مشرف بر غرق شدن بود - فرمود: «یا بُنّی اِرْكَبْ مَعَنَا» یعنی فرزندم بیا با ما سوار کشتی شو. و لکن او به پدر خود گفت: «من به کوهی پناه می برم تا از غرق شدن نجات یابم» و پدر گفت: «امروز راه نجاتی از عذاب الهی نیست، جز این که داخل کشتی بشوی» و موج بین پدر و فرزند فاصله انداخت و

۱- عَنْ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَدْرِي بِمَا أُمِرُوا أُمِرُوا بِمَعْرِفَتِنَا وَ الرَّدِّ إِلَيْنَا وَ التَّسْلِيمِ لَنَا. (بصائر الدرجات ج ۱؛ ص ۵۲۵)

۲- روى: عن أبي عبد الله الحسين - عليه السلام - [أنه] قال: أتيت [يوما] جدّي رسول الله - صلى الله عليه و آله -، فرأيت ابيّ بن كعب جالسا عنده، فقال جدّي: مرحبا بک یا زین السماوات و الأرض! فقال ابيّ: یا رسول الله! و هل أحد سواک زین السماوات و الأرض؟ فقال النبی - صلى الله علیه و آله - یا ابيّ بن کعب و الّذى بعثنى بالحقّ نبیّاً، إنّ الحسین بن علیّ فی السماوات، أعظم ممّا هو فی الأرض و اسمه مکتوب عن یمین العرش: إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه. ثم إنّ النبی -

صَلَّى اللّٰهَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَخَذَ بِيَدِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -، وَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَلَا فَاعْرِفُوهُ، وَفَضَّلُوهُ كَمَا فَضَّلَهُ
اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَوَاللّٰهِ لَجَدَّهَ عَلَى اللّٰهِ أَكْرَمَ مِنْ جَدِّ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ، هَذَا الْحُسَيْنُ جَدُّهُ فِي الْجَنَّةِ، (وَجَدَّتُهُ فِي الْجَنَّةِ)، وَآمَةٌ
فِي الْجَنَّةِ، وَأَبُوهُ فِي الْجَنَّةِ، وَأَخُوهُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَمُّهُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَمَّتُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَخَالَهَ فِي الْجَنَّةِ، وَخَالَتُهُ فِي الْجَنَّةِ، وَمُحِبُّوهُمْ
فِي الْجَنَّةِ، [وَمُحِبُّو مُحِبِّيهِمْ فِي الْجَنَّةِ]. (مَدِينَةُ الْمَعَاجِزِ، ج ٤ ص ٥١، مَن تَخَبَّ طَرِيحِي، ص ٢٠٣).

فرزند نوح غرق شد، و نوح به پروردگار خود گفت: خدایا فرزند من، اهل من بود؟! و خداوند فرمود: «او اهل تو نبود بلکه او عمل غیر صالحی بود».

با توجه به این قصه قرآنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمود: مَثَلُ اهل بیت من مَثَلُ کشتی نوح است که هر کس داخل آن شد، نجات یافت و هر کس داخل کشتی نشد، هلاک گردید، اهل بیت من نیز کشتی نجات این امت هستند و هر کس به آنان به پیوندد نجات می یابد، و هر کس از آنان جدا شود، هلاک خواهد شد.

شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: آیا همه شما خانواده، کشتی نجات نیستید؟ فرمود: آری. آن شخص گفت: پس برای چه جدّ شما درباره حسین (علیه السلام) فرموده است: إِنَّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: همه ما کشتی نجات هستیم و لکن باب الحسین أوسع و أسرع. یعنی باب حسین (علیه السلام) وسیع تر و سریع تر است برای نجات.

مؤلف گوید: با توجه به این معنا باید همه ما ارتباط خود را با اهل البیت (علیهم السلام) به ویژه با امام حسین (علیه السلام) هر چه می توانیم تقویت نماییم و از محبت و احسان به سادات و دوستان و شیعیان و زوّار و عزاداران حسینی کوتاهی نکنیم، و از شرکت در جلسات عزای آن حضرت و اشک در مصائب او و برگزاری جلسات عزا و خدمت به عزاداران و احترام به مرثیه سرایان او دریغ ننمائیم، تا روز قیامت آن حضرت و جدّ و پدر و مادر و برادر و فرزندان او (علیهم السلام) از ما دستگیری نمایند ان شاء الله و ما تردیدی نداریم که آن بزرگواران چنین خواهند کرد.

۵- ادخال سرور و شاد کردن شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام) نیز از اسباب خشنودی و اتصال و ارتباط با آن بزرگواران خواهد بود، و روایات در این موضوع فراوان است، و ما به بخشی از آن ها اشاره می کنیم ان شاء الله.

مرحوم کلینی با سند خود از ابی الجارود نقل نموده، که گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجلّ شاد کردن مؤمن و اطعام و قضای دین اوست. (۱)

۱- عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ شَبِيعَهُ مُسْلِمٍ أَوْ قَضَاءِ دِينِهِ. (الكافي ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۹۰)

مفضل گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: گمان نکنید اگر مؤمنی را خشنود و مسرور کردید، تنها او را خشنود و مسرور کرده اید، بلکه به خدا سوگند ما را نیز مسرور کرده اید، بلکه به خدا سوگند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز مسرور کرده اید. (۱)

عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند عزوجل به داوود وحی کرد: «بسا بنده ای از بندگان من یک عمل نیک انجام می دهد و من بهشت را برای او مباح قرار می دهم» داوود (علیه السلام) گفت: خدایا آن عمل نیک چیست؟ خطاب شد: «بنده مؤمن مرا مسرور می کند ولو با یک دانه خرما» داوود (علیه السلام) گفت: خدایا حق است که هر که تو را می شناسد امید خود را از تو قطع نکند [و همواره به تو امیدوار باشد] (۲)

جابر گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: تبسم و خنده ی در صورت برادر مؤمن حسنه و عمل نیکی است، و برطرف نمودن خاشاک از او حسنه است، و خداوند عبادت نشده به چیزی که محبوب تر و بهتر از ادخال سرور بر مؤمن باشد. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده مؤمن خود را از قبر خارج می کند، مثالی نیز مقابل او حرکت می نماید، و مؤمن را از خطرهای قیامت آسوده می کند و به او بشارت به سرور و کرامت الهی را می دهد، و چون در پیشگاه خداوند قرار می گیرد، خداوند حساب آسانی از او می گیرد و دستور می دهد تا او را به بهشت ببرند، در حالی که آن مثال مقابل اوست و مؤمن به او می گوید: خدا تو را رحمت کند تو کیستی که همواره به من بشارت به سرور و کرامت الهی را دادی؟ و او می-گوید: من همان سروری هستم که تو در دنیا بر برادر مؤمن خود وارد می کردی و خداوند مرا از آن سرور آفرید تا تو را مسرور نمایم. (۴)

۶- بر آوردن حاجت برادر مؤمن نیز از اسباب خشنودی خدا و اولیای اوست و سبب ارتباط و نزدیک شدن به خداوند و اولیای او می شود، و روایات بی شماری نیز در این معنا وارد شده است و ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم و از خداوند توفیق عمل به این روایات را درخواست می نمایم. و می-گوییم: و ما توفیقی إلی الله علیه توکلت و إلیه أنیب و لا حول و لا قوه إلی الله العلی العظیم.

۱- عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُرُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطُّ بَلْ وَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَلْ وَ اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ. (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۸۹)

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِي لَيَأْتِينِي بِالْحَسَنَةِ فَأُبِيحُهُ جَنَّتِي فَقَالَ دَاوُدُ يَا رَبِّ وَ مَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ قَالَ يُدْخِلُ عَلَيَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنِ سُرُورًا وَ لَوْ بَتَمْرَةٍ قَالَ دَاوُدُ يَا رَبِّ حَقٌّ لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَاءُهُ مِنْكَ. (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۸۸)

۳- عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ حَسَنَةً وَ صِرْفُ الْقَصْدِ عَنْهُ حَسَنَةً وَ مَا عَبْدُ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِ. (الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۸۸)

۴- عَنْ أَبِيَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ قَالَ فَقَالَ حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ لَوْ

حَدَّثَكُمْ لَكْفَرْتُمْ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ مَنْ قَبْرِهِ يَقُولُ لَهُ أُبَشِّرُ بِالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ وَالشُّرُورِ فَيَقُولُ لَهُ بَشْرَكَ
اللَّهُ بِخَيْرٍ قَالَ ثُمَّ يَمْضِي مَعَهُ يُبَشِّرُهُ بِمِثْلِ مَا قَالَ وَإِذَا مَرَّ بِهِوَالٍ قَالَ لَيْسَ هَذَا لَكَ وَإِذَا مَرَّ بِخَيْرٍ قَالَ هَذَا لَكَ فَلَا يَزَالُ مَعَهُ يُؤْمِنُهُ
مِمَّا يَخَافُ وَيُبَشِّرُهُ بِمَا يُحِبُّ حَتَّى يَقِفَ مَعَهُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا أَمَرَ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ أُبَشِّرُ فَإِنَّ اللَّهَ
عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَمَرَ بِعِكَ إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ تُبَشِّرُنِي مِنْ حِينَ خَرَجْتُ مِنْ قَبْرِي وَآنَسْتَنِي فِي طَرِيقِي وَ
خَبَّرْتَنِي عَمَّنْ رَبِّي قَالَ فَيَقُولُ أَنَا الشُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ تُدْخِلُهُ عَلَيَّ إِخْوَانِكَ فِي الدُّنْيَا خُلِقْتُ مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ وَأُونَسَ وَحَشَّتَكَ.

(الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٢؛ ص ١٩١)

مرحوم کلینی در کتاب کافی در باب «السعی فی حاجه المؤمن» با سند خود از محمّد بن مروان نقل کرده که گوید: «امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که برای انجام کار برادر مؤمن خود حرکت کند، برای او ده حسنه نوشته می شود، و ده گناه از او محو می گردد، و ده درجه به درجات او افزوده می شود، و گمان می کنم که فرمود: و پاداش آزاد کردن ده بنده را در راه خدا پیدا می کند، و این عمل افضل از اعتکاف یک ماه در مسجد الحرام می باشد. (۱)

و در همان کتاب از معمر بن خلّاد نقل شده که گوید: از حضرت ابوالحسن (موسی بن جعفر علیهما السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند را بندگانی است که کوشای در برآوردن حوائج مردم هستند، و آنان در روز قیامت در امن و امان خواهند بود، و کسی که مؤمنی را شاد و مسرور نماید، خداوند در قیامت قلب او را شاد و مسرور خواهد نمود. (۲)

و در همان کتاب از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: کسی که برای انجام حاجت برادر مسلمان خود حرکت کند، خداوند هفتاد و پنج هزار ملک را امر می کند که بر سر او سایه افکنند و از او حمایت نمایند، و به جای هر قدمی که برمی دارد، پاداشی به او داده می شود و گناهی از او محو می گردد، و درجه ای به درجات او افزوده خواهد شد، و هنگامی که از کار خود فارغ می شود خداوند عزوجل پاداش حج و عمره برای او می نویسد. (۳)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که برای خشنودی خداوند عزوجل در انجام حاجت برادر مسلمان خود بکوشد، خداوند برای او هزار هزار حسنه می نویسد، و خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان و کسانی که احسانی در دنیا به او کرده اند را می آموزد، و روز قیامت به او گفته می شود: داخل دوزخ شو و هر کس به تو در دنیا احسانی کرده است را با اذن خداوند از دوزخ خارج کن، جز کسی که ناصبی و دشمن اهل بیت (علیهم السلام) باشد. § عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ طَلَبَ وَجْهَ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ يَغْفِرُ فِيهَا لِأَقْرَبِيهِ وَ جِيرَانِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ مَعَارِفِهِ وَ مَنْ صَبَحَ إِلَيْهِ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ النَّارَ فَمَنْ وَجِدْتَهُ فِيهَا صَبَحَ إِلَيْكَ مَعْرُوفًا فِي الدُّنْيَا فَأَخْرَجَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبًا. (الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۹۸)

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: مَنْ سَعَى الرَّجُلُ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُوْمِنِ يُكْتَبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ قَالَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ يَعْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ اِعْتِكَافٍ شَهْرٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. (الكافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۹)

۲- مَعْمَرُ بْنُ خَلَّادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ عِيَادًا فِي الْمَآرِضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمُونُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ادْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا فَرَحَّ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (الكافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۹۷)

۳- عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَظَلَّهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ حِطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَ يُرْفَعُ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ حَاجَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا أَجْرَ حَاجٍ وَ مُعْتَمِرٍ. (الكافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۱۹۷)

مرحوم علامه حلی هنگامی که کتاب قواعد الاحکام را به اتمام رساند به فرزند خود فخرالمحققین وصیّت های نمود و برخی از آن وصیّت ها این است که به فرزند خود فرمود:

«فإنّی أوصیک بملازمه تقوی الله تعالی فإنّها السنّه القائمه، و الفریضه اللازمه، و الجنّه الواقیه

و علیک بالتوکل و الصبر و الرضا و حاسب نفسک فی کل یوم و لیله و أكثر من الاستغفار لرّبک ...

و علیک بصلاه اللیل فإنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) حتّ علیها و قال: من ختم له بقیام اللیل ثمّ مات فله الجنّه ...

و علیک بصله الرحم، فإنّها تزيد فی العمر.

و علیک بحسن الخلق فإنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) قال إنکم لن تسعوا بأموالکم فسعوهم بأخلاقکم.

و علیک بصله الذریّه العلویّه، فإنّ الله تعالی قد أكدّ الوصیه فیهم و جعل مودّتهم أجر الرساله و الإرشاد فقال تعالی: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۱) ...

یعنی بر تو باد به ... و بر تو باد به احسان به ذریه علویّه چرا که خداوند سفارش اکیدی درباره آنان فرموده و محبت و مودت آنان را پاداش رسالت خود قرار داده و فرموده است:

«قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نیز فرموده است: من از چهار گروه این امت روز قیامت شفاعت می کنم، گر چه با گناه همه اهل دنیا آمده باشند: ۱- کسی که ذریّه مرا یاری کرده باشد، ۲- کسی که مال خود را صرف ذریّه من کرده باشد، هنگام تنگنایی، ۳- کسی که ذریّه مرا با زبان و قلب خود دوست داشته باشد، ۴- کسی که برای انجام حوائج ذریّه من - در آن هنگام که آواره و طرد شده باشند - کوشیده باشد.

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: روز قیامت منادی خداوند با صدای بلند می گوید: ای مردم گوش فرا دهید تا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلّم) با شما سخن بگوید، و همه خلائق گوش فرا می دهند، و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) می فرماید: ای مردم هر کس به من حقی دارد، و یا به خاطر من عمل نیکی را (درباره ذریّه من) انجام داده است، به پا خیزد تا من پاداش او را بدهم» و مردم می گویند:

پدران و مادران ما فدای شما باد، چه حقی و چه منتی و چه عمل خیری ما برای شما انجام داده ایم که بر شما منت داشته باشیم؟ بلکه خدا و رسول او بر ما و همه خلائق منت دارند، پس رسول-

خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: آری هر کس یکی از اهل بیت مرا پناه داده باشد، و یا به او احسانی نموده باشد، و یا لباسی به او پوشانده باشد، و یا او را اطعام نموده باشد، برخیزد تا من پاداش او را بدهم» پس گروهی از مردم که چنین کارهایی را کرده اند برمی خیزند، و ندایی از طرف خداوند می رسد:

«ای محمّد و ای حبیب من، من پاداش آنان را به تو واگذار نمودم و تو آنان را در هر کجای از بهشت که می خواهی ساکن کن» و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنان را در وسط بهشت و در مقام وسیله اسکان می دهد، و آنان از محمد و اهل بیت او - صلوات الله علیهم اجمعین - محبوب نیستند ... (۱).

دوقصّه ی عجیب

عبدالله مبارک هزینه حجّ خود را به یک زن فقیر علویّه - که می خواست مرغ مرده ای را از ناچاری و گرسنگی به فرزندان خود بدهد - داد، و آن سال به حج نرفت و چون حجّ از حجّ بازگشتند و او به دیدن آنان رفت، همگی گفتند: ما تو را در همه مواقف حج دیدیم و این قصّه در جلد ۹۲ بحار الانوار صفحه ۲۲۴ ذکر شده است.

و نیز قصّه پناه دادن مرد مجوسی به یک زن علویّه و بشارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او در خواب و ایمان آوردن او و خانواده اش نیز در کتاب بحار جلد ۴۲ صفحه ۱۲، و در ارشاد القلوب صفحه ۴۴۴، نیز نقل شده است، و ما این دو قصه را در کتاب «بشارت های معصومین (علیهم السلام)» صفحه ۱۷۳ تا ۱۷۹ نقل کرده ایم، مراجعه شود.

و در کتاب بشارت های معصومین (علیهم السلام) روایاتی درباه صله آل محمّد (علیهم السلام) نقل شده که سبب برآورده شدن حوائج بزرگ و مهم می شود.

و در کتاب «بشاره المصطفی» از عمران بن معقل نقل شده که گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: از احسان و صله به آل محمّد (علیهم السلام) دریغ نکنید و غنی به اندازه توان خود و فقیر به اندازه توان خود، به آنان صله کنید، و کسی که بخواهد خداوند مهم ترین حاجت او را برآورده کند، باید در سخت ترین وضع نیازمندی خود، از مال خویش به آنان و شیعیان نشان صله کند. (۲)

۱- و علیک بصله الذرّیه العلویه، فإنّ الله تعالى قد أكد الوصیّه فیهم، و جعل مودّتهم أجر الرساله و الإرشاد، فقال تعالى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» • (قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام؛ ج ۳، ص: ۷۱۵)

۲- عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مَعْقِلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا تَدْعُوا صِلَةَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ أَمْوَالِكُمْ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَعَلَى قَدْرِ غِنَاهُ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَعَلَى قَدْرِ فَقْرِهِ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ أَهَمَّ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ فَلْيَصِلْ آلَ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَتَهُمْ بِأَحْوَجِ مَا يَكُونُ مِنْ مَالِهِ. (بشاره المصطفی لشيعة المرتضى (ط - القديمه) ص ۶).

جابر جعفی گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: رَحِمَ آلَ مُحَمَّدٍ مَعْلُقٌ بِهِ عَرْشُ اسْتِ وَ مِی گوید: «خدایا هر کس به من احسان و صله می کند، تو به او احسان و صله کن، و هر کس با من قطع رحم می کند، تو رحمت خود را از او قطع کن» چنان که خداوند می فرماید: «وَ الَّذِیْنَ یَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ...» (۱) سپس فرمود: و هر صاحب رحمی نیز چنین است. (۲)

نعمت ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

خداوند نعمت ولایت آل محمد (علیهم السلام) را در آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِیْنًا» (۳) وسیله کامل شدن دین و اتمام نعمت، و دین مرضی خود معرفی نموده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را موظف نموده که در روز غدیر ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین آن حضرت را به طور آشکار و علنی معرفی نماید، و به رسول خود صلی الله علیه و آله و سلم در آیه

«یا أَيُّهَا الرِّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (۴) فرموده است: ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) [و اولاد معصومین او] را به مردم ابلاغ نماید، و اگر چنین نکند، رسالت خویش را ابلاغ نکرده است.

از این رو، روز غدیر بهترین اعیاد اسلامی می باشد و نسبت به جمعه و فطر و اضحی مانند ماه است بین ستارگان، چنان که حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «چون روز قیامت می شود چهار روز را همانند عروسی که به حجله می برند، نزد خداوند می آورند». گفته شد: آن چهار روز کدام است؟ فرمود:

روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر، و روز عید غدیر بین آن سه عید همانند ماه بین ستارگان است، و آن روزی است که ابراهیم خلیل (علیه السلام) از آتش [نمرودیان] نجات یافت، و ابراهیم برای شکر خدا آن روز را روزه گرفت، و آن روزی است که خداوند دین خود را کامل نمود، و به پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد تا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به امامت و خلافت منصوب نماید و فضیلت و امامت او را آشکار کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن روز را روزه

۱- رعد/۲۱.

۲- عَنْ جَابِرِ بْنِ یَرِیْدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: إِنَّ الرَّحِمَ مَعْلُقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلْتَنِي وَ أَقْطَعْ مَنْ قَطَعْتَنِي وَ هِيَ رَحِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ الَّذِیْنَ یَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ كَمَلَّ ذِی رَحِمٍ. (مستدرک الوسائل ج ۱۲؛ ص ۳۸۳)

۳- مائده/۳.

۴- مائده/۶۷.

گرفت، و آن روز دارای نامهایست مانند:

۱- یوم الکمال، ۲- یوم مرغمه الشیطان، یعنی روز خوار کننده شیطان، ۳- روز قبولی اعمال شیعیان و دوستان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۴- الیوم الذی یعمد الله فیہ إلى ما عمله المخالفون فیجعله هباءً منثوراً، یعنی روزی که خداوند اعمال مخالفان غدیر را نابود می نماید و مانند غبار پراکنده می شود، ۵- روزی که جبرئیل (علیه السلام) دستور می دهد تا کرسی کرامت خداوند در مقابل بیت المعمور نصب شود، و جبرئیل (علیه السلام) بر آن قرار می گیرد، و ملائکه همه آسمان ها جمع می شوند و بر حضرت-محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ثناخوانی می کنند، و برای شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (علیهم السلام) - از فرزندان آدم - استغفار می نمایند.

۶- در این روز خداوند به کرام الکاتبین دستور می دهد: تا سه روز قلم [گناه] را از دوستان و شیعیان اهل بیت بردارند و به خاطر کرامت محمد و علی و ائمه طاهرین (علیهم السلام) گناهی بر آنان ننویسند، ۷- روزی است که خداوند پاداش کسانی که در آن عبادت خدا را انجام می دهند و بر عیال و خانواده و برادران خود توسعه می دهند، نعمت خود را می افزایشند، و آنان را از آتش دوزخ آزاد می نماید، ۸- این روزی است که خداوند آن را مخصوص به حضرت محمد و آل او نموده است، ۹- این روزی است که خداوند سعی شیعیان را مشکور و گناهانشان را مغفور و اعمالشان را مقبول می نماید.

۱۰- این روز، روز برطرف شدن بلاها و اندوه ها می باشد، ۱۱- این روز، روز برطرف شدن وزر و گناه و روز کرامت الهی و عطای اوست، ۱۲- این روز، روز نشر علم و روز بشارت و عید اکبر است، ۱۳- این روز، روز استجاب دعاست، ۱۴- این روز، روز موقف عظیم، و روز پوشیدن لباس جدید و بیرون آوردن لباس عزا و سیاه است، ۱۵- این روز، روز شرط مشروط و روز نفی هموم و اندوه، و روز بخشوده شدن گنهکاران از شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، ۱۶- این روز، روز مسابقه [در اعمال نیک] و روز صلوات فراوان بر محمد و آل محمد (علیهم صلوات الله) است.

۱۷- این روز، روز خشنودی و عید اهل بیت (علیهم السلام) است، ۱۸- این روز، روز قبولی اعمال و طلب زیاده از خداوند و روز استراحت مؤمنین است، ۱۹- این روز، روز تجارت و روز دوستی و روز رسیدن به رحمت الهی و روز تزکیه و پاک شدن و روز ترک گناهان کبیره و غیر کبیره است، ۲۰- این روز، روز عبادت و روز افطاری دادن به روزه داران است، و کسی که روزه دار مؤمنی را در این روز افطاری بدهد، مانند این است که به اندازه ده فئام از روزه داران را افطاری داده باشد.

سپس فرمود: آیا تو می دانی فئام چیست؟ راوی گفت: نمی دانم. فرمود: هر فئام یکصد هزار نفر است، ۲۱- این روزی است که مؤمنین باید به همدیگر تبریک بگویند، و چون مؤمن برادر مؤمن خود

را ملاقات می کند بگوید: «الحمد لله الذی جعلنا من التمسّیکین بولایه امیر المؤمنین و الأئمه علیهم السلام، ۲۲- این روز، روز تبسم در صورت برادران ایمانی است، و کسی که در روز غدیر مقابل برادر مؤمن خود تبسم نماید خداوند روز قیامت نظر رحمت به او می افکند، و هزار حاجت او را برآورده می کند، و قصری از درّ سفید در بهشت برای او بنا می کند و صورت او را شاد و خرم قرار می دهد، ۲۳- این روز، روز زینت است و کسی که به خاطر غدیر در این روز نیت کند و لباس جدید بپوشد خداوند همه گناهان و خطاهای او را - کوچک یا بزرگ - می بخشد، و ملائکه ای را می فرستد تا برای او تا سال آینده حسنات بنویسد، و درجات او را بالا ببرند، و اگر در این سال بمیرد شهید مرده است، و اگر زنده بماند سعادت مند خواهد بود.

و کسی که در این روز مؤمنی را اطعام کند مانند این است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام نموده باشد، و کسی که در این روز مؤمنی را زیارت کند، خداوند هفتاد نور در قبر او وارد می کند، و قبر او را وسیع می گرداند و در هر روز هفتاد هزار ملک قبر او را زیارت می کنند و به او بشارت بهشت می دهند. ۲۴- در این روز خداوند ولایت علی (علیه السلام) را بر اهل آسمان ها عرضه نمود و اهل آسمان هفتم به آن سبقت گرفتند، و به این خاطر خداوند عرش را به وسیله آسمان هفتم زینت نمود، و سپس آسمان چهارم به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به بیت المعمور زینت داد، و سپس آسمان اول به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به ستارگان زینت داد، و سپس خداوند ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) را بر زمین عرضه نمود، و سرزمین مکه به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به کعبه زینت داد، و سپس زمین مدینه به آن سبقت گرفت و خداوند آن را به وجود حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) زینت داد، و سپس کوفه به آن سبقت گرفت و خداوند به خاطر امیر المؤمنین (علیه السلام) او را زینت داد.

سپس خداوند ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) را بر کوه ها عرضه نمود و نخست سه کوه بر قبول ولایت آن حضرت سبقت گرفتند و آن ها: کوه عقیق، فیروزه و یاقوت بودند، و خداوند افضل جواهر را در آن ها قرار داد، و سپس کوه های دیگری به آن سبقت گرفتند و خداوند آن ها را معدن طلا و نقره قرار داد، و کوه هایی که اقرار به ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) نکردند، گیاهی در آن ها نمی روید.

و در روز غدیر ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) بر آب ها عرضه شد و هر کدام پذیرفتند شیرین و گوارا شدند و هر کدام پذیرفتند شور و تلخ شدند، و در آن روز نیز ولایت آن حضرت بر گیا هان عرضه شد و هر کدام قبول کردند شیرین و طیب شدند، و هر کدام نپذیرفتن تلخ گردیدند، و نیز ولایت آن حضرت بر پرندگان

عرضه شد، و هر کدام پذیرفتند دارای صدای فصیح و زیبا شدند و هر کدام نپذیرفتند اخرس و گنگ شدند، مانند «لکن» سپس فرمود:

مَثَلُ مُؤْمِنِيْنَ كِه وِلَايَتِ اميرالمؤمنين (عليه السلام) را نپذيرفتند مَثَلِ مَلَائِكَةِ اسْتِ كِه به آدَمِ سَجْدَه كَرْدَنَد و مَثَلِ كَسَانِي كِه وِلَايَتِ اَن حَضْرَتِ رَا نپذيرفتند مَثَلِ ابليس است كه بر آدَمِ سَجْدَه نكرد.

سپس فرمود: در روز غدیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» نازل شد، و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که روز مبعوث شدن او روز غدیر بود، و حرمت آن روز را می شناخت و در چنین روزی برای امت خود خلیفه ای تعیین می نمود. (۱)

مؤلف گوید: با توجه به عنایات اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان و دوستان خود واهمیتی که خداوند و اولیای او به مسأله ولایت داده اند، و برکاتی که از ناحیه آن بزرگواران تاکنون عائد ما شده و می شود، لازم است که ما نیز از این نعمت بزرگ شکرگذاری کنیم و گرنه ناسپاس و کافر به نعمت خداوند خواهیم بود و شکر این نعمت را می توان به طور خلاصه در چند چیز بیان نمود:

۱- معرفت بیشتر نسبت به مقام و منزلت صاحبان ولایت.

۲- اطاعت از دستورات و اوامر و نواهی آنان.

۳- ذکر فضائل آنان برای مردم، و آن برای گوینده و شنونده برکات فراوانی خواهد داشت.

۴- تحیب و ایجاد محبت آنان در دل های مردم که سبب تولی و موالات آنان می شود.

۵- ذکر مثالب دشمنان آنان با استدلال صحیح، تا سبب بیزاری مردم از آنان گردد.

۶- توضیح مسأله ولایت و امامت معصومین (علیهم السلام) برای مردم تا موجب معرفت بیشتر به آنان گردد.

۷- زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) و بهره مند شدن از نور ولایت آنان و آن از شعائر دینی شیعه خواهد بود.

۸- مواسات و کمک به شیعیان و دوستانشان که سبب خشنودی آنان خواهد بود.

۹- دعا برای نجات شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام) از ستم دشمنان و مخالفین که دلیل مواسات با آنان است.

۱- ... رَوَاهُ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا تُزْفُّ الْعُرُوسُ إِلَى خِدْرِهَا قِيلَ مَا هِيَ ذَلِكَ أَيَّامٌ قَالَ يَوْمُ الْفِطْرِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَ إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَ الْفِطْرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ

الْكَوَاكِبِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَحَا فِيهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمًا وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وِصَاءَتَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ إِنَّهُ لِيَوْمُ الْكَمَالِ وَ يَوْمٌ مَرَّغَمَهُ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمٌ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الشَّيْخَةِ وَ مُجِئِي آلِ مُحَمَّدٍ . وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ الدِّينَ يَعْمِدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمِلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَشْهُورًا وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَنْصِبَ كُرْسِيَّ كَرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمُعْمُورِ وَ يَضَعْدُهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ يُثْنُونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ يَسْتَعْفِرُونَ لِشَيْعِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُجِئِيهِمْ مِنْ وَوَلِدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَزْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُجِئِي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ شَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ لَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ [عَلِيٍّ] وَ ذَوِي رَحْمَتِهِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَدِيَ فِيهِ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ يُعْتِقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَخِيَّ الشَّيْخَةِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبُهُمْ مَغْفُورًا وَ عَمَلُهُمْ مَقْبُولًا وَ هُوَ يَوْمٌ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَ يَوْمٌ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ وَ يَوْمٌ الْحَبَاءِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ يَوْمٌ نَشْرِ الْعِلْمِ وَ يَوْمٌ الْبِشَارَةِ وَ الْعِيدِ الْأَكْبَرِ وَ يَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ وَ يَوْمُ الْمُوقِفِ الْعَظِيمِ وَ يَوْمٌ لُبْسِ الثِّيَابِ وَ نَزْعِ السَّوَادِ وَ يَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَ يَوْمُ نَفْيِ الْعُمُومِ [الْمُحْمُومِ] وَ يَوْمُ الصَّفْحِ عَنْ مُذْنِبِي شَيْعِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ . وَ هُوَ يَوْمُ السُّبْقَةِ وَ يَوْمُ إِكْتِنَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمُ الرِّضَا وَ يَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ يَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ وَ يَوْمُ طَلَبِ الزِّيَادَةِ وَ يَوْمُ اسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمُ الْمُتَيَّاجِرَةِ وَ يَوْمُ التَّوَدُّدِ وَ يَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ يَوْمُ التَّرَكِيهِ وَ يَوْمُ تَرْكِ الْكِبَايِرِ وَ الذُّنُوبِ وَ يَوْمُ الْعِبَادَةِ وَ يَوْمُ تَفْطِيرِ الصَّائِمِينَ فَمَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فَنَائِمًا وَ فَنَائِمًا إِلَى أَنْ عَدَّ عَشْرًا ثُمَّ قَالَ أَوْ تَدْرِي مَا الْفَنَاءُ قَالَ لَا قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ وَ هُوَ يَوْمُ التَّهْتِيهِ يُهْتَى بِفَضْلِكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . وَ هُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وَجْهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَ قَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَ بَنَى لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دَرَّةٍ بَيْضَاءَ وَ نَضَّرَ وَجْهَهُ وَ هُوَ يَوْمُ الزِّيَادَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا صَاحِبَهُ أَوْ كَبِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَ يَزْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ شَهِيدًا وَ إِنْ عَاشَ سَعِيدًا وَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ مَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُوْرًا وَ وَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَ يَزُورُ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ . وَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ الْوَلَايَةَ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَتَسَبَّقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَزَيَّنَ بِهَا الْعَرْشَ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَزَيَّنَهَا بِالْبَيْتِ الْمُعْمُورِ ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَزَيَّنَهَا بِالْكَوَاكِبِ ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِ بَيْنَ فِسْبَقَتْ مَكَّةَ فَزَيَّنَهَا بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةَ فَزَيَّنَهَا بِالْمُضَيْطَفَى مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةَ فَزَيَّنَهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلٍ وَ عَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوْلُ جَبَلٍ أَقْرَ بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ أَجْبَلٍ [أَجْبَالٍ] الْعَقِيقُ وَ جَبَلُ الْفَيْرُوزِجِ وَ جَبَلُ الْيَاقُوتِ فَصَارَتْ هَذِهِ الْجِبَالُ جِبَالَهُنَّ وَ أَفْضَلَ الْجَوَاهِرِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا جِبَالٌ أُخْرَى فَصَارَتْ مَعَادِنُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ مَا لَمْ يُقَرَّرْ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَقْبَلْ صَارَتْ لَا تُنْبِتُ شَيْئًا وَ عَرَضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ عَذْبًا وَ مَا أَنْكَرَ صَارَ مِلْحًا أَجَاجًا وَ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُورًا طَيِّبًا وَ مَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مُرًّا ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصَةً يَحَا مُصَوَّتًا وَ مَا أَنْكَرَهَا صَارَ أُخْرَسَ مِثْلَ اللَّكَنِ . وَ مِثْلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قَبُولِهِمْ وَلَمَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ حُمٌّ كَمِثْلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سَجُودِهِمْ لِآدَمَ وَ مِثْلُ مَنْ أَبِي وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مِثْلُ إِبْلِيسَ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ كَانَ يَوْمٌ بَعَثَهُ مِثْلَ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَ عَرَفَ حُرْمَتَهُ إِذْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ وَصِيًّا وَ خَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ . (إقبال الأعمال ط) -

۱۰- دعای فراوان برای تعجیل در فرج آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) که دلیل حمایت از مظلوم و محکوم کردن ظالم است.

۱۱- رعایت تقوای در دین - در زمان غیبت - که سبب خشنودی و کمک به آن بزرگواران می-باشد.

۱۲- فرستادن صلوات فراوان بر محمد و آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعين - که سبب خشنودی آنان و سنگین شدن نامه حسنات خواهد شد.

۱۳- حل مشکلات شیعه و قضای حوائج آنان که از اسباب مسلم خشنودی آن بزرگواران است.

۱۴- صله و احسان به ذریه آنان که سبب خشنودی آنان و برآورده شدن اهم حوائج می باشد.

۱۵- مذاکره احادیث و سخنان اهل البیت (علیهم السلام) نیز ، سبب نزدیک شدن دل ها به همدیگر و نجات در دنیا و آخرت و قرب به خاندان نبوت و ازدیاد معرفت به آنان خواهد شد .

امام صادق (علیه السلام) برای مذاکره کننده ، احادیث ، ضمانت نجات و دخول در بهشت نمود، و دوری از معارف و سخنان معصومین علیهم السلام را نیز سبب گمراهی و هلاکت دانست و فرمود:

«فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ضللتهم و هلكتم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعیم».

ولایت محمد و آل محمد و نجات در دنیا و آخرت

مؤلف گوید: در بخش آخر زیارت جامعه فراهایی است که به ما نوید می دهد که خاندان نبوت (علیهم السلام) وسیله نجات ما در قیامت هستند، و شفیعانی نزد خداوند بهتر از آنان نیست، و خشنودی آنان خشنودی خداوند است، و تنها با خشنودی آنان خداوند از ما خشنود می شود، و آنان امین سر خداوند می باشند، و خداوند بندگان خویش را به آنان واگذار نموده ، و اطاعت از آنان را اطاعت از خود قرار داده است، و اگر آنان برای ما از خداوند درخواست بخشش کنند، خداوند از ما می گذرد، مشروط به آن که ما نیز از آنان اطاعت کنیم ، چرا که اطاعت از آنان اطاعت از خداوند است ، و نافرمانی از آنان نافرمانی از خداوند است . (۱)

و در زیارت جامعه می گوئیم: «اللهم إني لو وجدت شفعاء أقرب إليك من محمدٍ و أهل بيته الأَخيار لَجعلتهم شفعاي و...» یعنی، خدایا اگر من شفیعانی بهتر از محمد و اهل بیت پاک او [صلواتک علیهم اجمعین] می یافتم آنان را به درگاه تو شفیع قرار می دادم، از این رو تو را به آن حقی که برای آنان به عهده خود

۱- [يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ] إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ ذُنُوبًا لَمَّا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنْكُمْ عَلَي سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرْنَ

طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي إِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَتْمَّةِ الْمَأْبُرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمْ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْجُوعِينَ لِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ . (زيارة جامعه كبريه).

واجب نموده ای سوگند می دهم ، و از تو مسألت می کنم که مرا از عارفین به آنان و عارفین به حق شان قرار بدهی، و من از کسانی باشم که با شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار بگیرم

تردیدی نیست که مسأله شفاعت حضرت خاتم النبیین و اوصیا و فرزندان او ، در قیامت یک اصل مسلم بین شیعیان است، و در دنیا نیز آنان وسیله نجات ما و صراط مستقیم دین و هادی و راهنمای ما هستند ، و حلّ مشکلات ما به دست آنان است ، و با توسّیل به آنان مشکلات ما حلّ می شود ، و اگر ما در همه امور خود به آنان مراجعه کنیم ، نجات خواهیم یافت ، و دین و دنیای ما از این راه اصلاح می شود ، از این رو خداوند می فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱) «یعنی ، ای اهل ایمان از خدا بترسید و از صادقین [یعنی ائمه معصومین (علیهم السلام)] جدا نشوید» یعنی همواره در همه امور با آنان باشید، و به آنان تمسک نمایید، تا نجات یابید، همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) فرمود:

«أني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى ابدا و لن يفترقا حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما ...» (۲)

یعنی من دو چیز گرانسنگ را [برای هدایت شما] به جای خود باقی می گذارم : کتاب خدا و عترت و اهل بیت خویش را ، و تا زمانی که شما به آنان تمسک و توسّل کنید [و از آنان پیروی نمایید] هرگز گمراه نخواهید شد، و این دو از همدیگر جدا نمی شوند، تا نزد حوض کوثر مرا ملاقات کنند، پس شما بکوشید تا از آنان جدا نشوید، و من در قیامت درباره آنان از شما سؤال خواهم نمود

مؤلف گوید: روایت فوق در کتب شیعه و اهل سنّت فراوان نقل شده است و اگر تواتر لفظی نداشته باشد، قطعاً تواتر معنوی دارد، و احدی در آن تردیدی پیدا نکرده است، بنابراین همه مردم باید بدانند که راه نجات منحصر به استفاده و پیروی از کتاب خدا و اهل بیت و عترت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) می باشد، و راه دیگری برای نجات و سعادت و رسیدن به حقایق و الطاف الهی وجود ندارد ، فاعتبروا یا أولى الألباب .

مع الأسف اکثر مسلمانان دل خوش کرده اند و می گویند : «ما پیرو کتاب خدا هستیم و کتاب خدا برای هدایت و نجات ما بس است» در حالی که اولاً پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) دو چیز را هادی و نجات بخش امت خود دانسته است ، و ثانیاً علوم قرآن نزد عترت و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) می باشد، و بدون تمسک و پیروی از آنان کسی نجات پیدا نمی کند و

۱- توبه/۱۱۹.

۲- امالی صدوق، ص ۶۱۶.

به اسرار و بطون قرآن نمی رسد، بلکه از راه دین منحرف خواهد شد.

آری اگر می گفتند: «ما از عترت و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی می کنیم و به آنان تمسک می جویم» به خواسته پیامبر خود (صلی الله علیه و آله و سلم) می رسیدند، چرا که اهل البیت (علیهم السلام) حامل قرآن و اسرار آن هستند، و تمسک به آنان تمسک به قرآن نیز می باشد، و امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه می فرماید:

«فالراغب عنکم مارق، و اللانزم لکم لا-حق، و المقصیر فی حقکم زاهق، و الحق معکم و فیکم و منکم و إلیکم، و أنتم أهله و معدنه، و میراث النبوه عندکم، و ایاب الخلق إلیکم، و حسابهم علیکم و فصل الخطاب عندکم، و آیات الله لیدیکم و... و یا می فرماید:

من أتاکم نجی، و من لم یأتکم هلك إلى الله تدعون، و علیه تدلون...» و یا می فرماید:

«سعد من والاکم، و هلك من عاداکم، و خاب من جحدکم و ضلّ من فارقکم، و فاز من تمسک بکم، و أمن من لجأ إلیکم، و سلم من صدقکم، و هدی من اعتصم بکم، من أتبعکم فالجنه مأواه، و من خالفکم فالنار مشواه و من جحدکم کافر، و من حاربکم مشرک، و من ردّ علیکم فی أسفل درک من الجحیم و...» و یا می فرماید:

«فمعکم معکم، لا مع غیرکم و...» و یا می فرماید: «من أراد الله بدأ بکم، و من وحده قبل عنکم، و من قصده توجه بکم و...»

امام صادق (علیه السلام) ضمن حدیثی می فرماید:

«أحاديثنا تعطف بعضکم ببعض، فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ضللتهم و هلکتهم، فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعيم». § عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءً لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَ أَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشِدْتُمْ وَ نَجَوْتُمْ وَ إِنْ تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ فَخُذُوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ. (الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ۲ ؛ ص ۱۸۶)

برکات دوستی با آل محمد (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: کسی که ما اهل البیت را دوست بدارد، و محبت ما در قلب او ثابت و محقق شود، چشمه های حکمت از زبان او جاری می شود، و ایمان در قلب او تجدید می -گردد، و

پاداش عمل هفتاد پیامبر و هفتاد صدیق، و هفتاد شهید، و هفتاد عابدی که هفتاد سال عبادت کرده باشند را پیدا می کند. (۱)

بُشرین غالب اسدی گوید: امام حسین (علیه السلام) به من فرمود: ای بُشرین غالب، کسی که ما را فقط برای خدا دوست بدارد، ما در قیامت در کنار او خواهیم بود، و کسی که برای دنیا ما را دوست بدارد، هنگامی که قائم عدل قیام کند، عدالت او شامل خوب و بد خواهد شد. (۲)

امام حسن (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: محبت و مودت ما را از دست ندهید، چرا که هر کس با محبت و مودت ما اهل البیت بمیرد، با شفاعت ما داخل بهشت می شود. سپس فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من به دست قدرت اوست، هیچ بنده ای از عمل خود بهره ای نمی برد، مگر با معرفت به حق ما. (۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرمود: کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد شهید مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد آمرزیده مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد تائب [از گناهان خود] مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد با ایمان کامل مرده است، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، ملک الموت و نکیر و منکر به او بشارت بهشت می دهند، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، مانند عروسی او را به بهشت می برند، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، در قبر او دو درب به بهشت گشوده می شود، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، خداوند قبر او را مزار ملائکه رحمت قرار می دهد، آگاه باشید کسی که با دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، بر اساس سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و جماعت [مسلمین] مرده است، آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، هنگامی که وارد قیامت می شود، بین دو چشم او نوشته شده است: «آیس من رحمه الله»، آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، کافر مرده است،

۱- عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ حَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَتَابِعُ الْحَكْمَةَ عَلَي لِسَانِهِ وَ جُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ وَ جُدَّدَ لَهُ عَمَلٌ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ سَبْعِينَ صِدِّيقًا وَ سَبْعِينَ شَهِيدًا وَ عَمَلُ سَبْعِينَ عَابِدًا عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً. (المحاسن ج ۱؛ ص ۶۱)

۲- عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع قَالَ: قَالَ لِي يَا بَشْرُ بْنُ غَالِبٍ مَنْ أَحَبَّنَا إِلَّا لِلَّهِ جِئْنَا نَحْنُ وَ هُوَ كَهَيَاتَيْنِ وَ قَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ وَ مَنْ أَحَبَّنَا لِمَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَّعَ عِدْلُهُ الْبُرِّ وَ الْفَاجِرِ. (المحاسن؛ ج ۱؛ ص ۶۱ ح ۱۰۴)

۳- عَنْ ابْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ يَوَدُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقَّنَا. (المحاسن؛ ج ۱؛ ص ۶۱ ح ۱۰۵)

آگاه باشید کسی که با دشمنی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی کند. (۱)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۲) می فرماید: به خدا سوگند اگر او توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام بدهد و به محبت و ولایت ما هدایت نشده باشد، و فضل ما را نشناخته باشد، بهره ای از ایمان و عمل صالح خود نخواهد داشت. (۳)

ابوذر (رحمه الله) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۴) فرمود: یعنی آمن بما جاء به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و «عمل صالحا» یعنی أداء الفرائض و «ثم اهتدی» یعنی اهتدی إلى حب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سپس می فرماید: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق پیامبر خود قرار داد، آن سه چیز اول، بدون هدایت به امامت و محبت آل محمد سودی نخواهد داشت. (۵)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۶) فرمود: دشمنی با ما، اعمال آنان را باطل می کند. (۷)

منصور صیقل گوید: من در منا در خیمه امام صادق (علیه السلام) بودم و آن حضرت نگاهی به مردم نمود و فرمود: این مردم [یعنی اهل تسنن] از حرام می خورند و از حرام می پوشند، و با حرام زناشویی می کنند، و شما شیعیان ما، از حلال می پوشید، و با حلال زنا شویی می کنید، از این رو جز شما کسی حاجی نیست، و خداوند عبادت را جز از شما قبول نمی کند. (۸)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «یا علی أنت امیرالمؤمنین...» سپس فرمود: اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند، خداوند او

۱- عن النبی صلی الله علیه (و آله) و سلم حرمت الجنة علی من ظلم أهل بیتی و اذانی فی عترتی، و من اصطنع صنیعه الی احد من ولد عبد المطلب و لم یجازه علیها فانا أجازیه علیها غدا إذا لقینی یوم القیامه. و روی أن الأنصار قالوا: فعلنا و فعلنا، كأنهم افتخروا، فقال عباس أو ابن عباس رضی الله عنهما: لنا الفضل علیکم، فبلغ ذلك رسول الله صلی الله علیه (و آله) و سلم فأتاهم فی مجالسهم فقال: یا معشر الأنصار أ لم تكونوا أذله فأعزکم الله بی! قالوا، بلی یا رسول الله قال: أ لم تكونوا ضلالا فهداکم الله بی؟ قالوا بلی یا رسول الله قال: أ فلا تجیبوننی؟ قالوا: ما تقول یا رسول الله؟ قال: الا تقولون، أ لم یخرجک قومک فأویناک، أ و لم یکذبوک فصدقناک، أ و لم یخذلوک فنصرناک، قال: فما زال یقول حتی جثوا علی الركب و قالوا: أموالنا و ما فی أیدینا لله و لرسوله، فنزلت الآیة. و قال رسول الله صلی الله علیه (و آله) و سلم من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له، الا و من مات علی حب آل محمد مات تائبا، الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکملا الایمان، الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة، ثم منکر و نکیر، الا و من مات علی حب آل محمد یزف الی الجنة کما تزف العروس الی بیت زوجها، الا- و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی

الجنة، الا و من مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمه، الا و من مات على حب آل محمد مات على السنه و الجماعه، الا و من مات على بغض آل محمد جاء يوم القيامه مكتوب بين عينيه آيس من رحمه الله، الا و من مات على بغض آل محمد مات كافرا، الا- و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحه الجنة. - (مجمع الفائده و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان؛ ج ٧، ص: ٥٢٧)

٢- طه/٨٢.

٣- وَ عَنْ عَبْدِ بْنِ كَثِيرٍ مَعْنَاءَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ الْآيَةَ قَالَ وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّهُ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَىٰ وَ لَاتِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ لَمْ يَعْرِفْ فَضْلَنَا مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ ذَلِكَ شَيْئًا. (مستدرک الوسائل ج ١؛ ص ١٦٩)

٤- طه/٨٢.

٥- عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغَضَارِيِّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ الْآيَةَ قَالَ آمَنَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا قَالَ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ ثُمَّ اهْتَدَىٰ إِلَىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ص وَ سَمِعْتُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص يَقُولُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا يَنْفَعُ أَحَدَكُمْ الثَّلَاثَةُ حَتَّىٰ يَأْتِيَ بِالرَّابِعِهِ. (مستدرک الوسائل؛ ج ١؛ ص ١٧٠)

٦- محمد/٣٣.

٧- عَنْ يَزِيدَ بْنِ فَزَقْدِ النَّهْدِيِّ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ إِلَىٰ أَنْ قَالَ وَ عَدَاوَتُنَا تُبْطِلُ أَعْمَالَهُمْ. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ١؛ ص ١٧٠

٨- عَنْ مَنْصُورِ الصَّبِقَلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي فُسْطَاطِهِ بِيَمْنِي فَنَظَرَ إِلَيَّ النَّاسُ فَقَالَ يَا أَكُلُونَ الْحَرَامَ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرَامَ وَ يَنْكِحُونَ الْحَرَامَ وَ تَأْكُلُونَ الْحَلَالَ وَ تَلْبَسُونَ الْحَلَالَ وَ تَنْكِحُونَ الْحَلَالَ لِمَا وَ اللَّهُ مَا يَخْرِجُ غَيْرُكُمْ وَ لِمَا يُتَقَبَلُ إِلَّا مِنْكُمْ. (مستدرک الوسائل ج ١، ص: ١٧١)

را نمی پذیرد، جز با ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو، و ولایت تو پذیرفته نمی شود مگر با برائت و بیزاری از دشمنان تو و دشمنان ائمه از فرزندان تو، و این چیزی است که جبرئیل به من خبر داده است « فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ » (۱) یعنی هر که می خواهد به این معنا ایمان بیاورد، و هر که می خواهد کافر شود. (۲)

محبت اهل البیت - علیهم السلام - و ارفاق ملک الموت

در کتاب بشاره المصطفی از ابی الجارود از امام باقر (علیه السلام) از پدرانش (علیهم السلام) نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من به دست قدرت اوست، هیچ روحی از جسد صاحبش جدا نمی شود، تا این که [اگر مومن باشد] از میوه های بهشتی بخورد و یا [اگر کافر باشد] از درخت زقوم بخورد، و هنگامی که ملک الموت را می بیند مرا نیز خواهد دید و علی و فاطمه و حسن و حسین را نیز خواهد دید، و اگر دوست ما بوده باشد، من به ملک الموت می گویم: ای ملک الموت به او ارفاق کن، چرا که او دوست من و دوست اهل بیت من بوده است، و اگر او دشمن ما بوده باشد، من به ملک الموت می گویم: ای ملک الموت به سختی جان او را بگیر، چرا که او دشمن من و دشمن اهل بیت من بوده است. (۳)

مرحوم شیخ مفید با سند خود از ام سلمه همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی دوستان تو در سه وقت شاد و مسرور می شوند، ۱- هنگامی که جان از بدنشان جدا می شود، و آن وقتی است که تو در کنار آنان حاضر هستی، ۲- هنگام سؤال قبر، که تو در آن وقت حقایق را به آنان تلقین می -نمایی، ۳- هنگام حضور در محضر پروردگار و تو در آن وقت آنان را معرفی می کنی.

مؤلف گوید: مرحوم شیخ حرّ عاملی پس از نقل حدیث فوق گوید: احادیث در این معنا فراوان و بیش از حد تواتر است، و دلالت آن ها بر این معنا قطعی است، همانگونه که مشاهده می کنی و افکار بعضی از متکلمین - که می گویند: جسم نمی تواند در یک آن در چند مکان حاضر شود - پذیرفته نیست.

۱- کشف/۲۹.

۲- عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا قَبَلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ وَإِنْ وُلَايَتِكَ لَمَا تُقْبَلُ إِلَّا بِإِذْنِهِ مِنْ أَعْيَادِكَ وَأَعْيَادِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بِمِثْلِكَ أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ. (مستدرک الوسائل ج ۱؛ ص ۱۷۱).

۳- عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمَا تَفَارَقَ رُوحٌ جَسَدًا صَاحِبِهَا حَتَّى يَأْكُلَ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ شَجَرَةِ الزُّقُومِ وَحِينَ يَرَى مَلَكَ الْمَوْتِ يَرَانِي وَيَرَى عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحَسِيْنًا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّنَا قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ ارْزُقْ بِهِ إِنَّهُ كَانَ يُحِبُّنِي وَيُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُنَا قُلْتُ يَا مَلَكَ الْمَوْتِ شَدِّدْ عَلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي. (بشاره المصطفی لشيعه المرتضى (ط - القديمه)؛ النص؛ ص ۶)

مرحوم قطب راوندی از حضرت جواد (علیه السلام) نقل نموده که فرمود: یکی از اصحاب امام رضا (علیه السلام) مریض شد و آن حضرت او را عیادت نمود و به او فرمود: چگونه است حال تو؟ او گفت: پس از جدا شدن از شما من مرگ را ملاقات کردم - و مقصود او شدت بیماری او بود - امام (علیه السلام) فرمود: چگونه مرگ را ملاقات کردی؟ او گفت: سخت و دردناک بود. امام (علیه السلام) فرمود:

تو مرگ را ملاقات نکرده ای بلکه مقدمات آن را ملاقات کرده ای، سپس فرمود: مردم هنگام مرگ دو گونه هستند: برخی با ملاقات با مرگ [و ملک الموت] راحت می شوند، و برخی مرگ برای آنان سخت است و چون می میرند آسوده می شوند. سپس به او فرمود: اکنون تو ایمان به خدا و ولایت ما را در خود تجدید کن تا راحت شوی. و آن مرد چنین کرد و گفت:

ای فرزند رسول خدا اکنون ملائکه پروردگار با تحیات و تحف حاضر شده اند و بر شما سلام می کنند، و مقابل شما ایستاده اند تا شما به آنان اجازه جلوس بدهید. حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: ای ملائکه پروردگار من، بنشینید. و سپس به آن مریض فرمود:

از آنان سؤال کن، آیا از طرف خداوند مأمور شده اند که در مقابل من بایستند؟ و چون مریض آن سؤال را کرد، ملائکه گفتند: اگر جمیع ملائکه در اینجا حاضر می بودند بدون اجازه شما نمی-نشستند، چرا که خداوند به آنان این گونه امر نموده است.

سپس آن مریض چشمان خود را بست و گفت: السلام علیک یا بن رسول الله، اکنون شما و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه دیگر (علیهم السلام) مقابل من حاضر شده اید، و سپس از دنیا رفت. (۱)

حارث اعور گوید: من در وسط روز و هوای گرم نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) رفتم و آن حضرت به من فرمود: برای چه [در این هوای گرم] نزد من آمده ای؟ گفتم: به خدا سوگند محبت شما مرا واداشت که در این وقت نزد شما بیایم. امیرالمؤمنین فرمود: اگر راست بگویی در سه موقف مرا خواهی دید، ۱- هنگامی که جان تو به این جا می رسد و دست مبارک خود را به گلوی خویش اشاره نمود، ۲- هنگام عبور از صراط، ۳- نزد حوض کوثر. (۲)

اصبغ بن نباته گوید: حارث همدانی [عور] با عده ای از شیعیان وارد بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) شدند و من نیز بین آنان بودم و حارث در آن حال بیمار بود و عصای خود را به زمین می کشید، پس

۱- دَعَوَاتُ الرَّاَوْنَدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَرِضَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَادَهُ فَتَعَالَ كَيْفَ تَجِدُكَ قَالَ لَقِيتُ الْمَوْتَ بَعْدَكَ يُرِيدُ مَا لَقِيَهُ مِنْ شِدَّةِ مَرَضِهِ فَقَالَ كَيْفَ لَقِيتَهُ قَالَ شَدِيداً أَلَيْمًا قَالَ مَا لَقِيتَهُ إِنَّمَا لَقِيتَ مَا يَبْدُوكَ بِهِ وَ يُعَرِّفُكَ بَعْضَ حَالِهِ إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ مُسْتَرِيحٌ بِالمَوْتِ وَ مُسْتَرَاخٌ مِنْهُ فَجِدَّ الْإِيْمَانَ بِاللَّهِ وَ بِالْوَلَايَةِ تَكُنْ مُسْتَرِيحاً فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذِهِ مَلَائِكَةُ رَبِّي بِالتَّحِيَّاتِ وَ التَّحْفِ يَسْأَلُونَ عَيْنَكَ وَ هُمْ قِيَامٌ بَيْنَ يَدَيْكَ فَأَذِنَ لَهُمْ فِي

الْجُلُوسِ فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : اجْلِسُوا مَلَائِكَهَ رَبِّي ثُمَّ قَالَ لِلْمَرِيضِ سَلُّهُمْ أَمْرُوا بِالْقِيَامِ بِحَضْرَتِي فَقَالَ الْمَرِيضُ سَأَلْتُهُمْ فَذَكَرُوا أَنَّهُ لَوْ حَضَرَكَ كُلُّ مَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ لَقَامُوا لَكَ وَ لَمْ يَجْلِسُوا حَتَّى تَأْذَنَ لَهُمْ هَكَذَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ غَمَّضَ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا شَخْصُكَ مَاثِلٌ لِي مَعَ أَشْخَاصِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَ قَضَى الرَّجُلُ . (بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٤٩ ؛ ص ٧٢)

٢- رُوِيَ عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ [أَنَّهُ] قَالَ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ نِصْفَ النَّهَارِ فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ قُلْتُ حُبُّكَ وَ اللَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا لَتَرَانِي فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَيْثُ تَبْلُغُ نَفْسُكَ هَيْدَهُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَنْجَرَتِهِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْحَوْضِ . (الدعوات (للراوندي) عن سلوه الحزين ؛ ص ٢٤٩)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او توجّه نمود - چرا که او نزد آن حضرت منزلتی داشت - تا این که به او فرمود:

چگونه است حال تو ای حارث؟ حارث گفت: یا امیرالمؤمنین روزگار مرا در فشار و سختی و خشم قرار داده، و افزون بر آن اختلاف و خصومتی که بین اصحاب شما می بینم بر خشم من افزوده است، چرا که آنان در باره شما و آن سه نفری که قبل از شما حاکم بوده اند، اختلاف و خصومت دارند، برخی درباره دشمنی با شما غلوّ و زیاده روی می کنند، و برخی معتدل هستند، و برخی در تردید و شک می باشند و نمی دانند کوتاه بیایند و یا حمله کنند؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سخن بس کن ای برادر همدانی و آگاه باش که بهترین شیعیان من آن گروه متوسط هستند [که دور از غلوّ و تقصیر می باشند] و عالی و تالی باید به آنان ملحق شوند. پس حارث عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین پدر و مادرم فدای شما باد، ای کاش زنگار را از قلوب ما برطرف می نمودی و ما را در این امر بصیرت می بخشیدی؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سخن کافست بیش از این مگو، چرا که این امر [یعنی امر خلافت] برای تو مشتبه شده است و بدان که دین خدا را نباید به وسیله موقعیت رجال و شخصیت ها شناخت، بلکه دین خدا با نشانه های حق باید شناخته شود، بنا براین تو باید نخست حق را بشناسی تا اهل آن را بیابی. سپس فرمود:

ای حارث حق نیکوترین سخن است و گوینده حق مجاهد است، و من حق را به تو خبر می دهم بشرط آن که گوش خود را در اختیار من قرار بدهی و سپس آنرا برای افراد عاقل و دانای از اصحاب خود باز گو کنی. تا این که فرمود:

ای حارث آگاه باش که من بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اوّل هستم، و من او را تصدیق کردم زمانی که آدم بین روح و جسد خود بود [و هنوز لباس خلقت نپوشیده بود] و در این دنیا نیز صدیق اوّل این امت من بودم [و من قبل از دیگران نبوت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) را تصدیق کردم] از این رو ما «الأوّلون و الآخرون» هستیم، و ما ای حارث خواصّ این پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) و خالص او هستیم، و من برادر شفیق و وصیّ و ولیّ و صاحب نجوا و سرّ او می باشم، و به من فهم کتاب و فصل الخطاب و علم قرون و اسباب داده شد، و هزار کلید به دست من سپرده شد و از هر کلیدی هزار باب از علم گشوده شد و از هر بابی هزار هزار عهد به دست من آمد، و به وسیله شب قدر من تأیید و تقویت و برگزیده شدم و این فضیلت برای ذریّه [و امامان بعد از من] تا شب و روز باقی است و تا خداوند وارث زمین و اهل آن نشده است باقی خواهد بود. سپس فرمود:

ای حارث، من تو را بشارت می دهم که تو هنگام مرگ و عبور از صراط و نزد حوض کوثر و هنگام مقاسمه [یعنی هنگام تقسیم

بهشت و دوزخ] مرا خواهی شناخت [و من از تو فریاد رسی خواهم نمود] حارث گفت: ای مولای من «مقاسمه» چیست؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مقصودم قسمت کردن دوزخ است و من به دوزخ می گویم:

این ولی و دوست من است او را رها کن ، و این دشمن من است او را بگیر. سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست حارث را گرفت و فرمود: همین گونه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست مرا گرفت و چون من به او از حسد قریش و منافقین شکوه نمودم فرمود:

روز قیامت که می شود، من به جبل الله و عصمت او چنگ می زنم و پناهنده می شوم ، و تو یا علی به دامن من چنگ می زنی و ذریه تو به دامن تو چنگ می زنند و شیعیان شما به دامن ذریه من چنگ می زنند، سپس فرمود: یا علی تو فکر می کنی خداوند در آن وقت با پیامبر خود چه خواهد کرد؟ و پیامبر او با وصی خود چه خواهد نمود؟

سپس فرمود: ای حارث این خلاصه ای از سخن طولانی است، آری ای حارث تو همنشین کسانی خواهی شد که آنان را دوست می داشته ای و نتیجه آنچه کرده ای را خواهی دید. و این دو جمله را سه مرتبه تکرار نمود. پس حارث در حالی که عبای او روی زمین می کشید برخاست و گفت: پس از این سخنان، مرا باکی نیست که من مرگ را ملاقات کنم و یا مرگ مرا ملاقات نماید.

جمیل بن صالح گوید: روایت فوق را ابوهاشم - معروف به سید حمیری - رحمه الله به شعر تبدیل نمود و گفت:

قول علی لحارث عجب کم ثم أعجوبه له حملاً

یا حار همدان من یمت یرنی من مؤمن أو منافق قُبلاً

یعرفنی طوفه و أعرفه بنعته و اسمه و ما عملاً

و أنت عند الصراط معترض (تعرفنی) فلا تخف عثره و لا زللاً

أسقیك من بارد علی ظمياً تخاله فی الحلاوه العسلاً

أقول للنار حین توقف لل عرض: دعیه لا تقربی الرجال

دعیه لا تقریبه إن له حبلاً بحبل الوصی متصلاً (۱)

۱- عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: دَخَلَ الْحَارِثُ الْهَمْدَانِيَّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي نَفَرٍ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ كُنْتُ فِيهِمْ - فَجَعَلَ الْحَارِثُ يَتَأَوَّدُ فِي مَشِيَّتِهِ وَ يَحْبِطُ الْأَرْضَ بِمَحَجَّتِهِ وَ كَانَ مَرِيضاً - فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَتْ لَهُ

مِنْهُ مَنْزِلَهُ فَقَالَ كَيْفَ تَجِدُكَ يَا حَارِثُ فَقَالَ نَالَ الدَّهْرُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنِّي وَ زَادَنِي أَوَارًا وَ غَلِيلاً اخْتِصَامُ أَصِيحَابِكَ بِبَابِكَ قَالَ
 وَ فِيهِمْ خُصُومَتُهُمْ قَالَ فَيْسِكَ وَ فِي الثَّلَاثَةِ مِنْ قَبْلِكَ فَمِنْ مُفْرِطٍ مِنْهُمْ غَالٍ وَ مُقْتَصِدٍ تَالٍ وَ مِنْ مُتَرَدِّدٍ مُرْتَابٍ لَا يَدْرِي أَيْ قَسْدٍ أَمْ
 يُحْجِمُ فَقَالَ: حَسْبُكَ يَا أَخَا هَمْدَانَ أَلَا إِنَّ خَيْرَ شَيْعَتِي النَّمَطُ الْأَوْسَطُ إِلَيْهِمْ يَرْجِعُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يَلْحَقُ النَّالِي - فَقَالَ لَهُ الْحَارِثُ لَوْ
 كَشَفْتَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي الرَّزِينَ عَنْ قُلُوبِنَا وَ جَعَلْتَنَا فِي ذَلِكَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِنَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ كَفَيْتُكَ أَمْرًا مَلْبُوسٌ
 عَلَيْكَ - إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَمَا يُعْرَفُ بِالرَّجَالِ بَلْ بِأَيِّهِ الْحَقُّ فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ - يَا حَارِثُ إِنَّ الْحَقَّ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ الصَّادِعُ بِهِ
 مُجَاهِدٌ وَ بِالْحَقِّ أُخْبِرُكَ فَأَرْعِنِي سَمْعَكَ ثُمَّ خَبِّرْ بِهِ مَنْ كَانَ لَهُ حِصَافَةٌ مِنْ أَصِيحَابِكَ - أَلَا إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ صَدِيقُهُ
 الْأَوَّلُ صَدِيقُهُ وَ آدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ ثُمَّ إِنِّي صَدِيقُهُ الْأَوَّلُ فِي أُمَّتِكُمْ حَقًّا فَنَحْنُ الْأَوَّلُونَ وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ يَا
 حَارِثُ وَ خَالِصَتُهُ وَ أَنَا صِدْقُهُ وَ وَصِيَّتُهُ وَ وَثِيَّتُهُ - وَ صِيحْبُ نَجْوَاهُ وَ سِرُّهُ أَوْتِيَتْ فَهَمَّ الْكِتَابِ - وَ فَضْلُ الْخُطَابِ وَ عِلْمُ الْقُرُونِ وَ
 الْأَسْبَابِ وَ السُّبُودِ أَلْفٌ مِفْتَاحٌ يَفْتَحُ كُلَّ مِفْتَاحٍ أَلْفٌ بَابٌ يُفْضِي كُلُّ بَابٍ إِلَى أَلْفٍ أَلْفٌ عَهْدٌ وَ أُيِّدْتُ وَ أُتِّخِذْتُ وَ أُؤَدِّدُ
 بِلَيْلِهِ الْقَدَرِ نَفْلًا وَ إِنَّ ذَلِكَ يَجْرِي لِي وَ لِمَنْ اسْتَحْفِظَ مِنْ ذُرِّيَّتِي مَا جَرَى اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ حَتَّى يَرِثَ اللَّهُ الْمَارِضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا . وَ
 أَبَشَّرَكَ يَا حَارِثُ لَتَعْرِفُنِي عِنْدَ الْمَمَاتِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْحَوْضِ وَ عِنْدَ الْمُقَاسِمَةِ - قَالَ الْحَارِثُ وَ مَا الْمُقَاسِمَةُ يَا مَوْلَايَ قَالَ
 مُقَاسِمَةُ النَّارِ أَقَاسِمُهَا قِسْمَةٌ صَحِيحَةٌ أَقُولُ هَذَا وَ لِي فَاثْرُكِيهِ وَ هَذَا عَدْوِي فَخُذِيهِ ثُمَّ أَخَذَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِ الْحَارِثِ
 فَقَالَ يَا حَارِثُ أَخَذْتُ بِيَدِكَ كَمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِي فَقَالَ لِي وَ قَدْ شَكَوْتُ إِلَيْهِ حَسَدَ قُرَيْشٍ وَ الْمُنَافِقِينَ
 لِي إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَخَذْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ بِحُجْرَتِهِ يَعْنِي عِصْمَتَهُ مِنْ ذِي الْعَرْشِ تَعَالَى وَ أَخَذْتُ أَنْتَ يَا عَلِيُّ بِحُجْرَتِي وَ أَخَذَ
 ذُرِّيَّتَكَ بِحُجْرَتِكَ وَ أَخَذَ شَيْعَتُكُمْ بِحُجْرَتِكُمْ - فَمَاذَا يَصْنَعُ اللَّهُ بِنَبِيِّهِ وَ مَا يَصْنَعُ نَبِيُّهُ بِوَصِيَّتِهِ خُذْهَا إِلَيْكَ يَا حَارِثُ فَصَبْرَهُ مِنْ
 طَوِيلِهِ نَعَمْ أَنْتَ مَعَ [مَنْ] أَحْبَبْتَ وَ لَمَكَ مَا اكْتَسَبْتَ يَقُولُهَا ثَلَاثًا فَصَامَ الْحَارِثُ يُجِزُّ رِدَاءَهُ وَ هُوَ يَقُولُ مَا أَبَالِي بِعِيدِهَا مَتَى لَقِيتُ
 الْمَوْتَ أَوْ لَقِيتُنِي. قَالَ جَمِيلُ بْنُ صَالِحٍ وَ أَنَشَدَنِي أَبُو هَاشِمٍ السَّيِّدُ الْحَمِيرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِيمَا تَضَمَّنَهُ هَذَا الْخَبْرُ - قَوْلُ عَلِيِّ لِحَارِثِ
 عَجِبَ كَمْ ثُمَّ أَعْجَبَهُ لَهُ حَمَلًا يَا حَارِثُ هَمْدَانُ مِنْ يَمْتِ يَرْنِي مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلًا يَعْرِفُنِي طَرَفَهُ وَ أَعْرَفَهُ بِنَعْتِهِ وَ اسْمَهُ وَ مَا عَمَلًا
 وَ أَنْتَ عِنْدَ الصَّرَاطِ تَعْرِفُنِي فَلَا تَخَفْ عَثْرَهُ وَ لَا زَلَلًا أَسْقِيكَ مِنْ بَارِدٍ عَلَى ظَمَأٍ تَخَالَهُ فِي الْحَلَاوَةِ الْعَسَلَا أَقُولُ لِلنَّارِ حِينَ تَوَقَّفَ
 لِلْعُرْضِ دَعِيهِ لَا تَقْرِبِي الرِّجَالَ دَعِيهِ لَا تَقْرِبِيهِ إِنْ لَهُ حَبْلًا بِحَبْلِ الْوَصِيِّ مُتَصِلًا أَمَالِي شَيْخٍ مُفِيدٍ، ص ٣، بحار الانوار ج ١٧٨/٦.

در قیامت هر جمعیتی را با امام و پیشوای آنان صدا میزنند

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا- وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (۱) فرمود: روز قیامت هر کسی را به اسم امام او صدا می زنند و رسول-خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با قوم خود وارد محشر می شود، و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام-حسین (علیهم السلام) با قوم خود محشور می شوند، و هر کس در زمان هر امامی بوده با آن امام او را صدا می زنند و با او محشور می شود. (۲)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق فرمود: روز قیامت هر کسی را به نام امامی که در عصر او از دنیا رفته صدا می زنند و اگر آن امام او را تأیید و تثبیت کند نامه او را به دست راست او می دهند، و مراد از یمن، اثبات و تأیید امام است ... اگر امام او را انکار کند، نامه او را به دست چپ او می-دهند. (۳)

محمد بن مسلم گوید: امام صادق و یا امام باقر (علیهما السلام) فرمود: هر کسی را در قیامت به اسم آن امامی صدا می زنند که در دنیا به او اقتدا نموده است ... (۴)

بشیردهان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند شما بر دین خدا هستید و سپس آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ...» را تلاوت نمود و فرمود: علی (علیه السلام) امام ماست، و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) امام ماست، و امام های فراوانی روز قیامت می آیند که پیروان خود را لعنت می کنند، و پیروانشان آنان را لعنت می نمایند ... (۵)

جابر گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ...» نازل شد مسلمانان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتند: مگر شما امام همه مسلمانان نیستید؟ فرمود: من رسول خدا هستم و بر همه مردم، و لکن زود است که بعد از من امامانی از اهل بیت من بیایند و بر مردم امامت کنند، و مردم آنان را تکذیب نمایند و در حق آنان ظلم کنند، و شما آگاه باشید که هر کس

۱- اسراء ۷۲/۷۱..

۲- عن الفضیل قال سألت أبا جعفر علیه السلام عن قول الله «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قال: یجىء رسول الله صلی الله علیه وآله فی قومه- و علی فی قومه، و الحسن فی قومه، و الحسين علیهم السلام فی قومه، و کل من مات بین ظهرانی إمام جاء معه . (تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۰۲)

۳- عن أبی بصیر عن أبی عبد الله علیه السلام أنه إذا کان یوم القیامه یدعی کل إمامه الذی مات فی عصره، فإن أثبتہ أعطی کتابه بيمينه، لقوله «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» - فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ - فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ» و اليمين إثبات الإمام لأنه کتاب یقرؤه- إن الله یقول: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ كِتَابِيهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلاقٍ حِسَابِيهِ» إلى آخر الآیه، و الكتاب الإمام، فمن نبذه وراء ظهره کان كما قال «فَبَدُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» و من أنكره کان من أصحاب الشمال- الذین قال الله:

«ما أصحابُ الشمالِ في سُموومٍ وَ حَمِيمٍ - وَ ظِلٌّ مِنْ يَحْمُومٍ» إلى آخر الآيه .(تفسير العياشى ج ٢ ص ٣٠٢)

٤- عن محمد بن مسلم عن أحدهما قال سألته عن قوله: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» قال: من كان يَأتمون به في الدنيا و يؤتى بالشمس و القمر، و يقذفان في جهنم و من يعبدهما .(تفسير عياشى، ج ٢/٣٠٣ .)

٥- عن بشير الدهان عن أبي عبد الله عليه السلام قال أنتم و الله على دين الله ثم تلا «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» ثم قال: على إمامنا و رسول الله صلى الله عليه وآله إمامنا- كم من إمام يجي ء يوم القيمة يلعن أصحابه و يلعنونه- و نحن ذريه محمد و أمنا فاطمه صلوات الله تفسير العياشى، ج ٢، ص: ٣٠٤

آنان را دوست بدارد [و از آنان پیروی کند] او از من و با من خواهد بود و روز قیامت مرا ملاقات می نماید ، و هر کس به آنان ظلم کند و یا در ظلم به آنان کم کند و آنان را تکذیب نماید از من نخواهد بود و با من نمی باشد و من از او بیزار خواهم بود. (۱)

زیارت قبور محمد و آل محمد (علیهم السلام)

مرحوم کلینی در باب زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از ابن ابی نجران نقل نموده که گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: فدای شما شوم پاداش کسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت کند چیست؟ فرمود: پاداش او بهشت است. (۲)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که به زیارت من بیاید، من در قیامت شفیع او خواهم بود. (۳)

امام حسین (علیه السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه داشت: پدرجان پاداش زائر شما چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای فرزند عزیزم، کسی که مرا در زمان حیات و پس از مرگ زیارت کند، و یا پدرت را زیارت کند، و یا برادرت را زیارت کند، و یا تو را زیارت نماید، بر من حق و لازم است که در قیامت او را زیارت نمایم، و از کیفر گناهانش خلاصی بخشم. (۴)

و فرمود: کسی که مکه برود و در مدینه مرا زیارت نکند، من در قیامت به فریاد او نمی رسم و به او جفا می کنم، و کسی که به زیارت من بیاید، شفاعت من برای او واجب می شود. و کسی که شفاعت من برای او واجب شود، بهشت برای او واجب می شود، و کسی که در یکی از دو حرم مدینه و مکه بمیرد، مهاجر الی الله عزوجلّ مرده و در قیامت با شهدای بدر محشور می شود. (۵)

مؤلف گوید: از روایات استفاده می شود که حج بدون ولایت و زیارت پیامبر و امام (علیهم السلام) حج نیست، از این رو زراره گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: مردم مأمور شدند [به حج بروند و]

۱- عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام لما نزلت هذه الآية «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» قال المسلمون يا رسول الله أأنت إمام المسلمين أجمعين قال: فقال: أنا رسول الله إلى الناس أجمعين، و لكن سيكون بعدى أئمة على الناس من الله من أهل بيتي يقومون في الناس فيكذبون و يظلمون، ألا- فمن تولاهم فهو مني و معي و سيلقاني، ألا- و من ظلمهم أو أعان على ظلمهم و كذبهم- فليس مني و لا- معي، و أنا منه بريء و زاد في رواية أخرى مثله يؤخر: و يظلمهم أئمة الكفر و الضلال و أشياعهم. همان- ص ۳۰۴.

۲- عن ابن أبي نجران قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام جعلت فداك ما لمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله متعمداً فقال له الجنة. کافی، ج ۴/۵۴۸ ح ۱.

- ٣- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هَمَان، ح ٣.
- ٤- قَالَ الْحَسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ. هَمَان، ح ٤.
- ٥- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَ لَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ أَتَانِي زَائِرًا وَجِبْتُ لَهُ شَفَاعَتِي وَ مَنْ وَجِبْتُ لَهُ شَفَاعَتِي وَجِبْتُ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ - مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحَاسَبْ وَ مَنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حُسْرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ. هَمَان، ح ٥.

اطراف کعبه طواف کنند و پس از آن نزد ما بیایند و ولایت شان را با ما تجدید کنند و خود را آماده یاری ما نموده باشند. (۱)

عبدالله بن سنان گوید: ذریح محاربی به من گفت: من به امام صادق (علیه السلام) گفتم: خداوند در کتاب خود مرا به چیزی امر نموده و من دوست می دارم که به آن عمل کنم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن چیست؟ گفتم: خداوند می فرماید: «ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ»؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از «لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ» ملاقات با امام است [بعد از حج] و مقصود از «وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ» اعمال و مناسک حج است.

عبدالله بن سنان گوید: پس از آن من خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و گفتم: فدای شما شوم مقصود از «ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ» چیست؟ فرمود: کوتاه کردن شارب و ناخن و امثال این ها است. گفتم: فدای شما شوم ذریح محاربی از شما نقل نموده که فرموده اید: مقصود از «لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ» ملاقات امام است، و مقصود از «وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ» مناسک حج است؟ فرمود: ذریح راست گفته است و تو نیز راست می گویی، قرآن ظاهری دارد و باطنی و چه کسی مانند ذریح تحمل [اسرار] قرآن را دارد؟ § عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فِي كِتَابِهِ بِأَمْرٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَعْمَلَهُ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ قَالَ لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ لِقَاءَ الْإِمَامِ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ تِلْكَ الْمَنَاسِكُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ فَاتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ قَالَ أَخَذَ الشَّارِبَ وَ قَصَّ الْأَظْفَارَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ حَدَّثَنِي عَنْكَ بِأَنَّكَ قُلْتَ لَهُ - لِيُقْضُوا تَفَثُهُمْ لِقَاءَ الْإِمَامِ - وَ لِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ تِلْكَ الْمَنَاسِكُ فَقَالَ صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقْتَ إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ. (کافی، ج ۴/۵۴۹ ح ۴). (۲) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا. (کامل الزیارات؛ النص؛ ص ۱۱)

ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

ابو وهب بصری گوید: در مدینه خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و من به آن حضرت گفتم: فدای شما شوم من شما را زیارت نمودم و لکن قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت نکردم؟ فرمود: چه بد کاری کرده ای و اگر تو از شیعیان ما نبودی من به تو نگاه نمی کردم، آیا زیارت نمی کنی کسی را که خدا و ملائکه و پیامبران و مؤمنین او را زیارت می کنند؟! گفتم: فدای شما شوم، این را نمی

۱- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْيَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْزِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ هَمَان، ص ۵۴۹ ح ۱.

۲- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی من را و یا یکی از ذریه من را زیارت کند، من روز قیامت او را زیارت خواهم نمود و از وحشت های آن روز او را نجات خواهم داد.

دانستم. فرمود: پس بدان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزد خداوند از همه ائمه افضل است، و ثواب اعمال ائمه (علیهم السلام) برای اوست، و آنان به اندازه اعمالشان فضیلت دارند. § عَنْ أَبِي وَهَبِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَتَيْتُكَ وَ لَمْ أَرُ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ بِنَسِّ مَا صَنَعْتَ لَوْ لَا أَنَّكَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ أَلَمْ تَزُورْ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ [وَ يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ] قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ قَالَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فَضُلُوا .

(کامل الزیارات ص ۳۸) (۱) هود/۴۴. (۲) الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِنِّي أَشْتَأُقُ إِلَى الْغُرِيِّ قَالَ فَمَا شَوْقُكَ إِلَيْهِ قُلْتُ لَهُ إِنِّي أَحِبُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَحِبُّ أَنْ أَزُورَهُ قَالَ فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ قُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - فَعَرَّفَنِي ذَلِكَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرٌ عِظَامِ آدَمَ وَ يَدَنِ نُوحٍ وَ جِسْمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ إِنَّ آدَمَ هَبِطَ بِسِرِّ رَنْدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَ زَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكُوفَةِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ فِي السَّفِينَةِ :

أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا فَطَافَ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتًا فِيهِ عِظَامُ آدَمَ فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ بِالْبَيْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطُوفَ - ثُمَّ وَرَدَ إِلَى بَابِ الْكُوفَةِ فِي وَسْطِ مَسْجِدِهَا فَبَيَّهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ ابْلَعِي مَاءَ كِ فَبَلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْ مَسْجِدِهَا وَ تَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِي كَانَ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ - فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْغُرِيِّ وَ هُوَ قِطْعُهُ مِنَ الْجَبَلِ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مُوسَى تَكْلِيمًا وَ قَدَسَ عَلَيْهِ عَيْسَى تَقْسِدِسًا وَ اتَّخَذَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ اتَّخَذَ عَلَيْهِ مُحَمَّدًا حَبِيبًا وَ جَعَلَهُ لِلنَّبِيِّينَ مَسْكِنًا وَ اللَّهُ مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ بَعْدَ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ - آدَمَ وَ نُوحَ أَكْرَمَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا أَرَدْتَ حَيَابَ النَّجْفِ فَزُرْ عِظَامَ آدَمَ وَ يَدَنِ نُوحٍ وَ جِسْمَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّكَ زَائِرٌ الْأَبَاءَ الْأَوْلِيَّينَ وَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ فَإِنَّ زَائِرَهُ تُفْتَحُ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ عِنْدَ دَعْوَتِهِ فَلَا تَكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَامًا . (كامل الزیارات، ص ۳۸)

۱- مفضل گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من مشتاق زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف هستم. فرمود: چه قدر علاقه به زیارت او داری؟ گفتم: دوست می دارم امیرالمؤمنین (علیه السلام) را زیارت کنم. فرمود: آیا فضیلت زیارت او را می دانی؟ گفتم: نمی دانم، شما مرا آگاه کنید. فرمود: هنگامی که می خواهی به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بروی بدان که تو زائر استخوان های آدم و بدن نوح و بدن امیرالمؤمنین (علیهم السلام) هستی. گفتم: آدم در سرانندیب [جزیره ای در بحر هند] و مطلع الشمس هبوط نمود و مردم می گویند استخوان های او در بیت الله الحرام است، و چگونه می-شود در کوفه [یعنی نجف] باشند؟ فرمود: خداوند تبارک و تعالی در کشتی به نوح (علیه السلام) وحی نمود که هفت مرتبه طواف کعبه کند، و او طواف نمود و سپس از کشتی پائین آمد و آب تا زانوی او بود و تابوتی را بیرون آورد که در آن استخوان های آدم بود و آن تابوت را داخل کشتی نمود و آنچه خدا می خواست طواف کعبه نمود و سپس با کشتی، وارد مسجد کوفه شد، و در آنجا خداوند فرمود: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَ كِ وَ يَا سَمَاءُ أَفْلِعِي»

۲- و زمین آب را در مسجد کوفه بلعید، همانگونه که از آنجا شروع شده بود، و کسانی که در کشتی بودند متفرق شدند و

حضرت نوح آن صندوق را در نجف دفن نمود، و آن قطعه ای از کوه بود که خداوند در آن محل با موسی سخن گفته بود، و عیسی را بر روی آن تقدیس نموده بود، و ابراهیم را خلیل خود قرار داده بود، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را حبیب خود نموده بود، و آن را مسکن پیامبران گردانیده بود و به خدا سوگند احدی بعد از آدم و نوح بهتر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن دفن نشده است، و اگر تو آن محل را زیارت کنی پیامبران گذشته و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم پیامبران و علی (علیه السلام) سید اوصیاء را زیارت کرده ای، و برای دعای زائر امیرالمؤمنین (علیه السلام) درهای آسمان گشوده می شود، پس مواظب باش از چنین خیری غافل نباشی.

ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا

صاحب کتاب کامل الزیارات از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که می فرماید: کسی که قبر امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا زیارت کند و عارف به حق او باشد [یعنی او را امام و حجت خدا و واجب الإطاعه بداند] مانند کسی خواهد بود که خدای متعال را در عرش او زیارت کرده باشد. (۱)

و در روایت دیگری فرمود: «وجبت له الجنة» یعنی بهشت برای او واجب می شود. (۲)

و در روایت دیگری فرمود: «له من الثواب ثواب مائة الف شهيد مثل شهداء بدر» (۳) یعنی پاداش او مانند پاداش یکصد هزار شهید از شهدای بدر است.

ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عرفه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که روز عرفه [قبر] امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند و عارف به حق او باشد خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره مقبوله را می نویسد. (۴)

رفاعه گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و آن حضرت به من فرمود: ای رفاعه! امسال حج نرفتی؟ عرض کردم: مالی نداشتم که به حج بروم و لکن روز عرفه کنار قبر امام حسین (علیه السلام) بودم. امام (علیه السلام) فرمود:

ای رفاعه تو کمتر از کسانی نبوده ای که در منا بوده اند، و اگر من نمی ترسیدم که مردم حج را رها کنند، برای تو حدیثی می گفتم که هرگز زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترک نکنی. سپس فرمود: پدرم به من خبر داد و فرمود: کسی که به طرف قبر امام حسین (علیه السلام) حرکت کند و عارف به حق او باشد و اهل کبر و تکبر نباشد یکهزار ملک در طرف راست او حرکت می کنند، و یکهزار ملک در طرف چپ او و خداوند برای او هزار حج و هزار عمره- با پیامبر و یا وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)- می نویسد. (۵)

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عَرَشِهِ. تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)؛ ج ۶؛ ص ۵۱

۲- همان، ص ۵۲.

۳- همان.

۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجٍّ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ.. (وسائل الشيعة آل البيت، ج ۱۴/۴۶۳ .)

۵- عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا رِفَاعَةُ - مَا حَجَجْتَ الْعَامَ قُلْتُ مَا كَانَ عِنْدِي مَا أُحُجُّ بِهِ وَ لَكِنِّي

عَرَفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي يَا رِفَاعَةُ مَا قَصَيْتِ عَمَّا كَانَ فِيهِ أَهْلُ مِنِّي - لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَدَعَ النَّاسُ الْحَجَّ
لِحَدَّثِكَ بِحَدِيثٍ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبَدًا ثُمَّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي أَنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَارِفًا
بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ صَحِبَهُ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَمِينِهِ وَ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَسَارِهِ وَ كُتِبَ لَهُ أَلْفُ حَجَّهِ وَ أَلْفُ عُمْرِهِ مَعَ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ.

همان، ٤٦٤.

داوود رقی گوید: از امام صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که روز عرفه نزد قبر امام حسین (علیه السلام) بیاید، خداوند او را خشنود و صورت او را شاد و خرم می نماید. (۱)

عبدالله بن مسکان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند متعال قبل از زوّار عرفه به زوّار قبر امام حسین (علیه السلام) توجه و نظر رحمت می نماید، و حوائج آنان را برآورده می کند و گناهانشان را می بخشد... و سپس توجه به اهل عرفات می نماید و حوائج آنان را برآورده و گناهانشان را می آمرزد. (۲)

زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه رجب و شعبان

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی در روز اول رجب، امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند خداوند قطعاً او را می آمرزد. (۳)

ابونصر بزنطی گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: شما در چه ماهی امام حسین (علیه السلام) را زیارت می کنید؟ فرمود: روز نیمه رجب و نیمه شعبان. (۴)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که در نیمه شعبان قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد، و کسی که او را در روز عرفه زیارت کند، خداوند هزار حج و هزار عمره مقبوله برای او می نویسد، و کسی که او را در روز عاشورا زیارت کند، مانند آن است که خداوند او را در فوق عرش زیارت کرده باشد. (۵)

ابوحمره ثمالی گوید: امام سجّاد علیه السلام به من فرمود: کسی که دوست می دارد یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند، باید امام حسین (علیه السلام) را در شب نیمه شعبان زیارت کند، چرا که در آن شب ملائکه و پیامبران اذن زیارت او را می گیرند و خداوند به آنان اذن می دهد، و خوشا به حال کسی که با آنان مصافحه کند و آنان با او مصافحه نمایند. **§** عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُصَافِحَهُ مِائَةُ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرُونَ أَلْفَ نَبِيٍّ فَلْيُزِرِ الْحُسَيْنَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ - فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ يَسْتَأْذِنُونَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَيُؤْذِنُ لَهُمْ فَطُوبَى لِمَنْ صَافِحَهُمْ وَ صَافِحُوهُ .

(وسائل الشیعه ؛ ج ۱۴ ؛ ص ۴۷۰)

۱- سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَقُولُونَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَعَرَفَهُ قَلْبَهُ اللَّهُ تَلَجَ الْوَجْهِ وَ سَأَلَ ج ۱۴/۴۶۴

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَدِّكَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَتَجَلَّى لِزُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَبْلَ أَهْلِ عَرَقاتٍ (فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ) وَ يَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَ يَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ يَسْفَعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ يَثْنِي بِأَهْلِ عَرَقاتٍ يَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ.

(وسائل ج ۱۴ / ۴۶۵)

٣- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبُتَّةَ. (وسائل الشيعة ؛ ج ١٤ ؛ ص ٤٦٥)

٤- أَبِي نَصِيرٍ الْبَزْظِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَيِّ شَهْرٍ نَزَوُورُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي النُّصْفِ مِنْ رَجَبٍ وَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ. هَمَانَ.

٥- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ - وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ [فِي] عَرْشِهِ. (كامل الزيارات ص ١٧٤)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: روز اول شعبان منادی خداوند از زیر عرش ندا می کند: ای میهمانان حسین، زیارت امام حسین (علیه السلام) را در شب نیمه شعبان از دست ندهید، و اگر ثواب و فضیلت این شب را می دانستید، سال برای شما به انتظار نیمه شعبان طولانی می شد. **عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ نَادَى مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَا وَفَدَ الْحُسَيْنِ لَأَ تَخْلُوا لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ تَعَلَّمُونَ مَا فِيهَا لَطَأْتُمْ عَلَيْكُمْ السَّنَةَ حَتَّى يَجِيءَ النُّصْفُ.** (وسائل، ج ۱۴/۴۷۰) (۱) **سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ مِنَ الثَّوَابِ فَقَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ يُرِيدُ بِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا عِنْدَهُ لَا مَا عِنْدَ النَّاسِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ ذُنُوبَهُ وَ لَمْوَأَنَّهَا بَعِيدٌ شِعْرٌ مِعْرَى كَلْبٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَ هُوَ فِي حَيْدٍ مِنْ زَارَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ. (وسائل الشيعه؛ ج ۱۴؛ ص ۴۷۱) (۲) - عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ - كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ. همان.**

زیارت امام حسین (علیه السلام) در ماه رمضان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که شب قدر می رسد و همه مقدرات سال در آن تعیین می گردد، منادی خداوند در آن شب از وسط عرش ندا می کند: خداوند کسانی که در این شب به زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده اند را بخشید. (۳)

به امام صادق (علیه السلام) گفته شد: آیا برای زیارت امام حسین (علیه السلام) وقت فضیلتی هست؟ و امام علیه السلام فرمود: شما امام حسین (علیه السلام) را در هر وقتی و هر زمانی می توانید زیارت کنید، چرا که زیارت او بهترین عمل است، و هر کس هر چه بیشتر انجام بدهد خیر بیشتری به دست آورده است، و هر کس کمتر او را زیارت کند خیر کمتری به دست آورده است، و شما بکوشید تا در اوقات شریفه ای او را زیارت کنید که ملائکه به زیارت او می آیند ... (۴)

۱- و از آن حضرت سؤال شد: ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) در نیمه شعبان چیست؟ و امام (علیه السلام) فرمود: کسی که در نیمه شعبان برای خدا به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود، خداوند گناهان او را در شب نیمه آن ماه می بخشد، گرچه به عدد موهای بزهای کلب باشد تا این که فرمود: ثواب این زیارت به اندازه ثواب کسی است که خدا را در عرش زیارت کند.

۲- و در سخن دیگری فرمود: خداوند برای او پاداش یکهزار حج را می نویسد.

۳- **عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ نَادَى مُنَادٍ تِلْكَ اللَّيْلَةَ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ. همان، ص ۴۷۲.**

۴- **عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقِيلَ لَهُ هَلْ فِي ذَلِكَ وَقْتٌ أَفْضَلُ مِنْ وَقْتِ فَقَالَ زُورُوهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ فِي كُلِّ حِينٍ فَإِنَّ زِيَارَتَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرٌ مَوْضُوعٍ فَمَنْ أَكْثَرَ مِنْهَا فَقَدْ اسْتَكْتَرِ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَنْ قَلَّ قَلَّ لَهُ وَ تَحَرَّوْا بِزِيَارَتِكُمُ الْأَوْقَاتِ الشَّرِيفَةَ فَإِنَّ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ فِيهَا مُضَاعَفَةٌ وَ هِيَ أَوْقَاتٌ مَهِيْطُ الْمَلَائِكَةِ لِزِيَارَتِهِ قَالَ فَسُئِلَ**

عَنْ زِيَارَتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ مَنْ جَاءَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاشِعًا مُحْتَسِبًا مُسْتَقِيمًا مُسْتَغْفِرًا فَشَهِدَ قَبْرَهُ فِي إِحْدَى ثَلَاثِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ - أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ الشَّهْرِ وَ لَيْلِهِ النَّصِيفِ وَ آخِرِ لَيْلِهِ مِنْهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ وَ خَطَايَاهُ الْحَدِيثُ وَ فِيهِ ثَوَابٌ جَزِيلٌ. هَمَّانُ،
ص ٤٧٣.

زیارت امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا

و فرمود: کسی که امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا زیارت کند، بهشت برای او واجب می‌شود. (۱)

و فرمود: کسی که شب عاشورا در کربلا بماند، خدا را در قیامت ملاقات می‌کند در حالی که آغشته به خون خود می‌باشد، و مانند کسی خواهد بود که در کربلا با امام حسین (علیه السلام) شهید شده باشد. (۲)

عنايات آل محمد (عليهم السلام) به شیعیان

عنايات آل محمد (عليهم السلام) اقتضا می‌کند، که شیعیان و دوستان آنان نیز به مقتضای « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » (۳) ارتباط خود را با آنان قوی تر و نزدیک تر گردانند، از این رو لازم است بخشی از عنايات و احسان ها و دفاعیات و نصایح آن بزرگواران را به شیعیان خود یادآوری کنیم تا محبت و ارتباط ما نسبت به آنان قوی تر شود و بدانیم که آنان از هر پدر و مادر مهربانی برای ما مهربان تر می‌باشند چرا که پدران و مادران اکثراً در مسائل مربوط به دنیا و امور جسمانی ما، از ما دفاع و خیرخواهی می‌کنند و با این وصف خداوند احسان به آنان را بر ما واجب نموده است.

ولکن اولیای دین ما خود را به انواع گرفتاری ها مبتلا نمودند تا شیعیان نشان نجات پیدا کنند و دنیا و آخرتشان اصلاح شود، برای نمونه در روایات آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گناهان امت خود را به عهده گرفت تا آنان گرفتار دوزخ نشوند و یا فرمود:

«ادخرت شفاعتی لأهل الكبائر من امتی» (۴) و یا در روایات آمده که فرمود: «أنتی أشفع یوم القیامه فاشفع، و یشفع علی فیشفع و یشفع أهل بیتی فیشفعون...» (۵) یعنی من شفاعت خود را برای اهل کبائر از امت خود ذخیره نمودم. و یا فرمود: در قیامت من از امت خود شفاعت می‌کنم و خداوند شفاعت من را می‌پذیرد، و علی (علیه السلام) نیز از آنان شفاعت می‌کند و خداوند شفاعت او را می‌پذیرد، و اهل بیت من نیز

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. همان، ص ۴۷۶.

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَاتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ - لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَطَّخًا بِدَمِهِ كَأَنَّمَا قُتِلَ مَعَهُ فِي عَرَصِهِ كَرْبَلَاءَ. (وسائل، ج ۱۴/۴۷۷).

۳- الرحمن / ۶۰.

۴- بحار، ج ۸/۳۰.

۵- بحار، ج ۸/۳۰.

شفاعت می کنند و از آنان پذیرفته می شود. و یا فرمود:

هر پیامبری یک دعای مستجاب دارد و پیامبران دیگر دعای مستجاب خود را انجام دادند و خواسته خود را گرفتند، و من دعای مستجاب خود را برای نجات امت خود در قیامت ذخیره کرده ام. (۱) و ائمه نیز همین گونه خواهند بود.

و در روایات آمده که حضرت زهرا (علیها السلام) در قیامت داخل بهشت نمی شود تا دوستان و شیعیان خود را با خود به بهشت ببرد، و امام حسن (علیه السلام) نیز برای جلوگیری از ریخته شدن خون شیعیان خود، با معاویه صلح نمود. (۲)

امام حسین (علیه السلام) نیز برای حفظ دین خدا به آن مصائب بزرگ تن داد و برای دشمن خود نیز خیرخواهی نمود و آنان را فراوان نصیحت نمود تا بلکه گرفتار عذاب الهی نشوند، و هر کدام از ائمه دیگر نیز چنین بودند چنان که امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فراوان شیعیان خود را نصیحت نمودند و وعده نجات و شفاعت به آنان دادند، و مشفقانه از آنان می خواستند تا اهل ورع و تقوا باشند و رعایت حدود دین خود را بکنند تا گرفتار عذاب آخرت نشوند.

امام صادق (علیه السلام) به آنان می فرمود: هنگامی که شفاعت به دست ما برسد شما سزاوارترید که ما از شما شفاعت کنیم و سپس می فرمود: «ولکنی والله أتخوف علیکم من البرزخ» یعنی، ولیکن به خدا سوگند من برای شما از برزخ می ترسم. سؤال شد: برزخ چیست؟ فرمود: بین مردن تا قیامت است. و یا می فرمود:

شما شیعیان آبروی ما اهل البیت را حفظ کنید، و سبب سرافکنندگی ما نشوید، چرا که اگر یکی از شما اهل صدق و درستی و امانت و کوشش در عبادت باشد مردم می گویند: این شیعه جعفر است، و این سبب مسرت و شادی ما خواهد بود، و اگر بر خلاف آن باشد باز می گویند: این شیعه جعفر است، و این سبب عار و سرافکنندگی ما می شود.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام - به نام شقرانی - از آن حضرت درخواست نمود که هدیه منصور را برای او بگیرد و به او بدهد و آن حضرت هدیه منصور را گرفت و به او داد و فرمود: «الحسن من کلّ أحدٍ حسن و منک أحسن، و القبیح من کلّ أحدٍ قبیح و منک أقبیح لمکا نک منّا» (۳)

۱- مجمع البیان، ج ۱/۲۰۱.

۲- شرح کافی ملا صالح، ج ۱۱، ص ۳۱۹.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۳/۳۶۲.

ابوالمقدام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: من با پدرم کنار قبر پیامبر بین قبر و منبر به عده ای از شیعیان برخورد نمودیم و پدرم به آنان سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند من شما را دوست می دارم و از بوی شما و ارواح شما مسرور می شوم، پس شما با ورع و تقوا و اجتهاد در عبادت خدا، به ما کمک بدهید، و بدانید که ولایت ما برای شما حاصل نمی شود مگر با ورع و تقوا و اجتهاد و کوشش در عبادت.

سپس فرمود: هر کدام از شما به بنده ای از بندگان خدا اقتدا نمود، باید مانند او عمل کند تا این که فرمود: شما «شیعه الله» و «انصارالله» و سابقون اول و سابقون آخر هستید، و شما سابقون در دنیا و سابقون در آخرت می باشید، و ما با ضمانت خداوند عزوجل و ضمانت رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) بهشت را برای شما ضمانت کرده ایم، و به خدا سوگند در بهشت بهتر از شما نیست، پس بکوشید تا به درجات عالی بهشت برسید، همانا مردان شما طیّون اند و زن های شما طیّبات می باشند، و هر مؤمنی از شما صدیق است.

سپس فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) به غلام خود قبر فرمود: ای قبر من تو را بشارت می دهم و تو این بشارت را به شیعیان ما بده و بگو: علی (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت و بر امت خود خشم نموده بود مگر بر شیعیان ما.

تا این که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر چیزی را عزّتی است و عزّت اسلام شیعه است و ... (۱)

از سویی ائمه (علیهم السلام) فراوان به شیعیان خود وعده بهشت داده اند و فرموده اند: «فاصله شما تا بهشت جز رسیدن جان به گلوی شما نیست» چنان که امام صادق به زید- معروف به اباسامه- فرمود: چند سال از عمر تو گذشته است؟ اباسامه گوید: گفتم: این مقدار سال فرمود: ای اباسامه عبادت خدا را در خود تجدید کن و مجدداً توبه کن. اباسامه گوید: با شنیدن این سخن، من گریان شدم، و امام (علیه السلام) فرمود: برای چه گریه می کنی؟ گفتم: از مرگ خود آگاه شدم. فرمود: ای اباسامه شاد باش تو از شیعیان ما هستی و در بهشت خواهی بود. (۲)

امام صادق (علیه السلام) نیز به یکی از اصحاب خود فرمود: به خدا سوگند خداوند فقط اعمال شما شیعیان را می پذیرد، و شما را می آموزد، و بین یکی از شما و رسیدن به شادی و مسرت و بهشت فاصله

۱- عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ خَرَجْتُ أَنَا وَ أَبِي حَتَّى إِذَا كُنَّا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ إِذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنَ الشَّيْعَةِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَأُحِبُّ رِيَاحِكُمْ وَ أَرْوَاحَكُمْ فَأَعِينُونِي عَلَى ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَ لَائِنَّا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْجِهَادِ وَ مَنْ أَيْتَمَّ مِنْكُمْ بَعْدِي فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ أَنْتُمْ شَيْعَةُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ وَ السَّابِقُونَ الْآخِرُونَ وَ السَّابِقُونَ فِي الدُّنْيَا وَ السَّابِقُونَ فِي الْآخِرَةِ إِلَى الْجَنَّةِ قَدْ ضَمْنَا لَكُمْ الْجَنَّةَ بِضَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ضَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اللَّهُ مَا عَلَى دَرَجَةِ الْجَنَّةِ أَكْثَرَ أَرْوَاحًا مِنْكُمْ فَتَنَافَسُوا فِي فَضَائِلِ الدَّرَجَاتِ أَنْتُمْ الطَّيِّبُونَ وَ نَسَاؤُكُمْ الطَّيِّبَاتُ كُلُّ مُؤْمِنَةٍ حَوْرَاءٍ عَيْنَاءٍ وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ صِدِّيقٌ وَ لَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ- لِقَبْرِ يَا قَبْرُ أَتَيْتَنِي وَ بَشَرٌ وَ اسْتَبَشِرْتَنِي فَوَ

اللَّهِ لَقَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ عَلَى أُمَّتِهِ سَاخِطٌ إِلَّا الشَّيْعَةَ . أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِزًّا وَ عِزُّ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَ
 إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةً وَ دِعَامَةُ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا وَ شَرَفُ
 الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَ سَيِّدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسُ الشَّيْعَةِ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِمَامًا وَ إِمَامُ الْأَرْضِ أَرْضُ تَسْكُنُهَا
 الشَّيْعَةُ وَ اللَّهُ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ مَا رَأَيْتَ بَعِينَ عَشْرًا أَيْدِيًا وَ اللَّهُ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ خِلَافِكُمْ وَ لَا
 أَصَابُوا الطَّيِّبَاتِ مَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ لَا لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ كُلُّ نَاصِبٍ وَ إِنَّ تَعَبَدَ وَ اجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْأَيَّةِ - عَامِلُهُ
 نَاصِبُهُ تَصِلِي نَارًا حَامِيَةً فَكُلُّ نَاصِبٍ مُجْتَهِدٍ فَعَمَلُهُ هَبَاءٌ شَيِّعَتَنَا يَنْطِقُونَ بِنُورِ اللَّهِ عِزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ يُخَالِفُهُمْ يَنْطِقُونَ بِتَفْلَتٍ وَ اللَّهُ مَا
 مِنْ عَزِيدٍ مِنْ شَيِّعَتِنَا يَنَامُ إِلَّا أَصْبَحَ عَدَا اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ رُوحَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَيَبْرِكُ عَلَيْهَا فَإِنْ كَانَ قَدْ أَتَى عَلَيْهَا أَجْلُهَا جَعَلَهَا فِي كُنُوزِ
 رَحْمَتِهِ وَ فِي رِيَاضِ جَنَّةٍ وَ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ وَ إِنْ كَانَ أَجْلُهَا مُتَأَخَّرًا بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمَنَتِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِيُرُدُّوَهَا إِلَى الْجَسَدِ الَّذِي خَرَجَتْ
 مِنْهُ لِتَشِيكُنَ فِيهِ وَ اللَّهُ إِنْ حَاجَّكُمْ وَ عَمَّارَكُمْ لَخَاصُّهُ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ فُقِرَاءَكُمْ لَأَهْلُ الْغِنَى وَ إِنْ أَعْتِيَائَكُمْ لَأَهْلُ الْقِنَاعَةِ وَ إِنَّكُمْ
 كُلُّكُمْ لَأَهْلُ دَعْوَتِهِ وَ أَهْلُ إِجَابَتِهِ . (الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٨ ؛ ص ٢١٢)

٢- عَنْ أَبِي أُسَامَةَ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا زَيْدُ، كَمْ أَتَى عَلَيْكَ مِنْ سَيِّئَةٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَذَا وَ كَذَا سَنَةً.
 فَقَالَ: يَا أَبَا أُسَامَةَ، جَدُّ عِبَادَةِ رَبِّكَ، وَ أَحَدِثْ تَوْبَةً. فَبَكَيْتُ. قَالَ: مَا يُبْكِيكَ يَا زَيْدُ؟ قُلْتُ: نَعَيْتُ إِلَى نَفْسِي. فَقَالَ: يَا زَيْدُ، أَبَشِّرْ
 فَإِنَّكَ مِنْ شَيِّعَتِنَا، وَ أَنْتَ فِي الْجَنَّةِ - . (دلائل الامامة طبري شيعي، ص ٢٨١، بصائر الدرجات، ج ٨/٢٨٤، مناقب ابن شهر آشوب،
 ج ٤/٢٢٣.)

ای نیست مگر رسیدن جان به گلو. سپس فرمود:

در چنین حالی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) و جبرئیل و ملک الموت حاضر می شوند، و علی (علیه السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید: یا رسول الله، او ما اهل بیت را دوست می داشت، پس شما نیز به او محبت کنید، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جبرئیل می فرماید:

ای جبرئیل او خدا و رسول و اهل بیت رسول خدا را دوست می داشته است و تو نیز به او محبت کن، و جبرئیل به ملک الموت می گوید: او خدا و رسول و اهل بیت او را دوست می داشته است، پس تو او را دوست بدار و به او ارفاق کن، پس ملک الموت به او نزدیک می شود و می گوید:

ای بنده خدا تو خود را از آتش دوزخ آزاد کردی، و برائت از دوزخ را گرفتی، و در دنیا به عصمت کبرا تمسک نمودی؟ پس خداوند به او توفیق می دهد و او می گوید: آری. و ملک الموت می گوید: آیا تو می دانی عصمت کبرا چیست؟ و او می گوید:

عصمت کبرا ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است. پس ملک الموت به او می گوید: راست گفتی و خداوند تو را از آنچه می ترسیدی در امان قرار داد، و به آنچه امیدوار بودی رسیدی، پس شاد باش که همنشین سلف صالح - یعنی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی و فاطمه (علیهما السلام) خواهی بود. و سپس جان او را به آسانی می گیرد، و کفن و حنوط - معطر به مشک و اذفر بهشتی - می آید و او را [پس از غسل] با حنوط و کفن بهشتی کفن می کنند و حله زردی از حله های بهشتی [به جای سر تا سری] به او می پوشانند، و چون او را در قبر می گذارند دری از درهای بهشت به روی او باز می شود، و نسیم بهشتی به قبر او گشوده می گردد، و به او گفته می شود: مانند عروس، در بستر خود بخواب و ... (۱).

و از عنایات اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان این است که آن بزرگواران برای پاکی و تطهیر شیعیان خود از حق خویش گذشتند تا فرزندان شیعیانشان از حرام ارتزاق نکنند و حرامزاده نباشند چنان که در روایت محمد بن مسلم از امام باقر و یا امام صادق (علیهما السلام) نقل شده که فرمود: سخت ترین چیزی که مردم در قیامت مبتلای آن هستند این است که صاحبان خمس پیاخیزند و گویند:

«یا ربّ خمسی» یعنی خدایا انتقام مرا از کسانی که سهم خمس مرا خوردند و به من نداده اند بگیر» سپس فرمود:

۱- عَرْنُ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مِنْكُمْ وَاللَّهِ يُقْبَلُ وَ لَكُمْ وَاللَّهِ يُعْفَرُ إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يَغْتَبِطَ وَ يَرَى الشُّرُورَ وَ قَرَّةَ الْعَيْنِ إِلَّا أَنْ تَبْلَخَ نَفْسُهُ هَاهُنَا وَ أَوْمِئاً بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ وَ اخْتَضِرَ حَضْرَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَبْرَائِيلَ وَ مَلَكُ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَدْنُو مِنْهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَذَا كَانَ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَهْلَ

بَيْتِ رَسُولِهِ فَأَجَبَهُ وَيَقُولُ جِبْرِئِيلُ لِمَلَكِكَ الْمَوْتِ إِنَّ هَذَا كَانَ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَهْلَ بَيْتِ رَسُولِهِ فَأَجَبَهُ وَارْتَفَقَ بِهِ فَيَدْنُو مِنْهُ
مَلَكُ الْمَوْتِ يَقُولُ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَخَذْتَ فَكَأَكَّ رَقَبَتِكَ أَخَذْتَ أَمَانَ بَرَاءَتِكَ تَمَسَّكَتَ بِالْعِصْمَةِ الْكُبْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ :
فَيُؤَفِّقُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَقُولُ نَعَمْ فَيَقُولُ وَمَا ذَلِكَ فَيَقُولُ وَلِمَايَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ صَدَقْتَ أَمَّا الَّذِي كُنْتَ
تَحَذَرُهُ فَقَدْ آمَنَكَ اللَّهُ مِنْهُ وَأَمَّا الَّذِي كُنْتَ تَرْجُوهُ فَقَدْ أَذْرَكْتَهُ أَبْشُرْ بِالسَّلَفِ الصَّالِحِ مُرَافَقِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيِّ
وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ثُمَّ يَسْأَلُ نَفْسَهُ سَيْئلاً رَفِيقاً ثُمَّ يَنْزِلُ بِكَفَنِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ حُنُوطِهِ مِنَ الْجَنَّةِ بِمِسْكِكَ أَذْفَرَ فَيُكْفَنُ بِذَلِكَ الْكَفَنِ وَ
يُحْنَطُ بِذَلِكَ الْحُنُوطِ ثُمَّ يُكْسَى حُلَّهُ صَفْرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ فَإِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ فُتِّحَ لَهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مِنْ رَوْحِهَا
وَ رِيحَانِهَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ عَنْ أَمَامِهِ مَسِيرَهُ شَهْرٍ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمْ نَوْمَةَ الْعَرُوسِ عَلَى فِرَاشِهَا أَبْشُرْ بِرُوحِ وَ رِيحَانِ
وَ جَنَّةِ نَعِيمٍ وَ رَبِّ غَيْرِ غَضْبَانَ ثُمَّ يَزُورُ آلَ مُحَمَّدٍ فِي جَنَّاتِ رَضْوَى فَيَأْكُلُ مَعَهُمْ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ يَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ
فِي مَجَالِسِهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهَذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَهُمُ اللَّهُ فَأَقْبَلُوا مَعَهُ يُلَبُّونَ زَمْرًا زَمْرًا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُطْلُونَ وَ
يَضْمَحِلُّ الْمُحَلُّونَ وَ قَلِيلٌ مِمَّا يَكُونُونَ هَلَكْتَ الْمَحَاضِرِ وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنْتَ أَحْيَى وَ مِعَادُ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَادِي السَّلَامِ قَالَ وَ إِذَا احْتَضَرَ الْكَافِرُ حَضْرَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيِّ
عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَدْنُو مِنْهُ عَائِلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَذَا كَانَ يُبَغِّضُنَا
أَهْلَ الْبَيْتِ فَأَبْغَضَهُ وَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا جِبْرِئِيلُ إِنَّ هَذَا كَانَ يُبَغِّضُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِهِ فَأَبْغَضَهُ فَيَقُولُ جِبْرِئِيلُ يَا
مَلَكَ الْمَوْتِ إِنَّ هَذَا كَانَ يُبَغِّضُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِهِ فَأَبْغَضَهُ وَ اعْتَفَ عَلَيْهِ فَيَدْنُو مِنْهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَيَقُولُ يَا عَبْدَ اللَّهِ
أَخَذْتَ فَكَأَكَّ رِهَانِكَ أَخَذْتَ أَمَانَ بَرَاءَتِكَ تَمَسَّكَتَ بِالْعِصْمَةِ الْكُبْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ لَا فَيَقُولُ أَبْشُرْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِسَخَطِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَذَابِهِ وَ النَّارِ الَّذِي كُنْتَ تَحَذَرُهُ فَقَدْ نَزَلَ بِكَ ثُمَّ يَسْأَلُ نَفْسَهُ سَيْئلاً عَنيفاً ثُمَّ يُوَكَّلُ بِرُوحِهِ ثَلَاثُمِائَةَ شَيْطَانٍ كُلُّهُمْ
يَتَزَقُّ فِي وَجْهِهِ وَ يَتَأَذَى بِرُوحِهِ فَهَذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ فُتِّحَ لَهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ مِنْ فَيْحِهَا وَ لَهَبِهَا . (الكافي،

ما خمس را برای شیعیان خود حلال نمودیم تا نطفه های آنان پاک باشد و فرزندانشان حلال زاده باشند. (۱)

و در صحیحه ضریس کناسی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: آیا می دانی این مردم [یعنی اهل تسنن] از چه راه گرفتار زنا شده اند؟ ضریس گوید: گفتم: نمی دانم. فرمود: به خاطر خمس ما اهل البیت مگر شیعیان پاک ما، که ما خمس را برای آنان و فرزندانشان حلال نمودیم. (۲)

و در روایت ابی خدیجه نیز از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: [در قیامت] از خادمی که خریده و زنی که [با مهر] با او ازدواج کرده، و میراثی که به دست آورده، و سود و تجارتي که برخوردار شده و هر چیزی که به او عطا شده سؤال خواهد شد که چرا حق ما را از آن نپرداخته است. سپس فرمود: اینها برای شیعیان ما حلال است چه شاهد باشند و چه غائب و چه زنده باشند و چه مرده، و برای فرزندان آنان نیز تا قیامت حلال می باشد، و آگاه باشید که به خدا سوگند ما فقط برای شیعیان خود خمس را حلال نمودیم ... (۳)

مرحوم علامه مقدس اردبیلی سپس گوید: «هذه فیها عموم الآخذ و المأخوذ، فليس بمخصوصٍ بالمناكح و قسیمیه و لا بزمانٍ دون آخر»

و در صحیحه ابوبصیر و زراره و محمد بن مسلم آمده که همه آنان از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده اند که فرمود: علی بن ایطالب امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: هلك الناس فی بطونهم و فروجهم، لأنهم لم يؤدوا إلینا حقنا، ألا و إن شیعتنا من ذلك و آبائهم فی حل. (۴)

و در روایت داوود بن کثیر رقی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «إن الناس یعیشون فی فضل مظلمتنا، ألا إنا أحللتنا شیعتنا من ذلك». (۵)

مؤلف گوید: آنچه ذکر شد مختصری از عنایات ائمه اهل البیت (علیهم السلام) به شیعیان خود می-باشد و اگر در این موضوع بررسی کامل بشود مجلداتی را احاطه خواهد نمود که ما در مقام آن نیستیم و تنها

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ صَيْبَانَ الْأَزْرَقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ خُمْسِي - وَقَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا - لِطَيِّبٍ وَلَادَتُهُمْ وَ لَتَزَكُوا أَوْلَادُهُمْ - وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ؛ ج ۹، ص: ۵۴۵

۲- لصحیحه ضریس الكناسی، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: أتدری من این دخل علی الناس الزنا؟ فقلت: لا ادری، فقال: من قبل خمسنا أهل البیت الا شیعتنا الأطیبین، فإنه محلل لهم و لمیلادهم مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ ج ۴، ص: ۳۵۱

۳- و لما فی روایه ابی خدیجه، عن ابی عبد الله عليه السلام: انما یسئلك خادما یشتريها أو امرأه یتزوجها أو میراثا یصیبه أو

تجاره أو شيئاً أعطيته، فقال أبو عبد الله عليه السلام: هذا لشيئتنا حلال الشاهد منهم و الغائب، و الميِّت منهم و الحي، و ما يولد منهم الى يوم القيامة فهو لهم حلال، أما و الله لا يحلّ ألامن أحللنا له. (مجمع الفائده، ج ٤/٣٥١).

٤- همان، ص ٣٥٢.

٥- وسائل، ابواب انفال، باب ٤ ح ١ و ٦ و ٧.

از امام زمان (عجل الله فرجه الشريف و صلوات عليه و على آباءه) عنایاتی در طول زمان غیبت انجام گرفته که آن نیز مجلداتی را اشغال خواهد نمود و ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱- امام زمان (علیه السلام) ضمن توقیع و نامه ای که برای شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) مرقوم فرمود چنین آمده است ...
 إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ وَلَا لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا ... (۱) یعنی ما از مراعات شما کوتاهی نمی کنیم، و یاد شما را فراموش نمی نماییم و اگر جز این می بود رخدادهای سختی بر شما وارد می شد، و دشمنان، شما را از بین می بردند، پس شما از خدا بترسید، و از ما حمایت کنید ...

۲- امام زمان (علیه السلام) در ملاقات های خود با شیعیان، بالأخص علمای مخلص و ربّانی مانند شیخ مفید، و سید بحر العلوم و سید بن طاووس و سید ابوالحسن اصفهانی و مقدس اردبیلی و دیگران از علما و افراد صالح دیگر تاکنون عنایات فراوانی داشته که بیان آن ها نیاز به چندین جلد کتاب قطور دارد، و ما در کتاب «دوله المهدي» چهل مورد از آن ها را بیان نمودیم که برای دوستان آن حضرت بسیار آموزنده و موجب مسرت و امید بخش خواهد بود، و از قصه انار که در بحرین اتفاق افتاد ظاهر می شود که آن حضرت به طور کامل بر وضع شیعیان خود اشراف دارد و از آنان حمایت می فرماید، و این قصه در بحار الأنوار جلد ۵۳ صفحه ۱۷۸، و در مستدرک سفینه البحار جلد ۴ حدیث ۱۴۲۲ ذکر شده است.

و خلاصه آن این است که وزیر والی ناصبی بحرین که خود نیز ناصبی و دشمن اهل البیت (علیهم السلام) بوده جملات « لا إله إلا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله» را در قالبی حکک نمود و اطراف اناری که بر درخت بود بست و چون انار بزرگ شد و این جملات بر روی آن نقش بسته بود، والی ناصبی به شیعیان بحرین گفت :

شما در پاسخ این انار چه می گوئید؟ و آنان را تهدید نمود که اگر پاسخ آن را ندهید من همه شما را خواهم کشت و شیعیان سه روز مهلت خواستند و از آن حضرت استمداد نمودند و روز سوم آن بزرگوار از حيله و مکر آن وزیر پرده برداشت و نجات یافتند و فرمود : علت تأخیر این بود که شما سه روز مهلت خواستید و اگر گفته بودید که در

همان روز اول پاسخ می دهیم ما همان روز اول شما را راهنمایی می کردیم. آری حمایت های آن حضرت از شیعیان خود به قدری فراوان بوده و هست که آن بزرگوار را «غوث الأُمّه» نامیده اند.

امام هادی (علیه السلام) درباره الطاف معصومین (علیهم السلام) به شیعیان خود می فرماید: «عادتکم الإحسان و سجتکم الکرّم...» بلکه باید گفت: وجود آن بزرگواران سبب برقراری عالم و آرامش اهل آن می باشد، و ما به برکت وجود آنان زنده هستیم و اگر آنان نبودند زمین اهل خود را فرو می برد، چنان که فرموده اند: «لولا الحجّه لساخت الأرض باهلها» (۱)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: اگر یک روز روی زمین امامی از ما خانواده نباشد، زمین اهل خود را فرو می برد و خداوند سخت ترین عذاب را بر آنان وارد خواهد نمود. (۲)

مؤلف گوید: قبلا گذشت که رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام نصف حسنات خود را به شیعیان خویش بخشیدند.

بشارت های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شیعیان

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بالای منبر به من فرمود: یا علی، خداوند عزوجلّ محبت مساکین و مستضعفین روی زمین را به تو عطا نمود، و تو به برادری آنان با خود راضی شدی و آنان نیز به امامت تو راضی شدند، و خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و درباره تو راستگو باشد، و وای بر کسی که تو را دشمن بدارد و درباره تو دروغگو باشد.

یا علی، تو علم [و عالم] این امت هستی، و کسی که تو را دوست بدارد رستگار است، و کسی که تو را دشمن بدارد هلاک خواهد شد. تا این که فرمود:

یا علی، من شهر علم هستم و تو در آن می باشی، و آیا کسی جز از در، وارد شهر می شود؟!!

یا علی، اهل محبت تو هر مؤمن اواب حفیظ [یعنی کثیرالدعا و حافظ] و هر فقیر کهنه پوشی است که اگر خدا را سوگند بدهد، خداوند سوگند او را می پذیرد.

یا علی، برادران [و شیعیان] تو هر انسان طاهر و پاک و کوشای در عبادت است که دوستی و دشمنی او به خاطر تو می باشد، و او نزد مردم حقیر و نزد خداوند عزوجلّ عظیم و دارای منزلت است.

یا علی، دوستان تو - در بهشت فردوس - جیران الله هستند، و نسبت به آنچه از دنیا باقی می گذارند حسرت نمی خورد.

یا علی، من دوست کسی هستم که تو را دوست بدارد، و دشمن کسی هستم که تو را دشمن بدارد.

١- عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّجِهِ فَقَالَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَهُ عَيْنٍ مِنْ حُجَّجِهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٢٣؛ ص ٢٩)

٢- عن أبي جعفر عليه السلام، قال: لو بقيت الأرض يوماً واحداً بلا إمام منّا لساخت الأرض بأهلها، و لعذبهم [الله] بأشدّ عذابه. و ذلك أنّ الله جعلنا حجّجه في أرضه، و أماناً في الأرض لأهل الأرض [لن يزالوا بأمان من أن تسيخ بهم الأرض ما دنا بين أظهرهم، فإذا أراد الله أن يهلكهم، ثم لا - يمهلهم، و لا - ينظرهم، ذهب بنا من بينهم، ثم يفعل الله تعالى بهم ما يشاء]. (نوادير المعجزات في مناقب الأئمة الهداه عليهم السلام؛ ص ٣٨٥ كمال الدين، ص ٢٠٤ ح ١٤).

یا علی، کسی که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته است، و کسی که تو را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است.

یا علی، برادران تو خشک لبان [شکم تهی] هستند، و عبادت و پارسایی از صورت هایشان شناخته می شود.

یا علی، برادران تو [یعنی شیعیان] در سه موقف شاد خواهند بود، ۱- هنگام جان دادن که من و تو در آن حال نزد آنان حاضر خواهیم بود [و سفارش آنان را به ملک الموت خواهیم نمود، ۲- هنگام سؤال قبر، و هنگام عرض اکبر، [یعنی قرار گرفتن در پیشگاه خداوند] ۳- و هنگام عبور از صراط، که از ایمان مردم سؤال می شود، و آنان نمی توانند پاسخ بدهند.

یا علی، جنگ با تو جنگ با من است، و مسالمت با تو مسالمت با من است، و مسالمت با من مسالمت با خدای عزوجل می باشد.

یا علی، به برادران خود [از شیعیان] بشارت بده، چرا که خداوند عزوجل از آنان راضی می باشد، و او راضی شده که تو رهبر و امام آنان باشی، و آنان نیز راضی شده اند که تو امام و ولی آنان باشی.

یا علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای سفیدرویان هستی.

یا علی، شیعیان تو نجبا و پاکان هستند، و اگر تو و شیعیان تو نبودند، دین خداوند عزوجل برقرار نمی ماند، و اگر شما روی زمین نمی بودید، آسمان باران خود را نمی بارید.

یا علی، برای تو در بهشت گنجی است و تو مالک آن خواهی بود، و شیعیان تو به «حزب الله» شناخته می شوند.

یا علی، تو و شیعیان تو اهل قسط و عدالت و بهترین خلق خدا می باشید.

یا علی، من نخستین کسی هستم که در قیامت سر از خاک برمی آوردم و تو با من خواهی بود، و سپس بقیه مردم سر از خاک برمی آورند.

یا علی، تو و شیعیانت کنار حوض کوثر خواهید بود، و هر که را شما دوست ندارید، او را از کوثر سیراب می کنید، و هر که را دوست ندارید از کوثر منع می کنید، و شما باید که در روز فزع اکبر در زیر سایه

عرش در امان هستید و مردم در وحشت و اندوه می باشند و شما اندوهی ندارید ، و آیه «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ» (۱) درباره شما نازل شده است.

یا علی، تو و شیعیان در بهشت متنعم هستید، و مردم در قیامت به جستجوی شما هستند.

یا علی، ملائکه و خزّان بهشت مشتاق شما هستند، و ملائکه مقرب خدا و حاملین عرش تنها به شما دعا می کنند و از خداوند برای دوستان شما طلب خیر می نمایند، و هر که از شما بر آنان وارد شود خوشنود می شوند، همانند غائبی که پس از مدت طولانی بر اهل خود وارد می شود.

یا علی، شیعیان تو کسانی هستند که در پنهانی از خدا می ترسند [و گناه نمی کنند] و در آشکارا نیز خیرخواه دین خدا هستند.

یا علی، شیعیان تو کسانی هستند که برای رسیدن به درجات عالی بهشتی کوشا می باشند ، و به همین علت هنگامی که خدای عزوجل را ملاقات می کنند گناهی بر آنان نیست.

یا علی، اعمال شیعیان تو در هر جمعه بر من عرضه می شود و من با اطلاع از اعمال صالح آنان شاد می شوم و برای گناهانشان استغفار می کنم.

یا علی، تو و شیعیان قبل از آن که به دنیا بیایید ، در تورات و انجیل به هر خیری یاد شده اید، و تو از اهل انجیل و اهل تورات درباره کلمه «إلیا» سؤال کن تا به تو خبر بدهند، گر چه تو عالم به تورات و انجیل هستی و خداوند عزوجل علم کتاب [ودرهای آسمانی] را به تو عطا نموده است، و اهل کتاب، «إلیا» را بزرگ می شمارند و لکن او و شیعیانش را نمی شناسند، و تنها به آنچه در کتاب خود می یابند تعظیم می کنند.

یا علی، ذکر یاران و شیعیان تو در بین اهل آسمان بیشتر و عظیم تر از اهل زمین است، از این رو شیعیان تو باید شاد باشند و بر کوشش خود [در عبادت و کارهای نیک] بیفزایند.

یا علی، ارواح شیعیان تو هنگام خواب و پس از مرگ به آسمان بالا می روند و ملائکه از روی شوق و محبت به خاطر منزلت آنان نزد خداوند با شگفتی به آنان می نگرند، همانند این که مردم در شب اول ماه به ماه می نگرند.

یا علی، به اصحاب خود - که دارای معرفت به تو می باشند - بگو، از اعمال دشمنان خود پرهیز نمایند، چرا که هیچ روز و شبی نمی گذرد، جز آن که رحمت خداوند تبارک و تعالی آنان را فرا می - گیرد، از این رو باید خود را از آلودگی [گناه] دور نمایند.

یا علی، غضب و خشم خداوند عزوجل بر کسانی خواهد بود، که به شیعیان تو خشم می کنند و از تو و آنان بیزار می جویند، و به جای تو و شیعیان تو، دیگران را قرار می دهند، و به دشمنان تو تمایل می کنند، و ضلالت و گمراهی را بر حق مقدم می دارند، و با تو و شیعیان تو به جنگ برمی خیزند، و با ما خانواده و دوستان و یاران تو - که در راه حمایت از تو جان خویش را فدا می کنند - دشمنی می - کنند.

یا علی، سلام مرا به شیعیانت - که من آنان را ندیده ام و آنان نیز مرا ندیده اند - برسان، و به آنان بگو: شما برادران من هستید، و من مشتاق دیدار شما هستم، از این رو شما باید دانش مرا به قرون و اقوام بعد از من برسانید، و به ریسمان الهی [یعنی قرآن] تمسک کنید و از آن عصمت طلب نمایید، و در اعمال خیر کوشا باشید، چرا که ما شما را از راه هدایت خارج نخواهیم نمود، و به آنان خبر بده که خداوند عزوجل از آنان راضی و خشنود است، و به خاطر آنان بر ملائکه مباحثات می نماید، و در هر جمعه به آنان نظر رحمت می افکند، و ملائکه را امر می کند تا برای آنان استغفار نمایند.

یا علی، غافل مباش از یاری کردن قومی که چون شنیدند من تو را دوست می دارم تو را دوست داشتند و این دوستی را جزء دیانت خود دانستند و خالص ترین محبت خود را برای تو قرار دادند، و تو را بر پدران و برادران و فرزندان خود مقدم داشتند، و به روش و طریقه تو عمل کردند، و به خاطر محبت ما رنج هایی را تحمل نمودند و دست از یاری ما برنداشتند، و در راه محبت ما آزارها و بدگویی ها را به خود خریدند، تا جایی که جان خویش را به خاطر ما فدا کردند.

پس تو باید نسبت به آنان مهربان باشی و به آن ها قناعت کنی، چرا که خداوند عزوجل از بین خلق خود آنان را انتخاب نموده، و آنان را از طینت ما آفریده است، و اسرار ما را به آنان سپرده، و قلوب آن ها را ملزم به معرفت حق ما کرده است، و شرح صدر به آنان داده و آن ها را متمسک به حبل ما کرده، از این رو آنان احدی را بر ما مقدم نمی کنند، گرچه دنیا از دست آنان برود، از این رو خداوند تأییدشان نموده و در راه هدایت قرارشان داده و آنان راه هدایت را پذیرفته اند، در حالی که مردم در ضلالت و گمراهی و هواپرستی متحیرند و از دیدن حق و حجت خدا و آنچه از ناحیه خداوند آمده کورند، و شب و روز در سخط و خشم الهی به سر می برند،

و شیعیان تو بر منہاج حق و استقامت در دین می باشند، و با مخالفین خود انس نمی گیرند و دنیا از آنان نیست و آنان از دنیا نیستند.

آری شیعیان تو چراغ های نورانی هستند [و این جمله را سه مرتبه تکرار نمود] (۱)

انتظار فرج آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين)

مؤلف گوید: در توقیعی که امام عسگری (علیه السلام) برای - عالم و فقیه و محدث جلیل القدر - مرحوم ابن بابویه قمی معروف به صدوق اول مرقوم فرمود آمده است:

«و علیک بالصبر و انتظار الفرَجِ فَإِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: «أفضل أعمال امتي انتظار الفرَجِ، و لا يزال شيعتنا في حزنٍ حتى يظهر ولدى الذى بشر به النبي - صلى الله عليه و آله و سلم - أنه يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً. فاصبر يا شيعي و امر جميع شيعتي بالصبر، فَإِنَّ الْأَرْضَ لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين، و السلام عليك و على جميع شيعتنا و رحمه الله و بركاته، و حسبنا الله و نعم الوكيل، نعم المولى و نعم النصير». (۲)

یعنی حضرت عسگری (علیه السلام) به صدوق اول فرمود: بر تو باد به صبر و انتظار فرج، چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: افضل اعمال امت من انتظار فرج [امام مهدی علیه-السلام] می باشد، و همواره شیعیان ما در حزن و اندوه خواهند بود تا فرزندانم ظاهر شود، همان گونه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نوید و بشارت آمدن او را داده و فرموده است: او زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، بعد از آن که پر از ظلم و جور شده باشد. آری انتظار فرج بالاترین راه ارتباط با خاندان نبوت (علیهم السلام) است و روایات درباره آن فراوان است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که عمر خود را با انتظار فرج ما طی کند، مانند کسی خواهد بود که در طول عمر خود در راه خدا جهاد کند و با شمشیر با دشمنان خدا جنگ نماید. (۳)

۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى مِثْرِهِ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهَبَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَقَ عَلَيْكَ [بِكَ] وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْعَلَمُ لِهَيْدِهِ الْأُمَّهَ مَنْ أَحَبَّكَ فَازَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ هَلَكَ يَا عَلِيُّ أَنَا الْمَدِينَةُ وَ أَنْتَ بَابُهَا وَ هَلْ تُؤْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا يَا عَلِيُّ أَهْلُ مَوَدَّتِكَ كُلُّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ وَ كُلُّ ذِي طِمْرٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبْرَّ قَسَمَهُ يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ كُلُّ طَاهِرٍ زَاكٍ مُجْتَهِدٍ عِنْدَ الْخَلْقِ عَظِيمِ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ مُحِبُّوكَ جِيرَانُ اللَّهِ فِي دَارِ الْفِرْدَوْسِ لَا يَأْسِفُونَ عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا. يَا عَلِيُّ أَنَا وَلِيُّ لِمَنْ وَالَيْتَ وَ أَنَا عِدُوٌّ لِمَنْ عَادَيْتَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ الدُّبُلُ الشَّفَاهِ تُعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ فِي وُجُوهِهِمْ يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ يَفْرَحُونَ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ عِنْدَ خُرُوجِ أَنْفُسِهِمْ وَ أَنَا شَاهِدُهُمْ وَ أَنْتَ وَ عِنْدَ الْمَسَاءِ لَهُ فِي قُبُورِهِمْ وَ عِنْدَ الْعَرَضِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ إِذَا سِيلَ الْخَلْقُ عَنْ إِيْمَانِهِمْ فَلَمْ يُجِيبُوا يَا عَلِيُّ حَزْبُكَ حَزْبِي وَ سَلْمُكَ سَلْمِي وَ حَزْبِي حَزْبُ اللَّهِ وَ سَلْمِي سَلْمُ اللَّهِ وَ مَنْ سَالَمَكَ فَقَدْ سَالَمَنِي وَ مَنْ سَالَمَنِي فَقَدْ سَالَمَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَا عَلِيُّ بَشْرُ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

حِجْلٌ قَدْ رَضِيَ عَنْهُمْ إِذْ رَضِيَكَ لَهُمْ قَائِدًا وَ رَضُوا بِكَ وَلِيًّا. يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْعَرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَا عَلِيُّ شَيْعَتِكَ الْمُتَتَجِبُونَ وَ لَوْ لَمَا أَنْتَ وَ شَيْعَتِكَ مَا قَامَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ دِينٌ وَ لَوْ لَا مَنْ فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ لَمَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ فَطَرَهَا يَا عَلِيُّ لَكَ كَثْرٌ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ ذُو قَرَنَيْهَا شَيْعَتِكَ تُعْرَفُ بِحِزْبِ اللَّهِ عَزَّ وَ حِجْلٌ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتِكَ الْقَائِمُونَ بِالْقِسْطِ وَ خَيْرُهُ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلِيُّ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْقُضُ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِهِ وَ أَنْتَ مَعِيَ ثُمَّ سَائِرُ الْخَلْقِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتِكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْبِقُونَ مَنْ أَحْبَبْتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ وَ أَنْتُمْ الْمَأْمُونُونَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْمَآكِبِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَفْرَعُ النَّاسُ وَ لَمَا تَفْرَعُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَمَا تَحْزَنُونَ فِيكُمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ وَ فِيكُمْ نَزَلَتْ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَجُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ. يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتِكَ تُطَلَّبُونَ فِي الْمَوْقِفِ وَ أَنْتُمْ فِي الْجَنَانِ تَتَنَعَّمُونَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَ الْخُرَانَ يَشْتَاقُونَ إِلَيْكُمْ وَ إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ [الْمُقَرَّبِينَ] لِيَخْضَعُونَ لَكُمْ بِالْإِعْزَازِ وَ يَسْأَلُونَ اللَّهَ لِمُحِبِّكُمْ وَ يَفْرَحُونَ بِمَنْ قَدِمَ عَلَيْهِمْ مِنْكُمْ كَمَا يَفْرَحُ الْأَهْلُ بِالْغَائِبِ الْقَادِمِ بَعْدَ طَوْلِ الْغَيْبِ يَا عَلِيُّ شَيْعَتِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ فِي السِّرِّ وَ يَنْصِبُ حُوقَهُ فِي الْعِلْمَانِيَةِ يَا عَلِيُّ شَيْعَتِكَ الَّذِينَ يَتَنَافَسُونَ فِي الدَّرَجَاتِ لِأَنََّّهُمْ يَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَ حِجْلٌ وَ مَا عَلَيْهِمْ ذَنْبٌ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعْمَالَ شَيْعَتِكَ سَتُعْرَضُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَأَفْرَحُ بِصَالِحِ مَا يَبْلُغُنِي مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَ أَسْتَغْفِرُ لِسَيِّئَاتِهِمْ. يَا عَلِيُّ ذَكَرَكَ فِي التَّوْرَةِ وَ ذَكَرَ شَيْعَتِكَ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقُوا بِكُلِّ خَيْرٍ وَ كَذَلِكَ فِي الْإِنْجِيلِ فَسَلِ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ وَ أَهْلَ الْكِتَابِ عَنْ إِلَيَّا يُخْبِرُونَكَ مَعَ عِلْمِكَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَ حِجْلٌ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ وَ إِنَّ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ لَيَتَعَاطَمُونَ إِلَيَّا وَ مَا يَعْرِفُونَهُ وَ مَا يَعْرِفُونَ شَيْعَتَهُ وَ إِنَّمَا يَعْرِفُونَهُمْ بِمَا يُحَدِّثُونَهُمْ فِي كُتُبِهِمْ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَصْحَابَكَ ذَكَرَهُمْ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ وَ أَعْظَمُ مِنْ ذِكْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَهُمْ بِالْخَيْرِ فَلْيَفْرَحُوا بِذَلِكَ وَ لِيُزَادُوا اجْتِهَادًا يَا عَلِيُّ إِنَّ أَرْوَاحَ شَيْعَتِكَ لَتَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ فِي رُقَادِهِمْ وَ وَفَاتِهِمْ فَتَنْظُرُ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهَا كَمَا يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَى الْهَلْمَالِ شَوْقًا إِلَيْهِمْ وَ لَمَّا يَرَوْنَ مِنْ مَنَزَلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ حِجْلٌ يَا عَلِيُّ قُلْ لِأَصْحَابِكَ الْعَارِفِينَ بِكَ يُنْزَهُونَ عَنِ الْأَعْمَالِ الَّتِي يُقَارِفُهَا عِبَادُهُمْ فَمَا مِنْ يَوْمٍ وَ لَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تَعْشَاهُمْ فَلْيَجْتَبِئُوا الدَّنَسَ. يَا عَلِيُّ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَنْ قَلَاهُمْ وَ بَرِيءٌ مِنْكَ وَ مِنْهُمْ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ وَ بِهِمْ وَ مَالَ إِلَى عَدُوِّكَ وَ تَرَكَكَ وَ شَيْعَتَكَ وَ اخْتَارَ الضَّلَالَ وَ نَصَبَ لَكَ وَ لَشَيْعَتِكَ وَ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَبْغَضَ مَنْ وَالَاكَ وَ نَصَرَكَ وَ اخْتَارَكَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ وَ مَالَهُ فِينَا يَا عَلِيُّ أَقْرَبُهُمْ مِنِّي السَّلَامَ مَنْ رَأَى مِنْهُمْ وَ مَنْ لَمْ يَرِنِي وَ أَعْلَمَهُمْ أَنَّهُمْ إِخْوَانِي الَّذِينَ أَشْتَاقُ إِلَيْهِمْ فَلْيَلْقُوا عَمَلِي إِلَى مَنْ يَبْلُغُ الْقُرُونَ بَعِيدِي وَ لِيَتَمَسَّكُوا بِحَبْلِ اللَّهِ وَ لِيُعْتَصِمُوا بِهِ وَ لِيَجْتَهِدُوا فِي الْعَمَلِ فَإِنَّا لَا نُخْرِجُهُمْ مِنْ هُدَى إِلَى ضَلَالَةٍ وَ أَخْبِرُهُمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَاضٍ عَنْهُمْ وَ أَنَّهُ يُبَاهِي بِهِمْ مَلَائِكَتَهُ وَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِرَحْمَتِهِ وَ يَأْمُرُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ. يَا عَلِيُّ لَا تَرْغَبْ عَنْ نُصْرَةِ قَوْمٍ يَبْلُغُهُمْ أَوْ يَسْـمَعُونَ أَنِّي أُحِبُّكَ فَأَحْبُبُوكَ لِحُبِّي إِيَّاكَ وَ دَانُوا اللَّهَ عَزَّ وَ حِجْلٌ بِذَلِكَ وَ أَعْطُوكَ صَفْوَةَ الْمَوَدَّةِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اخْتَارُوكَ عَلَى الْأَبَاءِ وَ الْإِخْوَةِ وَ الْأَوْلَادِ وَ سَلِمُوا طَرِيقَكَ وَ قَدْ حُمِلُوا عَلَى الْمَكَارِهِ فِينَا فَأَبُوا إِلَّا نَصَرْنَا وَ بَدَلَ الْمُهْجِ فِينَا مَعَ الْأَذَى وَ سُوءِ الْقَوْلِ وَ مَا يُقَاسُونَهُ مِنْ مَضَاضِهِ ذَلِكَ فَكُنْ بِهِمْ رَحِيمًا وَ اقْنَعْ بِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اخْتَارَهُمْ بِعِلْمِهِ لَنَا مِنْ بَيْنِ الْخَلْقِ وَ خَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِنَا وَ اسْتَوَدَعَهُمْ سِرْرَنَا وَ أَلَزَمَ قُلُوبَهُمْ مَعْرِفَةَ حَقِّنَا وَ شَرَحَ صُدُورَهُمْ مُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا لَا يُؤْثِرُونَ عَلَيْنَا مَنْ خَالَفَنَا مَعَ مَا يَزُولُ مِنَ الدُّنْيَا عَنْهُمْ أَيَّدَهُمُ اللَّهُ وَ سَلِمَكَ بِهِمْ طَرِيقَ الْهُدَى فَاعْتَصِمُوا بِهِ وَ النَّاسُ فِي عَمَةِ الضَّلَالِ مُتَحَيِّرُونَ فِي الْأَهْوَاءِ عَمُوا عَنِ الْحُجَّةِ وَ مَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَهُمْ يُضْبِحُونَ وَ يُمْسُونَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَ شَيْعَتِكَ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَ الْإِسْتِقَامَةِ لَا يَشْتَانُونَ إِلَى مَنْ خَالَفَهُمْ وَ لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْهُمْ وَ لَيْسُوا مِنْهَا أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى.. (بشاره المصطفى، ص ١٨٠ - بحار الأنوار، ج ٣٩/٣٠٦ -

امالى صدوق، ص ٦٥٨ ح ٢.)

٢-

٣- ... عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْمَيِّتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي

و در سخن دیگری فرمود: هر کدام از شما با انتظار فرج ما بمیرد، مانند این است که در خیمه امام زمان (علیه السلام) در کنار آن حضرت باشد. و پس از لحظه ای فرمود: بلکه مانند کسی خواهد بود که با شمشیر خود در راه خدا جهاد نماید. سپس فرمود: نه والله او مانند کسی خواهد بود که در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهادت برسد.

ابو خالد کابلی گوید: خدمت حضرت زین العابدین (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا مرا نسبت به کسانی که خداوند اطاعت و موذت و اقتدای به آنان را بر مردم واجب نموده آگاه کنید. امام (علیه السلام) فرمود:

ای ابو خالد، اُولی الأمر [که خداوند امر به اطاعت آنان نموده] کسانی هستند که خداوند آنان را ائمه و پیشوایان مردم قرار داده است و آنان: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و سپس امام حسن و سپس امام حسین فرزندان علی بن ابی طالب و سپس امامت به ما منتهی شده است. تا این که سکوت نمود، و من گفتم: ای مولای من، برای ما روایت شده که، علی (علیه السلام) فرموده است: زمین هیچگاه خالی از حجت الهی - برای هدایت مردم - نمی ماند، و شما بفرمایید حجت و امام بعد از شما کیست؟ پس امام علیه السلام فرمود:

فرزندم باقر، امام بعد از من می باشد و نام او در تورات باقر است و او شکافنده علم و حجت و امام بعد از من می باشد، و بعد از او فرزندش جعفر، امام است و نام او نزد اهل آسمان صادق است. گفتم: برای چه او صادق نامیده شده در حالی که جمیع شما صادق هستید؟

فرمود: پدرم از پدر خود نقل نمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (علیهم السلام) به دنیا آمد او را صادق به نامید، چرا که پنجمین فرزند او نیز جعفر نامیده می شود، و به ناحق ادعای امامت می کند و او نزد خداوند جعفر کذاب و مفتری بر خداوند عزوجل و مدعی چیزی است که اهل آن نیست، و مخالف پدر خود [امام هادی علیه السلام] می باشد و با برادر خود [امام عسگری (علیه السلام)] حسد می ورزد، و او همان کسی است که قصد پرده برداشتن از غیبت ولی الله عزوجل را پیدا می کند.

سپس امام سجاد گریه شدیدی نمود و فرمود: اکنون می بینم که جعفر کذاب طاغوت زمان خود را و می دارد تا از امر ولی خدا تفتیش نماید، در حالی که او در حفظ خداوند و موکل به حفظ حرم پدر خود می باشد، و آنان که از ولایت او آگاه نیستند می کوشند تا اگر بتوانند او را بکشند، و جعفر کذاب این عمل را به خاطر طمع در میراث او انجام می دهد در حالی که حقی به آن ندارد.

ابو خالد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: به خدا سوگند آری این در آن صحیفه ای که نزد ماست، و در آن مصائب و محن ما بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر شده، نوشته شده است.

ابو خالد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، پس از آن چه خواهد شد؟ فرمود: سپس غیبت ولی خدا یعنی امام دوازدهم از اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) طولانی [و سخت] خواهد شد.

تا این که فرمود: ای ابا خالد مردمی که در زمان غیبت او قائل به امامت او هستند و انتظار ظهور او را می کشند، افضل از مردم هر زمانی هستند، چرا که خداوند تبارک و تعالی به آنان عقل و معرفت و فهمی داده که غیبت [امام] برای آنان به منزله مشاهده آن حضرت است، و خداوند آنان را در آن زمان همانند مجاهدان در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داده، و به حق آنان، اهل اخلاص و شیعیان صادق و دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و پنهان می باشند.

و در سخن دیگری امام سجاد (علیه السلام) فرمود: انتظار فرج بهترین و بزرگترین فرج است. (۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «أفضل جهاد أمتی انتظار الفرج» یعنی بهترین جهاد امت من، انتظار فرج [ما خانواده] است. (۲)

امام حسین (علیه السلام) می فرماید: پیرمردی از اهل شام نزد پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و [سؤالات فراوانی کرد و پدرم به او پاسخ داد و یکی از سؤالات او این بود که] گفت: فأی الأعمال أحب إلى الله عزوجل؟ و پدرم به او فرمود: انتظار الفرج. (۳)

مؤلف گوید: اهل سنت نیز روایات انتظار فرج را نقل کرده اند و لکن می گویند: مقصود انتظار فرج از خداوند است که بعد از هر سختی و مشکلی گشایش قرار بدهد. و عبارت را تغییر داده اند و می-گویند: «انتظار فرج الله» در حالی که در روایات ما تصریح شده که مقصود انتظار فرج حضرت مهدی (علیه السلام) است و در هیچ کدام از روایات ما تعبیر «انتظار فرج الله» نیامده بلکه تعبیر «انتظار الفرج» آمده و معلوم است که این فرج، فرج خاصی می باشد و الف و لام اشاره به آن فرج است، از این رو مرحوم علامه مجلسی نیز در کتاب

۱- عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَائِلِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِالَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ وَ أَوْجَبَ عَلَيَّ عِبَادَتِهِ الْإِقْدَاءَ بِهِمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِي يَا كُنْزُ إِنَّ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْمَةً لِلنَّاسِ وَ أَوْجَبَ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ابْنَا عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ أَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي رَوَى لَنَا عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ لِلَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ عَلَيَّ عِبَادَتِهِ فَمِنْ الْحُجَّةِ وَ الْإِمَامِ بَعْدَكَ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ وَ اسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ بَاقِرٌ يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا هُوَ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدِي وَ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدِ ابْنِهِ جَعْفَرٌ وَ اسْمُهُ عِنْدَ أَهْلِ السَّمَاءِ الصَّادِقُ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ صَارَ اسْمُهُ الصَّادِقَ وَ كُلُّكُمْ صَادِقُونَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِذَا وُلِدَ ابْنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَاسْمُهُ الصَّادِقُ فَإِنَّ لِلْخَامِسِ مِنْ وُلْدِهِ وَ لَدَا اسْمُهُ جَعْفَرٌ يَدْعَى الْإِمَامَةَ اجْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ وَ كَذِبًا عَلَيْهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ جَعْفَرُ الْكَذَّابِ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُدْعَى لِمَا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ

الْمُخَالَفَ عَلَى أَبِيهِ وَالْحَاسِدُ لِأَخِيهِ ذَلِكَ الَّذِي يُرُومُ كَشَفَ سَيْثِرِ اللَّهِ عِنْدَ غَيْبِهِ وَلِيُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَكَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ : كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَقَدْ حَمَلَ طَاغِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيْشِ أَمْرِ وَلِيِّ اللَّهِ وَالْمُعْتَبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَالتَّوَكُّيلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلاً مِنْهُ بَوْلَادَتِهِ وَحِرْصاً مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ إِنْ ظَفَرَ بِهِ وَطَمَعاً فِي مِيرَاثِهِ حَتَّى يَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ قَالَ أَبُو خَالِدٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ فَقَالَ إِي وَرَبِّي إِنَّ ذَلِكَ لَمَكْتُوبٌ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الَّتِي فِيهَا ذَكَرُ الْمَحَنِ الَّتِي تَعْجِرِي عَلَيْنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَبُو خَالِدٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَا ذَا قَالَ : ثُمَّ تَمَّتْهُ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْحِجَابِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْمَأْتَمَةِ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقّاً وَشَيْعَتُنَا صِدْقاً وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرّاً وَجَهراً وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ . (كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ص: ٣٢٠)

٢- تحف العقول، ص ٣٧.

٣- معاني الأخبار، ص ١٩٩.

بحار الانوار در تفسیر آیه «والعاقبه للمتقين» (۱) می فرماید: ویکون المراد: انتظار الفرج بظهور القائم علیه السلام.

و از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ما در کتاب علی (علیه السلام) یافتیم که می فرماید: مقصود از آیه «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲) من و اهل بیت من می باشیم و خداوند ما را وارث زمین قرار داده است، و مقصود از «متقین» ما هستیم و همه زمین از آن ما می باشد. (۳)

مرحوم صدوق در کتاب «کمال الدین» با سند خود از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری نقل نموده که گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) رسیدم و می خواستم راجع به امام بعد از او سؤال کنم، و امام-عسکری (علیه السلام) شروع به سخن نمود و به من فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای تبارک و تعالی از زمانی که آدم (علیه السلام) را خلق نموده، زمین را خلی از حجت نگذارد و تا قیامت نیز خالی از حجت نمی گذارد، و به خاطر حجت خود بلاها را از اهل زمین برطرف می نماید، و باران را از آسمان فرو می فرستد و به خاطر او زمین برکات خود را خارج می کند.

پس من عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ و آن حضرت برخاست و با سرعت داخل اطاق شد، و چون خارج گردید فرزند زیبایی مانند ماه شب چهارده در سن سه سالگی بر شانه ی او بود و به من فرمود:

ای احمد بن اسحاق! اگر کرامت تو نزد خداوند عزوجل و نزد ما نبود من فرزندم را به تو نشان نمی دادم، همانا او همانم و هم کتیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، و او کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد. سپس فرمود:

ای احمد بن اسحاق مثل فرزندم در این امت مثل خضر (علیه السلام) و مثل ذی القرنین است و به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت که در زمان غیبت او کسی از هلاکت و گمراهی نجات پیدا نمی-کند مگر آن که خداوند عزوجل قلب او را بر اعتقاد به امامت ما ثابت نموده باشد، و در آن زمان به او توفیق دعا برای تعجیل در فرج فرزندم را داده باشد.

۱- اعراف/۱۲۸.

۲- اعراف/۱۲۸.

۳- عن الباقر علیه السلام قال وجدنا فی کتاب علیّ إنّ الأرض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین و أنا و اهل بیتی الذین أورثنا الله الأرض و نحن المتقون و الأرض کلها لنا فمن أحيی أرضاً من المسلمین فعمرها فلیؤد خراجها الی الإمام من اهل بیتی و له ما أکل منها فان ترکها و آخر بها بعد ما عمرها فأخذها رجل من المسلمین بعده فعمرها و أحيأها فهو أحق به من الذی ترکها فلیؤد خراجها الی الإمام من اهل بیتی و له ما أکل منها حتی یظهر القائم من اهل بیتی بالسيف فیحوزها و یمنعها و یخرجهم عنها کما حواها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و منعها الا- ما کان فی أیدی شیعتنا فانه یقطعهم و یترک الأرض فی أیدیهم. (تفسیر صافی، ج ۲/۲۲۸).

احمد بن اسحاق گوید: گفتیم: ای مولای من آیا نشانه ای هست که قلب من با آن مطمئن شود؟ پس آن غلام یعنی آن فرزند عزیز (سلام الله علیه) با زبان عربی فصیح فرمود: «أنا بقیة الله فی أرضه، و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثراً بعد عین یا احمد بن اسحاق» .

یعنی من بقیه الله روی زمین و انتقام گیرنده ی از دشمنان او هستم، ای احمد بن اسحاق بعد از دیدن و مشاهده، چیز دیگری را طلب مکن.

احمد بن اسحاق گوید: پس من با دیدن و مشاهده جمال امام خود مسرور و خشنود از نزد امام-عسکری (علیه السلام) بازگشتم و فردای آن روز باز خدمت آن حضرت رسیدم و عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا به راستی من به خاطر منت و لطفی که شما به من نمودید بسیار شاد شدم اکنون بفرمایید سنت جاریه خضر و ذوالقرنین درباره او چگونه است؟ فرمود:

ای احمد مقصود، غیبت طولانی اوست. گفتیم: آیا غیبت او طولانی می شود؟ فرمود: به خدا سوگند آری به قدری غیبت او طولانی می شود که اکثر قائلین به امامت او از اعتقاد خود باز می گردند، جز کسانی که خداوند عزوجل پیمان ولایت ما را از آنان گرفته و ایمان را در قلوب آنان ثبت کرده و مورد تأیید اویند. سپس فرمود: ای احمد این تقدیر، سری است از اسرار خداوند، پس تو آنچه را یافتی نگهدار و پنهان کن و شاکر خداوند باش تا فردای قیامت در علیین با ما باشی. (۱)

دعا برای فرج آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام زمان (علیه السلام) در ضمن یکی از توقیعات خود به اسحاق بن یعقوب فرمود: «وأكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجکم...» یعنی فراوان برای تعجیل فرج دعا کنید، چرا که همین دعا فرج شماست. (۲)

محمد بن عثمان - که یکی از نوّاب اربعه در زمان غیبت صغرا می باشد - گوید: در آخرین ملاقات خود با امام زمان (علیه السلام) او را نزد کعبه دیدم که می گفت: اللهم انجز لی ما وعدتني یعنی خدایا آنچه را به من وعده داده ای منجز و عملی کن. (۳)

محمد بن عثمان نیز گوید: من امام زمان (علیه السلام) را دیدم که در مستجار پرده ی کعبه را گرفته بود و می فرمود: اللهم انتقم بی من أعدائك یعنی خدایا به واسطه من از دشمنان خود انتقام بگیر. (۴)

۱- عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا يُخَلِّيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجْبِهِ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ بِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَ بِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَنَهَضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسِيرًا فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَى عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى حُجْبِهِ مَا عَرَضْتُ

عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَثِيْبُهُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسِيْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَا أَحْمَدَ
بْنَ إِسْحَاقَ مَثْلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَثْلُهُ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ وَاللَّهُ لِيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتْهُ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ فَقَالَ أَحْمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمَئِنُّ
إِلَيْهَا قَلْبِي فَنَطَقَ الْعُلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصَبَّحَ فَقَالَ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا
أَحْمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ فَقَالَ أَحْمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ فَخَرَجْتُ مَسْرُورًا فَرِحًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدُوِّ عَدْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَ
سُرُورِي بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ فَمَا السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِيهِ مِنَ الْخَضِرِ وَ ذِي الْقُرْنَيْنِ فَقَالَ طُولُ الْغَيْبِ يَا أَحْمَدُ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّ
غَيْبَهُ لَتَطُولُ قَالَ إِي وَرَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ وَ لَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي
قَلْبِهِ الْإِيْمَانَ وَ أَيْدِيَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ يَا أَحْمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَ
اكَتْمُهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا غَدًا فِي عَلِيَيْنَ. (كمال الدين و تمام النعمه ؛ ج ٢ ؛ ص ٣٨٤)

٢- كمال الدين، ص ٤٨٥.

٣- صحيفه المهدي (عليه السلام)، ص ٢٧٤.

٤- همان، ص ٢٧٦.

در کتاب مزار کبیر مرحوم محمد بن المشهدی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: هر کس دعای معروف به دعای عهد را در چهل صبحگاه بخواند از یاران و انصار قائم ما (علیه السلام) خواهد بود، و اگر قبل از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور او را زنده می نماید و از قبر خارج می کند و از انصار آن بزرگوار می شود، و به هر کلمه ای از این دعا خداوند هزار حسنه به او می دهد، و هزار گناه او را می بخشد، و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...» (۱)

مؤلف گوید: در فرازهایی از این دعای شریف، برای فرج امام زمان (علیه السلام) دعا شده است مانند: «اللَّهُمَّ أَرْنِي طَلْعَةَ الرُّشِيدِ وَ غُرْتَهُ الْحَمِيدِ...» و «عَجَلْ فَرْجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنَاجِيَهُ...» و «اللَّهُمَّ وَ شَيَّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤْيَيْهِ...» و «عَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...» و «العجل العجل العجل يا صاحب الزمان».

مرحوم شیخ طوسی نیز در مصباح المتهدج صفحه ۵۸ گوید: در ذیل دعای مفصلی آمده: «اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرْجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي...» (۲)

استغاثه ی به حضرت مهدی و ائمه دیگر (علیهم السلام)

صاحب مزار کبیر مرحوم ابن مشهدی درباره استغاثه به آن حضرت گوید: هر کجا هستی دو رکعت نماز [مانند نماز صبح] بخوان و رو به قبله زیر آسمان به ایست و بگو: «سلام الله الكامل التام الشامل العام...» تا «و کشف کربتی» و سپس هر چه می خواهی دعا کن ان شاء الله حاجات تو برآورده خواهد شد. (۳)

در کتاب دعوات مرحوم قطب الدین راوندی آمده که گوید: ابوالوفای شیرازی برای من نقل کرد و گفت: من در کرمان به دست ابن الیاس اسیر و در غل و زنجیر بودم و اطلاع یافتم که می خواهند مرا بکشند، پس حضرت زین العابدین (علیه السلام) را به درگاه خدا شفیع قرار دادم، ناگهان خواب، مرا ربود و در خواب رسول خدا (صلی الله علیه و آلہ و سلم) را دیدم، و او به من فرمود:

برای امور دنیا به من (و به

۱- اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ، صَيِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ عَنِّي وَ عَنِ وَالِدِيَّ وَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الصَّلَوَاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ عَدَدَ كَلِمَاتِهِ، وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَ أَحْصَاهُ كِتَابُهُ. (مزار محمد بن المشهدی، ص ۶۶۴.)

۲- دعوات راوندی، ص ۱۳۴.

۳- سلام الله الكامل التام الشامل العام وصلواته وبركاته القائمه التامه على حجة الله ووليه في ارضه وبلاده وخليفته على خلقه وعباده وسلاله النبوه وبقية العتره والصفوه صاحب الزمان و مظهر الايمان ومعلن احكام القرآن، مطهر الارض وناشر العدل في الطول والارض والحجه القائم المهدي الامام المنتظر المرتضى الطاهر بن الائمة الطاهرين الوصي بن الاوصياء المرضيين الهدى

المهدى ابن الاثمه المعصومين . السلام عليك يا وارث علم النبيين والمستودع حكم الوصيين السلام عليك يا معز المومنين المستضعفين السلام عليك يا مذل الكافرين المتكبرين الظالمين السلام عليك يا مولاي صاحب الزمان يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين وابن فاطمه الزهراء سيده نساء العالمين السلام عليك يا ابن الحجج على الخلق اجمعين السلام عبيك يا مولاي سلام مخلص لك في الولااء . اشهد انك الامام المهدي قولاً وفعلاً وانك الذي تملأ الارض قسطاً وعدلاً فعجل الله فرجك وسهل مخرجك وقرب زمانك وكثر انصارك واعوانك وانجز لك ما وعدك فهو اصدق القائلين (ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثين) يا مولاي يا صاحب الزمان يا ابن رسول الله حاجتي كذا وكذا فاشفع لي في نجاحها فقد توجهت اليك بحاجتي لعلمي ان لك عند الله شفاعه مقبوله ومقاما محمودا فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ لِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَبَّلِ اللّٰهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِيَّتِي وَإِحْيَايَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي . وَادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ، فَإِنَّهُ يُقْضَىٰ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالَى . (مزار كبير، ص ٦٧٢).

دخترم فاطمه) و به دو فرزندم (حسن و حسین) توسل پیدا مکن، و برای آخرت خود و رسیدن به فضل خداوند به ما توسل پیدا کن. سپس فرمود: و اُمّایا برادرم ابوالحسن [علی بن ابیطالب (علیه السلام)] او می تواند برای تو از ظالم انتقام بگیرد. پس من عرضه داشتم: یا رسول الله مگر فاطمه (علیها السلام) مظلومه نبود و علی (علیه السلام) صبر کرد؟ و مگر ارث او را از شما غصب نکردند و او صبر کرد؟ پس چگونه برای من انتقام جویی می کند؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

این عهدی بود که من به او سپرده بودم و چیزی بود که من به او امر کرده بودم و او چاره ای جز صبر نداشت و به وظیفه خود عمل کرد. و لکن الآن وای بر کسانی که متعرض دوستان او بشوند، چرا که او از آنان دفاع خواهد نمود. سپس فرمود: و اُمّایا علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) را برای نجات از سلاطین و فساد شیاطین باید به او توسل نمود.

و اُمّایا محمّد بن علی و جعفر بن محمّد (علیهما السلام) را برای آخرت باید به آنان توسل نمود.

و اُمّایا موسی بن جعفر (علیهما السلام) را برای عافیت باید به او توسل نمود.

و اُمّایا علی بن موسی (الرضا علیه السلام) را برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی باید به او توسل نمود.

و اُمّایا محمّد بن علی (جواد الأئمه علیه السلام) را برای توسعه روزی باید به او توسل نمود.

و اُمّایا علی بن محمّد (الهادی علیه السلام) را برای قضای نوافل و احسان به برادران دینی باید به او توسل نمود.

و اُمّایا حسن بن علی (العسکری علیه السلام) را برای امور آخرت باید به او توسل نمود.

و اُمّایا حجه (بن الحسن المهدی علیه السلام) را هنگام خطر شمشیر و کشته شدن باید به او توسل نمود، و اوست که به فریاد تو می رسد، و او فریادرس و پناه هر استغاثه کننده ای است.

پس گفتم: «یا مولای یا صاحب الزمان انا مستغیث بک» و ناگهان دیدم شخصی از آسمان پایین آمد و اسبی (و شهری) زیر قدم های او بود و به دست او شمشیری از نور بود، پس من گفتم: ای مولای من مرا از شرّ کسی که به من آزار می کند نجات بدهید، فرمود: «من تو را نجات خواهم داد» و چون صبح شد ابن الیاس مرا خواست و غل و زنجیر را از من باز کرد و گفت: به چه کسی پناهنده شدی؟ گفتم: به کسی که او فریاد رس بیچارگان است. (و او از خداوند عزّوجلّ نجات مرا درخواست نمود و الحمد لله ربّ العالمین)

مرحوم صاحب وسائل الشیعه گوید: نماز امام زمان دو رکعت است در رکعت اول و دوم باید «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را صد مرتبه تکرار کند، و پس از اتمام سوره حمد سوره «قل هو الله أحد» را بخواند و پس از سلام بگوید: «اللهم عظم البلاء و برح الخفاء ...» تا «یا مولای یا صاحب الزمان» و این جمله را سه مرتبه بگوید و سپس بگوید: «الغوث الغوث، أدرکنی أدرکنی، الأمان الأمان» [و حاجت خود را بخواهد]. (۱)

صاحب مزار کبیر گوید: پس از زیارت عسکریین (علیهمالسلام) اذن دخول بگیر و با وقار و آرامش وارد سراب امام زمان (علیه السلام) شو و دو رکعت نماز در صحن سرداب بخوان و بگو: «الله اکبر الله اکبر، لا إله إلا الله و الله اکبر و لله الحمد، الحمد لله الذی هدانا لهذا و عرفنا اولیاءه و أعداءه و وفقنا لزیاره أئمتنا، و لم يجعلنا من المعاندين الناصیین، و لا من الغلاء المفوضین، و لا من المرتابین المقصّرين» سپس بگو:

السلام علی ولیّ الله و ابن اولیائه، و السلام علی المدّخر لكرامه الله و بوار أعدائه ... تا این که گوئی: «اللهم انّی اُدين لك بالرجعه بین یدی صاحب هذه البقعه، الغوث الغوث الغوث یا صاحب الزمان... تا این که گوئی: «و صلّی الله علی محمد و آله الطاهیرین. سپس داخل صفا شو و دو رکعت نماز بخوان و بگو: «اللهم عبدك الزائر فی فناء و لیک المزور، الذی فرضت طاعته علی العبيد و الأحرار ...» تا «یا رب العالمین». (۲)

صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين

صاحب مزار کبیر مرحوم محمد بن مشهدی گوید: توقیعی از ناحیه امام زمان (علیه السلام) برای یعقوب بن یوسف ضرب غسانی به دست خادمه آن حضرت رسید و حدیث آن مفصل است و ما آن را مختصر نمودیم و مقدار نیاز آن را آوردیم. و آن این است که خادمه آن بزرگوار به یعقوب بن یوسف ضرب غسانی گوید:

آقا می فرماید: هنگامی که می خواهی صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بفرستی چه می گویی؟ یعقوب بن یوسف می گوید: گفتم: می گویم: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كأفضل ما صلّیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم إنّك حمید مجید» خادمه گفت: چنین مگو بلکه هر گاه بر آنان صلوات می فرستی نام همه آنان را باید ببری. گفتم: آری [چنین خواهم کرد]. پس او روز بعد آمد و دفتر کوچکی با خود آورده بود و گفت: آقا می فرماید: هنگامی که می خواهی بر پیامبر خدا (صلی الله علیه

۱- ... صِلَاهُ الْحُجْبَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَانِ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ إِلَىٰ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - ثُمَّ يَقُولُ مِائَةً مَرَّةً إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - ثُمَّ يُنْمِ قِرَاءَةَ الْفَاتِحَةِ - وَ يَفْرَأُ بِعِيدِهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَدْعُو عَقِيْبَهَا يَقُولُ اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْعِطَاءُ وَ صَاقَتِ الْمَارِضُ وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ عَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ - وَ أَظْهِرْ إِعْرَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ - يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اُكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي يَا مُحَمَّدُ اُنْصِرْ رَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اُحْفَظَانِي

فَإِنِّكُمْ يَا حَافِظَانِي يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ الْغُوثَ الْغُوثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ . (وسائل الشيعة آل البيت، ج ٨/١٨٥)

٢- ... إِذَا وَرَدَتْ سِرِّمَنْ رَأَى فَاعْتَسِلْ إِنَّ قَدْرَتْ مِنْ دِجَلِهِ، ثُمَّ ادْخُلْ وَ اسْتَأْذِنِ الْقَوْمَ، فَإِنَّ الْمَوْضِعَ مُلْكٌ لَهُمْ وَ دَارُهُمْ، تَقِفْ عَلَى الْبَابِ وَ تَقُولُ: السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَى الْأَمَامَةِ مِنْ وُلْدِهِ الْمُهَيَّبِينَ، الَّذِينَ أَمَرُوا بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَ قَرَّبُوا أَوْلِيَاءَهُ، وَ اجْتَنَبُوا مَعْصِيَةَ اللَّهِ، وَ جَاهَدُوا أَعْدَاءَهُ، وَ دَخَسُوا حِزْبَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَ هَيِّدُوا إِلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْأَمَامَانِ، الطَّاهِرَانِ الصِّدِّيقَانِ، اللَّذَانِ اسْتَنَقَدَا الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مُخَالَفَةِ الْفَاسِقِينَ، وَ حَقَّنَا دِمَاءَ الْمُحِبِّينَ بِمَدَارِهِ الْمُنْبَغِضِينَ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّتَا اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَ سِرَّاجَا أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ، وَ تَجَرَّعْتُمَا فِي رَبُّكُمْ غَيْظَ الظَّالِمِينَ، وَ صَبَرْتُمَا فِي مَرْضَاتِهِ عَلَى عِنَادِ الْمُعَانِدِينَ، حَتَّى أَقْمْتُمَا مَنَارَ الدِّينِ، وَ أَبْنَيْتُمَا الشَّكَّ مِنَ الْيَقِينِ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَا نَعَكِمَا الْحَقَّ، وَ الْبِغَاغَى عَلَيْنَا مِنَ الْخَلْقِ. ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قِيلَ: اللَّهُمَّ بَعِذْ لِي فِيهِمَا أَعَزَّنِي بِهِمَا. ثُمَّ انْتَصَبَ وَ قُلِ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ إِمَامَايَ وَ قَائِدَايَ، وَ بِهِمَا وَ بِأَبَائِهِمَا أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ يَوْمَ قُدُومِي عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ مَنْ حَضَرَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ أَنَّهُمَا عِبْدَانِ لَكَ، اضْطَفَيْتَهُمَا وَ فَضَّلْتَهُمَا وَ تَعَبَّدْتَ خَلْقَكَ بِمُؤَالَاتِهِمَا، وَ أَدْفَنْتَهُمَا الْمَيِّتَةَ الَّتِي كَتَبْتَ عَلَيْهِمَا، وَ مَا ذَاقَا فِيكَ أَعْظَمَ مِمَّا ذَاقَا مِنْكَ، وَ جَمَعْتَنِي وَ إِبَائِهِمَا فِي الدُّنْيَا عَلَى صِحَّةِ الْإِعْتِمَادِ فِي طَاعَتِكَ، فَاجْعَلْنِي وَ إِبَائِهِمَا فِي الْآخِرَةِ فِي جَنَّتِكَ، يَا مَنْ حَفِظَ الْكَنْزَ بِإِقَامِهِ الْجِدَارِ، وَ حَرَسَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْغَارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّنْ اعْتَصَدَ فِيهِمَا اللَّاهُوتَ، وَ قَدَّمَ عَلَيْهِمَا الطَّاغُوتَ، اللَّهُمَّ الْعَيْنِ النَّاصِئَةَ بِهِ الْجَاهِلِينَ، وَ الْمُسْرِفِينَ الْغَالِينَ، وَ الشَّاكِينَ الْمُقْصِرِينَ وَ الْجَهْلَةَ الْمُفَوَّضِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْمَعُ كَلَامِي وَ تَرَى مَقَامِي، وَ عِلْمُكَ مُحِيطٌ بِمَا خَلْفِي وَ أَمَامِي، فَاحْرُسْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ يُخْرِجُ دِينِي، وَ اكْفِنِي كُلَّ شُجْبَةٍ تُشَكِّكُ يَقِينِي، وَ أَشْرِكُ فِي دُعَائِي إِخْوَانِي وَ مَنْ أَمْرُهُ يَعْنِينِي، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَوْقِفٌ خُضْتُ إِلَيْهِ الْمَتَالِفَ، وَ قَطَعْتُ دُونَهُ الْمَخَافَ، طَلَبًا أَنْ تَسْتَجِيبَ فِيهِ دُعَائِي، وَ أَنْ تَضَاعَفَ فِيهِ حَسَنَاتِي، وَ أَنْ تَمَحُوَ فِيهِ سَيِّئَاتِي. اللَّهُمَّ فَاعْطِنِي وَ إِخْوَانِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيَعَتِهِمْ وَ أَهْلَ حُرَانَتِي وَ أَوْلَادِي وَ قَرَابَاتِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ يُزِلُّ فِي الدُّنْيَا وَ يُحْطَى فِي الْآخِرَةِ، وَ أَصْرِفْ عَن جَمْعِنَا كُلَّ شَرٍّ يُورِثُ فِي الدُّنْيَا عُدْمًا، وَ يُحْجِبُ غَيْثَ السَّمَاءِ، وَ يُعَقِّبُ فِي الْآخِرَةِ نَدْمًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اسْتَجِبْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ثُمَّ تَخْرُجْ وَ وَجْهَكَ إِلَى الْقَبْرِينِ عَلَى أَعْقَابِهِمْ، وَ تَأْتِي سِرْدَابَ الْغَيْبِ فَتَقِفُ بَيْنَ الْبَابَيْنِ مَأْسُوكًا جَانِبَ الْبَابِ يَمِينِكَ ثُمَّ تَخْنُجُ كَالْمُسْتَأْذِنِ، وَ سَمَّ وَ انزَلَ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ، وَ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي عَرْصَةِ السِّرْدَابِ وَ قُلِ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ عَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَ أَعْدَاءَهُ، وَ وَقَفْنَا لِزِيَارَةِ أَيْمَنَّا، وَ لَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِينَ، وَ لَمْ يَنْزِلْ مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوَّضِينَ، وَ لَا مِنْ الْمُؤْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ. السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامِهِ (أَوْلِيَائِهِ) اللَّهُ وَ بَوَارِ أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى التُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَ أَمَدَّهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقَّ بِرُغْمِهِمْ. أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ صَغِيرًا وَ أَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَ أَنَّكَ حَتَّى لَا تَمُوتَ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى خُدَامِهِ وَ أَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَ نَائِيهِ، وَ اسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَ اجْعَلْ لَهُ مَعْقَلًا حَرِيزًا، وَ أَشْدِدْ اللَّهُمَّ وَطَأَتَكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ، وَ احْرُسْ مَوْلِيَهُ وَ زَائِرِيهِ. اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سَمَاعِي دُونَ نُصْرَتِهِ مَشْهُودًا، وَ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا وَ أَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلِيقَتِكَ رَغْمًا، فَاجْعَلْ عِنْدَ ظُهُورِهِ حَارِجًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرًّا بِكَفْنِي، حَتَّى أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصِّفِّ الَّذِي أَنْتَبَيْتَ عَلَيْهِمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَ شَمِتَ بِنَا الْفَجَّارُ، وَ صَاحَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيِّمُونَ فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ الْمُنُونِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَيْدِهِ الْبُقْعَةِ، الْغُوثَ الْغُوثَ الْغُوثَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي وُضْعِ لَيْتِكَ الْخُلَانَ، وَ هَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ، وَ أَحْفَيْتُ أَمْرِي عَنِ أَهْلِ الْبُلْدَانِ، لِتَكُونَ شَفِيعًا لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَ رَبِّي، وَ إِلَيَّ آبَائِكَ وَ مَوْلَى

فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي، وَ إِسْبَاغِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ وَ سَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحَابِ الْحَقِّ وَ قَادَةِ الْخَلْقِ، وَ اسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ، وَ أَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. ثُمَّ ادْخُلِ الصُّفَّةَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَقُلْ: اللَّهُمَّ عِنْدَكَ الزَّائِرُ فِي فَنَاءٍ وَلَيْكَ الْمَزُورُ، الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَبِيدِ وَ الْأَحْرَارِ، وَ أَنْفَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لِمَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَ لَا بَزِيَارَتِهِ، وَ لَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَ زِيَارَتِهِ أَبِيهِ وَ حَيِّدِهِ. اللَّهُمَّ اخْلُفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَ انْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَبَوَيَّ وَ جَمِيعِ عَشْرَتِي، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَ يَهْلِكُكَ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمَكِيدُونَ، يَا مَوْلَايَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ حَيِّدِكَ، مُتَيْقِنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ. اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَ بَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَ انْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

(مزار كبير، ص ٦٥٩، مصباح الزائر، ص ٢٢٩، بحار الانوار ج ١٠٣/١٠٢)

و آله و سلم) صلوات بفرستی طبق این نسخه صلوات بفرست. پس من آن نسخه را گرفتم و متن آن چنین بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ ...» تا «إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱)

مؤلف گوید: یکی از ادلهٔ افضلیت محمد و آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) بر جمیع پیامبران و اوصیاء، روایات فراوانی است که تأکید بر صلوات بر آن بزرگواران دارد و ما به بخشی از آن ها اشاره می کنیم و در پایان کتاب «کشکول عجایب» نیز تفصیلاً بیان کردیم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «الدعاء محجوب عن الله حتى يُصَلَّى على محمد و آل محمد» - صلوات الله عليهم اجمعین - یعنی دعا از صعود به درگاه خداوند ممنوع است تا بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده شود. (۲)

و فرمود: «لا- تصلوا علی الصلاة البتراء» یعنی بر من صلوات ناقص نفرستید، اصحاب گفتند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: صلوات ناقص این است که بر آل من صلوات نفرستید. (۳)

جابر گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی هر صبح و شام بگوید: «اللهم صل على محمد و آل محمد، واعط محمد الدرجه و الوسيله فی الجنة، اللهم یارب محمد صل على محمد و آل محمد، و اجز محمداً عنّا ما هو أهله، و ابعث سبعین کاتباً ألف صباح بذلك» حقی از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر او نمی ماند، جز آن که ادا کرده و خداوند او و پدر و مادرش را می آمرزد و با محمد و آل محمد (عليهم السلام) محشور می شود. (۴)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که یکصد مرتبه بر محمد و آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعین) صلوات بفرستد، خداوند یکصد حاجت او را برآورده می کند. (۵)

۱- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُضِي طَفَى فِي الظَّلَامِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْجَبْرِىِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. (جمال الأسبوع، ص ۳۰۶-۳۰۱، مزار محمد بن المشهدى، ص ۶۶۷.)

۲- مصابيح السنه، ج ۴/ص ۱۹۳.

۳- يروى عنه صلى الله عليه و سلم ممّا لم أفى على إسناده: لا تصلوا على الصلاة البتراء قالوا: و ما الصلاة البتراء يا رسول الله؟ قال: تقولون: اللهم صل على محمد و تمسكون بل قولوا: اللهم صل على محمد و على آل محمد. (احقاق الحق، ج ۹/۶۳۷-۶۳۶.)

۴- روى جابر بن عبد الله رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: من أصبح و أمسى و قال: اللهم يا رب محمد و آل محمد صل على محمد و آل محمد و اجز محمدًا صلى الله عليه و سلم ما هو أهله، أتعب كاتبيه ألف صباح و لم يبق لنبية محمد صلى الله عليه و سلم حقّ إلّا أذاه إياه و غفر له و لوالديه و حشر مع محمد و آل محمد. همان ج ۹ ص ۶۳۰

۵- و یاسنادہ عن جعفر بن محمد عن ابيه، عن جدّه عليّ بن الحسين، عن ابيه، عن جدّه عليّ بن أبي طالب قال: قال رسول الله صلی الله عليه و آله: من صلی علی محمد و علی آل محمد مائه مرّه قضی الله تعالی له مائه حاجه. (مناقب ابن مغزلی چ دار الاضواء، ص ۲۵۰ ح ۳۳۸).

کعب بن عجزه گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد: ما سلام بر شما را دانستیم، آیا صلوات بر شما چگونه است؟ فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ» (۱)

امام الصادق (علیه السلام) فرمود: شنبه برای ماست، و یکشنبه برای شیعیان ماست، و دوشنبه برای دشمنان ماست، و سه شنبه برای بنی امیه است، و چهارشنبه روز آشامیدن دواست، و پنجشنبه روز برآورده شدن حوائج است، و جمعه روز نظافت و خوشبویی است، و آن عید مسلمین است، و افضل از فطر و قربان می باشد، و روز غدیر افضل از جمیع اعیاد است، و آن روز هیجدهم ذی حجه می باشد و روز غدیر روز جمعه بوده است، و قائم ما نیز روز جمعه قیام می کند، و قیامت نیز روز جمعه به پا می شود، و هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست. (۲)

زید شحام گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «هیچ عملی در روز جمعه بهتر از صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) نیست، گرچه یکصد مرتبه و یا یک مرتبه باشد» پس من عرضه داشتم: چگونه باید صلوات بفرستیم؟ فرمود: می گویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرَسَلِكَ وَجَمِيعِ خَلْقِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ بِرَكَاتِهِ». (۳)

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: کسی که قدرت بر کارهایی که کفاره گناهان او شود را ندارد، باید فراوان بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) صلوات بفرستد، چرا که صلوات گناهان را منهدم می کند. و فرمود: صلوات بر محمد و آل محمد معادل تکبیر و تهلیل و تسبیح خداوند است. (۴)

و در مستدرک سفینه البحار آمده که بنی اسرائیل هنگامی که به دست آل فرعون شکنجه می شدند، خداوند به موسی (علیه السلام) وحی نمود: به آنان بگو: هر کاری را با صلوات بر محمد و آل پاک او شروع کنند، تا عذاب آل فرعون بر آنان سبک شود. و بنی اسرائیل نیز از تعرض آل فرعون به زنان و

۱- عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال: لقيني كعب بن عجره فقال: ألا أهدى لك هديه سمعتها من رسول الله صلى الله عليه وآله؟ فقلت: بلى، قال: سألتنا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقلنا: يا رسول الله.. كيف الصلاة عليكم أهل البيت؟ قال: «قولوا: اللهم صل على محمد، و على آل محمد، كما صليت على إبراهيم و على آل إبراهيم، إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد و على آل محمد، كما باركت على إبراهيم و على آل إبراهيم إنك حميد مجيد». (احقاق الحق، ج ۳۳ ص ۱۹۲)

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السَّبْتُ لَنَا وَ الْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا وَ الْاِثْنَيْنِ لِأَعْدَائِنَا وَ الثَّلَاثَاءُ لِبَنِي أُمِّيَّةٍ وَ الْأَرْبَعَاءُ يَوْمَ شُرْبِ الدَّوَاءِ وَ الْخَمِيسُ تُقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ وَ الْجُمُعَةُ لِلتَّنْظِيفِ وَ التَّطْيِيبِ وَ هُوَ عِيدُ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْعُدَيْرِ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَ هُوَ تَامِنَ عَشْرٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَخْرُجُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَقُومُ الْقِيَامَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. - (الخصال؛ ج ۲؛ ص ۳۹۴)

۳- عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا صَلَّيْتَ الْعُضَيْرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ

أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ ذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيثِ .
(بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ٨٧ ؛ ص ٩١)
٤- بحار، ج ٩٤/٤٧ و ٦٣.

دخترانشان شکایت کردند، و به آنان گفته شد: به زن ها و دخترانتان بگویید بر محمد و آل او صلوات بفرستید، تا نجات پیدا کنند... (۱)

نگاه به چهره مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از کتاب شرف النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردم در مسجد نماز می خواندند، و ابوذر ایستاده بود و به چهره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نگاه می کرد! و چون مردم از علت آن سؤال کردند فرمود: من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: نگاه به چهره امیرالمؤمنین (علیه السلام) عبادت است، و نگاه به چهره پدر و مادر با رأفت و رحمت عبادت است، و نگاه در مصحف (یعنی قرآن) عبادت است، و نگاه به کعبه عبادت است. (۲)

در کتاب بشاره المصطفی نقل شده که شخصی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: یا رسول الله آیا ندیدید که فلانی با سرمایه کمی با کشتی به چین سفر کرد و در مدت کوتاهی، درآمد زیادی را به دست آورد و دوستانش به او حسد بردند و از آن درآمد به خویشان و همسایگان خود کمک کرد؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مال دنیا هر چه زیاد شود بلای صاحب آن بیشتر خواهد شد و شما حسرت صاحبان مال را نخورید، جز آن که صاحبان مال اموال خود را در راه خدا صرف نمایند، و لکن اگر می خواهید، من کسی را به شما معرفی می کنم که با سرمایه کمتر و مدت کوتاه تری درآمد بیشتر و بزرگتری را به دست آورده و برای او از خیرات در خزائن عرش الهی پاداش فراوانی ذخیره شده است؟

اصحاب عرض کردند آری او کیست؟ فرمود: بنگرید به کسی که اکنون وارد می شود. راوی حدیث گوید: پس ما نظر کردیم و دیدیم مردی از انصار که هیئت و وضع مرتبی نداشت وارد شد، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: امروز از این مرد از خیرات و طاعات به قدری به درگاه خداوند بالا رفته که اگر تقسیم همه اهل آسمان ها و اهل زمین بکنند، کمترین سهم یکی از آنان آمرزش گناهان و دخول در بهشت خواهد بود! اصحاب گفتند: مگر او چه کرده است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱- تفسیر الإمام علیه السلام قَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ قَالَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ اذْكُرُوا يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ أَنْجَيْنَا أَسْيَافَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ وَ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا يُوَالُونَ إِلَيْهِ بِقَرَابَتِهِ وَ بَدِينِهِ وَ بِمِذْهَبِهِ يَسُومُونَكُمْ كَانُوا يُعَذِّبُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ شِدَّةَ الْعَصَابِ كَانُوا يَحْمِلُونَهُ عَلَيْكُمْ قَالَ وَ كَانَ مِنْ عَذَابِهِمُ الشَّدِيدِ أَنَّهُ كَانَ فِرْعَوْنُ يُكَلِّفُهُمْ عَمَلَ الْبِنَاءِ عَلَى الطِّينِ وَ يَخَافُ أَنْ يَهْرُبُوا عَنِ الْعَمَلِ فَأَمَرَ بِتَقْيِيدِهِمْ وَ كَانُوا يَنْقُلُونَ ذَلِكَ الطِّينَ عَلَى السَّلَالِيمِ إِلَى السُّطُوحِ فَرُبَّمَا سَقَطَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ فَمَاتَ أَوْ زَمِنَ لَا يَحْفَلُونَ بِهِمْ إِلَى أَنْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى: قُلْ لَهُمْ لَمَا يَبْتَدِئُونَ عَمَلًا إِلَّا بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لِيَخَفَّ عَلَيْهِمْ فَكَانُوا يَفْعَلُونَ

ذَلِكَ فَيَخِفُّ عَلَيْهِمْ وَ أَمَرَ كُلَّ مَنْ سَقَطَ فَرَمَنْ مِمَّنْ نَسَى الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَنْ يَقُولَهَا عَلَى نَفْسِهِ إِنْ أَمَكَنَهُ أَى الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَوْ يُقَالَ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يُمَكَنَهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ وَ لَمَّا يَقْلِبُهُ يَدٌ ففَعَلُوهَا فَسَلِمُوا يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ ذَلِكَ لَمَّا قِيلَ لِفِرْعَوْنَ إِنَّهُ يُوَلِّدُ فِى بَنَى إِسْرَائِيلَ مَوْلُودٌ يَكُونُ عَلَى يَدِهِ هَلَاكُكُمْ وَ زَوَالُ مُلْكِكُمْ فَأَمَرَ بِذَبْحِ أَبْنَائِهِمْ فَكَانَتِ الْوَاحِدَةُ مِنْهُنَّ تُصَانِعُ الْقَوَائِلَ عَنْ نَفْسِهَا كَيْلًا تَنَمَّ عَلَيْهَا وَ تَنَمَّ حَمْلُهَا ثُمَّ تَلَقَى وَلَدَهَا فِى صِيحْرَاءٍ أَوْ غَارِ جَبَلٍ أَوْ مَكَانٍ غَامِضٍ وَ تَقُولُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتِ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَيَقِيضُ اللَّهُ لَهُ مَلَكًا يُرِيهِ وَ يُدِرُّ مِنْ إِصْبَعٍ لَهُ لَبَنًا يَمِصُّهُ وَ مِنْ إِصْبَعٍ طَعَامًا لِيَنَّا يَنَغْدَاهُ إِلَى أَنْ نَشَأَ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ كَانَ مِنْ سَلِيمٍ مِنْهُمْ وَ نَشَأَ أَكْثَرَ مِمَّنْ قُتِلَ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ يُتَّقُونَهُنَّ وَ يَتَّخِذُونَهُنَّ إِمَاءً فَضَجُّوا إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالُوا: يَفْتَرِشُونَ بَنَاتِنَا وَ أَخَوَاتِنَا فَأَمَرَ اللَّهُ تِلْكَ الْبَنَاتِ كُلَّمَا رَأَيْنَهُنَّ مِنْ ذَلِكَ رَبِّبْنَ صَلِّينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ فَكَانَ اللَّهُ يَرُدُّ عَنْهُنَّ أَوْلِيَّكَ الرَّجُلِ إِمَّا بِشُغْلٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ زِمَانِهِ أَوْ لُطْفٍ مِنْ أَلْفَافِهِ فَلَمْ يَفْتَرِشْ مِنْهُنَّ امْرَأَةً بَلْ دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ عَنْهُنَّ بِصِلَاتِهِنَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِى ذَلِكُمْ فِى ذَلِكِ الْإِنجَاءِ الَّذِى أَنْجَاكُمْ مِنْهُمْ رُبُّكُمْ بَلَاءٌ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ كَبِيرٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا بَنَى إِسْرَائِيلَ إِذْ كُتِبَ إِذَا كَانَ الْبَلَاءُ يُصْرَفُ عَنْ أَسْلَافِكُمْ وَ يَخِفُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَفَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ إِذَا شَاهِدْتُمُوهُ وَ آمَنْتُمْ بِهِ كَانَتِ النُّعْمَةُ عَلَيْكُمْ أَفْضَلَ وَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْزَلُ - (بحار الأنوار - ط - بيروت)،

ج ٩١، ص: ٦٢)

٢- ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِى الْمَنَاقِبِ، عَنِ كِتَابِ شَرَفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَنَّهُ كَانَ النَّاسُ يُصَلُّونَ وَ أَيْوَدُّرُّ يُنْظَرُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقِيلَ لَهُ فِى ذَلِكَ فَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ النَّظْرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدِينَ بِرَأْفِهِ وَ رَحْمِهِ عِبَادَةٌ وَ النَّظْرُ فِى الْمَصِيحَةِ عِبَادَةٌ وَ النَّظْرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ. (مستدرک الوسائل،

ج ٩١/١٥٣.)

و آله و سلم) فرمود:

از او سؤال کنید تا برای شما بگوید: در این روز چه کرده است؟ پس اصحاب به طرف او رفتند و به او گفتند: بشارت رسول خدا برای تو مبارک باد، مگر تو امروز چه کرده ای که این ثواب های فراوان برای تو نوشته شده است؟ آن مرد گفت: من امروز کاری نکرده ام، جز این که برای کاری از خانه خارج شدم و چون ترسیدم که به حاجت خود نرسم با خود گفتم:

به جای آن می روم و به چهره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نگاه می کنم، چرا که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده بودم که می فرمود: نگاه به چهره علی بن ابی طالب (علیه السلام) عبادت است. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

آری به خدا سوگند عبادت است و چه عبادت بزرگی است. سپس به او فرمود: ای بنده خدا تو از خانه خود خارج شدی تا برای قوت عیال خود دیناری را به دست بیاوری، و چون به آن نرسیدی به جای آن رفتی و به چهره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نگاه کردی چرا که او را دوست می داشتی و معتقد به فضل او بودی، و این برای تو ارزشمندتر از این است که همه دنیا طلا باشد، و تو آن ها را در راه خدا صرف نمایی، و پاداش هر نفسی که در این را کشیده ای این است که هزار نفر را - که مستحق عذاب باشند - شفاعت کنی و آنان را از عذاب دوزخ نجات بدهی. (۱)

نگاه به ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «نگاه به ذریه ما عبادت است» گفته شد: آیا نگاه به ائمه از شما خانواده عبادت است و یا نگاه به همه ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است؟ فرمود: نگاه به جمیع ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است، به شرط آن که از مسیر و منهج آن حضرت جدا نشده باشند، و خود را آلوده به گناهان نکرده باشند. (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که بخواهد به من توسل پیدا کند، و حقی به من پیدا کند تا در قیامت از او شفاعت کنم، باید به اهل بیت من صله و احسان نماید، و آنان را شاد نماید.

و فرمود: کسی که در دنیا قیراطی به اهل بیت من صله و احسان نماید، در قیامت به اندازه قنطار به او احسان خواهم کرد. (۳)

۱- إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا رَأَيْتَ فَلَانًا رَكِبَ الْبَحْرَ بِيضَاعِهِ يَسِيرُهُ إِلَى الصَّيْنِ فَأَسْرَعَ الْكُرَّةَ وَ أَعْظَمَ الْفَيْنَةَ [الْغَنِيمَةَ] حَتَّى حَسَدَهُ أَهْلِيلُ وَدَّهِ وَ أَوْسَعَ قَرَابَاتِهِ وَ جِيرَانِهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ مَيَالِ الدُّنْيَا كَلَّمَا زَادَ كَثْرَةً وَ عَظَمَهُ زَادَ صَاحِبُهُ بَلَاءً فَلَا تَغْبَطُوا أَصْحَابَ الْأَمْوَالِ إِلَّا بِمَنْ جَاءَ بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ هُوَ أَقْلُ مِنْ صَاحِبِكُمْ بِيضَاعَهُ وَ أَسْرِعُ مِنْهُ كُرَّةً قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص انظُرُوا إِلَى هَذَا الْمُقْبِلِ فَنظَرْنَا فَإِذَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ رَثُّ الْهَيْئَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ لَقَدْ صَبَّحَ لَهْ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِلَى الْعُلُوِّ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَ الطَّاعَةِ مَا لَوْ قُسِمَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَكَانَ نَصِيبُ أَقْلِهِمْ غُفْرَانَ ذُنُوبِهِ وَ وَجُوبَ الْجَنَّةِ لَهُ قَالُوا بِمَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ سَلُّوهُ يُخْبِرُكُمْ

بِمَا صَبَحَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ وَقَالُوا لَهُ هَيْئًا لَكَ مَا بَشَّرَكَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَبِمَاذَا صَنَعْتَ فِي يَوْمِكَ هَذَا حَتَّى كُتِبَ لَكَ مَا كُتِبَ فَقَالَ الرَّجُلُ مَا أَعْلَمُ أَنِّي صَنَعْتُ شَيْئًا غَيْرَ أَنِّي خَرَجْتُ مِنْ بَيْتِي وَارَدْتُ حَاجَةَ كُنْتُ أَبْطَأْتُ عَنْهَا فَخَشِيتُ أَنْ تَكُونَ فَاتَنِي فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَأَعْتَاضُ مِنْهَا بِالنَّظَرِ إِلَيَّ وَجِهَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ النَّظَرُ إِلَيَّ وَجِهَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِي وَاللَّهِ عِبَادَةٌ وَ أَى عِبَادَةٍ إِنَّكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ ذَهَبْتَ تَبْتَغِي أَنْ تَكْسِبَ دِينَارًا لِقُوتِ عِيَالِكَ فَفَاتَكَ ذَلِكَ فَاعْتَضْتَ مِنْهُ بِالنَّظَرِ إِلَيَّ وَجِهَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْتَ مُحِبٌّ لَهُ وَ لِفَضْلِهِ مُعْتَقِدٌ وَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا كُلُّهَا ذَهَبًا حَمْرَاءَ فَأَنْفَقْتَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَتَشْفَعَنَّ بِعِدِّ كُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسِيتهُ فِي مَسِيرِكَ إِلَيْهِ فِي أَلْفِ رَقَبَةٍ يُعْتَقُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ بِشَفَاعَتِكَ . (بشاره المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمه) ؛ النص ؛ ص ٥٧)

٢- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّظَرُ إِلَيَّ ذُرِّيَّتَنَا عِبَادَةٌ فَبِقِيلِ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَيَّ الْأَثَمَةُ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَوْ النَّظَرُ إِلَيَّ جَمِيعُ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ بَيْلِ النَّظَرُ إِلَيَّ جَمِيعُ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهً وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي . (عيون أخبار الرضا عليه السلام ؛ ج ٢ ؛ ص ٥١)

٣- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَصِلْ أَهْلَ بَيْتِي وَ يُدْخِلْ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ . وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ هَذَا الدُّنْيَا بِقِيْرَاطٍ كَافِيَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقِنطَارٍ . (روضه الواعظين، ص ٢٧٣ .)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود: نگاه به کعبه، و نگاه به صورت پدر و مادر [با محبت] و نگاه به خط قرآن بدون قرائت، و نگاه به صورت عالم، و نگاه به آل محمد [و سادات] و ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است. (۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نگاه فرزند به پدر و مادر از روی محبت عبادت است. (۲)

و فرمود: نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمن خود از روی محبت عبادت است. (۳)

و فرمود: نگاه به چهره عالم از روی محبت عبادت است. (۴)

نجات ذریه فاطمه (علیها السلام) از آتش دوزخ

مرحوم صدوق در کتاب امالی با سند خود از امام باقر (علیه السلام) نقل نموده که می فرماید: من از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که قیامت بر پا می شود دخترم فاطمه (علیها السلام) سوار بر ناقه بهشتی می شود که پیشانی او مزین، و قدم های او از لؤلؤ تازه و ... و تاجی از نور بر سر اوست که هفتاد رکن دارد، و هر رکنی مرصع به درّ و یاقوت است و مانند ستاره درّی در افق آسمان نور می دهد، و در طرف راست او هفتاد هزار ملک، و در طرف چپ او هفتاد هزار ملک قرار دارند، و جبرئیل افسر ناقه ی او را گرفته، و با صدای بلند می گوید: «ای مردم چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد (علیها السلام) عبور کند» پس هر رسول و پیامبر و صدیق و شهیدی، چشمان خود را می بندد تا فاطمه (علیها السلام) عبور کند، سپس فاطمه (علیها السلام) محازی عرش پروردگار جلّ جلاله قرار می گیرد و از ناقه خود پایین می آید و می گوید:

«ای پروردگار من و ای مولای من، حکم کن بین من و بین کسانی که به من ظلم کردند و فرزندانم را گشتند».

ناگهان ندا می رسد: ای حبیب من و ای دختر حبیب من! سؤال کن تا به تو عطا شود، و شفاعت کن تا پذیرفته شود، سوگند به عزّت و جلالم امروز هیچ ظالمی نمی تواند از مجازات من نجات پیدا کند. پس فاطمه (علیها السلام) می گوید:

«الهی و سیدی! ذریّتی و شیعتی و شیعه ذریّتی و محبّی و محبّ

۱- مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَمَالَ رُوِيَ أَنَّ النَّظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرَ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرَ إِلَى الْمُضِيحِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرَ إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِبَادَةٌ. أَقُولُ: وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى بَعْضِ الْمَقْصُودِ وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ. (وسائل الشيعة، ج ۸/۶۲۱)

۲- عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ. - (مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل / ج ٩ / ١٥٢ / ١٤٥ - باب استحباب النظر إلى الوالدين و إلى المصحف و إلى وجه العالم ص :

(١٥٢)

٣- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ. همان، ج ٩ ؛ ص ١٥٢

٤- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ هَمَان ج ٩ ؛ ص ١٥٢ .

ذریّتی» یعنی خدایا به فریاد ذریه و شیعیان من و شیعیان ذریّه من و دوستان من و دوستان ذریّه من برس.

ناگهان از ناحیه خدای عزوجل ندا می رسد: کجایند ذریّه فاطمه و شیعیان و دوستان و دوستان ذریّه او؟ پس همه آنان آماده می شوند و ملائکه رحمت آن ها را احاطه می کنند، و فاطمه (علیها السلام) آنان را داخل بهشت می نماید. (۱)

مؤلف گوید: مؤید روایت فوق روایتی است که دلالت می کند: آتش بر منسوبین به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز حرام است، جز ابولهب و ابوجهل که مستحق آتش هستند به خاطر دشمنی با آن حضرت.

مرحوم کلینی در کتاب کافی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که فرمود: جبرئیل (علیه السلام) بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: ای محمّد پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: من آتش را بر پدر و مادر تو و کسی که تو را در دامن خود تکفل نموده و پرورش داده، حرام نمودم و مقصود از تکفل کننده ابوطالب است.

و در روایت ابن فضال آمده که فاطمه بنت اسد نیز تکفل کننده آن حضرت نامیده شده است. (۲)

و عجیب این است که برخی از مخالفین - از اهل تسنّن - فکر کرده اند که حضرت ابوطالب (علیه السلام) مشرک بوده و داخل جهنّم می شود و لکن به خاطر خدماتی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نموده آتش او را آزار نمی دهد در حالی که ابوطالب و همه اجداد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تابع دین ابراهیم (علیه السلام) بوده اند و هرگز اهل شرک و بت پرستی نبوده اند و حضرت ابوطالب (علیه السلام) همان گونه که در روایات ما آمده چون شیخ مکه بوده تقیه نموده و اسلام خود را آشکار نکرده تا بتواند از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حمایت کند و به همین علت خداوند دو پاداش به او می دهد چنان که در تفسیر آیه ۲۸ سوره حدید «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ...» آمده است.

۱- سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيَّ نَاقَهُ مِنْ نَوْقِ الْجَنَّةِ مُدْبَجَةً الْجَنِّيْنَ خَطْمُهَا مِنْ لَوْلُو رَطْبِ قَوَائِمِهَا مِنَ الزُّمُرْدِ الْأَخْضَرِ ذَنْبُهَا مِنَ الْمَسِيكِ الْمَأْذَرِ عَيْنَاهَا يَأْقُوتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَيَّهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يَرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلَهَا عَفْوُ اللَّهِ وَ خَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيَّ رَأْسُهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مَرْصَعٌ بِالْأَقْوَاتِ يُضَيُّهُ كَمَا يُضَيُّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَ عَن يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عَن شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ جِبْرَائِيلُ آخِذٌ بِخَطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ: غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تَحْدِي عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَرْجُ بِنَفْسِهَا عَن نَاقَتِهَا وَ تَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي أَحْكَمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ احْكَمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَوَلَدِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ يَا حَبِيبِي وَ ابْنَةَ حَبِيبِي وَ اشْفَعِي تَعْطَى وَ اشْفَعِي فَوْعَرَّتِي وَ جَلَالِي لَا حَازِنِي ظَلَمَ ظَالِمٌ فَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَ شِعْبَتِي وَ شِعْبَةَ ذُرِّيَّتِي وَ مُجَبِّي وَ مُجَبِّي ذُرِّيَّتِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَ شِعْبَتُهَا وَ مُحِبُّوهَا وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا فَيَقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ.

(الأمالی (للصدوق) ؛ النص ؛ ص ۱۷ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۲۱۹ ح ۱).

۲- عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ إِنَّي قَدْ حَرَّمْتُ النَّارَ عَلَى صَيْلِبٍ أَنْزَلْتُكَ وَبَطْنٍ حَمَلَكَ وَحَجْرٍ كَفَلَكَ فَالْصُّلْبُ صَيْلِبٌ أَيْبِكَ . (كافي، ط - الإسلاميه) ج ۱/۴۴۶ ح ۲۱).

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش از امیرالمؤمنین (علیهم السلام) نقل نموده که آن حضرت هنگامی که در حیات مسجد کوفه نشسته بود و مشغول قضاوت بود و مردم در اطراف او بودند، شخصی برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین شما دارای همان مقامی هستید که خداوند برای شما خواسته است، در حالی که پدر شما در جهنم معذب است.

و امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او فرمود: ساکت شو خدا دهانت را خورد کند. سپس فرمود: سوگند به خدایی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به حق پیامبر خود قرار داد، اگر پدر من برای همه گنهکاران روی زمین شفاعت کند، خداوند شفاعت او را می پذیرد، آیا پدر من در آتش معذب است، و فرزند او قسیم الجنة و النار است؟! سوگند به خدایی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری مبعوث نمود، نور پدر من ابوطالب در قیامت غالب بر انوار همه خلائق است مگر نور پنج نفر که آنان: حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و من و فاطمه و حسن و حسین و ائمه (علیهم السلام) می باشند.

تا این که فرمود: نور ابوطالب (علیه السلام) از نور ما می باشد، و خداوند عزوجل او را دو هزار سال قبل از خلقت آدم (علیه السلام) خلق کرده است. (۱)

و در روایتی آمده که عباس عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن حضرت سوال کرد: شما درباره ابوطالب چه امیدی دارید؟ و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر چیزی را برای ابوطالب از خداوند امیدوار هستم. (۲)

مجالس ذکر آل محمد (علیهم السلام)

عبادین کثیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من به یکی از قصه پردازها برخورد کردم و او مشغول قصه پردازی بود و می گفت: «این مجلسی است که سبب شقاوت کسی نمی شود» و امام -صادق (علیه السلام) فرمود: هیئات هیئات، او به خطا سخن گفته است» و به ضرب المثل بین عرب تمثّل نمود و فرمود: أخطأت أستاذهم الحفّره».

و سپس فرمود: خداوند جز ملائکه کرام کاتبین، ملائکه ای دارد که روی زمین سیر می کنند و هنگامی که به مجلسی برخورد می کنند که اهل آن مشغول به مذاکره [علوم] محمد و آل -محمد (صلوات الله علیهم

۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فِي الرَّحْبَةِ وَالنَّاسُ حَوْلَهُ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكَ بِالْمَكَانِ الَّذِي أَنْزَلَكَ اللَّهُ فِيهِ وَ أَبُوكَ مُعَذَّبٌ فِي النَّارِ فَقَالَ لَهُ مَهْ فَضَّ اللَّهُ فَاكَّ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ شَفَعَ أَبِي فِي كُلِّ مُذْنِبٍ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ لَشَفَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى (فِيهِمْ أَيْ أَبِي) مُعَذَّبٌ بِالنَّارِ وَ [أَنَا] ابْنُهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ نُورَ أَبِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِيُطْفِئُ أَنْوَارَ الْخَلَائِقِ إِلَّا خَمْسَةَ أَنْوَارٍ نُورَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ نُورِي] وَ نُورَ فَاطِمَةَ وَ نُورَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ نُورَ أَوْلَادِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَلَمْأَا إِنَّ نُورَهُ مِنْ نُورِنَا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ [أَنْ] يَخْلُقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْفَنَى عَامَ . (ماه منقبه محمد بن احمد قمی. ص ۱۷۴).

۲- عَنْ عَبِيدِ اللَّهِ الْعَبَّاسِ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ مَا تَرْجُو لِأَبِي طَالِبٍ فَقَالَ كُلُّ خَيْرٍ أَرْجُو مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ.

اجمعین) هستند، به همدیگر می گویند: توقف کنید که به حاجت خود رسیدید، پس در آن مجلس شرکت می کنند و از مطالب و دانش آن بهره مند می شوند و هنگامی که آن مجلس به پایان می رسد از مریض های آنان عیادت می کنند، و جنازه هایشان را تشییع می نمایند، و از غایبین آنان تفقد می کنند، و این آن مجلسی است که اهل آن به شقاوت نمی رسند.

(۱)

یکی از اصحاب امام باقر(علیه السلام) به نام میسر گوید: امام باقر(علیه السلام) به من فرمود: آیا شما بین خود خلوت می کنید؟ و احادیث ما را بازگو می کنید؟ و هر چه را می خواهید می گوید؟ گفتم: آری به خدا سوگند ما خلوت می کنیم و احادیث شما را بازگو می کنیم و آنچه را می خواهیم می گوئیم.

امام باقر(علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند من دوست می دارم که در بعضی از مجالس شما می-بودم، چرا که به خدا سوگند من شما را دوست می دارم، و از ارواح شما لذت می برم، به خاطر این که شما بر دین خدا و دین ملائکه او هستید، پس با ورع و اجتهاد خود، ما را یاری کنید. (۲)

امام کاظم(علیه السلام) می فرماید: برای ابلیس و جنود او چیزی کشنده تر از زیارت برادران دینی از همدیگر - برای خدا - نیست، و هنگامی که دو نفر مؤمن همدیگر را ملاقات می کنند و به یاد خدا هستند، و فضائل ما اهل بیت را مذاکره می کنند، گوشت و صورت هر ابلیسی از بین می رود و از ناراحتی و شدت درد استغاثه می کند، و ملائکه آسمان و خزائن بهشت و هر ملک مقرب چون این حالت را احساس می کنند او را لعنت می نمایند، و ابلیس در آن حال مطرود و ناتوان خواهد شد.

(۳)

نشستن در مجالس ذکر

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر مسلمان [مؤمنی] که در مصلاهی خود بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بنشیند و ذکر خدا را بگوید، پاداش حجج بیت الله را خواهد داشت، و خداوند او را می آمرزد. (۴)

۱- عَنْ عَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي مَرَرْتُ بِمَقَاصٍ يَقُصُّ وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَمَّا يَشْفَى بِهِ جَلِيسٌ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَخْطَأَتْ أَسْبَابَهُمُ الْحُفْرَةَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ سِوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ - يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ قَالُوا قِفُوا فَقَدْ أَصَبْتُمْ حَاجَتَكُمْ فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرْضَاهُمْ وَ شَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ تَعَاهَدُوا عَابَتَهُمْ فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشْفَى بِهِ جَلِيسٌ. (كافي، ج ۲/۱۸۶ ح ۳).

۲- عَنْ مَيْسَرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي أ تَخْلُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ وَ تَقُولُونَ مَا شِئْتُمْ فَقُلْتُ إِي وَ اللَّهِ إِنَّا لَنَخْلُو وَ نَتَحَدَّثُ وَ نَقُولُ مَا شِئْنَا فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي مَعَكُمْ فِي بَعْضِ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ أَمَا وَ اللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّ رِيحَكُمْ وَ أَرْوَا حُكْمَكُمْ وَ إِنِّكُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ دِينِ مَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُوا بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ. همان، ص ۱۸۷ ح ۵.

۳- عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَيْسَ شَيْءٌ أَ نَكِي لِإِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ مِنْ زِيَارَةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ بَعْضِهِمْ

لِبَعْضٍ قَالَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقُونَ فِي ذِكْرَانِ اللَّهُ ثُمَّ يَذُكُرَانِ فَضَلْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ إِبْلِيسَ مُضْغَةً لَحْمٍ إِلَّا تَخَدَّدَ حَتَّى
إِنَّ رُوحَهُ لَتَسْتَعِيثُ مِنْ شِدَّةِ مَا يَجِدُ مِنَ الْآلَمِ فَتَحُسُّ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَخُرَّانُ الْجِنَانِ فَيَلْعَنُونَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ إِلَّا لَعَنَهُ فَيَقَعُ
خَاسِئًا حَسِيرًا مَذْحُورًا. (كافي، ج ٢/١٨٨ ح ٧).

٤- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّمَا امْرِيٍّ مُسْلِمٍ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ الْفَجْرَ يَذُكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ
كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَحُجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ. (روضه الواعظين و بصيره المتعظين (ط - القديمه) ؛ ج ٢ ؛ ص ٣٩٠)

و در سخن دیگری فرمود: هنگامی که باغستان های بهشت را یافتید، از آن ها بهره بگیرید. اصحاب گفتند: یا رسول الله! باغستان های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر، باغستان های بهشت است. (۱)

و در سخن دیگری فرمود: هیچ مردمی در مجالس خود ذکر خدا را نمی گویند، جز آن که منادی خداوند از آسمان به آنان می گوید: به پاخیزید که گناهانتان مبدل به حسنات گردید، و همه شما بخشیده شدید، تا این که فرمود: هر جمعیتی که در مجلس خود ذاکر خدا باشند، ملائکه با آنان همنشین خواهند شد.

و فرمود: هیچ قومی در مجلس خود ذکر خدا را نمی گویند، مگر آن که ملائکه الهی گرد آنان جمع خواهند شد و رحمت خدا آنان را در بر خواهد گرفت، و سکینه و آرامش الهی بر آنان فرود خواهد آمد، و آنان را متذکر و بیدار خواهد کرد. (۲)

و در سخن دیگری فرمود: هنگامی که ملائکه به حلقه ها [و جلسات] ذکر برخورد می کنند، بالای سر آنان می ایستند، و همراه گریه آنان گریه می کنند، و دعای آنان را آمین می گویند ... تا این که فرمود: و خداوند سبحان به ملائکه می فرماید:

شما شاهد باشید که من آنان را بخشیدم، و از آنچه می ترسند به آنان امان دادم. پس ملائکه می-گویند: فلانی بین آنان بود و ذاکر تو نبود؟ و خداوند در پاسخ ملائکه می فرماید: او را نیز به خاطر مجالست با آنان بخشیدم. چرا که ذاکرین من کسانی هستند که هم نشین آنان به شقاوت نمی رسد. (۳)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمود: نشستن یک ساعت در جلسه مذاکره علم برای تو بهتر از عبادت یک سال است که روزهای آن را روزه باشی و شب های آن را به عبادت طی کنی، و نگاه به چهره عالم برای تو بهتر از آزاد کردن هزار بنده می باشد. (۴)

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وَجِدْتُمْ رِيَاضَ الْجَنَّةِ فَارْتَعَوْا فِيهَا قَالُوا وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَجَالِسُ الذُّكْرِ هَمَان.

۲- قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ غَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَ تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ ذَكَرْتُهُمْ فِيمَنْ عِنْدَهُمْ. -همان.

۳- عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى حَاقِقِ الذُّكْرِ فَيَقُومُونَ عَلَى رُءُوسِهِمْ وَ يَبْكُونَ لِكِبَائِهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِمْ إِلَى أَنْ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُمْ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ وَ آمَنْتُهُمْ مِمَّا يَخَافُونَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّ فُلَانًا كَانَ فِيهِمْ وَ إِنَّهُ لَمْ يَذْكُرْكَ فَقُولُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُ بِمَجَالِسَتِهِ لَهُمْ فَإِنَّ الذَّاكِرِينَ مَنْ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ. (وسائل الشيعة، ج ۷/۲۳۲).

۴- قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ الْجُلُوسُ سَاعَةً عِنْدَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ سِنَةٍ صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ. (مستدرک الوسائل، ج ۹/۱۵۳).

ذکر فضائل و مصائب آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين)

امام صادق (علیه السلام) به فضیل بن یسار فرمود: هر کس نام ما را ببرد و یا نام ما نزد او برده شود، و به خاطر [مظلومیت] ما متأثر شود و گریه کند، گرچه به اندازه بال مگسی اشک او جاری شود، خداوند گناهان او را می بخشد، گرچه به اندازه کف روی دریا باشد. (۱)

ابوهارون مکفوف گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباهارون برای من مرثیه حسین (علیه السلام) را بخوان» پس من مرثیه ای را خواندم و آن حضرت گریه کرد، و فرمود: همان گونه که بین خودتان با سوز و رقت می خوانید بخوان» پس من گفتم:

أمر علی جدتِ الحسین - فقل لأعظمه الزکیه

یا أعظماً لازلت من - و طفاء ساکبه رویه

و إذا مررت بقبره - فاطل به وقف المطیبه

و ابک المطهر للمطهر - و المطهره النقیه

کبکاء معوله أتت - يوماً لواحدھا المتیه

و آن حضرت باز گریان شد و فرمود: بیش از این بخوان پس من قصیده دیگری را خواندم و او باز گریان شد، و من صدای گریه خانواده آن حضرت را نیز از پشت پرده شنیدم، و چون فارغ شدم به من فرمود: ای اباهارون هر کس در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و بگرید و ده نفر را گریان کند، بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که شعری بخواند و گریه کند، و پنج نفر را بگریاند، بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و گریه کند، و یک نفر را بگریاند، بهشت برای آن دو نوشته می شود، سپس فرمود: و هر کس با شنیدن نام حسین (علیه السلام) به اندازه بال مگسی گریه کند، پاداش او بر خداوند خواهد بود، و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود.

(۲)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ذکر ما اهل بیت شفای از تب و بیماری و وسواس می باشد، و دوستی ما سبب خشنودی خداوند تبارک و تعالی خواهد بود. (۳)

۱- عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (محاسن، ج ۱/۶۳ ح ۱۱۰).

۲- عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا هَارُونَ أَنْشِدْنِي فِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى

فَقَالَ أَنْشِدْنِي كَمَا تُنْشِدُونَ يَغْنَى بِالرَّقْفِ قَالَ فَأَنْشِدْتُهُ امْرُؤَ عَلِيٍّ حَدَّثَ الْحُسَيْنَ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الرَّكِيهِ قَالَ فَبَكَى ثُمَّ قَالَ زِدْنِي قَالَ
فَأَنْشِدْتُهُ الْقِصَّةَ يَدَهُ الْأُخْرَى قَالَ فَبَكَى وَ سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنْ خَلْفِ السُّتْرِ - قَالَ فَلَمَّا فَرَعْتُ قَالَ لِي يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع
شِعْرًا فَبَكَى وَأَبْكَى عَشْرًا كُتِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمِنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبْكَى خَمْسَةً كُتِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَنْشَدَ فِي
الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَأَبْكَى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَمَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ [عَيْنَيْهِ] مِنَ الدَّمُوعِ
مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَلَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ. (كامل الزيارات ص ١٠٤)

٣- قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْوَعَكِ وَالْأَسْقَامِ وَ وَسْوَاسِ الرَّيْبِ وَ حُبْنَا رَضَى الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى . (محاسن، ج ١/٦٢ .)

مرحوم کلینی در «باب تذاکر الإخوان» از ابوحزمه ثمالی نقل نموده که گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: شیعیان ما به همدیگر ترحم می کنند، و هنگامی که در خلوت قرار می گیرند، خدا را یاد می کنند، و یاد ما نیز یاد خداوند محسوب می شود، و یاد دشمنان ما یاد شیطان محسوب می شود. (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: برخی از ملائکه آسمان چون اطلاع پیدا می کنند که یک نفر و یا دو نفر و یا سه نفر از شما مشغول به ذکر فضائل آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) هستید، به همدیگر می گویند:

آیا نمی بینید این ها با عدد ناچیز خود در مقابل دشمنان فراوانی که دارند فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیان می کنند؟! و ملائکه دیگر می گویند: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» § عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ لَيَطَّلِعُونَ إِلَى الْوَاحِدِ وَالْاِثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةِ وَهُمْ يَذْكُرُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ فَتَقُولُ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى هَؤُلَاءِ فِي قَلْبِهِمْ وَكَثْرَةِ عِدْوِهِمْ يَصِفُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ فَتَقُولُ الطَّائِفَةُ الْمَأْخَرَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ ذِكْرَكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ - همان/ ۱۸۷ ح ۴. (۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَصَاعِدًا إِلَّا حَضَرَ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ فَإِنْ دَعَوْا بِخَيْرٍ آمَنُوا وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعَا اللَّهُ لِيَصْرِفَهُ عَنْهُمْ وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَفَّعُوا إِلَى اللَّهِ وَسَأَلُوهُ قَضَاءَهَا وَمَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَاهِلِينَ إِلَّا حَضَرَ مِنْ عَشْرَةِ أَضْعَافِهِمْ مِنَ الشَّيَاطِينِ فَإِنْ تَكَلَّمُوا تَكَلَّمَ الشَّيْطَانُ بِنَحْوِ كَلَامِهِمْ وَإِذَا ضَحِكُوا ضَحِكُوا مَعَهُمْ وَإِذَا نَالُوا مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ نَالُوا مَعَهُمْ فَمَنْ ابْتَلَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ فَإِذَا خَاصُوا فِي ذَلِكَ فَلْيَقُمْ وَلَا يَكُنْ شَرَكًا لِلشَّيْطَانِ وَلَا جَلِيسَةً فَإِنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَلَا لَعْنَتُهُ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ ثُمَّ قَالَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُنْكِرْ بِقَلْبِهِ وَيَقُمْ وَلَا يَحْلُبْ شَاهٍ أَوْ فَوَاقَ نَاقِهِ - همان، ص ۱۸۷ ح ۶.

۱- عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ شِيعَتَنَا الرُّحَمَاءُ بَيْنَهُمُ الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ ذُكِرَ الشَّيْطَانُ. (کافی، ج ۲/۱۸۶)

۲- امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: در هیچ مجلسی سه نفر و بیشتر، از مؤمنین اجتماع نمی کنند، مگر آن که همان اندازه از ملائکه حاضر می شوند، و چون دعا می کنند، آنان آمین می گویند، و اگر از شرّ دشمنان خود به خدا پناه ببرند، آنان نیز از خداوند می خواهند که شرّ دشمنان را از آنان برطرف نماید، و اگر از خداوند حاجتی طلب کنند، ملائکه نیز از خداوند می خواهند تا حاجت آنان را برآورده نماید. سپس فرمود: اگر در مجلسی سه نفر از منکرین [ولایت اهل بیت (علیهم السلام)] جمع شوند قطعاً ده برابر آنان از شیاطین گرد آنان جمع می شوند، و با آن ها سخن می گویند، و سخنانشان را تکرار می کنند، و اگر خنده کنند، آنان نیز خنده می کنند، و اگر یکی از مؤمنین در چنین مجالسی گرفتار شود، باید آن مجلس را ترک کند، و همنشین و شریک شیطان نشود، چرا که غضب خداوند عزّوجلّ و لعنت او را کسی نمی تواند جلوگیری کند. سپس فرمود: و اگر نتواند از آن مجلس خارج شود، باید با قلب خود آن مجلس را انکار کند، گر چه مدت آن به اندازه دوشیدن گوسفندی و یا شتری باشد.

مذاکره احادیث و احیای معارف اهل البیت (علیهم السلام)

امام صادق (علیه السلام) - همان گونه که گذشت - به بعضی از اصحاب خود فرمود: آیا جلسه برقرار می کنید و سخنان ما را بیان می نمایید؟ راوی گفت: آری. امام (علیه السلام) فرمود: من این مجالس را دوست می دارم و هنگامی که شما جمع شدید، باید امر ما را احیا نمایید. سپس فرمود:

خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا می کنند. [و امر آنان حفظ شریعت جدشان می باشد و شیعیان در زمانی که امامشان محدودیت دارد باید شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) را از خطرها حفظ نمایند و از آنان دفاع کنند و ...]

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَجْلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أُحْيِيهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا يَا فَضْلُ - مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ عَنْ عَيْنَيْهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ (وسائل، ج ۱۲/۲۰) (۱) عَنْ مُيَسِّرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي أَ تَحْلُونَ وَ تُحَدِّثُونَ وَ تَقُولُونَ مَا شِئْتُمْ فَقُلْتُ إِي وَ اللَّهِ فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي مَعَكُمْ فِي بَعْضِ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْحَدِيثِ. همان، ص ۲۱. (۲) همان. (۳) همان. (۴) همان، ص ۲۲ ح ۱۵۵۴۰.

۱- امام باقر (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود به نام میسر فرمود: آیا خلوت می کنید و سخنان ما را بیان می کنید و آنچه را می خواهید [بدون تقیه] بین خود می گوئید؟ میسر گوید: گفتم: آری والله چنین می کنیم. فرمود: به خدا سوگند من دوست می دارم که در برخی از این مجالس با شما باشم ...

۲- و در سخن دیگری فرمود: خدا رحمت کند بنده ای را که یاد ما را زنده می کند. راوی گوید: گفتم: زنده کردن یاد شما به چیست؟ فرمود: ملاقات با اهل ثبات [و معتقدین به ولایت ما] و مذاکره سخنان و احادیث ما می باشد.

۳- و در سخن دیگری به فضیل بن یسار فرمود: آیا بین خود مجلس برقرار می کنید؟ فضیل گوید: گفتم: آری، فرمود: به به این مجلس.

۴- و در سخن دیگری به اصحاب خود فرمود: جمع شوید و احادیث ما را مذاکره کنید تا ملائکه اطراف شما جمع شوند، خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا می کنند.

همدیگر بروید، و درباره امر ولایت و امامت ما مذاکره کنید، و امر ما را احیا نمایید. (۱)

و در سخن دیگری فرمود: ملاقات با برادران دینی غنیمت و خیر بزرگی است. (۲)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بنگرید با چه کسانی مذاکره می کنید، چرا که هر کس می خواهد از دنیا برود رفقا و اصحاب او مقابلش مُمَثَّل می شوند، و اگر رفقای او در دنیا خوب بوده اند در آن وقت نیز خوبان رفقای او هستند، و اگر بد بوده اند در آن وقت رفقای بدی خواهد داشت، و احدی نمی میرد مگر آن که من هنگام مرگ مقابل او مُمَثَّل خواهم شد. (۳)

ابن عباس گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد: کدام همنشیتین خوب است؟ فرمود: کسی که شما با دیدن او به یاد خدا بیفتید، و سخن او بر علم شما بیفزاید، و عمل او شما را به آخرت ترغیب نماید. (۴)

مؤلف گوید: مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الأنوار بابی به نام «مذاکره علم و دین و مجالست با علما و حضور در مجالس علم و مذمت از مجالست و رفت و آمد با جهال» باز نموده و از انس بن مالک نقل کرده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که مؤمن از دنیا می رود اگر ورقی از علم [دین] از او باقی مانده باشد، آن ورق در روز قیامت بین او و بین آتش جهنم ساطر خواهد بود، و خداوند به هر حرفی که در آن نوشته شده شهری در بهشت به او می دهد که وسیع تر از هفت برابر دنیا می باشد.

سپس فرمود: و هر مؤمنی که یک ساعت نزد عالم [دینی برای کسب معارف دین] بنشیند خداوند عزوجل به او ندا می کند: حال که در کنار حبیب من نشستی به عزت و جلالم سوگند من تو را در بهشت در کنار او قرار خواهم داد و باکی از آن ندارم. (۵)

۱- عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاحِمِينَ تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرًا وَ أَحْيَاةً. (وسائل الشيعة، ج ۱۲/۲۲ ح ۱۵۵۳۹).

۲- عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لِقَبَائِلِ الْإِخْوَانِ مَغْنَمٌ جَبِيَّةٌ. (وسائل الشيعة؛ ج ۱۲؛ ص ۲۱)

۳- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْظَرُوا مَنْ تُحَادِثُونَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَنْزِلُ بِهِ الْمَوْتُ إِلَّا مَثَلٌ لَهُ أَصْحَابُهُ إِلَى اللَّهِ فَإِنْ كَانُوا خِيَارًا فَخِيَارًا وَ إِنْ كَانُوا شِرَارًا فَشِرَارًا وَ لَيْسَ أَحَدٌ يَمُوتُ إِلَّا تَمَثَّلَتْ لَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ. (وسائل الشيعة؛ ج ۱۲؛ ص ۲۲)

۴- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ قَالَ مَنْ تَذَكَّرَكُمْ اللَّهُ رُؤْيْتَهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ يَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ - همان ج ۱۲ ص ۲۳

۵- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا

بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْعُدُ سَاعَةً
عِنْدَ الْعَالِمِ إِلَّا نَادَاهُ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَلَسْتَ إِلَيَّ حَبِيبِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَسْكِنَنَّكَ الْجَنَّةَ مَعَهُ وَلَا أَبَالِي. (بحار الانوار، ج ١٩٨/١ ح ١).

امام صادق (علیه السلام) به داوود بن سرحان فرمود: ای داوود سلام مرا به دوستان مان برسان و بگو: من در حق شما دعا می کنم و می گویم: خدا رحمت کند آن بنده ای را که در کنار برادر دینی خود قرار بگیرد و درباره ولایت ما با همدیگر سخن بگویند، چرا که سومی آنان ملکی خواهد بود که در حق آنان دعا می کند، و هرگاه دو نفر با همدیگر درباره ما سخن بگویند، خداوند به خاطر آنان بر ملائکه مباحثات می کند، پس هرگاه شما در کنار همدیگر قرار گرفتید مشغول به ذکر خدا باشید، چرا که اجتماع و مذاکره شما سبب احیای امر ما می باشد، و بهترین مردم بعد از ما کسی است که سخن از ما بگوید و مردم را به یاد ما بیاورد] و آنان را دعوت به ولایت ما نماید [۱]

احسان به ذریه و شیعیان آل محمد (علیهم السلام)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که قیامت برپا می شود و خداوند اولین و آخرین را جمع می کند، و منادی خداوند با صدای بلند می گوید: کسی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) حقی دارد قیام کند، پس گروهی از مردم به پا می ایستند، و به آنان گفته می شود: شما چه حقی بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دارید؟ و آنان می گویند: ما بعد از او به اهل بیت او احسان می-کردیم.

پس به آنان خطاب می شود: بین مردم گردش کنید، و هر کس را دیدید که بر شما حقی دارد او را با خود به بهشت ببرید. (۲)

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: کسی که به ما صلّه و احسان کند، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) احسان وصله کرده است، و کسی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) احسان و صلّه کرده باشد، به خداوند صلّه نموده است. (۳)

و فرمود: کسی که به شیعیان ما احسان کند به امیرالمؤمنین (علیه السلام) احسان نموده است، و کسی که به آن حضرت احسان کند به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) احسان نموده و کسی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) احسان کند به خداوند احسان کرده و کسی که به خدا احسان کند، به خدا سوگند او در رفیع اعلی با ما خواهد بود... (۴)

۱- عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِداوودَ بْنِ سِرْحَانَ يَا داوودُ أبلغِ مَوَالِيَّ عَنِّي السَّلَامَ وَ أَنِّي أَقولُ رَحِمَ اللهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخِرِ فَتْدَاكَرِ أَمْرِنَا فَإِنَّ نَالَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا وَ مَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَيَّ ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهَى اللهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَعْلُوا بِالذِّكْرِ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ مِدَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءَنَا وَ خَيْرَ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بَأْمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذِكْرِنَا (بحار الانوار، ج ۲۰۰/۸)

۲- عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللهُ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مَنْ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ يَدٌ فَلْيُثْمِرْ فَيَقُومُ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ فَيَقُولُ مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فَيَقُولُونَ كُنَّا نَصِلُ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ بَعْدِهِ فَيَقَالُ لَهُمْ أَذْهَبُوا فَطُوفُوا فِي النَّاسِ فَمَنْ كَانَتْ لَهُ عِنْدَكُمْ يَدٌ فَخُذُوا بِيَدِهِ فَأَدْخِلُوهُ فِي الْجَنَّةِ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ وَصَلَنَا وَصَلَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ وَصَلَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فَصَدَّقَ وَصَلَّ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ()

٣- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ وَصَلَنَا وَصَلَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَنْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَدْ وَصَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى -همان.

٤- مَنْ أَحْسَنَ إِلَيَّ شَيْعِنَا فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ أَحْسَنَ إِلَيَّ اللَّهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي الرَّفِيعِ الْمَعْلَى قَالَ فَأَتَيْتُهُ وَ ذَكَرْتُهُ فَقَالَ بِاللَّهِ سَجِعَتْ هَيْدَا الْحَدِيثُ مِنَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ اجْلِسْ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ مَا عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ مِنَ الْخِرَاجِ قَالَ سِتُّونَ أَلْفَ دِرْهَمٍ قَالَ امْحُ اسْمَهُ مِنَ الدِّيَّانِ وَ أَعْطَانِي بَدْرَةَ وَ جَارِيَةَ وَ بَغْلَةً بِسَرِجِهَا وَ لِحَامِهَا قَالَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ تَبَسَّمَ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ تُحَدِّثْنِي أَوْ أُحَدِّثُكَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْكَ أَحْسَنُ فَحَدَّثَنِي وَ اللَّهُ الْحَدِيثُ كَأَنَّهُ حَاضِرٌ مَعِيَ. (بحار الأنوار (ط

امام صادق(علیه السلام) نیز فرمود: از مال خود نسبت به صله به آل محمد(علیهم السلام) دریغ نکنید: و هر کس به اندازه قدرت و توان خود باید به آنان احسان کند، غنی به اندازه دارائی و تمکن خود و فقیر نیز به اندازه توان خود، و هر کس بخواهد، خداوند مهم ترین حاجت او را برآورده کند، باید به آل محمد(علیهم السلام) و شیعیان آنان صله و احسان داشته باشد، و تا می تواند به آنان احسان کند. (۱)

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...» (۲) از جابر از امام باقر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: احسان به پدر و مادر، و صله رحم حساب قیامت را آسان می کند. و سپس آیه فوق را تلاوت نمود.

سپس مرحوم طبرسی در تفسیر آیه فوق از امام کاظم(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: صله و احسان به آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) معلق به عرش خداوند است و می گوید: خدایا احسان کن به کسی که به من احسان نموده، و احسان خود را قطع کن از کسی که احسان خود را از من قطع کرده است. سپس فرمود: این آیه درباره هر رحم و خویشی نیز جاری است. (۳)

مرحوم علامه مجلسی از امالی صدوق از ابوبصیر از امام صادق(علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هنگامی که خداوند در قیامت، اولین و آخرین را جمع می کند، ظلمت و تاریکی آنان را فرا می گیرد، و آنان به درگاه پروردگار خود ناله و ضججه می زنند و می گویند: خدایا این ظلمت را از ما برطرف فرما. پس گروهی که نور آنان زمین قیامت را روشن نموده است فرا می رسند، و اهل قیامت چون آنان را می بینند می گویند: این ها پیامبران هستند، و از ناحیه خداوند ندا می آید، که این ها پیامبران نیستند. پس اهل محشر می گویند: این ها ملائکه هستند، و از ناحیه خداوند ندا می رسد: این ها ملائکه نیستند، سپس اهل محشر می گویند: این ها شهدا می باشند، و از ناحیه خداوند ندا می رسد: که این ها شهدا نیستند. پس اهل محشر می گویند: خدایا این ها کیانند؟ و از ناحیه خداوند ندا می رسد: ای اهل محشر شما از آنان سؤال کنید که چه کسانی هستند؟

۱-... سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اسْتَبَعِينَا بِنِعْضِ هَيْدِهِ عَلَى هَيْدِهِ وَ لَا تَكُونُوا كَلَّا عَلَى النَّاسِ عَلَيْكُمْ بِالْبُرِّ بِجَمِيعِ مَنْ خَالَطْتُمُوهُ وَ حُسْنِ الصَّنِيعِ إِلَيْهِ-أَلْمَا وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبُغْيِ فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ إِنَّ أَسْرِعَ الشَّرِّ عُقُوبَهُ الْبُغْيُ أَدْوَا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ سَائِرِ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ أَدْوَا الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ إِلَى أَهْلِهَا فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ يَا مُفَضَّلُ قُلْ لِأَصْحَابِكَ يَضْعُونَ الزَّكَاةَ فِي أَهْلِهَا وَ إِنِّي ضَامِنٌ لِمَا ذَهَبَ لَهُمْ عَلَيْكُمْ بِوَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا تَزَاوَرُوا وَ تَحَابُّوا وَ لِيُحْسِنُ بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ تَلَاقُوا وَ تَحَدَّثُوا وَ لَا يُبْطِنَنَّ بَعْضُكُمْ عَنْ بَعْضٍ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّصَارُمَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْهَجْرَانَ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ مِنْ شِيعَتِنَا عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا بَرِثْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَعْنَتُهُ وَ أَكْثَرُ مَا أَفْعَلُ ذَلِكَ بِكِلَيْهِمَا فَقَالَ لَهُ مَعْتَبٌ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا الظَّالِمُ فَمَا بَالُ الْمَظْلُومِ: قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَدْعُو أَخَاهُ إِلَى صِلَتِهِ سَمِعْتُ أَبِي وَ هُوَ يَقُولُ إِذَا تَنَازَعَ اثْنَانِ مِنْ شِيعَتِنَا فَفَارَقَ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ فَلْيَرْجِعِ الْمَظْلُومُ إِلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يَقُولَ لَهُ يَا أَخِي أَنَا الظَّالِمُ حَتَّى يَنْقَطِعَ الْهَجْرَانُ فِيمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَكَمَ عِدْلٌ يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ لَا تَحْقَرُوا وَ لَا تَجْفُوا

فَقَرَأَ شَيْعَهُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالطُّفُوهُمْ وَأَعْطُوهُمْ مِنَ الْحَقِّ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ لَمَا تَأْكُلُوا
النَّاسَ بِآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: افْتَرَقَ النَّاسُ فِينَا عَلَى ثَلَاثِ فِرَقٍ فِرْقَةٌ أَحَبُّنَا انْتِظَارَ قَائِمِنَا لِيُصِيبُوا مِنْ
دُنْيَانَا فَتَقَالُوا وَحَفِظُوا كَلَامِنَا وَ قَصَّرُوا عَنْ فِعْلِنَا فَسَيَحْشُرُهُمُ اللَّهُ إِلَى النَّارِ وَ فِرْقَةٌ أَحَبُّنَا وَ سَمِعُوا كَلَامِنَا وَ لَمْ يَقْصُرُوا عَنْ فِعْلِنَا
لَيْسَ تَأْكُلُوا النَّاسَ بِنَا فَيَمْلَأُ اللَّهُ بُطُونَهُمْ نَارًا يَسِيلُ عَلَيْهِمُ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ وَ فِرْقَةٌ أَحَبُّنَا وَ حَفِظُوا قَوْلَنَا وَ أَطَاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يُخَالِفُوا
فِعْلِنَا فَأُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ لَمَا تَدْعُوا صِلَهُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ أَمْوَالِكُمْ مِنْ كَدَّانٍ غَتِيًّا فَيَقْدِرَ غِنَاهُ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا
فَيَقْدِرَ فَقْرَهُ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ إِلَى اللَّهِ لَهُ أَهَمُّ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ فَلْيَصِلْ آلَ مُحَمَّدٍ وَ شَيْعَتَهُمْ بِأَحْوَجِ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ لَا تَغْضَبُوا مِنْ
الْحَقِّ إِذَا قِيلَ لَكُمْ وَ لَا تُبْغِضُوا أَهْلَ الْحَقِّ إِذَا صَدَعُوكُمْ بِهِ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَغْضِبُ مِنَ الْحَقِّ إِذَا صَدَعَ بِهِ. (تحف العقول، ص ٥١٤).

(

٢- رعد / ٢١.

٣- روى جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله بر الوالدين و صلته الرحم يهونان الحساب ثم تلا هذه
الآية روى محمد بن الفضيل عن موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام في هذه الآية قال صلته آل محمد صلى الله عليه وآله معلقة
بالعرش تقول اللهم صل من وصلني و اقطع من قطعني و هي تجرى في كل رحم (مجمع البيان في تفسير القرآن ؛ ج ٦ ؛
ص ٤٤٤)

پس اهل محشر به آنان می گویند: شما کیانید؟ و آنان می گویند: ما فرزندان علی (علیه السلام) و ذریه محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزندان علی ولی الله هستیم، و ما مخصوصین به کرامت الله، و آمنون و مطمئنون می باشیم، پس از ناحیه خداوند عزوجل ندا می رسد: «شما درباره شیعیان و دوستان خود شفاعت کنید» و آنان شفاعت می کنند، و شفاعتشان پذیرفته می شود. (۱)

دعبل بن علی از امام رضا از پدراناش از امیرالمؤمنین از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: من در قیامت از چهار نفر شفاعت خواهم نمود: ۱- کسی که بعد از من به ذریه من اکرام و احسان نماید، ۲- کسی که حوائج آنان را برآورده کند، ۳- کسی که سعی کند هنگام اضطرار، امور آنان را اصلاح نماید، ۴- کسی که با قلب و زبان خود آنان را دوست بدارد. (۲)

عمران بن معقل گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: از صله و احسان خود به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دریغ نکنید، غنی به اندازه غنای خود، و فقیر به اندازه فقر خود، بنابراین هر کس بخواهد خداوند بالاترین حاجت او را برآورده کند، باید به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیعیانشان احسان کند، گرچه خود سخت ترین نیاز را به مال خود داشته باشد. (۳)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من برای طول عمر چیزی را بهتر از صله رحم سراغ ندارم، حتی اگر سه سال به عمر کسی باقی مانده باشد و صله رحم کند، خداوند سی سال بر عمر او می افزاید، و اگر کسی سی سال عمر داشته باشد و قطع رحم کند سی سال از عمر او کم می شود. (۴)

اقامه مجالس عزا، برای آل محمد (علیهم السلام)

مؤلف گوید: اقامه ی مجالس عزا و ذکر مصائب اهل البیت (علیهم السلام) مورد ترغیب و سیره متشرعه بلکه سیره معصومین (علیهم السلام) بوده مخصوصا نسبت به مصائب حضرت سیدالشهداء و

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيْنَ وَ الْأَخْرِيْنَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَعَشَّاهُمْ ظُلْمَةً فَيَضْجُونَ إِلَى رَبِّهِمْ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ اكشِفْ عَنَّا هَذِهِ الظُّلْمَةَ قَالَ فَيَقْبَلُ قَوْمٌ يَمْشِي النُّورُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ قَدْ أَضَاءَ أَرْضَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَوْلَاءُ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَا هَوْلَاءُ بِأَنْبِيَاءَ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَوْلَاءُ مَا هَوْلَاءُ بِمَلَائِكَةٍ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَا هَوْلَاءُ بِمَلَائِكَةٍ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَوْلَاءُ شُهَدَاءُ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَا هَوْلَاءُ بِشُهَدَاءَ فَيَقُولُونَ مَنْ هُمْ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ سَلُّوهُمْ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ مَنْ أَنْتُمْ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْعَلَوِيُّونَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص نَحْنُ أَوْلَادُ عَلِيِّ وَ لِيِّ اللَّهِ نَحْنُ الْمُخْصُوصُونَ بِكَرَامَةِ اللَّهِ نَحْنُ الْأَمْنُونَ الْمُطْمَئِنُّونَ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اشْفَعُوا فِي مُحِبِّكُمْ وَ أَهْلِ مَوَدَّتِكُمْ وَ شَيْعَتِكُمْ فَيَشْفَعُونَ فَيَشْفَعُونَ (بحار الانوار، ج ۲۱۷/ ۹۳).

۲- عَنْ دَعْبَلِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ الْمُكْرَمِ لِدُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي وَالْقَاضِي لَّهُمْ حَوَائِجُهُمْ وَالسَّاعِي لَّهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ وَالْمُحِبُّ لَّهُمْ بِقَلْبِهِ وَلسَانِهِ
(بحار الانوار، ج ٩٣/٢٢٠).

٣- عَنْ عَمْرَانَ بْنِ مَعْقِلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا تَدْعُوا صَلَاةَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ أَمْوَالِكُمْ مَنْ
كَانَ غَنِيًّا فَعَلَى قَدْرِ غِنَاهُ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَعَلَى قَدْرِ فَقْرِهِ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ أَهْمَ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ فَلْيَصِلْ آلَ مُحَمَّدٍ وَ
شِيَعَتَهُمْ بِأَحْوَجِ مَا يَكُونُ مِنْ مَالِهِ. (بشاره المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمه) ؛ النص ؛ ص ٦- بحار الانوار، ج ٩٦/٢١٦).

٤- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا نَعْلَمُ شَيْئًا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا صَلَاةَ الرَّحِمِ حَتَّىٰ إِنْ الرَّجُلُ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ سِنِينَ
فَيَكُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَيَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَجْعَلُهَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ
فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ. (كافي، ج ٢/١٥٢ ح ١٧).

عزیزان و اهل بیت و اصحاب آن حضرت و تاکنون این سیره و روش ادامه دارد و معصومین (علیهم السلام) قولاً و فعلاً و تأییداً مشروعیت آن را اثبات نموده اند.

و چه نیکوست که ما در این موضوع و جمیع امور خود به سیره آن بزرگواران عمل کنیم و از اعمال دیگری که شبهه حرمت و بدعت دارد و نسبت دادن آن ها به معصومین (علیهم السلام) صحیح نیست، پرهیز نماییم و گمان نکنیم که ابکاء و گریاندن با نسبت های خلاف واقع، ثواب و پاداشی دارد، چرا که دروغ از محرمات است و در این موضوع حرمت آن برداشته نشده است.

بنابراین خواندن روضه های دروغ که در هیچ مقتلی نامی از آن ها برده نشده، اگر به صورت زبان حال نباشد، حرام خواهد بود، و کيفر نسبت دروغ دادن به معصومین (علیهم السلام) را خواهد داشت و روایت «من بکی أو أبکی أو تبأکی وجبت له الجنة» هرگز به این معنا نیست که ما با نسبت دروغ دادن به معصوم (علیه السلام) کسی را در مجلس عزا بگریانیم و فکر کنیم که پاداش آن بهشت است!!.

اکنون سیره ائمه (علیهم السلام) را به طور اختصار نقل می کنیم تا روشن شود معنای عزاداری و نوحه سرایی و شبیه خوانی و زبان حال گوئی چیست، و از خداوند متعال برای همه دوستان اهل -البیت (علیهم السلام) آروزی موفقیت و عصمت و سداد کلام طلب می نمایم.

مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید: من در برخی از مؤلفات متأخرین دیدم که دعبل خزاعی گوید: در ایام عاشورا بر حضرت رضا (علیه السلام) وارد شدم و او را حزین و مصیبت زده دیدم و اصحاب او را دیدم که اطراف او نشسته بودند و چون آن حضرت مرا دید فرمود: «خوش آمدی مرحباً بناصرنا بیده و لسانه» سپس مرا در کنار خود نشانید و فرمود: ای دعبل من دوست دارم که در این ایام - که ایام حزن و اندوه ما اهل البیت و ایام سرور و شادی دشمنان ما به یژه بنی امیه می باشد - برای من اشعاری را بخوانی؟

سپس فرمود: «ای دعبل کسی که برای مصائب ما بگرید و دیگری را بگریاند گرچه یک نفر باشد پاداش او بر خداوند خواهد بود، ای دعبل کسی که بر مصائب جدّم حسین (علیه السلام) گریه کند خداوند قطعاً گناهان او را می بخشد». سپس امام (علیه السلام) برخاست و پرده ای بین ما و خانواده خود زد، و اهل بیت خود را پشت پرده نشانید و به من فرمود: «ای دعبل برای جدّم حسین مرثیه بخوان، همانا تو تا زنده هستی ناصر و مداح ما خواهی بود، و تا می توانی از یاری ما کوتاهی مکن» پس اشک من جاری شد و گفتم:

أفطمم لو دخت الحسین مجدلاً - و قد مات عطشاناً بشط فرات

إذن للطمث الخدّ فاطم عنده-وأجريت دمع العين فى الوجنات
أفاطم قومی یابنه الخیر واندبى - نجوم سماوات بأرض فلات
قبور بكوفان و اخرى بطيبه - و اخرى بفتح نالها صلواتى
قبور ببطن النهر من جنب كربلا - معرّسهم منها بشط فرات
توفوا عطاشا بالعراء فليتنى - توفيت فيهم قبل حين وفاتى
إلى الله أشكو لوعه عند ذكرهم - سقتنى بكأس الثكل والفضعات
إذا فخرُوا يوماً أتوا بمحمّد - و جبريل والقرآن والشّورات
وعدّوا عليّاً ذا المناقب والعلا - وفاطمه الزهراء خير بناتٍ
إلى قوله

سأبكيهم ما حجّ لله راكب - وما ناح قمرى على الشجرات
فيا عين بكّيهم وجودى بعبره - فقد آن للتسكاب والهملات
بنات زيادٍ فى القصور مصونه - و آل رسول الله منهتكات
وآل زياد فى الحصون منيعه - و آل رسول الله فى الفلوات
ديار رسول الله أصبحن بلقعا - و آل زياد تسكن الحجرات
وآل رسول الله نحف جسومهم - و آل زياد غلظ القصرات
وآل رسول الله تدمى نحورهم - و آل زياد ربّه الحجلات
وآل رسول الله تسبى حريمهم - و آل زياد آمنوا السربات
إذا وتّروا مدّوا إلى و اتريهم - أكفأ عن الأوتار منقبضات
سأبكيهم ما ذرّ فى الأفق شارق - و نادى منادى الخير للصلوات

وما طلعت شمس وحن غروبها - وبالليل أبكيهم وبالغدوات

امؤلف گوید: اشعار مرثیه برای مصائب اهل بیت علیهم السلام فراوان است وما برخی از اشعار سوز دار- عربی و فارسی- را در کتابی جمع آوری نموده ایم ان شاء الله به چاپ خواهد رسید.

گریه برای مظلومیت اهل البیت به ویژه سیدالشهداء و عزیزان و اهل البیت آن حضرت (علیهمالسلام)

مؤلف گوید: از روایات و سیره ائمه (علیهم السلام) استفاده می شود که گریه و عزاداری برای امام-حسین (علیه السلام) سبب خشنودی خدا و رسول او و ائمه معصومین (علیهم السلام) است و آن دری از درهای رحمت الهی و وسیله نجات و آمرزش گناهان و دخول در بهشت می باشد، و عزاخانه های آن حضرت مورد توجه امام زمان علیه السلام و خشنودی آن بزرگوار است، و دعا در این مجالس مستجاب می شود، و اگر کسی بیماری روحی و جسمی دارد باید در این شفاخانه ها از خداوند بهبودی و نجات خود را طلب کند، و همان گونه که تربت قبر مطهر آن حضرت شفاست مجالس عزای او نیز شفاخانه می باشد و ...

و بهترین راه ارتباط با خاندان نبوت (علیهم السلام) همین است و اگر کسی باور ندارد باید آثار این مجالس را از اقامه کنندگان سؤال کند، و ما تردیدی نداریم که ائمه معصومین و شخص امام زمان (علیه-السلام) در این مجالس شرکت می کنند و قطعاً وجود آنان در این مجالس برای عزاداران و گریه-کنندگان سبب هدایت و نجات و شفا و قضای حوائج آنان خواهد بود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که نام ما [و مظلومیت ما] نزد او برده شود و برای مظلومیت ما به اندازه بال مگسی گریه کند، خداوند گناهان او را می بخشد گرچه به اندازه کف روی دریا باشد. (۱)

امام صادق (علیه السلام) نیز به فضیلت فرمود: جلسه می گیرید و از ما سخن می گوید؟ فضیلت گوید: گفتیم: آری. فرمود: من این مجالس را دوست می دارم، و شما باید در این مجالس امر ما را احیا کنید، خدا رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا و زنده می کنند، سپس همان حدیث بالا را فرمود. (۲)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: امام سجّاد (علیه السلام) می فرمود: هر مؤمنی که برای [مظلومیت] امام حسین (علیه السلام) گریه کند و اشک او به خاطر مصائب ما بر گونه هایش جاری شود، خداوند او را در جایگاه صدق جای خواهد داد، و هر مؤمنی که به خاطر ما آزاری [از دشمنان ما] ببیند، و به خاطر مصائب ما گریه کند، خداوند در قیامت او را از آزار و آتش و سخط خود ایمن خواهد نمود. (۳)

۱- عَنْ الْقَضَائِلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ عَفَّرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (وسائل الشيعة؛ ج ۱۴؛ ص ۵۰۰)

۲- همان، ح ۳.

۳- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا عُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فِيمَا مَسَّنَا مِنَ الْأَذَى مِنْ عِدُونِنَا فِي الدُّنْيَا بَوَّأَهُ اللَّهُ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَدَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ مِنْ

مَضَاضِهِ مَا أُوذِيَ فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَآمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَالنَّارِ. (وسائل الشيعة ؛ ج ١٤ ؛ ص ٥٠١)

حسین بن ثویر گوید: من و یونس بن ظبیان و مفضل و ابوسلمه سراج خدمت امام صادق (علیه السلام) نشستند بودیم، و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، آسمان ها (و زمین ها) و آنچه بین آنها و آنچه در بهشت و دوزخ از مخلوق خدا بود، و آنچه دیده می-شد و آنچه دیده نمی شد برای او گریه کردند، جز سه چیز که برای او گریه نکردند، یونس گوید: گفتم: آن سه چیز چه بود؟ فرمود: بصره و دمشق و آل عثمان بن عفان بر او گریه نکردند!! (۱)

زراره گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای زراره آسمان برای حسین (علیه السلام) چهل روز خون گریه کرد، و زمین برای حسین (علیه السلام) چهل روز گریه سیاه نمود، و خورشید چهل روز برای حسین (علیه السلام) گرفته شد و قرمز گردید، و کوه ها از هم جدا شدند و پراکنده گردیدند و دریاها شکافت، و ملائکه چهل روز بر حسین (علیه السلام) گریه کردند. تا این که فرمود:

پس از شهادت حسین (علیه السلام) هیچ زنی از ما خضاب و سرمه و روغن مالی و زینت نکرد، تا سر عیدالله زیاد ملعون را برای ما آوردند، و از آن پس ما همواره گریان بوده ایم، و جدّم (زین العابدین علیه السلام) هر گاه به یاد پدر خود حسین علیه السلام می افتاد گریه می کرد و از اشک او محاسن اش پر از آب می شد، و هر کس او را می دید از روی ترحم گریه می نمود، و ملائکه ای که نزد قبر حسین (علیه السلام) هستند همواره گریه می کنند، و از گریه آنان هر چه در هوا و آسمان- از ملائکه- هستند، گریه می کنند.

تا این که امام صادق (علیه السلام) غیظ جهنّم را برای قاتلین امام حسین (علیه السلام) بیاد آورد و فرمود: جهنّم بر حسین (علیه السلام) ندبه و گریه می کند، و همواره بر قاتلین امام حسین (علیه السلام) شعله ور می شود، و اگر حجت های خدا روی زمین نمی بودند، زمین شکافته می شد، و اهل خود را فرو می برد ... تا این که فرمود:

و هر بنده ای در قیامت گریان محشور می شود، جز کسانی که در دنیا بر جدّم حسین (علیه السلام) گریه کرده اند، و اینان با چشم روشن و شادی و بشارت وارد محشر می شوند، و اهل محشر در ترس و وحشت می باشند، و گریه کنان بر جدّم حسین (علیه السلام) در قیامت در امان خواهند بود، و چون مخلوق خدا در قیامت بر خداوند عرضه می شوند، گریه کنندگان جدّم در زیر عرش با حسین (علیه-السلام) سخن می گویند، و از سختی حساب قیامت نمی ترسند، و به آنان گفته می شود:

«داخل بهشت شوید، و آنان از رفتن به بهشت خودداری می کنند، و مجالست و سخن گفتن با

۱- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ ثَوِيرٍ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ ابْنُ ظَبْيَانَ وَ الْمُفَضَّلُ وَ أَبُو سَلَمَةَ السَّرَاجِ جُلُوساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَ الْمُتَكَلِّمُ يُونُسَ وَ كَانَ أَكْبَرَنَا سِنًا وَ ذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا يَقُولُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا مَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى وَ بَكَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْيَاءُ قَالَ لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ الْبَصْرَةُ وَ

لَا دِمَشْقُ وَلَا آلُ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۰/۳۱۳.)

حسین (علیه السلام) را انتخاب می نمایند، در حالی که حورالعین بهشتی و ولدان مخلصین برای آنان پیام می دهند و می گویند: ما مشتاق ملاقات شما هستیم، و آنان به آنها توجه نمی کنند، چرا که مجالست با امام حسین (علیه السلام) برای آنان شیرین تر می باشد... (۱)

مرثیه خوانی در مجالس امام حسین (علیه السلام)

در کتاب کامل زیارات از ابوهارون مکفوف نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباهارون برای من در مصائب امام حسین (علیه السلام) اشعاری را بخوان» پس من اشعاری را خواندم و آن حضرت گریه کرد و فرمود: «همان گونه که بین خود با رقت و سوز می خوانید بخوان» پس من گفتم:

أمر علی جَدَّتِ الحسین - فقل لأعظمه الزکیه ...

و آن حضرت گریه کرد و فرمود: «بیشتر بخوان» و من قصیده دیگری را خواندم و آن حضرت گریه کرد و من صدای گریه زن ها را از پشت پرده شنیدم و چون فارغ شدم به من فرمود: ای اباهارون هر کس در مصائب امام حسین (علیه السلام) شعری بخواند و گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او نوشته می شود، و کسی که شعری بخواند و گریه کند و دیگری را بگریاند برای آنان بهشت نوشته می شود، و هر کسی که نام امام حسین (علیه السلام) نزد او برده شود و به اندازه بال مگسی گریه کند پاداش او بر خدا خواهد بود، و خداوند به کمتر از بهشت برای او راضی نمی شود. (۲)

و در همان کتاب از ابوعمار مَنشد نقل شده که گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباعماره برای من شعری در مصائب حسین (علیه السلام) بخوان» و من شعری خواندم و آن حضرت گریه کرد، و باز برای او شعری خواندم و او گریه کرد، و به خدا سوگند من پیاپی اشعاری را خواندم و او گریه می کرد، تا این که صدای گریه از خانه امام بلند شد، و امام (علیه السلام) به من فرمود: ای اباعماره کسی که شعری در مصائب حسین (علیه السلام) بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر چهل نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر سی نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر بیست نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر ده نفر را بگریاند بهشت برای او

۱- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا زُرَّارَةَ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالدَّمِ وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالسَّوَادِ وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْكُثُوفِ وَالْحُمْرَةَ وَإِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَانْتَثَرَتْ وَإِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا اخْتَصَبَتْ مِنَّا امْرَأَةً وَلَا آدَهَنْتْ وَلَا اِكْتَحَلَتْ وَلَا رَجَلَتْ حَتَّى أَتَانَا رَأْسُ عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ وَمَا زِلْنَا فِي عَيْبِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَكَانَ جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمَلَأَ عَيْنَاهُ لِحَيْتِهِ وَحَتَّى يَبْكِيَ لِبِكَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَاهُ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ عِنْدَ قَبْرِهِ لَيَبْكُونَ فَيَبْكِي لِبِكَائِهِمْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاءِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَنْ ذَكَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْظَ جَهَنَّمَ عَلَى قَاتِلِيهِ وَقَالَ وَ إِنَّهَا لَتَبْكِيهِ وَ تَنْدُبُهُ وَ إِنَّهَا لَتَنْطَلِي عَلَى قَاتِلِهِ وَ لَوْ لَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَتَفَضَّتِ الْأَرْضُ وَ أَكْفَأَتْ مَا عَلَيْهَا وَ مَا تَكْتُرُ الزَّلْزَلُ إِلَّا عِنْدَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ مَا عَيْنٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَ لَا عَيْبَةٌ مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ وَ

دَمَعَتْ عَلَيْهِ وَ مَا مِنْ بَاكِ يَبْكِيهِ إِلَّا وَقَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ وَ أَسْعَدَهَا عَلَيْهِ وَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَدَّى حَقَّنَا . وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشِرُ إِلَّا وَ عَيْنَاهُ بَاكِئَةٌ إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّي الْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ يُحْشِرُ وَ عَيْنُهُ قَرِيرَةٌ وَ الْبِشَارَةُ تَلْقَاهُ وَ السُّرُورُ بَيْنَ عَلِيٍّ وَ وَجْهِهِ وَ الْخَلْقُ فِي الْفَرْعِ وَ هُمُ الْآمِنُونَ وَ الْخَلْقُ يُعْرَضُونَ وَ هُمْ حُدَاثُ الْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْبُونَ وَ يَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَ حَدِيثَهُ وَ إِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ إِنْ أَدَّى حَقَّنَا . (مستدرک الوسائل، ج ۳۱۴/۱۰ ح ۱۲۰۷۷)

۲- ... عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَا هَارُونَ أَنْشَدْنِي فِي الْحَسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْشَدْنِي كَمَا تُنْشِدُونَ يَغْنَى بِالرَّقَّةِ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ شِعْرًا قَالَ فَبَكَى ثُمَّ قَالَ زِدْنِي فَأَنْشَدْتُهُ الْقِصَّةَ يَدُهُ الْأُخْرَى قَالَ فَبَكَى وَ سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنْ خَلْفِ السُّرِّ قَالَ فَلَمَّا فَرَعْتُ قَالَ يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحَسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى عَشْرَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحَسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَ مَنْ ذَكَرَ الْحَسَيْنِ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَرُضْ لَهُ بِمُدُونِ الْجَنَّةِ. (بحار الانوار، ج ۴۴/۲۸۸ از كامل الزيارات، ص ۲۰۸)

خواهد بود، و اگر شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برای او خواهد بود، و اگر شعری بخواند و خود گریه کند بهشت برای او خواهد بود، و کسی که شعری در مصائب حسین (علیه السلام) بخواند و تباکی کند، بهشت برای او خواهد بود.

(۱)

پاداش یاد امام حسین (علیه السلام)

داوود رقی گوید: من نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که آن حضرت آب طلب کرد و چون نوشید دیدم اشک او جاری شد و فرمود: ای داوود! خدا لعنت کند قاتل حسین (ع) را. سپس فرمود: هر بنده ای که آب بنوشد و یادی از امام حسین (علیه السلام) بکند و بر قاتل او لعنت نماید، خداوند برای او یکصد هزار حسنه می نویسد، و یکصد هزار گناه او را برطرف می کند، و یکصد هزار درجه، او را بالا می برد، و پاداش آزاد کردن یکصد هزار بنده به او می دهد، و روز قیامت او را با دلی شاد و خنک محشور می نماید. (۲)

در مصباح کفعمی نقل شده که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به شیعیان خود وصیت نموده که هنگام آشامیدن آب او را یاد کنند. [و بر قاتل او لعنت بفرستند] و فرموده است:

شِيعَتِي مَا إِنْ شَرِبْتُمْ رِيَّ عَذْبٍ فَادْكُرُونِي - أَوْ سَمِعْتُمْ بَغْرِيْبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَانْدُبُونِي

و سفارش نموده که برای او اشک بریزند و بلند بلند گریه کنند، و به فرزند خود حضرت سکینه (علیها السلام) فرموده است: هنگامی که به مدینه بازگشتی سلام مرا به شیعیانم برسان و بگو: پدرم غریب بود و به شهادت رسید، و شما برای او گریه و ندبه کنید، و خداوند، سفید کند صورت شیعیان ما را، اگر به وصییت پدرم عمل کنند و هرگز او را فراموش ننمایند و هر گاه آب می نوشند او را بیاد آورند، و هنگامی که او را یاد کنند و مصائب او را می شنوند برای او گریه و ندبه نمایند. (۳)

چنان که اشعاری معروف شده و می گویند آن حضرت از گلوی بریده خود به دخترش فرمود: به شیعیان من بگو:

۱- أَبِي عُمَارَةَ الْمُتَشَدِّدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي يَا أَبَا عُمَارَةَ أَنْشَدْنِي فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى ثُمَّ أَنْشَدْتُهُ فَبَكَى قَالَ فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ أَنْشُدُهُ وَبَيْنِي حَتَّى سَجَعْتُ الْبُكَاءَ مِنَ الدَّارِ قَالَ فَقَالَ يَا أَبَا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ شِعْرًا فَأَبَكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى عَشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مِنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ شِعْرًا فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ . (كامل الزيارات، ص ۲۰۸ ح ۲۹۸، بحار الانوار ج ۴۴/۲۸۲).

۲- عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَسْقَى الْمَاءَ فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدْ اسْتَعْبَرَ وَ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا دَاوُدُ لَعَنَّ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ وَ لَعَنَّ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حِطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَانَمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسِيمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَ الْفُؤَادِ .

(كامل الزيارات، ص ٢١٢، بحار الانوار، ج ٣٠٣/٤٤).

٣- قَالَتْ سَيِّكِينَهُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْتَنَقْتُهُ فَأُغْمِيَ عَلَيَّ فَسَيِّمَعْتُهُ يَقُولُ: شَدَّيْتِي مَا إِن شَرِبْتُمْ رَيَّ عَيْدِي فَادْكُرُونِي أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَاذْكُرُونِي (المصباح للكفعمي ص ٧٤١ - مقبل المقرم ص ٣٠٧)

لیتکن فی یوم عاشورا جمیعاً تنظرونی - کیف أستسقی لطفلی فأبوا أن یرحمونی ...

اندوه در مصائب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

عیسی بن ابی منصور گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: نفس کسی که برای مظلومیت ما غصه مند و غمگین است، پاداش تسیح خدا را دارد، و غصه مندی او به خاطر ما، عبادت است، و کتمان سر ما، پاداش جهاد فی سبیل الله را دارد.

عیسی بن ابی منصور گوید: محمد بن سعید به من گفت: این حدیث را با آب طلا بنویس، چرا که من حدیثی بهتر از این حدیث را نوشته ام. (۱)

و در امالی شیخ مفید از ابان تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: نفس کسی که برای مظلومیت ما غصه مند و غمگین است، پاداش تسیح خدا را دارد، و اندوه او به خاطر ما، عبادت است، و کتمان سر ما جهاد فی سبیل الله است.

سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: واجب است این حدیث با آب طلا نوشته شود. (۲)

و در کتاب وسائل الشیعه از امام حسین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: من کشته ی اشکم و با حال کرب و مصیبت کشته می شوم و بر خداوند حق است که هر مکروبی که به زیارت من می آید او را شاد و مسرور به اهل خود باز گرداند. (۳)

لعنت بر قاتلین امام حسین (علیه السلام)

علی بن عاصم گوید: به امام عسکری (علیه السلام) گفتم: من قدرت بدنی برای یاری شما را ندارم و تنها می توانم موالات و دوستی شما و بیزاری از دشمنان را داشته باشم و در خلوت به دشمنان شما لعنت نمایم آیا حال من چگونه خواهد بود؟ حضرت عسکری (علیه السلام) فرمود: پدرم از جدّم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نمود که آن حضرت فرمود: کسی که از یاری ما اهل بیت ناتوان باشد و در اوقات خلوت به دشمنان ما لعنت کند، خداوند صدای او را به جمیع ملائکه می-رساند، و

۱- عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ نَفْسُ الْمُهْمُومِ لَنَا الْمُعْتَمِّ لِظُلْمِنَا تَسِيحٌ وَ هُمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ أَكْتُبُ هَذَا بِالذَّهَبِ فَمَا كَتَبْتَ شَيْئًا أَحْسَنَ مِنْهُ. (كافي، ج ۲/۲۲۶ ح ۱۶).

۲- همان

۳- وسائل الشیعه ؛ ج ۱۴ ؛ ص ۴۲۲ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قَتِلْتُ مَكْرُوبًا وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ وَ قَلْبُهُ إِلَى أَهْلِهِ مَشْرُورًا. (لواعج الأشجان، ص ۵).

ملائکه با او هم صدا می شوند، و هر که دشمنان ما را لعنت کند، ملائکه نیز آنان، و کسانی که اولعنت نکرده است را لعنت می نمایند، و چون صدای او به ملائکه می رسد ملائکه برای او استغفار و ثناخوانی می نمایند، و می گویند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَلَ فِي نَصْرِهِ أَوْلِيَاءَهُ جَهْدَهُ وَ لَوْ قَدَّرَ عَلَى أَكْثَرِ مَنْ ذَلِكُ لِفِعْلٍ» یعنی خدایا درود بفرست بر روح این بنده خود که به اندازه توان خویش اولیای تو را یاری نمود، و اگر قدرت بیشتری می داشت در یاری اولیای تو کوتاهی نمی کرد.».

پس از ناحیه خداوند ندا می رسد: ای ملائکه من، من دعای شما را درباره این بنده خود مستجاب نمودم و ندای شما را شنیدم، و بر روح او و ارواح همه ابرار و نیکان درود فرستادم و او را از برگزیدگان خود قرار دادم. (۱)

در تهذیب شیخ طوسی (رحمه الله) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت پس از هر نماز واجب چهار مرد و چهار زن را لعنت می نمود ... (۲)

از این رو شاعری گفته :

هزاران هزاران ارزن بار- به هر ارزن هزاران هزاران بار

لعنت خدا ورسول وائمه اطهار- برای ...ومعاویه هند و امّ الحکم بار

مؤلف گوید: روایات درباره لعنت نمودن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوسفیان - در هفت موطن، و لعنت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به معاویه و عمرو بن عاص و ابوموسی اشعری و ابوالاعور سلمی و یاران آنان فراوان است و روایت شده که معاویه بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عراق آمد و چون به شام بازگشت خطبه ای خواند و به مردم گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من گفت:

«زود است که تو خلافت را به دست بگیری و باید شام را که ارض مقدسه است انتخاب کنی چرا که ابدال در آنجا هستند» سپس گفت: من شما را انتخاب کردم و شما باید ابوتراب را لعنت نمایید» از این رو شامیان علی (علیه السلام) را لعنت می کردند ... (۳)

و در روایات آمده که ثواب لعنت بر دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) بیش از ثواب صلوات بر آنان است.

۱- عَلِيُّ بْنِ عَاصِمِ الْكُوفِيِّ الْأَعْمَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي الْحَسَنِ الْعَشْكَرِيِّ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ وَقَالَ مَوْجِبًا بِكَ يَا ابْنَ عَاصِمِ اجْلِسْ هُنَيْئًا لَكَ يَا ابْنَ عَاصِمِ أَتَدْرِي مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ إِنِّي أَرَى تَحْتَ قَدَمَيْ هَذَا الْبَسَاطِ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ صَاحِبِهِ فَقَالَ لِي يَا ابْنَ عَاصِمِ اعْلَمْ أَنَّكَ عَلَى بَسَاطٍ جَلَسَ عَلَيْهِ كَثِيرٌ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي لَيْتَنِي كُنْتُ لَا أَفَارِقُكَ مَا دُمْتُ فِي دَارِ الدُّنْيَا ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَيْتَنِي كُنْتُ أَرَى هَذَا الْبَسَاطِ فَعَلِمَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا فِي ضَمِيرِي فَقَالَ اذْنُ مِنِّي فَدَنَوْتُ

مِنْهُ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَصَبَرَتْ بَصِيرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ : هَذَا قَدَمُ أَبِيْنَا آدَمَ وَ هَذَا أَثَرُ هَابِيلَ وَ هَذَا أَثَرُ شِيثٍ وَ هَذَا أَثَرُ إِدْرِيسَ وَ هَذَا أَثَرُ هُودٍ وَ هَذَا أَثَرُ صَالِحٍ وَ هَذَا أَثَرُ لُقْمَانَ وَ هَذَا أَثَرُ إِبْرَاهِيمَ وَ هَذَا أَثَرُ لُوطٍ وَ هَذَا أَثَرُ شُعَيْبٍ وَ هَذَا أَثَرُ مُوسَى وَ هَذَا أَثَرُ دَاوُدَ وَ هَذَا أَثَرُ سُلَيْمَانَ وَ هَذَا أَثَرُ الْخَضِرِ وَ هَذَا أَثَرُ دَانِيَالَ وَ هَذَا أَثَرُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ هَذَا أَثَرُ عَدْنَانَ وَ هَذَا أَثَرُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ هَذَا أَثَرُ عَبْدِ اللَّهِ وَ هَذَا أَثَرُ عَبْدِ مَنَافٍ وَ هَذَا أَثَرُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هَذَا أَثَرُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ فَأَهْوَيْتُ عَلَى الْأَقْدَامِ كُلِّهَا فَفَقَّبَلْتُهَا وَ قَبَلْتُ يَدَ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قُلْتُ لَهُ إِنِّي عَاجِزٌ عَنْ نُصْرَتِكُمْ بِيَدِي وَ لَيْسَ أَمْدُكَ غَيْرَ مَوْلَاتِكُمْ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ اللَّعْنُ لَهُمْ فِي خَلَوَاتِي فَكَيْفَ حَيَّيْتُ يَا سَيِّدِي فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيَّيْتُ بِإِذْنِ أَبِي عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَنْ ضَعُفَ عَلَى نُصْرَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ فِي خَلَوَاتِهِ أَعْدَاءَنَا بَلَّغَ اللَّهُ صَوْتَهُ إِلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ فَكَلَّمَا لَعَنَ أَحَدُكُمْ أَعْدَاءَنَا صَاعَدَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَعَنُوا مَنْ لَا يَلْعَنُهُمْ فَإِذَا بَلَغَ صَوْتُهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ اسْتِغْفَرُوا لَهُ وَ أَتَنُوا عَلَيْهِ وَ قَالُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَّلَ فِي نُصْرَتِهِ أَوْلِيَاءَهُ جُهْدَهُ وَ لَوْ قَدَرَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ لَفَعَلَ فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي إِنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ [أَحْبَبْتُ] دُعَاءَكُمْ فِي عَيْدِي هَذَا وَ سَمِعْتُ نِدَاءَكُمْ وَ صَلَّيْتُ عَلَى رُوحِهِ مَعَ أَرْوَاحِ الْأَبْرَارِ وَ جَعَلْتُهُ مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ. (مستدرک سفینه البحار، ج ۹/۲۶۴. بحار الأنوار، ج ۵۰/۳۱۶.)

۲- عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوْبَانَ وَ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ قَالَا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ يُسَمِّيهِمْ وَ فُلَانَةٌ وَ فُلَانَةٌ وَ هِنْدًا وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ. (بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ۲۲ ؛ ص ۱۲۸)

۳- أَنَّ مُعَاوِيَةَ لَمَّا عَادَ مِنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ خَطَبَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ سَتَبْلِي الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي فَاخْتَرِ الْمَارِضَ الْمُقَدَّسَةَ فَإِنَّ فِيهَا الْأَبْدَالَ وَ قَدْ اخْتَرْتُكُمْ فَالْعُنُوا أَبَا تَرَابٍ فَلَعْنُوهُ. (بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج ۳۳ ؛ ص ۲۱۵)

اسباب دوری از محمد و آل محمد (علیهم السلام)

مؤلف گوید: به طور خلاصه می توان گفت: شانزده چیز سبب دوری از محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) می شود:

۱- تصویب عمل غاصبین حق آل محمد (علیهم السلام) و اعتقاد به حقانیت آنان نسبت به غضب خلافت.

۲- پرهیز از معارف آل محمد (علیهم السلام) و نپذیرفتن روایات و سخنان آنان.

۳- عدم اعتقاد به ولایت تکوینی و تشریحی و امامت الهیه آنان .

۴- ارتباط با دشمنان محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) و طرح دوستی با آنان .

۵- دفاع از مسلک فاسد وهابیت و دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) .

۶- عدم اعتقاد به غیبت امام زمان (علیه السلام) و تشکیک در انتظار فرج آن حضرت.

۷- تشکیک در ولایت فقیه در زمان غیبت.

۸- توهین به علمای شیعه به طور عموم.

۹- تشکیک در مظلومیت اهل البیت (علیهم السلام) .

۱۰- تشکیک در بیزاری از دشمنان اهل البیت (علیهم السلام) .

۱۱- عدم اعتقاد به زیارت قبور معصومین (علیهم السلام).

۱۲- عدم شرکت در مجالس ذکر آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین).

۱۳- توهین به مقدسات و شعائر مکتب اهل البیت (علیهم السلام).

۱۴- عدم دفاع از شیعیان و دوستان اهل البیت (علیهم السلام).

۱۵- عدم شرکت در مجالس عزای آل محمد (علیهم السلام)

۱۶- بی تقوایی و بی حیایی و شهوت رانی و توهین به دوستان و شیعیان اهل البیت (علیهم السلام).

آنچه گفته شد تنها سبب دوری و فاصله گرفتن از آل محمد(علیهم السلام) نیست بلکه اکثر آن ها سبب کفر و شرک و عدم ایمان به خدا و حقایق دین و شریعت سید المرسلین(علیهم السلام) نیز می-باشد، و راه نجات و سعادت را براهل آن مسدود می نماید و سبب عدم توفیق توبه و بازگشت به آئین حقّ اسلامی می گردد.

مع الاسف در زمان ما افکار و اعتقادات یاد شده فراوان گردیده و معلوم است که

دشمن نامرئی چنین افکاری را با عناوین فریبنده و در لباس بیان حقیقت به مردم تزریق می نماید، از این رو نویسنده احساس خطر می کند و به مردم می گوید: مواظب عقائد خود باشید، چرا که دشمن می-خواهد شما را از اسلام و مکتب اهل البیت (علیهم السلام) دور نماید.

از این رو مردم باید در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) به اخبار مربوط به آخرالزمان توجه کنند و امام زمان خود را خوب بشناسند و از دیانت خود واریزی نمایند و پیرو علمای ربّانی و نواب امام زمان خود باشند و گرنه دزدان دین آنان را فریب می دهند و نمی فهمند .

و در روایات معصومین (علیهم السلام) آمده که در آخرالزمان شخصی اول روز ایمان دارد و در آخر آن روز از ایمان جدا می شود و یا اول شب ایمان دارد و صبحگاه ایمان ندارد، و مردم فوج فوج از دین خارج می شوند از این رو همواره باید دعای غریق را بخوانند، راوی سؤال کرد: دعای غریق کدام است؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: بگو: یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک»

آنچه گفته شد اجمالی از اسباب دوری از مکتب اهل البیت (علیهم السلام) بود اکنون می گوئیم: راه-های ارتباط و نزدیک شدن به خاندان نبوت - که سبب نجات و دور شدن از انحراف و رسیدن به حقایق مکتب شیعه و قرب به خدا و اولیای او می شود - در مباحث آینده بیان خواهد شد، و نویسنده از خدواند استمداد می کند تا اسباب قرب به خاندان نبوت و اهل البیت (علیهم السلام) را در قالب عناوینی که در روایات آن بزرگواران آمده بیان کند و مردم شیرینی و لذت ارتباط با آن بزرگواران و سخنانشان را بیابند و با نزدیک شدن به آنان و بهره مندی از معارف شان هرگز توجه به دیگران یعنی منحرفین از ولایت نداشته باشند و همواره توجه کنند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي ما ان تمسّ بكم بهما لن تضلّوا بعدى أبداً و إنهما لن يفترقا حتّى يردا على الحوض»

(۱)

یعنی من دو چیز را برای هدایت شما جایگزین خود می نمایم: کتاب خدا و اهل بیت خود را و تا زمانی که شما به این دو چیز چنگ بزنید و از آن ها پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد، و این دو چیز از همدیگر جدا نخواهند شد تا در قیامت کنار حوض کوثر مرا ملاقات نمایند.

و مفهوم این حدیث شریف و متواتر این است که اگر از کتاب خدا و عترت و اهل بیت من جدا شوید گمراه خواهید شد، و هرگز کتاب خدا از اهل بیت من و اهل بیت من از کتاب خدا جدا نخواهند بود تا در قیامت

در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند.

بنابراین کسانی که فکر می کنند بدون اهل البیت (علیهم السلام) نجات پیدا می کنند سخت در اشتباه هستند چرا که قرآن بدون بیان اهل البیت (علیهم السلام) هادی و نجات بخش کسی نخواهد بود فاعتبروا یا اولی الألباب . و نقول :

اللَّهُمَّ اهدنا من عندك و ما بنا من نعمه فمَنكَ لا اِلاَّ اِلاَّ اَنْتَ اللَّهُمَّ بكَ و مِنكَ و لَكَ و إِلَيْكَ و لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ اِلاَّ بِقَدْرَتِكَ و لا نِجاءَ لَنَا مِن مَّكَارِهِ الدُّنْيَا و الآخِرَةِ اِلاَّ بِعِصْمَتِكَ و لَكَ الْحَمْدُ دائِمَةً سرمداً اَوَّلاً و آخِراً.

جدا شدن از آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين)

ما به طور خلاصه راه های دوری از خاندان نبوت را بیان نمودیم اکنون تفصیل بعضی از آن ها را بیان می کنیم و از خداوند می خواهیم که ما را از این خاندان در دنیا و آخرت جدا نفرماید.

اولاً ترک راه های ارتباط با اهل البیت (علیهم السلام) نوعاً سبب قطع ارتباط با آنان می شود، و اگر کسی راه ارتباط خود را با خاندان نبوت قطع نماید، هیبت است که باز موفق به ارتباط با آنان بشود و این چیزی است که به تجربه رسیده است.

۱- مهم ترین علت جدائی از آل محمد (علیهم السلام) عدم معرفت به مقام و منزلت خاندان نبوت و تشکیک و انکار امامت آنان است که در بحث های گذشته به آن اشاره شد.

اصبغ بن نباته گوید: مردی نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و گفت: معنای آیه «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» (۱) چیست؟ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ما اعراف هستیم، و ما انصار خود را با سیمای آنان می شناسیم و ما همان اعرافی هستیم که خداوند شناخته نمی شود، مگر با معرفت ما، و ما همان اعرافی هستیم که بین بهشت و دوزخ می ایستیم و کسی داخل بهشت نمی شود مگر آن که ما را شناخته باشد و ما نیز او را شناخته و پذیرفته باشیم، و کسی داخل آتش نمی شود مگر آن که ما را انکار کرده باشد و ما نیز او را انکار کرده و نپذیرفته باشیم، چرا که خدای تبارک و تعالی باید اگر بخواهد [و شایسته باشد] توفیق معرفت به دهد و مردم به او معرفت پیدا کنند، و از راه ما به او راه پیدا می کنند، چرا که او ما را ابواب و صراط و سبیل خود قرار داده است، و مردم باید بوسیله ما به درگاه او راه پیدا کنند. (۲)

۱- اعراف/۴۶.

۲- عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَعْرَافُ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ نَحْنُ الْأَعْرَافُ نَحْنُ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ اِلاَّ بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ نُوَقِّفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلاَّ مَنْ عَرَفْنَا وَ عَرَفْنَاهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ اِلاَّ مَنْ أَنْكَرْنَا وَ أَنْكَرْنَاهُ وَ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ النَّاسَ حَتَّى يَعْرِفُوهُ وَ يُوحِّدُوهُ وَ يَأْتُوهُ مِنْ بَابِهِ وَ لَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ بَابَهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ. (بصائر الدرجات، ص ۵۱۷).

مؤلف گوید: مضمون روایت فوق در چند روایت دیگر در بصائرالدرجات و کافی و خصال و تحف-العقول و غیره نقل شده و روشن ترین آن ها روایت نهم بصائرالدرجات است که در پاورقی مشاهده می-شود. (۱)

۲- دیگران را به جای آل محمد(علیهم السلام) قرار دادن و آنان را شایسته امامت امت و خلافت رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) دانستن، نیز از مهم ترین علت جدایی از خاندان نبوت است، چنان که امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حدیث «اربعماه» یعنی حدیث یکصد کلام نصیحت آمیزی که برای اصحاب خود بیان نمود، فرمود:

بدانید که خداوند تبارک و تعالی نسبت به افراد متلون [که هر روز رنگ عوض می کنند، و روزی در گروه باطل دیده می شوند و روزی در گروه حق] خشم دارد، و شما مواظب باشید که از حق و ولایت اهل حق جدا نشوید، چرا که هر کس دیگران را به جای ما قرار بدهد [و آنان را به حاکمیت بپذیرد] هلاک و گمراه خواهد شد، و با حسرت از دنیا خواهد رفت ... (۲)

حضرت زهرا(علیها السلام) نیز در پاسخ محمود بن لبید که گوید: من حضرت زهرا(علیها السلام) را کنار قبور شهدای احد دیدم که از فراق پدر گریه می کرد و به او گفتم: آیا رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از وفات خود به امامت علی بن ابیطالب(علیه السلام) تصریح نمود؟ فرمود:

واعجبا أنسیتم یوم غدیر خم؟ یعنی چه قدر سؤال تو عجیب است، آیا شما غدیر خم را فراموش کردید؟ ابن لبید گوید: گفتم: غدیر را می دانم و لکن می خواهم بدانم رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره به شما چه فرموده است؟ حضرت فاطمه(علیها السلام) فرمود:

من خدای متعال را شاهد می گیرم که از پدرم شنیدم که درباره علی(علیه السلام) فرمود: علی بهترین خلیفه و جانشینی است که من جانشین خود در بین شما قرار می دهم، و اوست امام و خلیفه بعد از من، و سپس دو سبط من حسن و حسین و نه نفر امام از صلب حسین، امامان پاک و نیکوئی هستند (که بعد از من خلیفه و جانشینان من خواهند بود ...)

تا این که فرمود: به خدا سوگند اگر این مردم حق را به دست اهلش واگذار کرده بودند و از عترت پیامبر خود پیروی نموده بودند، هرگز حتی دو نفر درباره دین خدا اختلاف پیدا نمی کردند، و خلافت و امامت به دست یکایک فرزندان من قرار می گرفت تا زمانی که نهمین امام از فرزندان حسینم قیام کند، و

۱- عَنْ رَزِينِ بْنِ حُبَيْشٍ قَالِ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْعَبِيدَ إِذَا دَخَلَ حُفْرَتَهُ أَتَاهُ مَلَكَانِ اسْمُهُمَا مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فَأَوَّلُ مَنْ يَسْأَلُهُ عَنْ رَبِّهِ ثُمَّ عَنْ نَبِيِّهِ ثُمَّ عَنْ وَلِيِّهِ فَإِنْ أَجَابَ نَجَا وَ إِنْ عَجَزَ عَذَّبَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ [مَا] لِمَنْ عَرَفَ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلِيِّهُ فَقَالَ مُذْذَبٌ لَا إِلَى هَوْلَاءٍ وَ لَا إِلَى هَوْلَاءٍ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ذَلِكَ لَأَنَّ سَبِيلَ لَهُ وَ قَدْ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ الْوَلِيِّ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ وَ لِيُكْمَلْ فِي هَذَا الزَّمَانِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مِنْ بَعْدِهِ وَصِيَّتُهُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ عَالِمٌ يَحْتَجُّ اللَّهُ بِهِ لِنَلَّا يَكُونَ كَمَا

قَالَ الضَّلَالُ قَبْلَهُمْ حِينَ فَارَقْتَهُمْ أَنِّي أُوهُمْ رَبَّنَا لَوْلَا - أُرْسِلَتْ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْرَى تَمَامَ ضَمَالَتِهِمْ جَهَالَتُهُمْ بِالْآيَاتِ وَ هُمْ الْأَوْصِيَاءُ فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ : فَتَرَبَّصُوا فَسَيَتَعَلَّمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرَاطِ السَّوِيِّ وَ مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا كَانَ تَرَبُّصَهُمْ أَنْ قَالُوا نَحْنُ فِي سَبْعِهِ عَنْ مَعْرِفَةِ الْأَوْصِيَاءِ حَتَّى نَعْرِفَ إِمَامًا فَعَرَفَهُمُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَ الْأَوْصِيَاءُ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ وَ قُوفٌ عَلَيْهِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَمَّا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ لِأَنَّهُمْ عَرَفَاءُ اللَّهِ عَرَفَهُمْ عَلَيْهِمْ عِنْدَ أَخْذِ الْمَوَاقِبِ عَلَيْهِمْ وَ وَصَفَهُمْ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ جَلَّ وَ عَزَّ وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ هُمْ الشُّهَدَاءُ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ وَ النَّبِيُّ الشَّهِيدُ عَلَيْهِمْ أَخَذَ لَهُمْ مَوَاقِبَ الْعِبَادِ بِالطَّاعَةِ وَ أَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ الْمَوَاقِبَ بِالطَّاعَةِ فَجَرَتْ نُبُوتُهُ عَلَيْهِمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا يَوْمَئِذٍ يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَوْا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهُ حَدِيثًا. (بصائر الدرجات ج ١ ؛ ص ٤٩٨)

٢- - اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبْغِضُ مَنْ عَيَّاهُ الْمُتَلَوْنَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَ وَلَا يَهُ أَهْلُ الْحَقِّ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَلَ بِنَا هَلَكَكَ وَ فَاتَتْهُ الدُّنْيَا وَ خَرَجَ مِنْهَا بِحَسْرَةٍ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيَسْلَمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبَّنَا وَ لِيُقْرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ عِلْمُوا صَبِيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَ خُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ تَزَهَّوْا عَنْ قُرْبِ الْكَلْبِ فَمَنْ أَصَابَ الْكَلْبَ وَ هُوَ رَطْبٌ فَلْيَغْسِلْهُ وَ إِنْ كَانَ جَافًا فَلْيُنْضِجْ نُوبَهُ بِالْمَاءِ - إِذَا سَجَعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَ قِفُوا عِنْدَهُ وَ سَلِّمُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْحَقُّ وَ لَا تَكُونُوا مَذَابِيحَ عَجَلَى إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْعَالِي وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ الَّذِي يُقْصِرُ بِحَقِّنَا . مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ وَ مَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ لِمُجِبِّينَا أَفْوَاجٍ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٍ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ طَرِيقُنَا الْقَصِيدُ وَ فِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ لَا يَكُونُ السَّهْوُ فِي خَمْسٍ فِي الْوَتْرِ وَ الْجُمُعَةِ وَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ وَ فِي الصُّبْحِ وَ فِي الْمَغْرِبِ وَ لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ حَتَّى يَنْطَهَّرَ أَعْطُوا كُلَّ سُورَةٍ حَظَّهَا مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ إِذَا كُنْتُمْ فِي الصَّلَاةِ لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي قَمِيصٍ مَتَوَشِّحًا بِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَفْعَالِ قَوْمٍ لُوطٍ تُعْزَى الصَّلَاةُ لِلرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ يَعْقِدُ طَرْفَيْهِ عَلَى عُنُقِهِ وَ فِي الْقَمِيصِ الصَّفِيقِ يَزُرُّهُ عَلَيْهِ لَمَّا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى صُورِهِ وَ لَمَّا عَلَى بَسَاطٍ فِيهِ صُورَةٌ وَ يَجُوزُ أَنْ تَكُونَ الصُّورَةُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ أَوْ يَطْرَحَ عَلَيْهِ مَا يُوَارِيهَا لَا يَعْقِدُ الرَّجُلُ الدَّرَاهِمَ الَّتِي فِيهَا صُورَةٌ فِي نُوبِهِ وَ هُوَ يُصَلِّي وَ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ الدَّرَاهِمُ فِي هَيْبَانٍ أَوْ فِي ثَوْبٍ إِذَا خَافَ وَ يَجْعَلُهَا إِلَى ظَهْرِهِ لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى كُدْسٍ حِنْطِهِ وَ لَا عَلَى شَعِيرٍ وَ لَا عَلَى لُونٍ مِمَّا يُؤْكَلُ وَ لَا يَسْجُدُ عَلَى الْخُبْزِ وَ لَمَّا يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ حَتَّى يَسْمِيَ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْمَاءَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ طَهْوَرِهِ قَالَ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَعِنْدَهَا يَسْتَحِقُّ الْمَغْفِرَةَ مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ نَافِلَةً فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ إِلَّا مِنْ عُدْرٍ وَ لَكِنْ يَقْضَى بَعْدَ ذَلِكَ إِذَا أَمَّكَهُ الْقَضَاءُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِينَ هُمْ عَلَى صِيْلَتِهِمْ دَائِمُونَ يَعْنِي الَّذِينَ يَقْضُونَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ وَ مَا فَاتَهُمْ مِنَ النَّهَارِ بِاللَّيْلِ لَا تُقْضَى النَّافِلَةُ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ إِيدًا بِالْفَرِيضَةِ ثُمَّ صَلَّ مَا يَدَا لَكَ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ وَ نَفَقَهُ دِرْهَمٍ فِي الْحِجِّ تَعْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ لِيُخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صِيْلَتِهِ فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْبَثُ بِشَيْءٍ الْقُنُوتُ فِي صِيْلَتِهِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ الثَّانِيَةِ وَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ الْجُمُعَةَ وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ الْمُنَافِقِينَ اجْلِسُوا فِي الرَّكَعَتَيْنِ حَتَّى تَسِيكَنَّ جَوَارِحُكُمْ ثُمَّ قُومُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِنَا إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَلْيَرْفَعْ يَدَهُ حِذَاءَ صَدْرِهِ وَ إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَلْيَتَحَرَّ بِصِدْرِهِ وَ لِيَقِمَّ صِدْرُهُ وَ لَا يَنْحِنِي إِذَا فَرَّغَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ لِيَنْصَبَ فِي الدُّعَاءِ . فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَبْيَانَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ قَالَ بَلَى قَالَ فَلِمَ يَرْفَعُ الْعَبْدُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ أَمَا تَقْرَأُ وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعِدُونَ فَمِنْ أَيْنَ يُطَلَّبُ الرِّزْقُ إِلَّا مِنْ مَوْضِعٍ عِوَاهِ وَ مَوْضِعِ الرِّزْقِ وَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ السَّمَاءَ لَا يَنْقُطُ الْعَبْدُ مِنْ صِيْلَتِهِ حَتَّى يَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْتَجِيرَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى

الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ صِيَامَهُ مَوْدَعٌ لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ التَّبَسُّمُ وَ تَقْطَعُهَا الْقَهْقَهَةُ إِذَا خَالَطَ النَّوْمَ الْقَلْبَ وَجَبَ الْوُضُوءُ إِذَا عَلَبْتِكَ عَيْنُكَ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعِ الصَّلَاةَ وَ نَمِّ فَإِنَّكَ لَمَا تَدْرِي تَدْعُو لَكَ أَوْ عَلَى نَفْسِكَ لَعَلَّكَ أَنْ تَدْعُو عَلَى نَفْسِكَ مِنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانْنَا بِلِسَانِهِ وَ قَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَتَيْنِ وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ لَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَ لَا بِيَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ .

إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيُنْظَرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شَيْعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ إِذَا قَرَأْتُمْ مِنَ الْمَسْبُوحَاتِ الْأَخِيرَةِ فَقُولُوا سُبحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى وَ إِذَا قَرَأْتُمْ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا قَرَأْتُمْ وَ التَّيْنِ فَقُولُوا فِي آخِرِهَا وَ نَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ إِذَا قَرَأْتُمْ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ فَقُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ حَتَّى تَبْلُغُوا إِلَى قَوْلِهِ مُسْلِمُونَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ فِي الشَّهَادَةِ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ وَ هُوَ حَيِّ السُّ : أَشْهَدُ أَنْ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ وَحْدَهُ لَمَّا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ثُمَّ أَحَدَتْ حَدَثًا فَقَدْ تَمَّتْ صِيَامَاتُهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ اطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي أَخْفَافِ الْإِبِلِ وَ أَعْنَاقِهَا صَادِرَةٌ وَ وَارِدَةٌ إِنَّمَا سِجِّي السَّقَايَةُ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صِ أَمَرَ بِزَيْبِ أُتِيَ بِهِ مِنَ الطَّائِفِ أَنْ يُنْيَدَ وَ يُطْرَحَ فِي حَوْضِ زَمْزَمَ لِأَنَّ مَاءَهَا مَرٌّ فَأَرَادَ أَنْ يَكْسِرَ مَرَاتَهُ فَلَا تَشْرَبُوا إِذَا عَتَقَ إِذَا تَعَرَّى الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَطَمَعَ فِيهِ فَاسْتَبْرَأَ لَيْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْتَسِفَ ثِيَابَهُ عَنْ فِخْذِهِ وَ يَجْلِسَ بَيْنَ قَوْمٍ . مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤَذِيَّاتِ بِرِيحِهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ الْمَسْجِدَ لِيَرْفَعَ الرَّجُلُ السَّاجِدُ مُؤَخَّرَهُ فِي الْفَرِيضَةِ إِذَا سَجَدَ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْغُسْلَ فَلْيَبْدَأْ بِدِرَاعَيْهِ فَلْيَغْسِلْهُمَا إِذَا صَلَّيْتَ فَاسْمِعْ نَفْسَكَ الْقِرَاءَةَ وَ التَّكْبِيرَ وَ التَّسْبِيحَ إِذَا انْفَلَتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَانْفِتِلْ عَنْ يَمِينِكَ تَزَوَّدْ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ خَيْرَ مَا تَزَوَّدُ مِنْهَا التَّقْوَى فَقَدَتْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أُمَّتَانِ وَاحِدَةٌ فِي الْبَحْرِ وَ أُخْرَى فِي الْبَرِّ فَلَمَّا تَأْكُلُوا إِلَّا مَا عَرَفْتُمْ مِنْ كَتَمَ وَ جَعَا أَصَابَهُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا إِلَى اللَّهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْهُ أَعْبُدُ مَا كَانَ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا كَانَ هُمُّهُ بَطْنُهُ وَ فَوْجُهُ لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَ صِيَامَاتِهِ أُعْطِيَ السَّمْعَ أَرْبَعَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ الْحُورِ الْعِينِ فَإِذَا فَرَّغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ . (خصال، ص ٦٢٦) .

لکن این مردم کسانی را که خداوند کنار زده بود جلو انداختند و کسانی را که او جلو انداخته بود، کنار زدند، و هنگامی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاک سپرده شد با خواسته نفسانی و رأی [فاسد و دنیاطلبی] خود، دیگران را به جای آن حضرت انتخاب نمودند!! هلاکت باد بر آنان، آیا سخن خدا را نشنیدند که فرمود:

«وَرُبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» (۱) آری شنیدند و لکن همان گونه که خداوند می فرماید: «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (۲) دل های آنان از پذیرفتن حق کور شده بود ... (۳)

ابوذر غفاری نیز پرده کعبه را گرفت و همین سخنان را به مردم فرمود.

ابن عباس نیز با آن که با ابوبکر بیعت نموده بود همین سخن را گفت: «...» (۴)

ام سلمه همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به شداد بن اوس همین سخن را فرمود. (۵)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در سرزنش و ملامت از غاصبین خلافت همین سخن را فرمود. (۶)

۳- انکار فضائل و مقام و منزلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اولاد پاک آن حضرت نیز از اسباب جدا شدن از خاندان محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) می باشد.

مرحوم علامه مجلسی گوید: مرحوم پدرم [محمد تقی مجلسی] حدیث مفصّلی را در یک کتاب قدیمی که برخی از محدثین از اصحاب ما درباره فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) جمع آوری کرده بودند، یافته بود، و من نیز آن را در کتاب عتیقی یافتیم که مشتمل بر اخبار و احادیث فراوانی [در فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بود و آن حدیث این است که:

۱- قصص ۶۸.

۲- حج ۴۶.

۳- لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَتَبْكِي هُنَاكَ فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ أَتَيْتُ قَبْرَ حَمْزَةَ فَوَجِدْتُهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ تَبْكِي هُنَاكَ فَأَمَهَلْتُهَا حَتَّى سَكَتَتْ فَأَتَيْتُهَا وَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ يَا سَيِّدَةَ النَّسْوَانِ قَدْ وَ اللَّهِ قَطَعْتَ نِيَّاطَ قَلْبِي مِنْ بُكَائِكَ فَقَالَتْ يَا بَا عُمَرَ وَ لَحِقْتُ لِي الْبُكَاءُ فَلَقَدْ أَصَبْتُ بِخَيْرِ الْأَبَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَاشْوَاقَهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ أَنْشَأَتْ عَ تَقُولُ- إِذَا مَيَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ- وَ ذَكَرَ أَبِي مُيِّدَ مَاتَ وَ اللَّهُ أَكْثَرُ- قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي إِنِّي سَأَلْتُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ تَتَلَجَّجُ فِي صَدْرِي قَالَتْ سَلْ قُلْتُ هَلْ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ قَبْلَ وَفَاتِهِ عَلِيٌّ بِالْإِمَامَةِ قَالَتْ وَاعْبَجَا أُنْسِيئِمُ يَوْمَ غَدِيرِ حَمِّ قُلْتُ قَدْ كَانَتْ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَخْبَرَنِي بِمَا أُشِيرُ إِلَيْكَ قَالَتْ أَشْهَدُ اللَّهُ تَعَالَى لَقَدْ سَجَعْتُهُ يَقُولُ- عَلِيٌّ خَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَهُ فِيكُمْ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سَبَطَايَ وَ تَسَعَهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَيْمَهُ أُبْرَارٌ لَنْ أَبْتَعْتُمُوهُمْ وَ جَدْتُمُوهُمْ هَادِينَ مَهْدِيَّيْنَ وَ لَنْ خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونَ الْإِحْتِلَافُ فِيكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي فَمَا بَالُهُ قَعِدَ عَنْ حَقِّهِ؟ قَالَتْ يَا بَا عُمَرَ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَ لَا تَأْتِي أَوْ قَالَتْ مَثَلُ عَلِيٍّ ثُمَّ قَالَتْ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ لَمَّا

اِخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ وَ لَوْرَثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ وَ خَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ لَكِنْ قَدَّمُوا مِنْ آخِرِهِ
 اللَّهُ وَ آخَرُوا مِنْ قَدَمِهِ اللَّهُ حَتَّى إِذَا أَلْحَدُوا الْمَبْعُوثَ وَ أَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَجْدُوثَ اخْتَارُوا بِشَهْوَتِهِمْ وَ عَمَلُوا بِآرَائِهِمْ تَبَا لَهُمْ أَوْ لَمْ
 يَسِيْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ- وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ بَلْ سَجِعُوا وَ لَكِنَّهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ- فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى
 الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ هَيْهَاتَ بَسِيطُوا فِي الدُّنْيَا آمَالَهُمْ وَ نَسُوا آجَالَهُمْ- فَتَعَسَّ لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ أَعُوذُ
 بِكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحُورِ بَعْدَ الْكُورِ. (بحار الانوار، ج ٣٦/٣٥٤، از كفايه.)

٤- عبيد الله بن مسعود أنه قال: التقيت أنا و زفر بن أويس النظرى فقلنا نمضى إلى ابن عباس فمضى بنا يحدثنا فكان مما تحدث
 قال سبحانه الله الذى أحصى رمل عالىج عمدا جعل فى المال نصيبا و نصيبا و ثلثا ذهب النصيبان بالمال فأين الثلث إنما جعل
 نصيبا و نصيبا و أثلاثا و أرباعا و ائيم الله لو قدموا من قدمه الله و آخروا من آخره ما عالت الفريضة قط قلت من الذى قدمه الله و
 من الذى آخره الله قال الذى أهيط الله من فرض إلى فرض فهو الذى قدمه و من أهبطه من فرض إلى ما بقى فهو الذى آخره
 الله فقلت من أول من أعال الفرائض قال عمر بن الخطاب. «كتاب الطوائف فى معرفه مذاهب الطوائف ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٦٩»

٥- عن شداد بن أوس قال: لما كان يوم الجمل قلت لا أكون مع على و لا أكون عليه و توقفت على القتال إلى انتصاف النهار
 فلما كان قرب الليل ألقى الله فى قلبى أن أقاتل مع على فقاتلت معه حتى كان من أمره ما كان ثم إنى أتيت اليمانية فدخلت
 على أم سلمة قالت من أين أقبلت قلت من البصرة قالت مع أى الفريقين كنت قلت يا أم المؤمنين إنى توقفت عند القتال إلى
 انتصاف النهار فألقى الله عز و جل فى قلبى أن أقاتل مع على قالت نعم ما عملت لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول
 من حارب عليا فقد حاربنى و من حاربنى حارب الله قلت: أفتريين أن الحق مع على قالت إي و الله على مع الحق و الحق معه و
 الله ما أنصفت أمه محمد نبيهم إذا قدموا من آخره الله عز و جل و رسوله و آخروا من قدمه الله تعالى و رسوله و أنهم صانوا
 حمانهم فى بيوتهم و أبرزوا حليمة رسول الله ص إلى القتال و الله لقد سمعت رسول الله ص يقول إن لأمتى فزقه و خلعه
 فجامعوها إذا اجتمعت فإذا افتترقت فكونوا من النميط الأوسيط ثم ارقبوا أهل بيتى فإن حاربوا فحاربوا و إن سالموا فسالموا و إن
 زالوا فزولوا معهم حيث زالوا فإن الحق معهم حيث كانوا قلت فمن أهل بيته الذين أمرنا بالتمسك بهم قالت هم الأئمة بعينه كما
 قال عدد نقيب بني إسرائيل على و سبطاى و تسعة من صلب الحسين و أهل بيته هم المطهرون و الأئمة المعصومون قلت إن الله
 هلك الناس إذا قلت كل حزب بما لديهم فرحون ٠ «بحار الانوار، ج ٣٦/٣٤٦»

٦- بحار الانوار ، ج ٣٦ / ٣٤٦.

محمد بن صدقه گوید: ابوذر غفاری به سلمان (رضی الله عنهما) گفت: یا ابا عبدالله معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عالم نورانیت چگونه است؟ سلمان گفت: ای اباذر بیا تا نزد او برویم تا از او سؤال کنیم، ابوذر گوید: پس ما منتظر آن حضرت ماندیم تا او نزد ما آمد و فرمود: برای چه آمده-اید؟ راوی حدیث محمد بن صدقه گوید: سلمان و ابوذر گفتند: «ما آمده ایم که از معرفت شما در عالم نورانیت سؤال کنیم» امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

مرحبا به شما دو دوست متعهد به دین که در امر دین خود کوتاهی نمی کنید. سپس فرمود: به جان خودم سوگند، بر هر زن و مرد مؤمنی واجب است که چنین سؤالی را بکند، تا این که فرمود: ایمان احدی کامل نمی شود تا به کنه معرفت و نورانیت من برسد، و هر گاه به چنین معرفتی برسد خداوند قلب او را بر ایمان ثابت می گرداند، و شرح صدر پیدا می کند، و اهل عرفان و بصیرت می گردد و کسی که از این معرفت آگاهی پیدا نکند، در شک و تردید خواهد ماند. تا این که فرمود:

معرفت به نورانیت من اگر برای کسی حاصل شود «معرفه الله» برای او حاصل شده است، و معرفه الله همان معرفت به من خواهد بود، و آن دین خالصی است که خداوند متعال می فرماید:

«وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (۱) و این آیه می فرماید: مردم مأمور نشدند مگر به پذیرش نبوت حضرت - محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که آن دین حنیف محمدیه سمحه و سهله است، و مقصود از «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ» اقامه ولایت من است و هر کس ولایت مرا بر پا کند، نماز را بر پا کرده است، و اقامه ولایت من کار بسیار سختی است که جز ملک مقرب و یا پیامبر مرسل و یا عبد ممتحن - که خداوند قلب او را بر ایمان آزموده باشد - تحمل آن را ندارد، از این رو اگر کسی پیامبر مرسل و یا مؤمن ممتحن نباشد تحمل آن را نخواهند داشت.

اباذر گوید: گفتم: یا امیرالمؤمنین مؤمن کیست و نهایت ایمان و حد آن چیست تا من آن را بشناسم؟ فرمود: مؤمن ممتحن کسی است که هر چه از ما به گوش او برسد استعداد پذیرفتن آن را دارد و هیچ شک و تردیدی در آن پیدا نمی کند. سپس فرمود:

ای اباذر من بنده خدا و خلیفه او بر بندگانش هستم، شما ما را خدا ندانید و هر چه می خواهید در فضیلت ما بگویید، چرا که شما به نهایت و کنه فضائل ما نمی رسید، و خداوند عزوجل

بزرگتر و بالاتر از آنچه به قلب شما خطور می کند را به ما عطا نموده است، و اگر این گونه ما را بشناسید مؤمن خواهید بود.

سلمان گوید: گفتم: ای برادر رسول خدا، آیا کسی که نماز را اقامه کند ولایت شما را اقامه نموده است؟ فرمود: آری ای سلمان چنین است و دلیل آن سخن خداوند می باشد که می فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۱) و مقصود از صبر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و مقصود از «الصلاه» اقامه ولایت من است، و به همین خاطر فرمود:

«وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ» و فرمود: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَتَانِ» چرا که ولایت ما کبیر و سنگین است و جز خاشعون که همان شیعیان با بصیرت ما می باشند، کسی طاقت تحمل آن را ندارد، به خاطر این که صاحبان اقاویل باطله مانند جبریّه و قدریّه و خوارج و غیر آنان از دشمنان ما، به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار دارند و اختلافاتی بین آنان نیست، و در ولایت من اختلاف دارند و منکر آن هستند جز کمی از آنان که خداوند آنها را در قرآن توصیف نموده و می فرماید:

«وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۲) و درباره نبوت حضرت محمد و ولایت من می فرماید: «وَ بئْرٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرٍ مَّشِيدٍ» (۳) و «قَصْرٍ مَّشِيدٍ» حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است و «بئْرٍ مُّعْطَلَةٍ» ولایت من است که مردم آن را معطل نمودند و انکار کردند، در حالی که هر کس اقرار به ولایت من نکند، اقرار به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برای او سودی ندارد، و شما بدانید که نبوت و ولایت پیوسته به همدیگرند، چرا که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر مرسل و پیشوای همه خلائق است، و علی بعد از او امام خلق و وصی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

سپس فرمود: و اول ما محمد است و اوسط ما محمد است و آخر ما نیز محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و هر کس به من معرفت کامل داشته باشد، دارای دین قیم است چنان که خداوند می فرماید: «وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (۴) و من با کمک خدا و توفیق او این مسأله را برای شما روشن خواهم نمود.

۱- بقره/۴۵.

۲- بقره/۴۵.

۳- حج/۴۵.

۴- بینه/۵.

سپس فرمود: ای سلمان و ای ابوذر. سلمان و ابوذر گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليك) امير المؤمنين (عليه السلام) فرمود: من و محمد نور واحدی از نور خدای عزوجل بودیم، و خداوند به آن نور امر کرد تا دو نصف شود، و به نصف آن فرمود: «محمد باش و به نصف دیگر فرمود: علی باش» از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «علی منی و أنا من علی و لا یؤدی عنی إلا علی» یعنی علی از من است و من از علی هستم و پیام من را جز علی نباید ابلاغ کند.

به همین علت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ابتداءً آیات اول سوره براءت را به ابوبکر داد که برای اهل مکه بخواند، و لکن جبرئیل (علیه السلام) آمد و گفت: ای محمد! و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لبیک. جبرئیل گفت:

«خداوند به تو امر می نماید که این آیات را جز تو و یا کسی که از تو باشد نباید به اهل مکه ابلاغ نماید» از این رو رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا فرستاد تا به ابوبکر بگویم باز گردد، و ابوبکر ترسید و گفت: یا رسول الله آیا آیه ای از قرآن در مذمت از من نازل شده؟ فرمود: چیزی درباره تو نازل نشده جر این که این آیات را یا من باید به اهل مکه ابلاغ کنم و یا علی. سپس فرمود:

ای سلمان و ای ابوذر - سلمان و ابوذر گفتند: «لَبَّيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ» امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: کسی که صلاحیت و قابلیت بردن یک نامه را از طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد چگونه صلاحیت امامت امت را دارد؟! ای سلمان و ای ابوذر، من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نور واحد بودیم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) محمد مصطفی گردید، و من وصی او [علی] مرتضی گردیدم و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ناطق گردید، و من صامت گردیدم، و در هر عصری باید ناطق و صامتی باشد، ای سلمان، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) منذر بود و من هادی هستم، چنان که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۱)

تا این که فرمود: من خاتم اوصیاء و صراط مستقیم، و «النَّبَأُ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلُونَ» هستم و احدی از مسلمانان اختلاف ندارند، جز در ولایت من، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صاحب دعوت شد و من صاحب سیف و شمشیر گردیدم

سپس فرمود: «ای سلمان و ای ابوذر» گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» آن گاه فرمود: من بودم که به امر پروردگار خود نوح را داخل کشتی قرار دادم، و یونس را از شکم ماهی خارج کردم، و موسی را از دریا

عبور دادم، و ابراهیم را از آتش نجات دادم، و نه‌های آنان را جاری کردم، و چشمه‌ها را جوشش دادم و اشجارشان را غرس نمودم ...

تا این که فرمود: من در هر روز سخنان جباران و منافقان را با لغاتی که دارند می‌شنوم، و من معلم سلیمان بن داوود و ذوالقرنین و قدرت خدای عزوجل هستم، ای سلمان و ای اباذر من محمّد هستم و محمّد من است و من از محمّد هستم و محمّد از من است، چنان که خداوند می‌فرماید: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (۱) ای سلمان و ای اباذر گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» فرمود: میت ما خانواده نمرده و غائب ما غائب نشده و کشته‌های ما هرگز کشته نشده اند ...

سپس فرمود: من امیر هر مرد و زن مؤمن، از گذشته‌ها و آیندگان هستم و خداوند مرا به روح عظمت تأیید نموده، و من بنده ای از بندگان خدا هستم، ما را خدا نخوانید و هر چه می‌خواهید از فضائل برای ما بگویید، و شما هرگز به حقیقت فضائل ما نمی‌رسید، بلکه به عشری از اعشار آن نیز نمی‌رسید، چرا که ما آیات الله و دلائل او هستیم، و حجج الله و خلفای او می‌باشیم و ما امنای ائمه او هستیم و ما وجه الله، و عین الله، و لسان الله هستیم، و به واسطه ما خداوند عذاب می‌کند و ثواب می‌دهد ...

تا این که فرمود: هر کس به آنچه گفتم ایمان بیاورد، و تصدیق کند و به آنچه بیان کردم و تفسیر و شرح و توضیح دادم ایمان داشته باشد او مؤمن ممتحن است و خداوند قلب او را بر ایمان آزموده، و او را برای پذیرفتن اسلام شرح صدر داده و او عارف و صاحب بصیرت کامل خواهد بود، و کسی که در گفته‌های من شک و تردید و تحیر و انکاری داشته باشد او مقصر و اهل عداوت و دشمنی با ما می‌باشد.

سپس فرمود: «ای سلمان و ای اباذر» گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله علیک)» فرمود: من [همانند عیسی] با اذن خداوند مرده را زنده می‌کنم و می‌میرانم، و من به شما خبر می‌دهم که چه خورده‌اید و چه چیزهایی را در خانه‌های خود ذخیره کرده‌اید، و من عالم به اسرار شما هستم سپس فرمود:

و امام بعد از من - از فرزندانم - نیز همین چیزها را می‌دانند و آنان اگر بخواهند، بر آنچه من انجام می‌دهم توانائی دارند، چرا که همه ما [نور] واحد هستیم و اول ما و آخر ما و اوسط ما محمّد است، و کل ما محمّد هستیم، پس نباید شما فرقی بین ما قرار بدهید، و ما اگر بخواهیم، خداوند نیز می‌خواهد، و اگر کراهت داشته باشیم خداوند نیز کراهت دارد، و همه ویل و بدبختی برای کسی است که فضل ما و آنچه خدا به ما داده است را انکار

نماید، چرا که هر کس فضائلی که خدا به ما عطا نموده است را انکار کند، قدرت خدا و مشیت او را درباره ما انکار کرده است.

سپس فرمود: «ای سلمان و ای اباذر» و آنان گفتند: «لَبَّيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليك)» فرمود: «خداوند بالاتر و بیشتر و بزرگتر از این ها را به ما عطا نموده است» سلمان گوید: ما گفتیم: یا امیرالمؤمنین بالاتر و بیشتر چیست؟ فرمود:

خداوند به ما اسم اعظم خود را تعلیم نموده است که اگر بخواهیم می توانیم در آسمان ها و زمین و بهشت و دوزخ سیر کنیم، و به آسمان ها صعود کنیم و به زمین هبوط نماییم و به شرق و غرب برویم و خود را به عرش برسانیم و بر روی عرش بنشینیم و در محضر قرب الهی قرار بگیریم و همه چیز، حتی آسمان و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و حیوانات و دریاها و بهشت و دوزخ از ما اطاعت می کنند، و خداوند همه این ها را به برکت اسم اعظم خود به ما عطا نموده است، و با همه این فضائل ما [همانند دیگران] می خوریم و می آشامیم و در بازارها حرکت می کنیم و این کارها را به امر پروردگار خود انجام می دهیم، و ما بندگان مکرمون خداوند هستیم [و همانند ملائکه] تخلف از قول خدای خود نمی کنیم و به دستور او عمل می نماییم و خداوند ما را معصوم و پاک قرار داده. و ما را بر زیادی از بندگان خود فضیلت داده است، از این رو می گوئیم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» (۱) و کلمه عذاب بر کافران حق است، و مقصود من از کافران کسانی هستند که منکر فضائل و احسان خدا بر ما می-باشند.

سپس فرمود: ای سلمان و ای اباذر، آنچه گفتم معنای معرفت به نورانیت من است، پس تو ای سلمان [و ای اباذر] به این نورانیت تمسک پیدا کنید تا به رشد و تعالی خود برسید، چرا که احدی از شیعیان ما به بصیرت و بینش [کامل] نمی رسد تا مرا به نورانیت بشناسد و اگر مرا به این نورانیت شناخت به بصیرت کامل رسیده و در دریایی از علم فرو رفته و به درجه عالی از فضیلت رسیده است، و بر سزای از اسرار خداوند اطلاع پیدا کرده و به خزائن رحمت او دست یافته است. (۲)

مؤلف گوید: مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله علیه) پس از نقل روایت فوق جملاتی از آن را شرح نموده که برای اهل نظر بسیار مفید خواهد بود، و نویسنده تاکنون چنین روایتی را نیافته بودم.

۱- اعراف/۴۳.

۲- ... رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ يَا جُنْدَبُ فَمَا مَضَى بِنَا حَتَّى نَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ قَالَ فَاتَيْنَاهُ فَلَمْ نَجِدْهُ قَالَ فَانْتَظَرْنَاهُ حَتَّى جَاءَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا جَاءَ بِكُمَا قَالَا جِئْنَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَسْأَلُكَ عَنْ مَعْرِفَتِكَ بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَرَحَبًا بِكُمَا مِنْ وَلِيِّينَ مُتَعَاهِدِينَ لِتَدِينَهُ لَسِيَّتِمَا بِمُقَصَّرِينَ لِعَمْرِي إِنَّ ذَلِكَ الْوَجِيبُ [وَاجِبٌ] عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانَ وَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا

عَرَفَنِي بِهَيْدِهِ الْمَعْرِفَةَ فَصَدِّقْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ وَ شَرَحَ صِدْرَهُ لِلإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفًا مُسْتَبْتَبَةً رَأً وَ مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ فَهُوَ شَاكٌّ وَ مُرْتَابٌ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا : لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَ هُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ يَقُولُ مَا أُمِرُوا إِلَّا بِتَبْوَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ الدِّينُ الْحَنِيفِيُّ الْمُحَمَّدِيُّ السَّمْحَهُ وَ قَوْلُهُ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ فَمَنْ أَقَامَ وَ لَاتِي فَقَدْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ إِقَامَهُ وَ لَاتِي صَبْرٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ فَالْمَلَكُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُقَرَّبًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَ النَّبِيُّ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُرْسَلًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ وَ الْمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُمْتَحِنًا لَمْ يَحْتَمِلْهُ قُلْتُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ الْمُؤْمِنُ وَ مَا نِهَائِيهِ وَ مَا حَيْدُهُ حَتَّى أَعْرِفَهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْمُؤْمِنُ الْمُمْتَحَنُ هُوَ الَّذِي لَا يَرُدُّ مِنْ أَمْرِنَا إِلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا شَرَحَ صِدْرَهُ لِقَبُولِهِ وَ لَمْ يَشْكُ وَ لَمْ يَزْتَبْ أَعْلَمُ يَا أَبَا ذَرٍّ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ لَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَبْلُغُونَ كُنْهَ مَا فِيْنَا وَ لَا نِهَائِيهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَعْطَانَا أَكْبَرَ وَ أَعْظَمَ مِمَّا يَصِفُهُ وَ أَصَبَكُمْ أَوْ يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِكُمْ فَإِذَا عَرَفْتُمُونَا هَكَذَا فَانْتُمْ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ : يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ أَقَامَ وَ لَاتِيكَ قَالَ نَعَمْ يَا سَلْمَانُ تَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ الْعَزِيزِ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ فَالصَّبْرُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الصَّلَاةُ إِقَامُهُ وَ لَاتِي فَمِنْهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ وَ لَمْ يَقُلْ وَ إِنَّهُمَا لَكَبِيرَةٌ لِأَنَّ الْوَلَايَةَ كَبِيرَةٌ حَمْلُهَا إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعُونَ هُمُ الشَّيْعَةُ الْمُسْتَبْتَبُونَ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ أَهْلَ الْأَقْوَابِ مِنَ الْمُرْجِيَّةِ وَ الْقَدَرِيَّةِ وَ الْخَوَارِجِ وَ غَيْرِهِمْ مِنَ النَّاصِبِيَّةِ يُقِرُّونَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَيْسَ بَيْنَهُمْ خِلَافٌ وَ هُمْ مُخْتَلِفُونَ فِي وَ لَاتِي مُنْكَرُونَ لِتَدْلِكَ جَاحِدُونَ بِهَا إِلَّا الْقَلِيلُ وَ هُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فَقَالَ : «إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي مَوْضِعٍ آخَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فِي تَبْوَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِي وَ لَاتِي فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَرٍّ مُعْطَلٍ وَ قَصِيرٍ مَشِيدٍ فَالْقَصِيرُ مُحَمَّدٌ وَ الْبَرُّ الْمُعْطَلُ وَ لَاتِي عَطْلُهَا وَ جَحْدُهَا وَ مَنْ لَمْ يَقْرَبِ وَ لَاتِي لَمْ يَنْفَعَهُ الْإِقْرَارُ بِتَبْوَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا أَنَّهُمَا مَقْرُونَانِ وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ هُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ عَلِيٌّ مِنْ بَعِيدِهِ إِمَامُ الْخَلْقِ وَ وَصِيٌّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ آخَرْنَا مُحَمَّدًا فَمَنْ اسْتَكْمَلَ مَعْرِفَتِي فَهُوَ عَلَى الدِّينِ الْقَبِيمِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ وَ سَابِقِينَ ذَلِكَ بَعُونَ اللَّهِ وَ تَوْفِيْقِهِ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ : كُنْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدٌ نُورًا وَاحِدًا مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَامَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ذَلِكَ النُّورَ أَنْ يُشَقَّ فَقَالَ لِلنُّصْفِ كُنْ مُحَمَّدًا وَ قَالَ لِلنُّصْفِ كُنْ عَلِيًّا فَمِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيٌّ مِنِّْي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا عَلِيٌّ وَ قَدْ وَجَّهَ أَبَا بَكْرٍ بِنِزَاءَةٍ إِلَى مَكَّةَ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قَالَ لَبَّيْكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُؤَدِّيَهَا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ عَنكَ فَوَجَّهَنِي فِي اسْتِزْدَادِ أَبِي بَكْرٍ فَوَدَدْتُهِ فَوَجَّهَدَ فِي نَفْسِهِ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ لَا يُؤَدِّي إِلَّا أَنَا أَوْ عَلِيٌّ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَا يَصْلُحُ لِحَمَلِ . (بحار الانوار، ج ٢٦/١ ح ١)

۴- عدم کفر به طاغوت ها و عدم برائت و بیزاری از آنان نیز از مهم ترین اسباب جدائی از خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، چرا که خداوند می فرماید:

«فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۱) یعنی کسی که به حکومت طاغوت [یعنی حکومت ستمکاران و غاصبین خلافت و ظالمین به محمد و آل محمد (علیهم السلام)] کافر شود و به خدا ایمان بیاورد به عروه الوثقی و دستگیره محکم الهی تمسک نموده که هرگز گسیخته و جدا نخواهد شد، و خداوند شنوا و دانا [ی به احوال مردم] می باشد.

سپس فرمود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۲)

یعنی، تنها خدا [و رسول خدا و جانشینان او] ولی و حاکم و مولای مؤمنین هستند که آنان را از تاریکی ها [ی گناهان] خارج و به نور [توبه] وارد می نمایند، و کسانی که کافر شدند، اولیای آنان طاغوت می باشد، و طاغوت [ها] آنان را از نور ایمان خارج می کنند و به تاریکی های کفر داخل می -نمایند (از این رو) آنان برای همیشه در آتش [معدّب] خواهند بود.

مؤلف گوید: از آیه اول استفاده می شود که ایمان به خداوند مسبوق به کفر به طاغوت است و همان گونه که توحید در «لا إله إلا الله» مسبوق به نفی هر معبود دیگری است، و امکان ندارد کسی موخّید باشد و بت پرست و آتش پرست و خورشید پرست و امثال این ها باشد، ایمان نیز بدون کفر به طاغوت، ایمان نیست و کسی که حاکمیت طاغوتی را پذیرفته باشد، مؤمن به خدا نخواهد بود، چنان که خداوند در آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحَكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» (۳) می فرماید:

ای رسول من! آیا نمی بینی [و تعجب نمی کنی] از کار این گروهی که گمان می کنند به تو و قرآن تو و آنچه بر پیامبران قبل از تو نازل شده - مانند تورات و انجیل - ایمان آورده اند و با این وضعیّت می -خواهند حاکمیت طاغوت [ها] را بپذیرند، در حالی که ما به آنان امر کردیم که باید به طاغوت [ها] کافر باشند [و هرگز حاکمیت آنان را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند؟!]

۱- بقره/۲۵۶.

۲- بقره/۲۵۷.

۳- نساء/۶۰.

از این آیات روشن می شود که خداوند با مبالغه و تأکید فراوانی می فرماید: بین ایمان به خدا و به پیامبران و کتب آسمانی، و پذیرفتن حاکمیت طاغوت ها [یعنی حکومت های ستمگر و ظالمانه] منافات سختی وجود دارد، و جمع بین این دو چیز امکان پذیر نیست، و طاغوت ها همان حکام ستمگر زمان-های پیامبران اند.

از این رو صاحب تفسیر مجمع البیان از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل نموده که می فرمایند: مراجعه به هر حاکمی که از ناحیه خداوند نیست و به غیر حق حکم می کند، مراجعه به طاغوت است.

ما توضیح این موضوع را در کتاب «دفاع از مقام ولایت» ذیل آیات فوق و روایت ابن حنظله و غیر آن بیان نمودیم خواننده محترم می تواند به آن کتاب مراجعه نماید.

۷- عدم اعتقاد به ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) نیز از اسباب جدائی از خاندان نبوت (علیهم السلام) می باشد، و اگر کسی در زمان غیبت امام زمان - طبق روایات فراوانی که معصومین و شخص امام زمان (علیهم السلام) فرموده اند، از فقیه جامع الشرائط اطاعت کند و حاکمیت او را بپذیرد ناچار باید از حکام ستمگر و طاغوت های زمان خود اطاعت نکند و حاکمیت آنان را نپذیرد چرا که خداوند اطاعت از طاغوت و پذیرفتن حاکمیت او را حرام نموده و کفر به طاغوت را واجب کرده است.

۶- عدم ایمان و عدم انتظار و آمادگی برای قیام آخرین امام از اوصیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از اسباب جدائی از خاندان نبوت می باشد، چرا که ادله بی شماری در کتب شیعه و اهل تسنن وجود دارد که آخرین امام از فرزندان امام حسین (علیهم السلام) در آخرالزمان پس از غیبت طولانی قیام خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد و این روایات متواتر است و صدور آن ها از معصومین (علیهم السلام) مسلم و قطعی می باشد.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۱) می فرماید: ایمان به غیب اقرار به حقانیت قیام قائم (علیه السلام) است. (۲)

یحیی بن ابی القاسم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: مقصود از «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» و مقصود از «هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» شیعیان علی (علیه السلام) می باشند و مقصود از «غیب» حجت غائب است، و شاهد این معنا

۱- بقره/۳.

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ قَالَ مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ حَقٌّ. کمال الدین، ص ۱۷.

قول خداوند است که می-فرماید:

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (۱) و خداوند عزوجل در این آیه خبر داده که مقصود از «آیه مِنْ رَبِّهِ» غیب است و مقصود از غیب حجت خداست، چرا که خداوند عزوجل درباره عیسی و مادر او می فرماید: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً» (۲) و مقصود از «آیه» حجت می باشد. (۳)

امام صادق (علیه السلام) نیز در تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (۴) فرمود: مقصود از «آیات» ائمه (علیهم-السلام) هستند و آیه مورد انتظار، حضرت قائم (علیه السلام) است، و در آن روزی که او قیام می کند، ایمان کسی که قبل از قیام او، ایمان نیاورده بوده پذیرفته نیست، گر چه به پدران آن حضرت قبلاً ایمان آورده بوده است. (۵)

۷- عدم معرفت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) نیز از اسباب جدایی از خاندان نبوت (علیهم السلام) می باشد.

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه گوید: معرفت به احوال و خصوصیات حضرت-مهدی (عجل الله تعالی فرجه) واجب است، و ایمان هیچ مؤمنی به آن حضرت صحیح نیست مگر آن که به احوال آن بزرگوار آگاهی داشته باشد، چنان که خداوند می فرماید:

«إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (۶) و این آیه می گوید: صحت شهادت به حق به این است که شاهد به مشهود به، علم و آگاهی داشته باشد، و ایمان به حضرت مهدی (علیه السلام) نیز برای مؤمن هرگز سودی ندارد، جز این که عارف به شأن او در حال غیبت باشد، چرا که ائمه (علیهم السلام) از غیبت او خبر داده اند، و خصوصیات غیبت او را برای شیعیان خود بیان نموده اند و این خصوصیات را حدود دوست سال قبل از تولد و غیبت آن حضرت بیان نموده اند، و در کتاب-ها نوشته شده است.

ولکن مخالفین و دشمنان ما [با این که روایات مربوط به آن حضرت فراوان در کتاب هایشان نقل شده است] برای گمراه کردن عوام مردم مسأله غیبت آن حضرت را دلیل عدم وجود او مطرح نموده و می گویند: او هنوز به دنیا نیامده است و اگرچنین امامی وجود می

۱- یونس/۲۰.

۲- مؤمنون/۵۰.

۳- و شاهد ذلك قول الله عز و جل و يَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فأخبر عز و جل أن الآيه هي الغيب و الغيب هو الحجة و تصديق ذلك قول الله عز و جل وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً يعني حجه.

همان، ص ۱۸.

۴- انعام/۱۵۸.

٥- عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَتَالِ الْآيَاتُ هُمْ الْأَيْمَةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - هَمَان.

٦- زخرف/٨٤.

داشت باید تاکنون ظاهر می شد [در حال که مسأله طول غیبت آن حضرت در روایات ما و آنان فراوان بیان شده است، تا جایی که معصومین (علیهم السلام) فرموده اند: غیبت او به قدری طولانی می شود که اکثر کسانی که اعتقاد به امامت او داشته اند، ناامید می شوند و منکر وجود او می گردند]

سپس مرحوم صدوق درباره حضرت مهدی (علیه السلام) و حکمت غیبت آن حضرت و غیبت های پیامبران (علیهم السلام) و کسانی که آن بزرگوار را دیده اند و سخنانی از او شنیده بلکه معجزاتی از او دیده اند را بیان می فرماید ۱.

و من به طور اجمال بیاد دارم که در روایتی آمده بود: که اگر مردم در زمان غیبت از امام زمان (علیه السلام)، آگاهی نداشته باشند و از خصوصیات و علائم ظهور آن حضرت بی اطلاع باشند دزدان دین، آنان را گمراه خواهند نمود.

۸- عدم انتظار و آمادگی برای ظهور امام زمان (علیه السلام) نیز دلیل بر دوری از خاندان نبوت (علیهم السلام) است و از روایات استفاده می شود که یکی از شرائط قبولی اعمال، انتظار فرج حضرت قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: برای ما دولت و حکومتی خواهد بود و خداوند- ان شاء الله- در آینده آن را آماده خواهد نمود. سپس فرمود: کسی که دوست می دارد از اصحاب و یاران حضرت قائم (علیه السلام) باشد، باید اهل تقوا و ورع و اخلاق نیک باشد، تا بتواند منتظر آن حضرت باشد، چنین کسی اگر قبل از قیام امام خود بمیرد، پاداش کسی را خواهد داشت که او را درک کرده است.

سپس فرمود: شما باید [در بندگی و اطاعت خدا و رعایت تقوا] بکوشید و منتظر قیام امام خود باشید. (۱)

آزار به محمد و آل محمد (علیهم السلام)

قال الله سبحانه: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» و قال سبحانه: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» (۲)

۱- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِفْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَيْمَةَ حَاصَّةً وَ النَّسِيلَةَ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْجِتْهَادُ وَ الطَّمَأِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. ۰ (كتاب الغيبة للنعماني، ص ۲۰۰).

مؤلف گوید: دو آیه فوق را اگر کنار سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمود: «فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله» (۱) و سخنان فراوان دیگری که به این معنا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره امیرالمؤمنین و ائمه بعد از آن حضرت بیان نمودند، بگذاریم، نتیجه این می شود که غاصبین خلافت در دنیا و آخرت مورد لعنت خداوند هستند، و خداوند برای آنان عذاب خوارکننده ای را آماده کرده است، چرا که آنان غیر از آزارهای فراوانی که در حق خاندان نبوت روا داشتند، به فرموده ی قرآ که میفرماید:

«اِحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» یعنی آنان به ناحق و با افترا و تهمت و گناه آشکار، خلافت را حق خود دانستند، و خاندان نبوت را از حق مسلمی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای آنان قرار داده بود، محروم نمودند ... بس کن که سخن به درازا می کشد.

مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد گوید: ادب اهل البیت (علیهم السلام) و شیعیان آنان، لعن و دشنام به غاصبین خلافت نیست، چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین هنگامی که شنید دو نفر از اصحاب او مانند حُجر بن عدی و عمرو بن حَمِق به اهل شام لعنت می کنند و از آنان براءت و بیزاری می جویند، آنان را خواست و فرمود: از این عمل خودداری کنید. آنان گفتند:

یا امیرالمؤمنین! مگر ما بر حق نیستیم؟ فرمود: آری. گفتند: مگر آنان بر باطل نیستند؟ فرمود: لاری، گفتند: پس برای چه شما ما را از دشنام به آنان منع می کنید؟ فرمود: خوش ندارم شما اهل لعنت و دشنام و بیزاری [علنی] از آنان باشید، لکن اگر اعمال ناپسند و روش نادرست شان را مطرح کنید، بهتر و مؤثرتر خواهد بود، و اگر به جای لعنت و دشنام و براءت، بگوئید: «اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ اصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهدهم ...

یعنی خدایا ما و آنان را از ریختن خون همدیگر حفظ کن، و بین ما و آنان را اصلاح کن، و آنان را از ضلالت و گمراهی نجات ده و هدایت فرما، تا حق را بشناسند و از باطل و گمراهی و ظلم پرهیز نمایند، و این نزد من محبوب تر می باشد و خیر شما خواهد بود. پس آن دو نفر گفتند:

یا امیرالمؤمنین ما نصیحت شما را پذیرفتیم و به آن عمل خواهیم نمود. (۲)

مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد گوید: یا امیرالمؤمنین ما نیز موعظه و ادب شما را می پذیریم و به سخن شما عمل خواهیم نمود.

۱- المجموع، ج ۲۰/۲۴۴.

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ قَالَ: خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ وَ عَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ يُظْهِرَانِ الْبِرَاءَةَ وَ اللَّعْنَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمَا عَلِيُّ «أَنْ كُفَّا عَمَّا يَبْلُغُنِي عَنْكُمَا» فَأَتِيَاهُ فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَسْنَا مُحِقِّينَ؟ قَالَ: «بَلَى» قَالَا: أَوْ لَيْسُوا مُبْطِلِينَ؟ قَالَ: «بَلَى» قَالَا: فَلِمَ

مَنَعْنَا مِنْ شَتْمِهِمْ؟ قَالَ: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَّامِينَ تَشْتُمُونَ وَ تَتَبَرَّءُونَ وَ لَكِنْ لَوْ وَصَفْتُمْ مَسَاوِي أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَ كَذَا وَ مِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَ كَذَا كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَ أْبْلَغَ فِي الْعُذْرِ وَ [لَوْ] قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ وَ بِرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ - اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحِ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْهُمْ مِنْ جِهَلِهِ وَ يَزْعُمُوا عَنْ الْغِيِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ كَانَ هَذَا أَحَبَّ إِلَيَّ وَ خَيْرًا لَكُمْ» فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَقَبَلُ عِظَتَكَ وَ نَتَأَدَّبُ بِأَدَبِكَ وَ قَالَ عَمْرُو بْنُ الْحُمَقِ إِنِّي وَ اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَحْبَبْتُكَ وَ لَا بَايَعْتُكَ عَلَى قَرَابَةِ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ لَا إِرَادَةَ مَالٍ تُؤْتِينِيهِ وَ لَا التَّمَّاسِ سَيِّطَانٍ يُزْفَعُ ذِكْرِي بِهِ وَ لَكِنْ أَحْبَبْتُكَ لِخِصَالِ خَمْسٍ إِنَّكَ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَّةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَبُو الذَّرِّيَّةِ الَّتِي بَقِيَتْ فِيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَعْظَمُ رَجُلٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ سَيِّهًا فِي الْجِهَادِ فَلَوْ أَنِّي كَلَّفْتُ نَقْلَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي وَ نَزْحَ الْبُحُورِ الطَّوَامِي حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي فِي أَمْرٍ أَقْوَى بِهِ وَ لَيْتَكَ وَ أَوْهِنَ بِهِ عِدْوَكَ مَا رَأَيْتُ أَنِّي قَدِ أَدَيْتُ فِيهِ كُلَّ الَّذِي يَحِقُّ عَلَيَّ مِنْ حَقِّكَ. فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ اللَّهُمَّ نَوِّرْ قَلْبَهُ بِالْتَّقَى وَ اهْدِهِ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَيْتَ أَنَّ فِي جُنْدِي مِائَةً مِثْلَكَ فَقَالَ حُجْرٌ إِذَا وَ اللَّهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَحَّ جُنْدُكَ وَ قَلَّ فِيهِمْ مَنْ يَغْشُكَ. ثُمَّ قَامَ حُجْرٌ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَحْنُ بَنُو الْحَزْبِ وَ أَهْلُهَا الَّذِينَ نُلْقِيهَا وَ نُنتَجِهَا قَدْ ضَارَسَيْتَنَا وَ ضَارَسَانَا وَ لَنَا أَعْوَانٌ دَوُّو صَيِّلَاحٍ وَ عَشِيرَةٌ ذَاتِ عَدَدٍ وَ رَأْيٍ مُجَرَّبٍ وَ بَأْسٍ مَحْمُودٍ وَ أَرْمَتْنَا مُنْقَادَةً لَكَ بِالسَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ فَإِنْ شَرَّفَتْ شَرَّفْنَا وَ إِنْ غَرَبَتْ غَرَبْنَا وَ مَا أَمَرْتَنَا بِهِ مِنْ أَمْرٍ فَعَلْنَاهُ فَقَالَ عَلِيُّ: «أَكُلُّ قَوْمِكَ يَرَى مِثْلَ رَأْيِكَ؟» قَالَ: مَا رَأَيْتُ مِنْهُمْ إِلَّا حَسِينَاً وَ هَيْدَةَ يَدِي عَنْهُمْ بِالسَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ وَ بِحُسْنِ الْإِجَابَةِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ خَيْرًا. (احقاق الحق، ج ١/٦٢. وقعه صفين، النص، ص: ١٠٤)

سپس گوید: آیا امیرالمؤمنین (علیه السلام) جز این، چه کاری می توانست انجام بدهد؟ مگر آنان خون دل ها و غصه هایی پیاپی بر قلب او وارد نکردند؟ و او را به قدری در فشار قرار دادند تا فرمود:

«صبرت و فی العین قذی و فی الحلق شجی أری تراثی نهباً ... ؟» (۱)

تا این که گوید: چه کنند امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم او (علیهم السلام) و علمای ربّانی شیعه و پیروان آنان، با مردمی که در سرکشی و خروج از دین، به جایی رسیده اند که خداوند در دنیا و آخرت آنان را لعنت نموده است؟!

سپس گوید: ای خواننده محترم، تو را به خدا سوگند، آیا خداوند در قرآن نمی فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا؟» (۲)

و آیا امام بخاری که از اعلام آنان است در صحیح بخاری [به گمان آنان] از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نکرده که فرمود: «فاطمه بضعه منی فمن أغضبها أغضبني؟» (۳)

و آیا امام بخاری در صحیح خود روایت نکرده که حضرت فاطمه (علیها السلام) بر آن دو نفر خشم نمود و با آن ها سخن نگفت تا از دنیا رحلت نمود؟ (۴)

در کتاب امالی صدوق روایت مفصّلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که در بخشی از آن، خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره اهل بیت خود می فرماید:

«إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي، وَمَنْ أذَلَّهُمْ أَذَلَّنِي، وَمَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي، وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي، وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِي، وَمَنْ طَلَبَ الْهَدْيَ فِي غَيْرِهِمْ فَقَدْ كَذَّبَنِي ...» (۵)

یعنی علی و فاطمه و فرزندان آنان (علیهم السلام) اهل بیت من هستند، و کسی که آنان را بیازارد، مرا آزار نموده، و کسی که به آنان ظلم کند، به من ظلم کرده است، و کسی که آنان را خوار کند، و از آنان حمایت نکند، مرا خوار نموده، و کسی که آنان را عزیز بدارد، مرا عزیز داشته است، و کسی که به آنان اکرام و احسان و احترام کند، به من اکرام نموده است، و کسی که آنان را یاری کند، مرا یاری کرده است، و کسی که آنان را یاری نکند، مرا یاری نکرده است، و کسی که از غیر آنان هدایت طلب کند [و دین خود را از غیر آنان بگیرد] به راستی مرا تکذیب نموده است.

۱- من خطبه له علیه السلام و هی المعروفه بالشقشقیه و تشتمل علی الشکوی من أمر الخلافه ثم ترجیح صبره عنها ثم مبايعه الناس له! أما و الله لقد تَقَمَّصَها فلان [ابن أبي قحافه] و إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْجِدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ فَسَيَدَلْتُ دُونَهَا تَوْبًا وَ طَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحًا وَ طَفِئْتُ أَرْتِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بِيَدِ جَدَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَحْيِهِ عَمِيَاءَ يَهْرَمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَ يَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَجِي فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ

فِي الْحَلْقِ شَجًّا أَرَى تُرَائِي نَهَبًا حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَبِيلِهِ فَأَذَلِّي بِهَا إِلَى فُلَانٍ [ابْنِ الْخَطَّابِ] بَعِيدَهُ ثُمَّ تَمَثَّلَ بِقَوْلِ الْأَعَشَى شَتَّانَ مَا
يَوْمِي عَلَى كُورِهِمَا وَ يَوْمَ حَيَّانَ أَخِي جَابِرٍ فَيَا عَجَبًا بَيْنَا هُوَ يَسْتَقِيلُهَا فِي حَيَاتِهِ إِذْ عَقَدَهَا لِأَخْرَ بَعِيدَ وَفَاتِهِ لَشَدَّ مَا تَشَطَّرَا ضَرْعِيهَا
فَصَيَّرَهَا فِي حَوْزِهِ خَشْنَاءَ يَغْلُظُ كَلْمُهَا وَ يَخْشُنُ مَسُّهَا وَ يَكْثُرُ الْعِتَارُ... (نهج البلاغه (للصباحي صالح) ؛ ص ٤٨)

٢- احزاب/٥٧.

٣- صحيح بخارى، ج ٥/٣٦.

٤- صحيح بخارى، ج ٤/٩٦٨/١٨٥.

٥- امالى صدوق، ص ١٢٢.

سپس فرمود: ای مردم از خدا بترسید و فکر کنید که در قیامت جواب مرا چه خواهید داد؟ چرا که من با کسانی که به اهل بیت من آزار نموده باشند دشمن خواهم بود و خصمانه با آنان برخورد خواهم کرد. سپس فرمود: «أقول قولي و أستغفر الله لي و لكم» (۱)

آزار به حضرت فاطمه (علیها السلام)

مرحوم ابوالفتح کراجکی صاحب کتاب «التعجب» گوید: از عجائب این است که اهل تسنن اعتراف دارند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خداوند به خاطر غضب فاطمه (علیها السلام) غضب می کند و به خاطر خشنودی او خشنود می شود» و فرمود:

«فاطمه پاره تن من است، هر چه او را به درد آورد، مرا به درد آورده است، و فرمود:

کسی که فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است، و کسی که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

سپس گوید:

با توجه به این روایات، آنان یقین و اتفاق دارند و می گویند: «ابابکر فاطمه (علیها السلام) را به درد آورد و آزار نمود و خشمگین کرد و نمی گویند: به او ظلم کرد و فدک را از او غصب کرد و به او نداد، و ادعا می کنند که فاطمه (علیها السلام) به باطل ادعای فدک را نمود و نمی گویند:

ابوبکر کسی را به خشم آورد، که خداوند به خاطر خشم او خشم می کند، و نمی گویند: ابوبکر کسی را به درد آورد که پاره تن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، و کسی را آزار نمود که آزار به او آزار به خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) بود؟! و توجه نمی کنند که خداوند می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۲)

تا اینکه گوید: آیا این جز تأیید و تصویب ظالم و تهوّر و جرأت بر انجام ظلم است؟!!

در کتاب شواهد التنزیل حسکانی از زیدبن علی بن الحسین (علیه السلام) نقل شده که او موی محاسن خود را گرفته بودومی گفت: پدرم علی بن الحسین موی محاسن خود را گرفته بود ... و امیرالمؤمنین (علیه السلام) موی محاسن خود را گرفته بود و می فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) موی محاسن خود را گرفته بود و می فرمود:

هر کس به یک موی من آزار رساند، به من آزار رسانده است، و هر کس به من آزار رساند، به خداوند آزار رسانده است، و هر کس به خدا آزار رساند، خداوند به اندازه گنجایش آسمان ها و زمین او را لعنت خواهد نمود، و هیچ عمل واجب و مستحبی را از او قبول نخواهد کرد. (۳)

١- قَال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ قِيلاً وَ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثاً مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أُفِيمَ لَكُمْ عَلِيّاً عِلْماً وَ إِمَاماً وَ خَلِيفَةً وَ وَصِيّاً وَ أَنْ أَتَّخِذَهُ أَخاً وَ وَزيراً مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيّاً بَابُ الْهُدَى بَعِيدِي وَ الدَّاعِي إِلَى رَبِّي وَ هُوَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحاً وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيّاً صَدِيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ فَارُوقُهَا الْأَكْبَرُ وَ مُحَدِّثُهَا إِنَّهُ هَارُونَهَا وَ يُوْشَعُهَا وَ أَصْفُهَا وَ شَمْعُونُهَا إِنَّهُ بَابُ حِطَّتْهَا وَ سَفِينَةُ نَجَاتِهَا إِنَّهُ طَالُوتُهَا وَ ذُو قَرَيْنِهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مِخْنَةُ الْوَرَى وَ الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَ الْآيَةُ الْكُبْرَى وَ إِمَامُ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيّاً مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ لَيْسَ أَنَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيّاً قَسِيمُ النَّارِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيٌّ لَهُ وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا عِدْوٌ لَهُ إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُهَا عِدْوٌ لَهُ وَ لَا يُزَخَّرُ عَنْهَا وَلِيٌّ لَهُ مَعَاشِرَ أَصِيْحَابِي قَدْ نَصِيْحْتُ لَكُمْ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَهَ رَبِّي وَ لَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ لَكُمْ .. (امالی صدوق، ص ١٢٢- بشاره المصطفى، ص ١٦- بحار الانوار، ج ٣٨/٩٤).

٢- احزاب/٥٧.

٣- حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ هُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ، حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ، حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ وَ هُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ هُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ قَالَ: مَنْ آذَى شَعْرَهُ مِنْهُ فَقَدْ آذَانِي، وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَ مَنْ آذَى اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مَلَأَ السَّمَاوَاتِ وَ مَلَأَ الْأَرْضَ [وَ] لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا. («شواهد التنزيل، ج ٢/١٤٢»).

حدیث فوق در تعدادی از کتب اهل سنت مانند شواهد التنزیل حسکانی ، تاریخ دمشق ابن عساکر ، کشف الغمّه اربلی و ینابیع المودّه قندوزی نیز نقل شده است و در کتب شیعه نیز فراوان نقل شده ، مانند عیون اخبار الرضا ، امالی صدوق ، امالی شیخ طوسی ، دلائل الإمامه طبری، بحار الأنوار مجلسی و مستدرک السفینه نمازی و ...

مؤلف گوید: با توجه به حدیث فوق باید مردم از ظلم به آل محمّد و ذریّه آن حضرت به ترسند. ولا حول و لا قوه إلا بالله العلیّ العظیم .

نالہ حضرت فاطمه (علیها السلام) در قیامت

در کتاب ثواب الأعمال از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: هنگامی که قیامت برقرار می شود فاطمه (علیها السلام) با گروهی از زن های منسوب به او وارد قیامت می شود، و به او گفته خواهد شد: داخل بهشت شو، و او می گوید: داخل بهشت نمی شوم تا بدانم بعد از من با فرزندم (حسین) چه شده است؟

از این رو به او گفته می شود: به قلب قیامت بنگر، و چون می نگر، و حسین خود را می بیند که ایستاده است و سر در بدن او نیست، ناله ای می زند، و من نیز به خاطر ناله او ناله ای می زنم، و ملائکه نیز به خاطر ناله [جان سوز] او ناله می زنند، و در آن هنگام خدای عزوجلّ خشم می کند، و به آتشی که به آن هبّ می گویند - و هزار سال بر آن دمیده شده تا سیاه شده است، و هرگز نسیمی داخل آن نمی شود و غم و اندوهی از آن خارج نمی شود - دستور می دهد و می فرماید:

بگیر قاتلین حسین و حاملان قرآن را [که در جنگ با قرآن بوده اند] و آن آتش آنان را فوراً می -رباید و در چاندان خود قرار می دهد و چون در حوصله و چاندان او قرار می گیرند و او شیعه و فریاد می کشد و از جا می پرد آنان نیز شیعه و فریاد می کنند و با زبان فصیح می گویند:

پروردگارا چه شده که ما را قبل از بت پرستان به آتش بردی؟! و از ناحیه خداوند جواب می آید: کسی که می دانسته است مانند کسی نیست که نمی دانسته [یعنی شما به خوبی می دانستید که فرزند پیابر خود را می کشید]. (۱)

و در مثیرالأحزان ابن نماى حلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) نقل شده که فرمود: روز قیامت فاطمه (علیها السلام) در بین جماعتی از زن های بنی هاشم وارد قیامت می شود، و چون به او گفته می شود داخل بهشت گردد، می گوید:

داخل بهشت نمی شود تا بدانم با فرزندم حسین چه کردند؟ پس

۱- قَمَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِيَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي لَمَةٍ مِنْ نِسَائِهَا فَيَقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا ادْخُلْ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صُنِعَ بَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيَقَالُ لَهَا انظري في قلب القيامة فتنتظري إلى الحسين عليه السلام قائماً وليس عليه رأس فتضيرُخ صيرُخه و أصيرُخ لصيرُخها و تصيرُخ الملائكة لصيرُخها فيغضبُ الله عزَّ و جلَّ عند ذلك فيأمرُ ناراً يُقالُ لَهَا

هَبَّهْبُ قَدْ أَوْقَدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عِيَامٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ لَمَّا يَدْخُلُهَا رَوْحٌ أَيْدَاءٌ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمٌّ أَيْدَاءٌ فَيَقَالُ التَّقِطِيُّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنِ وَ حَمَلَهُ
الْقُرْآنَ فَتَلَّتْهُمْ فَإِذَا صَارُوا فِي حَوْصِ لَيْتِهَا صَيَّهَلْتُ وَ صَيَّهَلُوا بِهَا وَ شَهَقْتُ وَ شَهَقُوا بِهَا وَ زَفَرْتُ وَ زَفَرُوا بِهَا فَيَنْطِقُونَ بِأَلْسِنِهِ ذَلِكَ
طَلَقَهُ يَارَبَّنَا فِيمَا أَوْجِبْتَ لَنَا النَّارَ قَبِيلَ عِبْدِهِ الْأَوْثَانِ فَيَأْتِيهِمُ الْجَوَابُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّ مَنْ عَلِمَ لَيْسَ كَمَنْ لَا يَعْلَمُ. (ثواب الاعمال
ص ٢١٧).

به او گفته می شود: نگاه کن. و چون نگاه می کند و حسین خود را بدون سر می بیند، ناله ای می زند، و من نیز به خاطر او ناله می زنم و ملائکه نیز به خاطر ناله ما ناله می زنند، و خداوند غضب می نماید و به آتشی که به آن هبهب گفته می شود - و هزار سال در آن دمیده شده تا سیاه گردیده است و هرگز نسیمی داخل آن نمی شود و غم و اندوهی از آن خارج نمی گردد - گفته می شود:

قاتلین حسین را بگیر. و چون آتش آنان را در خود جای می دهد ... آنان با زبان فصیح می گویند: پروردگارا تو قبل از بت پرستان ما را به آتش بردی؟ و جواب می آید: کسی که می دانسته، مانند کسی نیست که نمی دانسته است. (۱)

ورود فاطمه (علیها السلام) به صحرای محشر

مرحوم شیخ مفید در کتاب امالی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده که فرمود: هنگامی که خداوند در قیامت اولین و آخرین را جمع می کند، و دستور می دهد تا منادی ندا کند: «ای اهل محشر چشمان خود را به زیر اندازید، و سرهای خویش را پائین بیاورید تا فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از صراط عبور نماید» پس همه خلایق چشمان خود را پایین می -اندازند، و فاطمه (علیها السلام) در حالی که سوار بر مرکب بهشتی است، و هفتاد هزار ملک او را مشایعت می کنند، بر موقف شریفی از مواقف قیامت قرار می گیرد، و سپس از مرکب خود پایین می -آید، و پیراهن حسین خود را که آمیخته به خون است به دست می گیرد و می گوید:

«خدایا این پیراهن فرزند من است و تو می دانی این مردم با او چه کرده اند؟» پس از ناحیه خداوند به او ندا می رسد: «ما خشنودی تو را می خواهیم» فاطمه (علیها السلام) می گوید: خدایا انتقام مرا از قاتل او بگیر، و خداوند متعال دستور می دهد تا قطعه ای از آتش جهنم خارج شود و قاتلین حسین (علیه السلام) را بگیرد، و به دوزخ ببرد تا به انواع عذاب ها معذب شوند.

و سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) بر مرکب خود سوار می شود، و ملائکه او را مشایعت می -کنند، و ذریه و دوستان او در طرف راست و چپ او قرار دارند و وارد بهشت می شوند. (۲)

صاحب کتاب تأویل الآیات گوید: ابو جعفر محمد بن بابویه (معروف به صدوق) در تفسیر آیه «...الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا

۱- عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فِي لُحْمَةٍ أَيْ جَمَاعَةٍ مِنْ نِسَائِهَا فَيُقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا ادْخُلْ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صَبَّحَ بِوَلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيُقَالُ لَهَا انْظُرِي فَنَنْظُرُ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمًا لَيْسَ عَلَيْهِ رَأْسٌ فَتَصْرُخُ وَ أَصْرُخُ لِصُورِهَا وَ تَصْرُخُ الْمَلَائِكَةُ لِصُرَاخِنَا فَتَنَادِي يَا وَلَدَاهُ قَالَ فَيَغْضَبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا عِنْدَ ذَلِكَ فَيَأْمُرُ نَارًا اسْمُهَا هَبْهُبُ قَدْ أُوقِدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ لَا يَدْخُلُهَا رُوحٌ وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَدًا فَيَقُولُ لَهَا التَّقِطِي قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ فَتَلْتَقِطُهُمْ فَإِذَا صَارُوا فِي حَوْصَلَتِهَا صَهَلَتْ وَ صَهَلُوا بِهَا وَ شَهَقَتْ وَ شَهَقُوا بِهَا وَ زَفَرَتْ وَ زَفَرُوا بِهَا فَيَنْطِقُونَ بِاللُّسْنِ ذَلِيقَهُ يَا رَبَّنَا بِمَا أَوْجَبْتَ لَنَا النَّارَ قَبْلَ عَبْدِهِ الْأَوْثَانِ فَيَأْتِيهِمُ الْجَوَابُ أَنَّ مَنْ عَلِمَ لَيْسَ كَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ. (مشیرالاحزان، ص ۶۳)

٢- ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكُّسُوا رُءُوسَكُمْ - حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ ابْنَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصِّرَاطَ قَالَ فَتَغَضُّ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجُبِ الْجَنَّةِ يُشَيِّعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِيَدِهَا مُضْمَخًا بِدَمِهِ وَتَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَقَدْ عَلِمْتَ مَا صَنَعْتُ بِهِ - فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عِنْدِي الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عُنُقًا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَقِطُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيَعْدُّونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ مَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشَيِّعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا - وَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا. (امالى مفيد، ص ١٣٠).

نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (۱) با سند خود از ابوذر نقل نموده که گوید:

من سلمان و بلال را دیدم که نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و سلمان خود را بر روی قدم های آن حضرت انداخت، و قدم های او را بوسید، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را از این کار منع نمود و فرمود: ای سلمان کاری که عجم ها در مقابل پادشاهان انجام می-دهند را، در مقابل من انجام مده، همانا من بنده ای از بندگان خدا هستم و مانند بنده ها غذا می خورم و مانند آنان می نشینم. سلمان گفت:

یا رسول الله شما را به خدا فضائل فاطمه (علیها السلام) را در قیامت برای من بیان کنید؟ ابوذر می-گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم) با شنیدن این سؤال شاد و خندان شد و فرمود:

به خدا سوگند فاطمه (علیها السلام) زنی است که در عرصه قیامت بر ناقه ای سوار می شود، که سر آن «خشیه الله» است و چشمان آن «نور الله» است، و پاهای آن «جلال الله» است و گردن آن «بهاء الله» است و سنام آن «رضوان الله» است و دم آن «قدس الله» است، و قوائم آن «مجد الله» است و چون راه می رود تسبیح خدا را می گوید، و چون می خوابد تقدیس خدا را می کند، و هودجی از نور بر او قرار دارد، و در آن هودج جاریه انسیه حوریّه عزیزه ای مانند حضرت زهرا (علیها السلام) قرار دارد که خلقت او از سه چیز به وجود آمده است، اول آن از مشک اذفر و وسط آن از عنبر اشهب، و آخر آن از زعفران احمر است، و با آب حیوان عجین شده است و اگر آب دهان خود را در هفت دریای شور بریزد، شیرین خواهند شد، و اگر ناخن کوچک خود را خارج کند، و مقابل دنیا قرار بدهد، خورشید و ماه را می پوشاند و جبرئیل در طرف راست اوست، و میکائیل در طرف چپ اوست، و علی (علیه السلام) مقابل اوست و حسن و حسین (علیهما السلام) پشت سر او هستند، و خداوند نگهدار و حافظ اوست.

ای فاطمه از من سؤال کن تا به تو عطا کنم...

پس او با همراهانش به عرصه قیامت وارد می شود، و از ناحیه خداوند جلّ جلاله ندا می رسد: ای جماعت خلائق چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر اندازید، این فاطمه دختر محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر شما و همسر علی امام شما، و مادر حسن و حسین می باشد، سپس از صراط عبور می کند و چون داخل بهشت می شود و به نعمت ها و کرامت هایی که خداوند برای او آماده نموده نگاه می کند، می گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا

لَعْفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (۱) (۲)

مؤلف گوید: در این معنا شعرای عرب اشعاری سروده اند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

توافی فی النشور علی نجیب - به أملاک ربک محدقونا

و يُسمع من خلال العرش صوت - ینادی و الخلائق شاخصونا

ألا إنَّ البتول تجوز فیکم - فغضوا من مها بتها العیونا

و دیگری گوید:

قال النبى المصطفى فيما روى - عنه على و هو نور يُقبس

نادی منادٍ من وراء الحجب فى - یوم القیامه و الخلائق اركسوا

هاتیک فاطمه سلیله أحمد - تهوى تجوز على الصراط و نکسوا

و دیگری گوید:

وقف النداء فى موضع عبرت - فيه البتول: عیونکم غضوا

فتغضّ و الأبصار خاشعه - و على بنان الظالم العضّ تسود

حینئذٍ وجوه اهل الحق تبيض (۳)

آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

همان گونه که در بحث گذشته گفتیم: آزار به فاطمه (علیها السلام) سبب جدایی از محمد و آل-محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، اکنون می گوئیم آزار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز چنین است، چرا که خداوند می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۴)

و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می فرماید: «من آذى علياً آذاني و من آذاني فقد آذى الله، و من آذى الله يوشك أن ينتقم منه» چنان که فرمود: «من أحبّ علياً فقد أحبّني، و من أحبّني فقد

٢- ... عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ سَيِّمَانَ وَ بِلَالًا يُقْبِلَانِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ انكَبَّ سَيِّمَانٌ عَلَى قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُقْبِلُهَا فَزَجَرَهُ النَّبِيُّ ص عَنْ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا سَيِّمَانُ لَا تَصْنَعْ بِي مَا تَصْنَعُ الْأَعَاجِمُ بِمُلُوكِهَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ أَكُلُ مِمَّا يَأْكُلُ الْعَبِيدُ وَ أَقْعُدُ كَمَا يَقْعُدُ الْعَبِيدُ فَقَالَ لَهُ سَيِّمَانُ يَا مَوْلَايَ سَأَلْتَنِكَ بِاللَّهِ إِلَّا أَخْبَرْتَنِي بِفَضْلِ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَأَقْبَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا الْجَارِيَةُ الَّتِي تَجُوزُ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقِهِ رَأْسِهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنَاهَا مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ خِطَامُهَا مِنْ جَلَالِ اللَّهِ وَ عُنُقُهَا مِنْ بَهَاءِ اللَّهِ وَ سَنَامُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ وَ ذَنْبُهَا مِنْ قُدْسِ اللَّهِ وَ قَوَائِمُهَا مِنْ مَجْدِ اللَّهِ إِنْ مَشَتْ سَبَّحَتْ وَ إِنْ رَعَتْ قَدَسَتْ عَلَيْهَا هَيُودُجٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ حَرَارِيَةٌ إِنْسِيَّةٌ حُرِّيَّةٌ عَزِيزَةٌ جُمِعَتْ فَخُلِقَتْ وَ صُنِعَتْ وَ مَثَلَتْ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ فَأَوْلَاهَا مِنْ مِسْكِ أَذْفَرٍ وَ أَوْسَطُهَا مِنَ الْعَبْتَرِ الْأَشْهَبِ وَ آخِرُهَا مِنَ الزُّعْفَرَانِ الْأَحْمَرِ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ لَوْ تَفَلَّتْ تَفَلَّتْ فِي سَبْعَةِ أَبْحُرٍ مَالِحَةٍ لَعُدْبَتْ وَ لَوْ أَخْرَجَتْ ظُفَرَ خِنْصِرِهَا إِلَى دَارِ الدُّنْيَا لَغَشِيَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهَا وَ عَلِيٌّ أَمَامَهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَرَاءَهَا وَ اللَّهُ يَكْلُوهَا وَ يَحْفَظُهَا فَيَجُوزُونَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ .
فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ مَعَاشِرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكُمْ زَوْجَهُ عَلِيٌّ إِمَامِكُمْ أُمُّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَتَجُوزُ الصِّرَاطَ وَ عَلَيْهَا رِيْطَتَانِ بَيضَاوَتَانِ فَإِذَا دَخَلَتْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَظَرَتْ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهَا مِنَ الْكِرَامَةِ قَرَأَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنْ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شُكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ قَالَ فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا يَا فَاطِمَةُ سَيِّبِنِي أُعْطِكَ وَ تَمَنِّي عَلَيَّ أَرْضِيكَ فَتَقُولُ إِلَهِي أَنْتَ الْمُنَى وَ فَوْقَ الْمُنَى أَسْأَلُكَ أَنْ لَمَّا تُعَذِّبْ مُجِيبِي وَ مُجِيبَ عِزَّتِي بِالنَّارِ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهَا يَا فَاطِمَةُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ ارْتِفَاعَ مَكَانِي لَقَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِأَلْفِي عَامٍ أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُجِيبِكَ وَ مُجِيبَ عِزَّتِكَ بِالنَّارِ .
(تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص: ٤٧٣)

٣- عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَقَفَ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ تَعَالَى نَادَى مُنَادٍ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ أَيُّهَا النَّاسُ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ تَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ فِي حَدِيثِ أَبِي أَيُّوبَ فَيَمُرُّ مَعَهَا سَبْعُونَ جَارِيَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَالْبُرُوقِ اللَّامِعِ . (مناقب ابن شهر آشوب، ج ٣/٣٢٦)

أحبَّ الله» و در جنگ با بنی ولیعہ فرمود:

«لأبعثنَّ إليهم رجلاً كنفسى يحبَّ الله ورسوله و يحبه الله ورسوله، قم يا علي فسر إليهم».

و در قصه خیر نیز فرمود: «لأبعثنَّ إليهم غداً رجلاً- يحبَّ الله ورسوله و يحبه الله ورسوله كزاراً غير فزارٍ لا يرجع حتى يفتح الله عليه» (۱) و در جنگ خندق نیز همین گونه فرمود.

و در کتب اهل سنت نیز فراوان نقل شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من آذى علياً فقد آذاني» (۲)

ابن بطریق در کتاب عمده با سند خود از بریده نقل کرده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «خداوند از بین اصحاب من چهار نفر را دوست می دارد و به من امر نموده که آنان را دوست بدارم» اصحاب گفتند: یا رسول الله آنان کیانند؟ فرمود: علی(علیه السلام) از آنان می باشد. (۳)

و در همان کتاب از عروه بن زبیر نقل کرده که گوید: مردی نزد عمر از علی(علیه السلام) بدگویی نمود، و عمر به او گفت: آیا تو صاحب این قبر را می شناسی؟ [و مقصود او قبر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) بود] سپس گفت: صاحب این قبر محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است، و علی بن-ایطالب نیز فرزند عبدالمطلب است، پس تو علی را جز به خوبی یاد مکن، و اگر او را دشمن بداری صاحب این قبر را آزار کرده ای. § عَنْ عُرْوَةَ وَ هُوَ ابْنُ الزُّبَيْرِ أَنَّ رَجُلًا وَقَعَ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ بِمَخْضَرٍ مِنْ عُمَرَ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ أَتَعْرِفُ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَلَا تَذْكُرْ عَلِيًّا إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّكَ إِنْ أَبْغَضْتَهُ آذَيْتَ هَذَا فِي قَبْرِهِ عَمْدَةً ابْنِ بَطْرِيْقٍ، ص ۲۷۷ ح ۴۴۳. (۴) شَرِيْكٌ عَنْ أَبِي رَبِيعَةَ الْأَيْدِي عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَنِي اللَّهُ بِحُبِّ أَرْبَعَةٍ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ إِنَّكَ يَا عَلِيُّ مِنْهُمْ إِنَّكَ يَا عَلِيُّ مِنْهُمْ هَكَذَا وَ جِدْتُ فِي بَعْضِ النَّسِخِ. عَمْدَةً، ص ۲۷۷ ح ۴۴۵- فضائل الصحابه ابن حنبل، ج ۲/۶۸۹ ح ۱۱۷۶.

۱- تحف العقول، ص ۴۵۹.

۲- عمده ابن بطریق، ص ۲۷۶.

۳- همان، ح ۴۴۲.

۴- و از بریده نیز نقل نموده که گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند مرا امر نموده که چهار نفر را دوست بدارم. بریده گوید: شریک می گفت: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند به من فرمود: من آنان را دوست می دارم سپس فرمود: علی(علیه السلام) از آنان است، علی از آنان است، و آن سه نفر دیگر سلمان و ابوذر و مقداد می باشند.

پذیرد و به ما اقتدا کند، و آنچه از ناحیه خداوند به ما وحی شده است و ما به او تعلیم نموده ایم را بپذیرد، و امر خدا را درباره ما اطاعت کند، ولایت خدا را پذیرفته است، چرا که ما بهترین خلق خدا هستیم، و فرزندان ما و شیعیان ما از ما می باشند، و کسی که آنان را آزار کند ما را آزار نموده است، و کسی که به آنان اکرام و احسان نماید، به ما اکرام و احسان نموده است، و کسی که به ما اکرام کند اهل بهشت خواهد بود. (۱)

علقمه گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای علقمه، چه قدر عجیب است سخنان مردم درباره علی (علیه السلام) و چه قدر فاصله است بین کسی که برخی می گویند: او «ربّ معبود» است و کسی که می گویند: او «عبد عاصٍ للمعبود» و برای علی (علیه السلام) نسبت «عصیان ربّ» آسان تر از نسبت ربوبیت بود. سپس فرمود:

ای علقمه، آیا این مردم درباره خدای عزوجلّ نگفتند: «إنّه ثالث ثلاثه»؟ و آیا خدای خود را تشبیه به مخلوق نکردند؟ و آیا نگفتند: او فلک است، و او جسم است و او دهر است، و او صورت است؟ در حالی که خداوند منزّه از همه این چیزها می باشد؟! (۲)

ابن مغزلی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که فرمود: «ای مردم هر کس علی (علیه السلام) را اذیت کند مرا اذیت نموده است، و روز قیامت خداوند او را یهودی و یا نصرانی محشور می کند. پس جابر انصاری گفت: یا رسول الله! گر چه شهادت به یگانگی خداوند و رسالت شما داده باشد؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای جابر، شهادت آنان به یگانگی خدا و

۱- رَوَى مُسْنِدًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ مَنْ وَالَانَا وَ اتَّخَمْنَا بِنَا وَ قَبِلَ مِنَّا مَا أَوْحَى إِلَيْنَا وَ عَلَّمَنَا إِيَّاهُ وَ أَطَاعَ اللَّهَ فِينَا فَقَدْ وَآلَى اللَّهَ وَ نَحْنُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَ وَلَدْنَا مِنَّا وَ مِنْ أَنْفُسِنَا وَ شَيْعَتُنَا مِنَّا مَنْ آذَاهُمْ آذَانَا وَ مَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنَا وَ مَنْ أَكْرَمَنَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (بحار الانوار، ج ۴۵/۶۵ از ارشادالقلوب).

۲- ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَلْقَمَةُ مَا أَعْجَبَ أَقَاوِيلَ النَّاسِ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ بَيْنَ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ رَبُّ مَعْبُودٍ وَ بَيْنَ مَنْ يَقُولُ إِنَّهُ عَبْدٌ عَاصٍ لِلْمَعْبُودِ وَ لَقَدْ كَانَ قَوْلُ مَنْ يَنْسُبُهُ إِلَى الْعِصْيَانِ أَهْوَنَ عَلَيْهِ مِنْ قَوْلِ مَنْ يَنْسُبُهُ إِلَى الرُّبُوبِيَّةِ يَا عَلْقَمَةُ أَلَمْ يَقُولُوا اللَّهُ [لِلَّهِ] عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ ثَالِثُ ثَلَاثِهِ أَلَمْ يُشَبِّهُهُ بِخَلْقِهِ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ الدَّهْرُ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ الْفَلَكَ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ جِسْمٌ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ صُورَةٌ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا يَا عَلْقَمَةُ إِنَّ الْأَلْسِنَةَ الَّتِي تَتَنَاوَلُ ذَاتَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ بِمَا لَا يَلِيقُ بِذَاتِهِ كَيْفَ تُحَبِّسُ عَنْ تَنَاوُلِكُمْ بِمَا تَكْرَهُونَهُ فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالُوا لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِينَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ لَهُمْ يَا مُوسَى عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ. (الأمالي (للسدوق)، النص، ص: ۱۰۵)

رسالت من، برای این است که خونشان ریخته نشود، و اموالشان گرفته نشود، و از آنان جزیه و مالیات دریافت نشود [و گرنه آنان اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت من ندارند]. (۱)

و در کتاب مناقب محمد بن سلیمان کوفی نیز از ابن عباس نقل شده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس علی (علیه السلام) را اذیت کند به راستی مرا اذیت نموده است، چرا که او قبل از همه شما ایمان آورد، و به پیمان و عهد الهی بهتر از همه شما وفا نمود.

سپس فرمود: ای مردم، کسی که علی (علیه السلام) را آزار کند روز قیامت یهودی و یا نصرانی محشور می شود گرچه خدا را عبادت کرده باشد. (۲)

و در شرح الاخبار قاضی نعمان مغربی از ابی رافع نقل شده که گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را امیر گروهی قرار داد و به یمن فرستاد و همراه آنان مردی از قبیله اسلم به نام عمرو بن شاس را فرستاد و عمرو بن شاس چون از یمن بازگشت، علی (علیه السلام) را ملامت می کرد و از او شکایت می نمود، و چون این خبر به گوش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، او را خواست و به او فرمود: آیا علی درباره حکمی از احکام الهی ظلمی نمود؟ و یا در قسمت اموال خلاف عدالتی داشت؟ عمرو بن شاس گفت: خدا داند که چنین کارهایی را او نکرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: پس برای چه تو از او انتقام می جوئی و بد گوئی می - کنی؟! عمرو بن شاس گفت: به خاطر آن کینه و دشمنی که از او در دل دارم نمی توانم از او بد گوئی نکنم. ابورافع گوید:

در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خشمگین شد و رنگ صورت مبارک او تغییر نمود و ما غضب را در صورت او مشاهده نمودیم و سپس فرمود: دورغ می گوید کسی که به من می گوید: «من تو را دوست می دارم» در حالی که علی را دشمن می دارد. و فرمود: کسی که با علی دشمن باشد با من دشمن خواهد بود، و کسی که با من دشمن باشد با خدا دشمن خواهد بود، و کسی که علی را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و کسی مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. (۳)

۱- أحمد فی مسنده، و ابن المغزلی فی مناقبه من عدّه طرق؛ أنّ النبیّ صلیّ الله علیه و آله قال: یا ایّها الناس! من آذی علیّنا فقد آذانی. و زاد فیہ ابن المغزلی عن النبیّ صلیّ الله علیه و آله: یا ایّها الناس! من آذی علیّنا بعثت یوم القیامه یهودیّاً أو نصرانیّاً، فقال جابر بن عبد الله الأنصاری: یا رسول الله! و إن شهدوا أن لا إله إلا الله و أنّک رسول الله؟، فقال: یا جابر! کلمه یتحجّزون بها أن تسفک دماؤهم و تؤخذ أموالهم و أن لا یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون. (بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۳۱ / ۶۵۴)

۲- عن ابن عباس قال: کنت عند النبیّ ص إذ أقبل علیّ بن ابی طالب ع غضبان فقال له النبیّ ص ما أعضبتک فقال آذونی فیک بنو عمّک فقام رسول الله ص مغضباً فقال یا ایّها الناس من آذی علیّنا فقد آذانی إنّ علیّنا أولکم إیماناً و أوفاکم بعهد الله یا ایّها الناس من آذی علیّنا بعثت یوم القیامه یهودیّاً أو نصرانیّاً فقال جابر بن عبد الله الأنصاری یا رسول الله و إن شهد أن لا إله إلا الله و أنّک محمّد رسول الله فقال یا جابر کلمه یتحجّزون بها أن لا تسفک دماؤهم و أن لا تسبّح أموالهم و أن لا یعطوا الجزیه عن

يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ .

٣- عن أبي رافع، قال: بعث النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا إِلَى الْيَمَنِ امِيرًا، وَأَخْرَجَ مَعَهُ [رَجُلًا مِنْ أَسْلَمٍ يُقَالُ لَهُ] عَمْرُو بْنُ شَاسٍ فَرَجَعَ وَهُوَ يَلُومُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ وَيَشْكُوهُ، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ، فَأَتَاهُ فَقَالَ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ عَلِيٍّ! هَلْ رَأَيْتَ مِنْهُ جَوْرًا فِي حُكْمٍ، أَوْ حِيْفًا فِي قِسْمٍ. قَالَ: اللَّهُمَّ لَا. قَالَ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: فِيمَ تَنْقَمُنَ عَلَيْهِ، وَتَقُولُ مَا بَلَّغْنِي إِنَّكَ تَقُولُ فِيهِ؟ قَالَ: لِبُغْضِ لِي فِي قَلْبِي لَا أَمْلِكُهُ. فَبُغِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى التَّمَعَّ لَوْنُهُ، وَعَرَفْنَا الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ إِنَّهُ يَحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيًّا، مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [تَعَالَى]. (شرح الأخبار، ج ١٥٣/١ ح ٩٨ و ٩٩).

آزار به اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

تردید نیست که آزار به اهل البیت (علیهم السلام) بلکه آزار به ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سبب گمراهی و هلاکت و دوری از خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود، چنان که محبت و احترام و صله ی به آنان بلکه نگاه از روی محبت و اعتقاد به آنان، از اسباب نجات می باشد، و ذریه تنها ائمه ی اهل البیت (علیهم السلام) نیستند بلکه جمیع ذریه ی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باید مورد احترام و اعزاز و تکریم باشند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمانت نموده که هر کس در دنیا به ذریه او اکرام و احسانی بکند در قیامت آن حضرت او را از آن سختی ها نجات بدهد و شفیع او باشد، و در این موضوع روایات فراوانی نقل شده و ما به گوشه ای از آن ها اشاره می کنیم و از خداوند توفیق عمل به این روایات را خواستاریم.

مرحوم صدوق در کتاب امالی با سند خود از حسین بن خالد نقل می کند که گوید: حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «نگاه به ذریه ما عبادت است» به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا آیا نگاه به امامان از شما خانواده عبادت است؟ و یا نگاه به جمیع ذریه ی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است؟ حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: بلکه نگاه به همه ذریه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است. (۱)

و در همان کتاب از امام صادق از پدرانیش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: هنگامی که من به «مقام محمود» می رسم از اصحاب کبائر امت خود شفاعت خواهم نمود، و خداوند شفاعت من را می پذیرد، و به خدا سوگند در آن روز من از کسی که به ذریه من آزار نموده باشد، شفاعت نخواهم نمود. (۲)

و فرمود: هر کس به تار موئی از من آزار کند، به من آزار نموده و هر کس به من آزار کند، به خدای عزوجل آزار نموده است، و کسی که به خدا آزار نماید، خداوند به اندازه ظرفیت آسمان و زمین او را لعنت می کند. و فرمود: هر کس بخواهد به من توسل پیدا کند، و من در قیامت برای او شفاعت کنم، باید به اهل بیت من صله و احسان نماید، و آنان را مسرور کند.

۱- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَى الْأَنْتَمِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَمْ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةٌ. (الأمالی) للصدوق؛ النص؛ ص ۲۹۴

۲- عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفَّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ وَاللَّهِ لَمَا تَشَفَّعْتُ فِيمَنْ آذَى ذُرِّيَّتِي. (الأمالی) للصدوق؛ النص؛ ص ۲۹۴ - بحار ج ۹۶/ص ۲۱۸ ح ۴.

و فرمود: کسی که به یکی از اهل بیت من در دنیا به اندازه قیراطی احسان کند، من در قیامت به اندازه قنطاری به او پاداش خواهم داد. (۱)

آزار به شیعیان محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

شیعه در لسان معصومین (علیهم السلام) مقام بلندی دارد تا جایی که بعد از آن بزرگواران مقامی بالاتر از مقام شیعه نیست بلکه آنان شیعه را از خود دانسته و بقیه مردم را مساوی با مگس و پشه قرار داده اند و از این تشبیه به دست می کند که شیعه در این روایات به معنای خاص خود نیست، و شامل گنهکاران از آنان نیز می شود و معنای خاص آن مخصوص افراد با تقوا و متعبد و مقید به رعایت همه واجبات و محرمات می باشد، مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و برخی از اصحاب امیرالمؤمنین و ائمه دیگر (علیهم السلام).

مرحوم صدوق در کتاب معانی الأخبار با سند خود از معمر بن خثیم از محمد بن علی بن علی (علیهما السلام) نقل نموده که فرمود: ما عرب هستیم و شیعیان ما از ما هستند و بقیه مردم: همج و هبج هستند، معمر گوید: گفتم: همج چیست؟ فرمود: همج ذباب یعنی مگس است. گفتم: هبج چیست؟ فرمود: بق [یعنی پشه] است. (۲)

و در روایت دیگری آمده که حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فإن موالینا و شیعتنا منا و کلنا کالجسد الواحد...». (۳)

مفضل گوید: امام صادق (علیه السلام) ضمن سخنان مفصلی در مذمت از ابوالخطاب فرمود: به ابوالخطاب [رهبر غلاه] و اصحاب او بگو: انا مخلوقون و عباد مربوبون و لکن لنا من ربنا منزله لم ينزلها أحد غیرنا و لا تصلح إلّا لنا، و نحن من نور الله و سیعتنا منا، و سایر الخلق فی النار... (۴)

صاحب ارشاد القلوب با سند خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل نموده که به علی (علیه السلام) فرمود: ما اهل بیتی هستیم که احدی از بندگان خدا با ما مقایسه نمی شود، و هر کس ولایت ما را پذیرفته و به ما اقتدا کرده، و آنچه از ناحیه خداوند به ما وحی شده است را پذیرفته باشد، و

۱- وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ آذَى شَعْرَةَ مِنِّي فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ آذَى اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مِلءَ السَّمَاءِ وَمِلءَ الْأَرْضِ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ هَذَا الدُّنْيَا بِقِيرَاطٍ كَافِيَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَنْطَارٍ. (روضة الواعظین و بصيره المتعظین (ط - القدیمه)؛ ج ۲؛ ص ۲۷۳)

۲- عَنْ أَخِيهِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ الْعَرَبُ وَ شِيعَتُنَا مِنَّا وَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ أَوْ هَبَجٌ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْهَمَجُ قَالَ الذُّبَابُ قُلْتُ وَ مَا الْهَبَجُ قَالَ الْبَق. (معانی الأخبار، ص ۴۰۴ ح ۲.)

۳- الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ مَنْ يَسْتَحِقُّ الزَّكَاةَ فَقَالَ الْمُسْتَضْعَفُونَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الَّذِينَ لَمْ تَقَوْا بِأَنْزِلُهُمْ فَأَمَّا مَنْ قَوَيْتَ بِصَيْرَتِهِ وَ حَسِبْتَ بِالْوَلَايَةِ

لأَوْلِيَائِهِ وَالتَّبَرَاءِ مِنْ أَعْدَائِهِ مَعْرِفَتُهُ فَذَلِكَ أَخْوَكُمْ فِي الدِّينِ أَمْسٌ بِكُمْ رَحِمًا مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَلَا تُعْطُوهُمْ زَكَاةً
وَ لَمَّا صَدَقَهُ فَإِنَّ مَوَالِينَا وَ شَيْعَتَنَا مِنَّا وَ كُنُنَا كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ يَحْرُمُ عَلَيَّ جَمَاعَتِنَا الزَّكَاةَ وَ الصَّدَقَةَ وَ لِيَكُنْ مَا تُعْطُونَهُ إِخْوَانَكُمْ
الْمُسْتَبْصِرِينَ مِنَ الْبِرِّ وَ ارْزَعُوهُمْ عَنِ الزَّكَاةِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ نَزَهُوهُمْ عَنْ أَنْ تَصُبُّوا عَلَيْهِمْ أَوْ سَاخَكُمْ أَيْحُبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَغْسَلَ وَ سَخَ
بَدَنِهِ. ثُمَّ يَصِيبُهُ عَلَى أَحِيهِ إِنَّ وَ سَخَ الذُّنُوبِ أَعْظَمُ مِنْ وَ سَخِ الْبَدَنِ فَلَا تُوسَّخُوا بِهَا إِخْوَانَكُمْ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا تَقْصِدُوا أَيْضًا بِصَدَقَاتِكُمْ
وَ زَكَاتِكُمْ الْمَعَاذِينَ لِأَلِ مُحَمَّدٍ الْمُحِبِّينَ لِأَعْدَائِهِمْ فَإِنَّ الْمُتَصَدِّقَ عَلَى أَعْدَائِنَا كَالسَّارِقِ فِي حَرَمِ رَبَّنَا عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَرَمِي قِيلَ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ وَ الْمُسْتَنْصَحُونَ مِنَ الْمُخَالِفِينَ الْجَاهِلِينَ لِمَا هُمْ فِي مُخَالَفَتِنَا مُسْتَبْصِرُونَ وَ لَا هُمْ لَنَا مُعَاذِدُونَ قَالَ فَيُعْطَى الْوَاحِدُ مِنْ
الدَّرَاهِمِ مِائَةَ دُونَ الدَّرَاهِمِ وَ مِنَ الْخُبْزِ مَا دُونَ الرَّغِيفِ ثُمَّ قَالَ وَ كُلُّ مَعْرُوفٍ بَعِيدٌ ذَلِكَ وَ مَا وَقَيْتُمْ بِهِ أَعْرَاضَكُمْ وَ صِيَّتُمْوَهَا عَنْ
أَلْسِنَتِهِ كَلَابِ النَّاسِ كَالشُّعْرَاءِ وَ الْوَقَّاعِينَ فِي الْأَعْرَاضِ تَكْفُونَهُمْ فَهِيَ وَ مُحْسَبَةٌ وَ بَلَّكُمْ فِي الصَّدَقَاتِ. (وسائل الشيعة،

ج ٩/٢٢٩ ح ١١٩٠٤/٦).

٤- خاتمه المستدرک، ج ٤/١٢٨.

ما به او احکام خدا را تعلیم نموده باشیم، و امر خدا را درباره ما اطاعت کرده باشد، به راستی او ولایت خدا را پذیرفته، و [می داند که] ما بهترین خلق خدا هستیم، و فرزندان ما و شیعیان ما از ما هستند، و کسی که آنان را اذیت کند، ما را اذیت نموده، و کسی که آنان را اکرام و احترام کند، به ما اکرام و احترام نموده است، و کسی که به ما اکرام و احترام کند، اهل بهشت خواهد بود. (۱)

عمرو بن ابی المقدام گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: آیه «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ (یعنی فی قبره) وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ» درباره ما و اهل ولایت ما نازل شده است، و آیه «وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (یعنی فی قبره) وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» (۲) یعنی فی الآخرة، درباره دشمنان ما نازل شده است. (۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جبرئیل (علیه السلام) به من گفت: خداوند می فرماید: «من أهان ولياً فقد بارزني بالمحاربة ... یعنی هر کس به ولی از اولیای من اهانت کند به جنگ با من برخاسته است. (۴)

و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی می فرماید: وای بر کسی که به ولی از اولیای من اهانت کند، و هر کس به ولی از اولیای من اهانت کند، به جنگ با من برخاسته است، و آیا کسی که به جنگ با من قیام می کند پیروز می شود؟ و یا می تواند مرا از پا در آورد؟! در حالی که من انتقام اولیای خود را از دشمنانشان در دنیا و آخرت می گیرم. (۵)

در صحیح هاشم بن سالم آمده که گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: باید آماده جنگ با من باشد، کسی که بنده مؤمن مرا اذیت می کند، و باید خود را از غضب من ایمن بداند کسی که بنده مؤمن مرا اکرام و احترام می کند. (۶)

۱- رَوَى مُسْنِدًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ مَنْ وَالَانَا وَ اتَّخَمَ بِنَا وَ قَبِلَ مِنَّا مِثْلَ أَوْحَى إِلَيْنَا وَ عَلَّمَنَاهُ إِيَّاهُ وَ أَطَاعَ اللَّهَ فِينَا فَصَدَّقَ وَالِي اللَّهِ وَ نَحْنُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ وَ وَلَدْنَا مِنَّا وَ مِنْ أَنْفُسِنَا وَ شَيْعَتُنَا مِنَّا مَنْ آذَاهُمْ آذَانَا وَ مَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمْنَا وَ مَنْ أَكْرَمْنَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (بحار الانوار ج ۴۵/۶۵).

۲- واقعه ۹۴-۸۸.

۳- عَنْ أَبِي الْمَقْدَامِ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ نَزَلَتْ هَاتَانِ الْآيَتَانِ فِي أَهْلِ وَ لَائِنَا وَ أَهْلِ عَدَاوَتِنَا- فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ يَعْنِي فِي قَبْرِهِ وَ جَنَّةٌ نَعِيمٌ يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ- وَ أَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ يَعْنِي فِي قَبْرِهِ وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ. (الأمالي (للسدوق) ص ۴۷۴)

۴- عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ أَهَانَ لِي وَ لِيَاءً فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ مِثْلَ تَرَدُّدِي فِي قَبْضِ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ وَ لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ وَ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ أَدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَهَلَّلُ إِلَيَّ حَتَّى أُحِبَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ كُنْتُ لَهُ سَمْعًا وَ بَصَرًا وَ يَدًا وَ مَوْئِلًا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُرِيدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَكْفُهُ عَنْهُ لئَلَّا يَدْخُلَهُ عَجَبٌ فَيَفْسِدَهُ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي

الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَ لَوْ أُغْنِيَتْهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى وَ لَوْ أَفْقَرَتْهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَ لَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصِلْهُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَ لَوْ أَسَقَمْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنَّنِي أَدْبُرُ عِبَادِي بِعِلْمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (علل الشرائع الشرائع، ج ١٢/١٧٠).

٥- عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيْلٌ لِمَنْ أَهَانَ وَلِيًّا مِنْ أَهَانَ وَلِيًّا فَقَدْ حَارَبَنِي وَ يَظُنُّ مَنْ حَارَبَنِي أَنْ يَسْبِقَنِي أَوْ يُعْجِرَنِي وَ أَنَا النَّائِرُ لِأَوْلِيَائِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (مستدرک الوسائل، ج ٩/١٠٢).

٦- عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِيَأْذَنْ بِحَرْبِ مَنْنِي مَنْ أَذَلَ عِبَادِي وَ لِيَأْمَنْ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عِبْدِي الْمُؤْمِنِينَ. (مجمع الفائدة ج ١٢/٣٥٧ - محاسن، ج ١/٩٧).

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که برادر مسلمان خود را در مجلسی احترام و اکرام کند، و یا با کلمه ای او را مورد لطف خود قرار بدهد، و یا حاجت او را برآورده کند، همواره زیر سایه ملائکه رحمت خدا خواهد بود. (۱)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوند به موسی بن عمران وحی نمود: برخی از بندگان من با یک عمل نیک به من تقرب پیدا می کنند و من او را در بهشت قرار می دهم. حضرت موسی عرض کرد: خدایا آن عمل نیک چیست؟ خطاب شد: مؤمنی را شاد می کند. (۲)

روایات درباره آزار و یا احسان و اکرام به برادران مؤمن بی شمار است و ما به همین اندازه اکتفا نمودیم ، والله الموفق وهو ارحم الراحمین . تمت بحمدالله ولطفه و کرمه .

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِمَجْلِسٍ يُكْرِمُهُ أَوْ بِكَلِمَةٍ يُلْطِفُ بِهَا أَوْ حَاجَهُ يَكْفِيهِ إِبَاهَا لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ يَتْلُكَ الْمَنْزِلَةَ. (کتاب المؤمن، ص ۵۲ ح ۱۲۸.)

۲- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْحَسَنَةِ فَأُحْكِمُهُ بِالْجَنَّةِ قَالَ يَا رَبِّ وَمَا هَذِهِ الْحَسَنَةُ قَالَ يُدْخِلُ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُرُورًا هَمَان، ص ۵۲ ح ۱۲۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

